acrshop

مجمع العلوم والحروف

۱ جفر جامع ۲ علم نجوم ۳ علوم غریبه ۴ طب اسلامی

جهت کسب حقایق و سعادت و کشف اسرار مفیدات

بقلم خادم ال عصمت

سید محمد تقی مقدم

acrshop

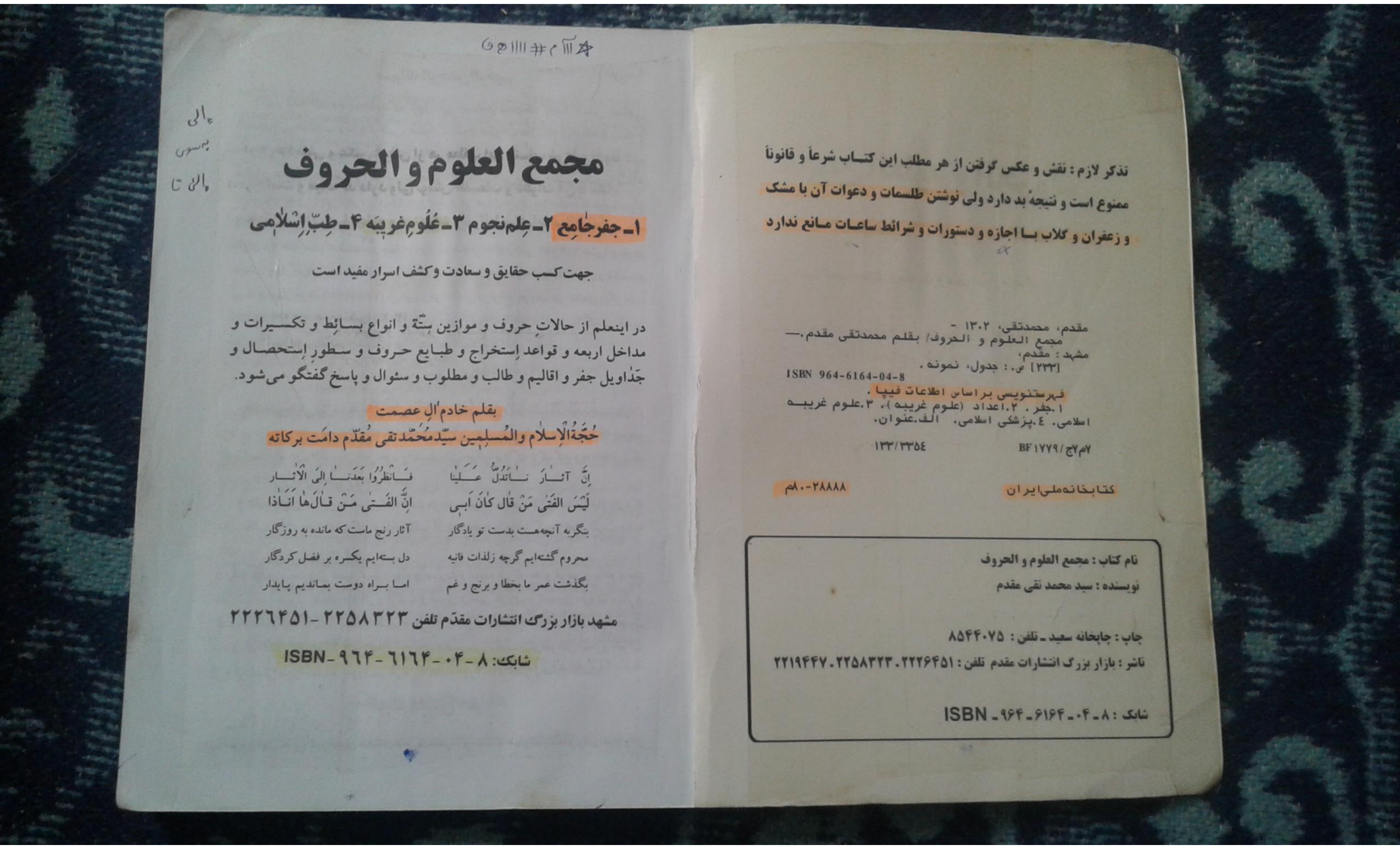

تذکر لازم: نقش و عکس گرفتن از هر مطلب این کتـاب شرعاً و قانوناً ممنوع است و نتیجهٔ بد دارد ولی نوشتن طلسمات و دعوات آن با مشک و زعفران و گلاب بـا اجازه و دستورات و شرائط ساعـات مـانع ندارد

مقدم، محمدتقی، ۱۳۰۲ -
مجمع العلوم و الحروف/ بقلم محمدتقی مقدم.—
مشهد: مقدم،
[۲۳۳] ص.: جدول، نمونه.
ISBN 964-6164-04-8
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
۱.جفر. ۲.اعداد (علوم غریبه). ۳.علوم غریبـه اسلامی. ۴.پزشکی اسلامی. الف.عنوان.
BF۱۷۷۹/ج۷م۲ ۱۳۳/۳۳۵۴
کتابخانه‌ملی‌ایران ۲۸۸۸۸-۸۰م

نام کتاب: مجمع العلوم و الحروف
نویسنده: سید محمد تقی مقدم
چاپ: چاپخانه سعید ـ تلفن: ۸۵۴۴۰۷۵
ناشر: بازار بزرگ انتشارات مقدم تلفن: ۲۲۲۶۴۵۱ . ۲۲۵۸۳۲۳ . ۲۲۱۹۴۴۷
شابک: ۸-۰۴-۶۱۶۴-۹۶۴-ISBN

مجمع العلوم و الحروف

۱ـ جفرجامِع ۲ـ عِلم‌نجوم ۳ـ عُلومِ غریبَه ۴ـ طِبِّ اِسْلامی

جهت کسب حقایق و سعادت و کشف اسرار مفید است

در اینعلم از حالاتِ حروف و موازین بیّنة و انواع بسائِط و تکسیرات و مداخل اربعه و قواعد اِستخراج و طبایع حروف و سطورِ اِستحصال و جَداویل جفر و اقالیم و طالب و مطلوب و سئوال و پاسخ گفتگو می‌شود.

بقلم خادمِ آلِ عصمت

حُجَّةُ‌الْاِسلام والمُسلِمین سیّدمُحَمّدتقی مُقدّم دامَت برکاته

اِنَّ آثارَ نا تَدُلُّ عَلَینا — فَانْظُرُوا بَعْدَنا اِلَی الْآثار
لَیْسَ الفَتیٰ مَنْ قالَ کانَ اَبی — اِنَّ الفَتیٰ مَنْ قالَ‌ها اَنا ذا

بنگر به آنچه‌هست بدست تو یادگار — آثار رنج ماست که مانده به روزگار
محروم گشته‌ایم گرچه زلذات فانیه — دل بسته‌ایم یکسره بر فضل کردگار
بگذشت عمر ما بخطا و برنج و غم — اما بـراه دوست بمانديم پایدار

مشهد بازار بزرگ انتشارات مقدّم تلفن ۲۲۵۸۳۲۳-۲۲۲۶۴۵۱
شابک: ۸-۰۴-۶۱۶۴-۹۶۴-ISBN

acrshop

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم لک الحمد بمحامدک کلها علی جمیع نعمک کلها حتی ینتهی الحمد الی ما تحب ربنا و ترضی، صلوات الله و صلوات ملائکته و انبیائه و رسله و جمیع خلقه علی سیدنا محمد و آله الطاهرین جفر جامع و نور لامع را بمولای **متقیان مظهر العجائب و الغرائب و مفخر الاطائب علی بن ابیطالب علیهما السلام** نسبت داده‌اند و آن در ظاهر دارای ۲۸ جزو است و هر جزوی دارای ۲۸ صفحه که صفحات آن ۷۸۴ صفحه میشود و هر صفحه‌ئی از آن دارای ۲۸ سطر و کل سطور آن ۲۱۹۵۲ و هر سطری دارای ۲۸ خانه است که ششصد و چهارده هزار ششصد و پنجاه و شش ۶۱۴۶۵۶ میشود و در هر خانه‌ئی چهار حرف ابجد دارد که تمام آنها دو ملیون و چهارصد و پنجاه و هشت هزار و ششصد و بیست و چهار حرف (۲۴۵۸۶۲۴) می‌شود و هر خانه‌ئی در وضع حروف غیر خانه‌ی دیگر است مثلا خانه (اا ب ب) غیر از خانه (اااا) خواهد بود و این حقیر ۴۷۰۴ خانه را برای راه‌گشائی طالبین جفر در آخر کتاب آوردم **و اتأسف من الموانع المکثرة التی کثرتنی**

بخش ۱- طالبین جفر بخوانند

بدان علم حقیقی نوریستکه علّام‌الغیوب بدلهای پاک میاندازد لذا طالب آن باید نخست دلرا از علایق دنیوی و ماسوالله خالی کند تا اینکه دل او لایق تابش نور علم گردد و چون که اینعلم اعطائیست باید اول طالب آن نفس خود را بدستورات خواجهٔ لولاک تزکیه کند و به اخلاق نیک بیاراید تا دل او محل تجلّی نور علم گردد.

و علم چون راه نیل به اسرار خفیّه است بتوجه حضرت حق و ذکرا و مستمراً نیاز دارد که نباید طالب از یاد خدا غفلت کند و باید طالب آن نیت خود را خالص کند و قصد تقرّب داشته باشد.

در هر علمی چند چیز تصور میشود مادّه و صورت و موضوع و قواعد و غرض و منافع و علم جفر شناخت حروف هجاءود و اثر و ترکیب و تبدیل و تغییر حروف و تحصیل حروف دیگر و کشف مفاهیم گوناگون از بسط و تکسیر و مزج و اساس و نظائر و استنطاق اعداد و استحصال حروف در کشف مغیبات است و ماده‌اش حروف و صورتش ترکیب و موضوعش ابجد و اخوات آن و قواعدش طرز استعمال حروف و غرض کشف مجهولات و نفعش رضای حقست

فوائد داشتن جفر

علوم (۳) از مولی الموحدین نقلشده عامل اینعلمرا لازمست با طهارت باشد و زبان خود را از

کذب و ناسزا نگهدارد تا از اینعلم بهره برد و هر صفحه‌ایکه از جفر جامع ممزوج کند در هر خانه که باشد از مرک مفاجات و طاعون و بلای آسمانی و دزد محفوظ ماند و صاحب آنخانه با عزت و موقر بوده و بمطلب خود برسد و اگر با خود دارد بمراد خود رسد (بیشک مجرّب) است هر که ۲۸ جز و جفر جامعرا نویسد و کتاب کند در خانهٔ خود نگهدارد زوال و نقصان بدولت آنخانه نرسد. توضیح آنکه جفر دو جفر است یکی کبیر که در مربع حرف اول را جز وود و مرا صفحه و سومرا سطر و چهار مرا نشان خانه آمده و یکی جفر جامع استکه حرف اولرا خانه و حرف دو مرا سطر و سومرا صفحه و چهار مرا جزو آورده و هر دو در اثر یکی هستند چنانکه جدول آن انشاءالله خواهد آمد.

با علم جفر آشنا شوید

بدان هر علمی بیانی دارد و هر بیانی زبانی و هر زبانی لغاتی با عباراتی از حروف و هر حرفی را به کار بردنی است و هر بکار بردنی راهی دارد و هر راهی رهنمائی لازم است و علم جفر چنین است و معلم آن امامان معصوم علیهم‌السلام‌اند و هر کس بغیر از آنان از آن بحث کند از ظواهر و الفبای آن سخن رانده ولی تأویل و بطون آنها در استخراج مربوط به معصوم است.

تعریف جفر جفر در لغت پوست (بزغاله) وسیع راگویند که در آن چیز فراوان جاگیرد یا بمعنای چاه روشن آید و گویند جفر از جعفر گرفته شده با آوردن عین و در اصطلاح حروف ابجدی است که به مغیبات راه دارد و علم جفر دانائی بقواعد و استعمال حروف ابجدی و اصول جفر است و موضوعش حروف است مطلقا و غرض از آن کشف مطالب غیبی است و عمر نوح لازم دارد.

واضع جفر مولی‌الموحدین یعسوب الدین امیرالمومنین علیه‌السلام بوجد و شرح دهنده‌ی آن کاشف الحقایق امام جعفر صادق علیه‌السلام است که فرمود **منا الجفر الاحمر و منا الجفر الابیض و منا الجفر الجامع فالجفر الاحمر یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین واغلظ علیهم و جفر الابیض سنستدرجهم من حیث لا یعلمون و جفر الجامع یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب و امامان راسخون** در علم‌اند و ائمه علیهم السلام اسرار عظیم آنرا میدانستند.

دلیل محکم در جفر ائمّه

شمس ف ۳۳۵) بعضی از خلفاء (هارون و مامون) بحضرت رضا علیه‌السلام نوشتند که به

acrshop

خلافت آنها بیعت کند حضرت فرمود خلافت را میدانی که از حقوق ما است آنچه را که از جفر دانا هستی بر بیعت کردن با تو دلالت ندارد (و خداوند علم جفر را از بیشتر علماء نهان نموده از آنچه از حکمت الهیه و مصالح ربانیه که در آنست و جفریون از حروف تهجی یازده حرف را حروف شفائیه نامند گویند هرگاه عضوی از اعضاء آدمی بدرد آید حرف اول آن عضو را بحرف شفائیه بدل سازند و بسط نموده بر آن بندد به اذن خداوند انشاءالله درد ساکن شود و آنها در بسم‌الله و هواست و در گنجینهٔ اسرار جلد دوم ختوم و اذکار شرح علم حروف را نوشتم و ۲۱ دایره را آوردم و در عظمت حروف آنستکه مادهٔ کتابت است و کتاب قدرت انسان از آن بدست قدرت نوشته شده امام صادق علیه السلام فرمود: **اَلصُّورَةُ اَلاِنسانِیَةُ اَکبَرُ حُجَجِ اللّهِ عَلیٰ خَلقِهِ وَهِیَ الکِتابُ الّذی کَتَبَهُ بِیَدِهِ وهِیَ هَیکَلُ الّذی بَناهُ بِحِکمَتِهِ وَهِیَ مَجمُوعُ صُورَةِ العالَمِینَ وَ هِیَ مُختَصَرَةٌ مِنَ اللَّوحِ المَحفُوظِ وَ هِیَ شاهِدَةٌ عَلیٰ کُلِّ غائِبٍ وَهِیَ الحُجَّةُ عَلیٰ کُلِّ جاحِدٍ وَهِیَ الطَّرِیقُ المُستَقِیمُ اِلیٰ کُلِّ خَیرٍ وَهِیَ الصِّراطُ المَمدُودَةُ بَینَ الجَنَّةِ وَالنّارِ** (م ج ده ۳۳ صورت انسانیت بزرگترین نشانهای خداوند است بر آفریده‌های او و آن کتابی است که آنرا بدست قدرت خود نوشته و آن هیکلی است که آنرا به حکمتش بنا کرده و آن مجموع صورت عالمهاست و آن مختصری از لوح محفوظ است و آن بر هر غائبی گواهست و بر هر منکری برهانست و آن راه مستقیم است بسوی هر خیری و آن راه کشیده شده بین بهشت و آتش است مبسوط اینها در راهنمای بهشت جلد دوم)

یک صد و یازده صفت حروف

حروف هجاء در عرب بیست و نه حرفست و هر یک از آنها از جهت تلفظ و استعمال و طبیعت و تجوید و عمل حالاتی بالخصوص یا بالإشتراک دارند و حقیر بعد از تفحّص زیاد صدو یازده حالت و صفت بعدد خودش و بنام علی علیه‌السّلام و فرد از صفات و حالات حروف گرد آورده روشن میسازم

(۱) ابجدی (۲) ابتثی (۳) اهطمی (۴) ایقغی (۵) مکتوبی (۶) ملفوظی (۷) مسروری که با الف بکار میروند مثل باتاثا (۸) ملبوبی میم نون واو (۹) حامل (۱۰) محمول (۱۱) حامل و محمول مثل والی (۱۲) آحادی از الف تا طا (۱۳) عشراتی (۱۴) الوفی اینها بر دایره‌ی ابجد است (۱۵) مساوات (اح هز ط ک م) (۱۶) تنزل (ظ ذ ث ش ق ف س) (۱۷) ترقی (غ ض خ ت ر ص ع) ترفع (۱۸) (ب د و ح ی ل ن) (۱۹) آتشی (اهطم فش ذ) (۲۰) هوائی (ب و ی ن ص ط ض) (۲۱) مائی (ج ز ک س ق ث ظ) (۲۲) ترابی (د ح ل ع ر خ غ) (۲۳) حرفِ اساس (۲۴ حروف اول ابجد) (۲۴) نظیره (۱۴ حرف دوم) (۲۵) حرفِ نورانی (۲۶) ظلمانی (۲۷) ناطقه

(ب ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ ف ق ن ی) (۲۸) صامته (اح د ر س ص ط ع ک ل م و ه) اینها بی نقطه‌اند (۲۹) حرفِ زُبُرْ (۲۹) بیّنه و الف حرف اولش زبرو (الف) آن بینه است و جیم حرف اولش زبر و (یم) بیّنه است تا آخر (۳۱) مستحضره (۳۲) حرفِ قوا (۳۳) مستحصله (۳۴) طالب (۳۵) طالب طالب (۳۶) طالب طائب طالب (۳۷) مطلوب (۳۸) مطلوب مطلوب (۳۹) مطلوب مطلوب مطلوب (۴۰) قرین (۴۱) قرین مطلوب (۴۲) قرین مطلوب مطلوب (۴۳) قرین مطلوب مطلوب مطلوب (۴۴) قرین طالب (۴۵) قرین طالب طالب (۴۶) قرین طالب طالب طالب (۴۷) حرف عددی (۴۸) بسطی (۴۹) میخی (۵۰) مشترک (۵۱) تکسیر و اینها بعلوم غریبه و جفر تعلق دارد (۵۲) حلق (۵۳) شمسی (۵۴) قمری (۵۵) عِلّه (۵۶) صِحّه (۵۷) شِدّه (۵۸) معجمه (۵۹) مّد (۶۰) لین (۶۱) مقطّعه (۶۲) متشابه (۶۳) متجانس (۶۴) مدْغَم (۶۵) مدغم فیه (۶۶) مبنی (۶۷) متماثل (۶۸) مُنَوّن (۶۹) مفتوح (۷۰) مضموم (۷۱) مکسور (۷۲) ساکن (۷۳) ندا (۷۴) جر و جزم (۷۵) نصب (۷۶) استفهام (۷۷) انکار (۷۸) استفتاح (۷۹) اِشباع (۸۰) اماله (۸۱) اِصمات (۸۲) اِذلاق (۸۳) تاکید (۸۴) توقیع (۸۵) ترقیق (۸۶) تنفیس (۸۷) تفخیم (۸۸) تفصیل (۸۹) تفسیر (۹۰) امر (۹۱) نهی (۹۲) نفی (۹۳) شرط (۹۴) جزا (۹۵) عطف (۹۶) قسم (۹۷) بدل (۹۸) ردع (۹۹) متغیر (۱۰۰) منقلب (۱۰۱) قلقله (۱۰۲) مفاجات (۱۰۳) جواب (۱۰۴) مصدری (۱۰۵) جهریه (۱۰۶) همس (۱۰۷) رخوه (۱۰۸) نسبت (۱۰۹) یرملون (۱۱۰) استثناء (۱۱۱) زیاده

تذکر و توجه در جفر گاهی حرف را درجه و سطر را اسم و در جائی زمام و جائی برج و جائی حصه خوانند و باب را جائی بیت و جائی سهم نامند و نیز چون رخوه تکرار شده بود بجای آن معجم نهاده شد.

آشنائی با حروف، در جفر حروف چند قسمند ملفوظی که بصورت سه حرفی غیر مکرر که اولش مثل آخرش نباشد و آنها سیزده‌اند (اج د ک ل س ع ص ق ش ذ ض غ) و ملفوظی که اول و آخرش یکیست و آنها سه‌اند (و م ن) و یازده دیگر را مسروری گویند که با الف بکار روند (با تا ثا حا خا را زا طا ظا ها یا) و چارده اول ابجد را اساس و دو مرا نظیره گویند که با هم هم درجه‌اند از یک تا ۱۴ و از ۱۵ تا ۲۸ و چون مقلوب گردد نظیره صدر مؤخّر گردد.

قسمتی بسطی استکه هر حرفی دو یا سه حرف میشود مثل الف و با، فرق این بالفظی آنستکه حرفهای حرف یک یک نوشته میشود مانند (ال ف) = (الف لام فا) **و قسمی** عددی است که عدد هر یک از مذکورات را بیان میکند مثلاً در کتبی اعداد آن ۱ میباشد و در لفظی الف عددش ۱۱۱ میشود و در بسطی ۲۶۲ میگردد که حروفِ عددی در هر سه شرکت دارد و در کتبی مثلاً غ = ۱۰۰۰ و در لفظی ۱۰۶۰ و در بسطی ۱۱۷۷ میگردد.

acrshop

طرح در اعمال جفر شش است **عناصر** چهار چهار و **کواکب** هفت هفت و **افلاک** نه نه و **بروج** دوازده دوازده و **منازل** بیست و هشت = بیست و هشت و **درجه** سی سی طرح میشود و حروفرا درجه و نقطه را دقیقه و سطر را اسم و نتیجه را مطرو استخراجرا رشف و سطر آخر را زمام نامند.

موازین ششگانه

میزان عناصر اربعه: ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۱ ۲ ۳ ۴، ۱ ۲ ۳، ۴ ۱ ۲، ۴ ۲ ۴ ۲، ۴ ۲ ۴ ۲، ۴ ۴ ۴ ۴،
۴ ۴ ۴، ۴ ۴ ۴

میزان کواکب سبعه ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۱ ۲ ۳ ۴، ۵ ٦ ۷، ۱ ۲ ۳، ٦ ۲ ۵ ۱، ۴ ۷ ۳ ٦، ۲ ۴ ٦ ۱،
۳ ۵ ۷، ۲ ۴ ٦

میزان افلاک: ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۱ ۲ ۳ ۴، ۵ ٦ ۷، ۸ ۹ ۱، ۲ ۳ ۴ ۵، ٦ ۷ ۸ ۹، ۱ ۲ ۳ ۴، ۵
٦ ۷، ۸ ۹ ۱

میزان بروج: ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۱ ۲ ۳ ۴، ۵ ٦ ۷، ۸ ۹ ۱۰، ۸ ٦ ۴ ۲، ۱۲ ۱۰ ۸ ٦، ۴ ۸ ۱۲
۴، ۸ ۱۲ ۴، ۸ ۱۲ ۴

میزان منازل: ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۱ ۲ ۳ ۴، ۵ ٦ ۷، ۸ ۹ ۱۰، ۲۰ ۲ ۱۲ ۲۲، ۴ ۱۴ ۲۴ ٦، ۱٦ ۴
۲۰ ۸، ۲۴ ۱۲ ۲۸، ۱٦ ۴ ۲۰

میزان درجات: ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
۱ ۲ ۳ ۴، ۵ ٦ ۷، ۸ ۹ ۱۰، ۲۰ ۳۰ ۱۰ ۲۰، ۳۰ ۱۰ ۲۰ ۳۰،
۱۰ ۲۰ ۳۰ ۱۰، ۲۰ ۳۰ ۱۰، ۲۰ ۳۰ ۱۰

در اینجا لازمست بسائط ذکر شود

تعریف بسط، بسط آنستکه حروفرا جهت عددگیری و مفهوم‌گیری آن پهن کنند و از آن عدد ملفوظی گیرند مانند بسط الف (ال ف) بدل بعدد (۱۱۱، ۷۱، ۸۱ و بسائط ده نوع است.

بخش۲-انواع و قواعد بسائط

۱، بسطِ مصاعِد حرفی آنستکه حرفرا بحرف بعدی بالا برند مثل الف را بباء و با را بجیم و

جیمرا بدال و دالرا بها ووو ظا را بغین

۲، بسطِ مصاعِد عددی که آحاد را بعشرات بالا برند الف (۱) بیا (۱۰) و یا (۱۰) به قاف (۱۰۰) و قاف (۱۰۰) بغین (۱۰۰۰) بدل شد نتیجه خانهٔ (ای ق غ) (ب ک ر) (ج ل ش) (د م ت) (ه ن ث) (و س خ) (ز ع ذ) (ح ف ض) (ط ص ظ)
۱ ۱۰ ۱۰۰ ۱۰۰۰، ۲ ۲۰ ۲۰۰، ۳ ۳۰ ۳۰۰، ۴ ۴۰ ۴۰۰، ۵ ۵۰ ۵۰۰ ٦ ٦۰
٦۰۰، ۷ ۷۰ ۷۰۰، ۸ ۸۰ ۸۰۰، ۹ ۹۰ ۹۰۰

۲، بسط طبیعی و آن عبارتست از ارتفاع طبیعتِ حروف مثل حروفِ خاکی را به آبی و آبی را بیادی و بادی را به آتشی و آتشی چون ترفیع شود بحال خود است و هر یک از آنها هفت‌اند خاکیرا (د ح ل ع ر خ غ) مجزوم و آبیرا (ج ز ک س ق ث ظ) مکسور و بادی را (ب و ی ن ص ت ض) مفتوح و آتشی را (ا ه ط م ف ش ذ) ضَمّه داده‌اند. **پس اگر** خواستیم احمد را ارتفاع دهیم الف را در بسط طبیعی چونکه آتشیت و رفعت دارد بحال خود گذاریم حا را بدل به زاکردیم و میمرا چون رفعت دارد بحال خود نهادیم و دال را بجیم بالا بردیم (ا ز م ج) شد بقانون حرف اول بِأول و آخر بآخر و وسط بوسط

۳- بسط عددی بلفظی با ابدال

اول عدد حرفی را بلفظ در آوردیم بعد حروف آنرا بسط نمائیم بعد هر حرفی از بسیطرا بعدد بدل کنیم و آن اعداد را از آحاد و عشرات و مآت بحرف ابجد بدل سازیم مثلا عدد یک بلفظ واحد (یا احد) و بسط آن (واو، الف، حا، دال) شد و عدد لفظی واو ۱۳ به آحا و عشرات (ج ی) حاصل داد و الف ۱۱۱ باشد با ابدال (ا ی ق) در آمد و عدد حا ۹ شد (ط) و عدد دال ۳۵ شد (ه ل) در آمد و مستحصله از حروف مبدله (ج ی ا ی ق ط ه ل) میباشد.

۴، بسط مضاعف با ابدال آنستکه هر عددی دو چندان شود عدد واو که شش است دوازده و آن با حروف (ب ی) بسط میشود پس الف دو و ب چهار رو جیم شش و دال هشت و با ابدال (ب د و ح) آید مثلاً در سعید که ۶۰ و ۷۰ و ۱۰ و ۴ باشد (۱۲۰ و ۱۴۰ و ۲۰ و ۸) میشود بعد با ابدال (ک ق م ق ک ح) گردید پس واحد چنین حاصل دهد ۱۲ و ۲ و ۱۶ و ۸ (ب ی ب و ی ح) در آید.

۵- بسط تقویت حروف

ضرب حروف در نفس خود تقویت است و آن بر سه نوع آید ضرب باطن در باطن حروف بعدد اصل خود و ضرب ظاهر در ظاهر بموجب عداد درجات حروف ابجد و ضرب باطن حروف در ظاهر مثلا در نوع اول از واحد ضرب واو در واو (۳۶=۶×۶) بسط بحروف (ول) و ضرب الف

acrshop

در خود (۱) و ضرب حا در خود (۶۴=۸×۸) و دال (۴) ضرب در خود (۱۶=۴×۴) حاصلش اینست (و ل ا د س و ی)

در نوع دوم بدرجهٔ عدد حروف ابجد مثل سعید که سین آن در درجه پانزده قرار دارد و آنرا در نفس خود ضرب (۲۲۵=۱۵×۱۵) بدل بحروف (هـ ک ر) میشود و عین آن در درجهٔ شانزده ضرب در نفس (۲۵۶=۱۶×۱۶) بدل بحروف (و ن ر) در آمد و یا در درجهٔ دهم ضرب در نفس (۱۰۰=۱۰×۱۰) میشود (ق) و دال آن در درجهٔ چارم ضرب در نفس (۱۶=۴×۴) میشود (وی) پس مجموع حروف آن درآمد (هـ ک ر و ن ر ق و ی)

نوع سیم سین (۶۰) در درجهاش (۱۵) ضرب (۹۰۰=۱۵×۶۰) میشود (ظ) و عین (۷۰) ضرب در (۱۶) درآمد (۱۱۲۰) درآمد (ک ق غ) و یاء سعید (۱۰) ضرب در درجه (۱۰) در آمد (ق) و دال ضرب در درجه (و ی) در آمد پس حاصل کل (ظ ک ق غ ق و ی) گردید

۶- بسطِ زُبُرُو بَیِنّات

زُبُرُ وبیّنا ترا در ختوم و اذکار جلد ۱ بحث کردیم یعنی حرفِ اول از کلمه را زبر و بقیّه را بینات گویند که با زبقیه را نیز میتوان زبر و بینات گرفت و در بسط اول حروفرا لفظی کنند مثل علی (ع ی ن ل ا م ی ا) پس عین که سه حرفست حرف اول آن زبر و دو حرف دیگرش بیناتست و همچنین است بقیّهٔ کلمات و حروف مثل جیم و میم ونون بینهٔ اینها (یم، و ن) میشود

۷، بسط تنصیف و آن نصفکردن حروفست تا جایِ امکان مثل سعید که سین آن (۶۰) نصفش (۳۰) ل درآمد و نصف لام (هی) ۱۵ گردید و آن قابل نصف نبود بعد عین (۷۰) با نصف (۳۵) شد (هـ ل) درآمد و یا (۱۰) بانصف (ه) درآمد و دال با نصف (ب) درآمد و (ب) الف درآمد مستحصله (ل هـ ی هـ ل هـ ب ا) و عددیکه قابل تنصیف نیست فرد و بقیه را زوج گویند و هرچه عدد آن افراد باشد آنرا زوج الفرد گویند مِثل ده و شش و هر عددیکه از ضرب آن در فرد عدد دیگر فرد حاصل گردد آنرا فَرْد المرکّب نامند مثل سه چون در خود ضرب شود نه گردد.

۸ - بسط مَدٰاخِل

هر لفظ و عبارتیکه بخواهند بحساب ابجد عدد بگیرند و از عدد حروف حاصل کنند مدخل نامند و مداخل مبسوط میشود و برچند نوع میآید ۱، کبیر آنستکه عدد اصل الفاظرا بگیرند بدل بحرف دیگر کنند مانند حسن که (۱۱۸) است بدل به (ح ی ق) زیرا در این مدخل سه رتبه واقعشده آحاد و عشرات و مآت و حاصل ضرب کبیر را در خود **اَکْبَر** نامند (۱۱۸×۱۱۸) و اکبر در نفس خود **کبائر** و حاصل کبائر در خود **اَکْبَرُالْکَبَائِر** بعد آنها را بحروف بسط و بدل کنیم.

وسیط آنستکه عشراترا به آحاد آوریم و با هم جمع کنیم پس عدد فوق ۱۹ (ط ی) شود وسیط کبیر تعداد الوف الوف به الف و الف بمآت و مآت به عشرات و عشرات بآحاد و وسیط مجموعی جمع اعداد است بمراتب که نه آحاد و نه عشرات و نه مآت و یک الوفست. آحاد بعشرات ادغام و در نتیجه عشرات به آحاد شود.

صغیر آنستکه مآت بعشرات برگردد پس وسیط (۱۹) نوزده (ط) (ی) گردید و در اصغر مآت بعشرات و عشرات به آحاد و آن اِدغام شود مانند ۱۹ به (۱۰) ی و آن بیک (۱) میشود پس مداخل اربعه در نام حسن ازکبیر و وسیط و صغیر و اصغر چنین شد (ح ی ق ط ق ط ی ی ا) و بنام سعید میشود (د م ق ح ق ح ی ط) حاصل مداخل شد.

۹، بسطِ تمازُج بهترین بسط حروفست زیرا اسم طالب و مطلوب باین نیاز دارد و اگر اسم مطلوب از اسماء شریف مانند اسماءالله و ائِمه باشد مقّدم وگرنه همیشه نام طالب مقدمست پس تمازج محمّد و زهراء چنین است (م ز ح هـ م ر م ا د ء)

۱۰، بسط تَرَفُّع حرفی مانند هاشم (ها ش م) ها و او و الف ب و شین ت و میم نون گردد باینصورت (و ش ب ت ن) و محمد (ن ط ن ن ه) شده و بسائط تا سیصد و شصت آمده و مابده بسط اکتفاکردیم

بخش ۳ تعریف و تکسیر و قواعد آن

در اثر آمده **اَلتَّکْسِیرُ خَیْرٌ مِنَ اْلاَکْسِیر** تکسیر از کیمیاگری بهتر است و در عظمت تکسیر آنکه قواعد اعداد با تکسیر مثل جسم و جان رابطه دارند و اصل تکسیر امتزاج حروف و یک یا چند اسمست بهمدگر جهت تحصیل مقاصد و مفاهیم دیگر که از سطر نخست سطوری حاصل میشود و آن انواع و اقسامی دارد به پنج نوع اکتفا میشود و یکی تکسیر منصوبست که در محبت بکار میرود.

۱- نمونهٔ از تکسیر منصوب

چهارده حرف اول دوائر اربعه را اساس و چهارده دیگر را نظیره گویند. زیرا در موازین اربعه یکی هستند مثل ابجد = ابتث اهطم ایقغ

دستور در تکسیر منصوب اساس بانظیره از حرف اول یک در میان ندیده گرفته تا آخرین حرف را (یک اسم باشد یا بیشتر) میآوریم در ابجد چنین میشود (ب د و ح ی ل ن ع ص ر ث خ ض غ) سپس از آخر نظیره حروفرا یک در میان ندیده گرفته متصل بسطر اول میآوریم (ظ ذ ث ش ق ف س م ک ط ز هـ ج ا) و بقیهٔ دوائر چنین‌اند و در مقلوب اگر حروف زوج باشد از آخر

acrshop

نظیره یکدرمیان اساس آید وگرنه از حرف اول یکدرمیان و در شکل بالا نظیره اساس و اساس نظیره میشود و تکسیر سیصد و شصت نوعست

۲- تکسیر مقلوب و قاعده‌اش

تکسیر مقلوب آنستکه دو اسمرا از چپ براست با ندیده گرفتن یک در میان و از راست بچپ همچنین که سطر اول در سطر آخر درآید و آنرا صدر مؤخّر گویند و بیشتر در عداوت و عزل بکار میرود پس از بسط حروف اسم یا مطلب چنین معمولست ف رع و ن م ع ز و ل = و ع ن ع ف ر و م ز ل و سطر آخر تکسیر را (که محصول و زمام آنست) غریزه گویند زیرا حروف متفرقهٔ سطور تکسیر را بسطر اول برمیگرداند و تکسیر در طلسمات جهت حفظ و غلبه و نصرت اثر عجیبی دارد.

تذکو: در تکسیر مقلوب باید حرف اول اساس، آخر قرار گیرد و لذا باید آن زوج باشد و اگر فرد باشد وارونه حرف آخر را صدر نهد یک در میان نهد **مثال** ظالم معزول = ظ ا ل م م ع ز و ل: ل ز م ل ظ آنقدر اساس و نظیره آورد تا اساس نخست ظاهر شود و در تحبیب باید واسط از اسماء مهرآور باشد مانند و دودو مِعِزّ و مُحِبّ و رؤف و لطیف و امثال اینها نمونه و دستور در تکسیر منصوب، ف ه ی م ه و د و د ج ع ف ر ه م و و ج ف ف ر ع د د ه ی ف ه م و ف ع د ی ف ه د ر ج و ه تا اساس ظاهر شود چنانکه در تکسیر تسخیر گذشت بعد زیر آن حرف طالب و حرف مطلوب را جدا نوشته با اسم موکلان حروف و موافق اسم موکلان نام باریتعالی را نویسد سطر نام آنها فا بود یا فتّاح را آورد و موکل آن سرحمائیل است و حرف دوم ها موکلش دو ریائیل است و با هادی موافقست تا حرف آخر که (ر) است بعد موکلانرا بخواند و بحق آن اسماء قسم دهد عزیمت بخواند و مطلبرا بخواهد و بعضی فتیلهٔ نوشته چون بکار بردن نسخهٔ آتشی شرعی نیست بنده آنرا علاوه بر نقل نکردن نهی میکنم بجای آن از خواندن اسماءالله استفاده کند یا بنویسد در آب روان اندازد لذا بنده بهیچ وجه اجازه نمیدهم با فتیله کار کردنرا دو قسم دیگر تکسیر دارد

از این راه میشود به اسم اعظم برخورد

بعضی اصل تکسیر را بر چهار حرف نهاده‌اند که یا هو از آن مرکب است بترتیب (ی ا ه و) که از آن شش کلمه ترکیب شود و جمع گردد از آن اسم جلاله و اسماء جمالیه و مشترک درآید

حاصل این کتاب در تکسیر منصوب چهارحوف (ی ا ه و) چنین استخراج کردیم (ا و ه ی) سطر اول و ی ها سطر دوم از آن بیرونشد (ی ا ه و) از این سه شکل از هزهو فی سه عدد بهم رسید (اوهی ویها یا هو) با استنطاق مدخل آنها ۶۶ درآمد مطابق مدخل جلالهٔ کبیر جامع دوازده برج

عصمت زیرا از هر یک از چهار حرف در ترکیب سه حرف آمد و چون آنسه تکسیر شد ۳۶ کلمه بعدد اِله (معبود) مرکب میشود که از ترکیب دیگر آن **یا اللّه یا اَحَدُ یا اولُ یا وَلِیُّ یا وَدُود یا وکیل یا هو یا هادی** ترکیب شد تا **مُتَألِّهین** عارفتر شوند اینک ماجد ولی استخراج میکنیم تا مورد بهره قرار گیرد بنااهل نسپارید. جدول را بدقت بنگرید.

اه وی	اه ی و	ای و ه	ای ه و	او ه ی	او ی ه	اواو	ای ای	اه اه	ی ه او
ی ه وا	ی او ه	ی اه و	ی واه	ی و ه ا	ی ای ا	ی وی و	ی ه ی ه		
ه او ی	ه ای و	ه ی او	ه ی وا	ه وای	ه وای	ه ا ه ا	ه ی ه ی	ه و ه و	
واه ی	وای ه	وی اه	وی ه ا	وه ای	وه ی ا	واوا	وی وی	وه وه	

مداخل این تکسیر ۸ هو و ۴ اِله و ۲ اَحَد و ۹ حرف ندا (یا) دارد و از هر یک حروف اربعه ۳۶ بعدد اِله معمولست و از اعداد زُبُر و بیّنات هزاران بهره میشود برداشت زیرا در ۳۶ الف لفظی آن از زُبُر و بیّنات هر یک ۳۶ عَلی در برداشته و درواو لفظی آن ۳۶ احد است و در عددی آن ۷۲ احد علاوه بر الف آن که ۷۲ علی دارد و دریاء لفظی آن ۳۶ هواست و در ۳۶ هاء آنها ۶ اله میباشد پس در این جدول تا اینجا

۴۴ هو ۱۰ اله ۷۴ احد ۱۰۸ **لااله الاالله** (با محسوب نشدن لاء مکرر) ۹ حرف ندا (یا) ۱۰۸ علی بعدد حق میباشد.

بعلاوه از حرف ندا یک بسم‌الله و چهار هادی مفهومست ترکیب اینها از این قرار است.
بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ یا هُوَ یا اِلٰهُ یا اَحَدُ یا حقّ یا لااِلٰهَ اِلّااللّهُ یا عَلیّ یا حَقُّ یا هادِی و مجموع اینها سیصدو شصت بعدد ۱۲ برج و ایام سال و رگهای بدن انسانست پس جهت استمداد غیبی و ازالهٔ شرک و شک و ثبات قدم در راه حق و استمداد از صاحب ولایت و هدایت مستمر روزی سیصد و شصت بار گفتن اینها باعث آگهی از اسرار غیبیه است و با خود داشتن جدول مذکور با بودن این اسامی در ذیل آن موجب رستگاری و نصرتست.

اثبات ولایت از حروف

بالبیناتِ وَالزُّبر) در جلد اول صفحهٔ ۴۴۰ نوشتیم که زُبُر و بیّنات الف مطابق علی میباشد که اسم اعظم وصفی و از کمالات جلالیّه و جمالیه است و هرچه با آن مطابق آید بواسطه اسم اعظم فعلی است مثل مکنت که تاء آن عظمت و سلطنت و حشمت است و هر جانداری بی‌مکنت قائم نشود و مثل نمک که مُقَوِّم طعامست و خواه با واسطه باشد با تغییر لفظ و وحدت معنا مثل حلم ۷۸ که ایمان و اخلاف بدون حلم کندیده است و عدد آن با عدد حکیم ۷۸ مطابقست که **اِنَّهُ فِی اُمِّ الکِتابِ لَدَینا لَعَلِیٌّ حَکیم** پس در علی اسم اعظم ذاتی و وصفی و فعلی جمعست و علی

acrshop

مصدریستکه صدور افعال نه گانه فلکیه از اوست چنانکه ولی حق باذن حق رَدّ شمس نمود.

علی آن مظهر اسرار یاهوست   چگویم من خدیوملک لاهوست
که اوصاف الهی جمله با اوست   ولی کفر است اگر گوئی خدا اوست

۳ ـ تکسیر تسخیر چون خواهی شرعا مطلبی را دریابی (کسیرا شرعا مُحِبٌ خودکنی ظالمی را مسخّر نمائی بحاجتی برسی)نام خود و نام او را با یکی از اسماء مناسب مطلب بسط و تکسیر کن و در سطور ضرب نما و استنطاق کن و بهمان عدد اسم اعظم بگیر و آنرا سه روز بهمان عدد بخوان انشاءالله بمطلب می‌رسی مثل خواهی سعید نامی دوست تو گردد و نام تو فتح باشد عمل کن بعمل تکسیر منصوب و از اسماء معز را واسط قرار ده و چون نظیره کسر آید از صدر نظیره یک در میان صدر نظیره را بحساب آور صورت چنینست

ف ت ح م ع ز ز س ع ی د = ت م ز س ی د/ع ز ع ح ف
م س د ز ح ف ع ع ی ز ت = س ز ف ع ز ت ی ع ح د م
ز ع ت ع د م ح ی ز ف س = ع ع م ی ف س ز ح د ت ز/ع ی س ح ت ز د ز ف م ع / ی ع ز ز
م ع ف د ت س ع/ع ز ع د س ع ت ف م ز ی/ز د ع ف ز ی م ت س ع ع / د ف ی ت ع ع س م ز
ع ز/ف ت ح م ع ز ز س ع ی د

با استنطاق مداخل یازده حرف ۷۵۶ و ضرب یازده در یازده ۱۲۱ جمع آنها ۸۷۷ گردید این اسماء بیرونشد یا الله یا صمد یا باعث یا ودود یا جلیل یا هو و حرف ندا چون بجای ادعو نشسته بحساب نباید چهل روز بعدد جمع آنها را برای اعزاز بخوان

تکثیر جهت انکشاف جهت کشف مطلب اعداد هر اسمیرا به ابجد کبیر در نفش آن ضرب و حاصلش در حروف ضرب و آنها را در نقاطش ضرب و اگر آنرا یک نقطه باشد داخل حروف کند و اگر فاقد نقطه باشد مثل الله بمراتب عدد ترقی دهد پس بمدخل کبیر قسمت کند بخواند انشاءالله بمراد رسد نهانکند ۶۶×۶۶=۴۳۵۶ ضرب در حروف ۱۷۴۲۴ در مرتبهٔ آحاد و عشرات دو برابر میشود ۳۴۸۴۸ باین عدد در یک روز یا تقسیم بر ۶=۵۸۰۸ بار بگوید مدخل آنسکه عدد حروف کلمهٔ ایرا جمع کنند صورت آنرا مدخل گویند مثل ۶۶ مدخل لفظ جلاله در غیر بسط که مدخل مبسوطی آن ۲۵۹ با حروف ابجد است.

گرفتن مداخل اربعه بدو راه

در مصر الحقیقه تالیف مرحوم سیدهاشم موسوی بهبهانی مداخل اربعه را چنین آورده مدخل کبیر را از اعداد حروف و وسیط مجموعی را از مدخل کبیر باگرفتن هزار را صد و صد را ده و ده را یک بعد آحاد را با هم جمع کرده و مداخل وسیط کبیر را از دوم باگرفتن مآترا عشرات و

عشراترا آحاد و با باقی آحاد جمع کرده و مداخل صغیر را از سوم اخذ عشراترا آحاد و با هم جمع کرده مثال یا الله مرقد شریف جناب فاطمه بنت خدیجه در کجای مدینه است پس از بسط حروف ۲۸۴۹ مدخل کبیر (با استنطاق ط م ض غ غ) و دو مرا ۲۹۳ (ج ص ر) و سومرا ۳۲ (ب ل) و چهار مرا ۵ (ه) آورده که دو را با سه جمعکرده.

راه دیگر و در علوم جفر مداخل اربعه را چنین آورده سئوال امام زمان کیست عددش ۶۷۰ (ع خ) مدخل کبیر بعدد حروف پرسش را تنزل داده الوف بمآت و مآت بعشرات و عشرات بآحاد رد کرده پس ۴۰ (م) در آمده و وسیط کبیر را از عدد مدخل کبیر (۶۷) گرفته است با اینقاعده مآترا عشرات و عشراترا آحاد ۶۷ در آورده و اگر کبیر ۶۷۲ میبود ۶۹ میشد بعد صغیر را از وسیط مجموعی (۴۰) گرفته و آنرا آحاد (۴) آورده و اگر ۴۱ بود ۵ میشد و محمود دهدار در رسائل چنین کرده

دو اختلاف در این دو راه

در ایندو طریق دو فرقست اول آنکه در اخذ مدخل وسیط مجموعی را از مدخل کبیر یا از حروف سئوال دو مدخل دیگر تغیر میکند ودیگر آنکه در راه دوم وسیط کبیر را از مدخل کبیر اخذ میکند و راه اول از وسیط مجموعی و آن (۱۳) میشود و صغیر را در راه اول از وسیط کبیر (۱۳) گرفته و در راه دوم از وسیط مجموعی (۴۰) را (۴) آورده ومداخل در الوف چهار حرفی و مآت سه حرفی و در عشرات دو حرفیست (و اگر از هزار بالا میرفت با حرف ابجد یا یک عین می‌آمد.

اقسام مداخل مداخل بردو قسمت بسطی و عددی و هر یک از آن سه نوعند کبیر و وسیط و صغیر مدخل کبیر عددی تمام اسمست و در کبیر بسطی تمام حروف مبسوط اسمست.

مدخل وسیط عددی مراتب اعداد کبیر را بمادون رد کردنست مثل الوف به مآت و مآت بعشرات و عشرات به آحاد

و در وسیط بسطی جمیع حروف مبسوطه را در مرتبهٔ آحاد تصور کنند و اینرا وسیط همه نوع خوانند و در صغیر حاصل مدخل وسیطرا به آحاد آرند پس آحاد را یک مدخل و عشراترا دو و مآترا سه والوفرا چهار و عشرات الوافر پنج مدخل باشد.

تذکر اعداد هرگاه از هزار بالا رفت بجای عددی غینها از آحاد حروف باید استفاده کرد مثلا ۵۵۲۵ را اینطور مینویسند هک ث هغ

acrshop

مدخل کبیر و وسیط کواکب سبعه

زُحل ۱۸/۴۵ مشتری ۱۴/۹۵۰ مریخ ۱۳/۸۵۰ شمس ۱۳/۴۰۰ زهره ۹/۱۷ عطارد ۲۳/۲۸۴ قمر ۷/۳۴۰

مدخل کبیر و وسیط بروج

حمل ۱۵/۷۸ ثور ۱۳/۷۰۶ جوزا ۱۷/۱۷ سرطان ۲۳/۳۲۰ اسد ۱۱/۶۵ سنبله ۲۲/۱۳۷ میزان ۱۸/۱۰۸ عقرب ۱۱/۲۷۲

قوس ۱۳/۱۶۶ جدی ۸/۱۷ دلو ۱۳/۴۰ حوت ۱۸/۴۱۴

راه سهل برای اخذ مدخل

بعضی مدخل را چنین آورده‌اند سئوال: **كَيفَ يَمضِى هٰذِهِ السَّنَةُ الاٰتِيَةُ لِكُلِّ الخَلائِقِ الاِيرانِ** که مدخل کبیر وسیط مجموعی وسیط کبیر صغیر

۳۸۱۴	۱۱۵	۳۸۵	۷
دی ض ج غ	هی ق	هف ش	ز

توضیح: اول ۸ و ۳ صد و هزار را جمع کرد (۱۱) شد بعد ۴ و ۱ را آحاد و عشراتی را جمع کرده (۵) شد وسیط مجموع شد دوم آحاد بعشرات برده (۱۴) را (۵) نوشته و بقیه را بحال خود گذاشته (۳۸۵) وسیط کبیر آورده سوم اعداد مجموعیرا (۱۱۵) را جمع کرده (۷) صغیر آورده پس استنطاق کرده حروف سئوالرا آورده

جمع سئوال	د ی ض ج غ هی ق هف ش ز
نظیره آورده	ص خ ل ف ن ق خ هق ج ز ش
حرف قواگرفته	ظ س ج ض هغ و ث ی ل ع ج
باز نظیره گرفته	م اف ل ق ن رح خ ض ب ف
مرکب	ل اف رح م ن خ ف ق ب ض = **لاٰ فَرَحَ مَنْ خَفَّ قَبَضَ**

حل شد

استنطاق آنستکه صورت، عددی مدخلرا بحروف در آورند تا تمام اعداد بحروف بدل شود مانند ۱۰، ۱، ۵، ٦ (ی الف هـ و) ۱۰، ۱، ۱۰۸، ۱۰۰ (ی الف ح ق)

و این در صورت امتزاج اعداد دشوار است وید طولانی لازمست

استخراج آنستکه از یک حرف و بیشتر مفهوم اسم ثانوی بیرون اید مانند هوالله که مدخل آن با مدخل یا الله یا واحد و مدخل هوالله یکیست **موازین** آنستکه اعداد یا حروف مداخلرا با هم بسنجند میزان برد و قسم است عددی و حرفی عددی یا تامست یا غیر تام تام آنستکه دو اسم در حروف و عدد با هم یکی باشند مانند مالک ۹۱ و نایل ۹۱ **و غیر تام** آنستکه فقط در کبیر

موافق باشد چون هادی ۲۰ ودود ۲۰

میزان حرفی آنستکه در وزن حروف موافق باشد نه در ترتیب مثل مُبین و مُنیب ۱۰۲ و غیر تام آنستکه در موازین حروف موافق نباشد و در معنا موافق باشد مثل زاکی و طاهر

اسماء متقابله آنستکه در معنا مقابل هم باشد مثل **رافع السماء و باسط الارض و ظاهر و باطن**

حروف فصلی اگر صدرِ اسمی حرف آتشی باشد تا بستانیست و اگر آبی باشد زمستانی و اگر بادی باشد بهاری و اگر خاکی باشد پائیزی **ابدخ گویند** اسمائیکه مصدر به آتشی است لیلی و مُصَدَّرِ ببادی نهاری و مُصَدِر به آبی بشهور و مُصَدِر بخاکی بسنین تعلق دارد.

غریزه ترکیب اسمست از حروف عناصر اربعه (ابدخ) یا بعضی از آن یا دو اسم و بیشتر که بیک معنا دلالت کنند مثل صانع و خالق و رب و بقولی طرح حرف آتشی نه نه و باد ۱۱/۱۱ و آب ۱۴/۱۴ و خاک ۱٦/۱٦ باشد.

طبیعت حروف از حروف تهجی هفت حرف (ا هـ ط م ف ش ذ) آتشی مشرقی باشند و هفت حرف (ب و ی ن ص ت ض) خاکی جنوبی هستند و هفت از آن (ج ز ک س ق ت ظ) بادی غربی و هفت از آن (د ح ل ع ر خ غ) آبی شمالی‌اند اینها اهطمیست

موکّلین حروف بدانکه حرف بمنزلۀ جسم و موکّل آن جن است و عَدَدِ زُبُرِ آن مانندٔ جان است و موکّلش ملک سُفلیست و عددِ بیّنۀ حروف نفس است و موکّل آن ملک علوی است و چنین‌اند کلمه و کلام و هر یک یا خیر است یا شَر و در خیر موکلین از ملائکه خیر برند و می‌بخشند و در کلام شر چون جن ذاتا شریر است همواره میآزارد و لذا نصّ در استعاذه آمده که حکیم در اداء کلام حکیم میگوید **اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیطانِ الَّرجِیمِ.**

در بعضی کتب مُوَکّلین حروفرا این جور آورده‌اند و الله اعلم (کنزی ۱۷)

ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ
اسرافیل	جبرائیل	عزرائیل	میکائیل	کارکائیل	تنکفیل	مهکائیل
د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
دردائیل	اهرائیل	امواکیل	سرفائیل	همواکیل	همزائیل	اجمائیل
ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق
عطکائیل	اسماعیل	تورائیل	لومائیل	لوغائیل	میرهمائیل	عطرائیل
ک	ل	م	ن	و	هـ	ی
حروزائیل	طاطائیل	رومائیل	حولائیل	رفتمائیل	دوریائیل	سرکطائیل

و یک اسم چند موکل دارد باید بحرف اول و آخر آن بیشتر توجه داشت.

acrshop

اسماء جلالیّه و جمالیّه و مشترک

در جلد اول صفحهٔ ۸۵ صفات جلال و جمال یاد شد اینک آنها را تقسیم میکنیم تا در ذکر بهره‌مند شوید برای تزکیهٔ نفس و تهذیب اخلاق باید جلالیّه بیشتر بکار برد و جهت نیل بعزّت جمالیّه را و برای هر دو مشترکرا **ملک وعدل و حسیب و باعث و واحد و شهید و حق و مقدم و مؤخر و اول و آخر و ظاهر و باطن و والی و متوالی و غنی و منعم و جامع و نوروبدیع و رشید و باری** و اینها بین جلالی و جمالی مشترکند و با حرف ندا (یا نور) یاد میشوند.

اسماء جلالیه

یا مالک الملک یا جلیل یا حکیم یا ذاالجلال و الاکرام یا خالق یا جبار یا متکبر یا قهار یا قابض یا خافض یا قوی یا متین یا مبدئُ یا معید یا حیُّ یا قَیّوُم یا مُمیت یا قادر یا مقتدر یا مُقسِط یا مانع یا نافع یا وارث

اسماء جمالیه

یا قَدُّوس یا سَلاُم یا مُومِن یا مهیمن یا عزیز یا مصور یا غفار یا وهاب یا رزاق یا فتاح یا علیم یا باسط یا رافع یا معز یا سمیع یا بصیر یا لطیف یا خبیر یا رقیب مجیب واسع حکم ودود معظم غفور شکور علی کبیر حفیظ مقیت کریم وکیل ولی

تعریف طبایع حروف

حروف از جهت طبیعت چهار قسم است ۱ ناری ۲ هوائی ۳ مائی ۴ ترابی (کنی ۱۷) از ابجد بردیف از الف تا ذال سه در میان هفت حرف (ا ه ط م ف ش ذ) آتشی است (ن) که صد را هطمیرا تشکیل میدهد و از باتاضاد هفت حرف سه در میان (ب و ی ن ص ط ض) بادیست (ه) و از جیم تا ظا هفت حرف سه در میان (ج ز ک س ق ث ظ) آبیست (م) و از دال تا غین سه در میان هفت حرف (د ح ل ع ر خ غ) خاکیست (ت) و عدد حروف ناری بحرفِ ابجد ۱۱۳۵ و (ه) ۱۳۵۸ و (م) ۱۵۹ و (ت) ۱۹۱۲ میباشد که مجموع آنها ۵۹۹۵ عنصر در عالمست

تذکر آتشیرا بربروج حمل و اسد و قوس (۱ و ۵ و ۹) سه در میان گذارند و خاکیرا بر ثور و سنبله و جدی (۲ و ۶ و ۱۰) و بادی را بر جوزا و میزان و دلو (۳ و ۷ و ۱۱) و آبیرا بر سرطان و عقرب و حوت (۴ و ۸ و ۱۲) بنا نهادند.

جدول طبایع و عناصر

ناریه	ا ه ط م ف ش ذ	۱۱۳۵	حمل اسد قوس
هوائیه	ب و ی ن ص ت ض	۱۳۵۸	جوزا میزان دلو
مائیه	ج ز ک س ق ث ظ	۱۵۹۰	سرطان عقرب حوت
ترابیه	د ح ل ع ر خ غ	۱۹۱۲ج۵۹۹۵	ثور سنبله جدی مقدّم

سیارهٔ سبعه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطار	قمر

حروف ناری مضموم و هوائی مفتوح و آبی مکسور و خاکی مجزوم و هوائی مقوم آتشیست و بالعکس و خاکی مقوی آبیست و آبی مربی خاکیست و بیستوهشت حرف بکواکب سبعه تقسیم بهریک چهار رسیده

تقسیمات حروف و بروج

حروف و طبایع و کواکب و بروج و منازلرا تقسیم کرده‌اند بروج بر عناصر بخش گردید بهر یک سه رسید حمل و اسد و قوس (۱ و ۵ و ۹) آتشی و جوزا و میزان و دلو (۳ و ۷ و ۱۱) بهوائی و سرطان و عقرب و حوت (۴ و ۸ و ۱۲) به آبی و ثور و سنبله و جدی (۲ و ۶ و ۱۰) بخاکی قسمت شد. وکواکب بر بروج سهم شد جز شمس و قمر بهریک دو رسید و بشمس و قمر هر یک یک رسید قمرروز ۲ شنبه شب جمعه متعلق بسرطان، عطارد روز چارشنبه شب یکشنبه متعلق بجوزا و سنبله، زهره (سعداکبر) روز جمعه شب سه شنبه متعلق بثور و میزان، شمس روز یکشنبه شب ۵ شنبه متعلق باسد، مشتری روز ۵ شنبه شب ۲ شنبه متعلق بقوس و حوت مریخ (نحس اصغر) روز ۳ شنبه و شب شنبه متعلق بحمل و عقرب زحل (نحس اکبر) روز شنبه شب ۴ شنبه متعلق بجدی و دلو است. و حروف بر بروج قسمت شد بهر برج دو حرف و ثلثی رسید. و منازل بر بروج قسمت شد بهر برجی دو منزل و ثلثی رسید.

شکل اساس و نظیره

ا	ب	ج	د	ه	و	ذ	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	سطراساس
س	ع	ف	ص	ق	د	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	سطر نظیره

شکل چهار حالت حروف

حروف ترقی	غ	ض	خ	ت	د	ص	ع	غضخترصع
حروف ترفع	ب	د	و	ح	ی	ل	ن	بدوح یلن
حروف مساوات	ا	ج	ه	ز	ط	ک	م	اجهزطکم
حروف تنزل	ظ	ذ	ث	ش	ق	ف	س	ظذث شقفس

acrshop

تذکر حالات حروف ابجد از الف تا میم یکدرمیان مساوات و از با تا نون یکدرمیان ترفع و از غین تا عین یکدرمیان بعکس ترقی و از ظا تا سین یکدربین بعکس تنزل

طریق اخذ مستحصله و معرفت حروف

شناخت چهار مرتبه حروف لازم است ۱- معرفت حروف مساوات و ترفع و تنزل و ترقی ۲-ملاحظه طبایع حروف فوق که در مزاج مساوی نباشند ۳- ملاحظه هر حرفی که در جهت حرف دیگر نقصی لازم نیاورد ۴- جهت حفظ ضابطهٔ مستحصله منظور باشد و حروف مساوات از الف تا میم ابجد هفت حرف یک در میان است، مانند اجهزطکم و در آن مثلین باشد و حروف ترفع از باء تا نون هفت حرف یکدرمیان است مانند بدوحی یلن زیرا ترفع بالا بردن حرف پائین است به عدد بیشتر مانند الف به باء و باء به جیم و جیم به دال تا لام به نون و ترفع سه گونه است که خواهد آمد و حروف تنزل از حرف سین یک در میان تا ظ عکس (از مآت بعشرات) هفت حرف باشد مانند ظذث شقفس و حروف ترقی از عین یک در میان تا غین حرف آخر هفت حرف‌اند مانند غضخ ترصع پس مساوات وترفع چهارده حرف اول شد و تنزل و ترقی چهارده حرف دوم گردید و مساوات با تنزل اساس و نظیراند و ترفع با ترقی مقابل و اساس و نظیر باشند.

توضیحات حالات اربعه و حروف

جفار در جفر باید حالات حروف را بشناسد مساوات یعنی عدد آنها با عدد خود بدون زیاد و کم بکار میرود و حروف مساوات اجهز طکم بعمل ترقی نزدیک‌اند مانند الف که در مساوات با میشود و جیم (دو برابر خود) واو شود و ها (دو برابر خود) یاء وزاء، یدگردد و طا،حی و کاف، میم و میم فامی شود.

قاعده در مساوات برابر است و در ترفع چهار مرتبه اضافه میشود و در تنزل دو مرتبه کم میشود و در ترقی دو مرتبه اضافه میشود.

چنانچه حروف ترفع در خانه اول واقع شود (حرف اول از چهار حرف حرف خانه باشد) هر جا باشد نظیره او مستحصله است با این وصف سین ترفع مستحصله‌ی الف مساوات است و چنانچه در خانهٔ دوم باشد به بیند که آنحرف نظیرهٔ از آحاد یا از عشرات یا مآت است اگر آحاد بود مثات گیرد مثلا اگر در اول خانه باشد مستحصله‌ی او غین و اگر از حروف دوم یا سوم یا چهارم باشد مبهم است بحال خود گذارد و حروف مساوات نظیرهٔ حروف تنزل است.

تَرَفُّع سه نوعست

ترفع بالا بردن حرف پائینست بمافوق خود و آن سه نوعست اول ترفع حرف بدرجهٔ مافوق مثل الف بیا و با بجیم و جیم بدال پس واحد زبطو شود و آنها هفت حرفند (ب د و ح ی ل ن) دوم ترفع رتبه است در عدد مثل آنکه آحاد در عدد رتبهٔ عشرات و عشرات رتبهٔ مآت و آن رتبهٔ الوف گیرد الف یا و یا قاف و قاف غین گردد با ترفع دایرهٔ ایقغی بهم میرسد.

ا ی ق غ ب ک ر ج ل ش د م ت ت ا ط ص ظ

۱ / ۱۰ / ۱۰۰ / ۱۰۰۰ / ۲ / ۲۰ / ۲۰۰ / ۳ / ۳۰ / ۳۰۰ / ۴ / ۴۰ / ۴۰۰ / ۹ / ۹۰ / ۹۰۰

سوم تَرَفُّع طبیعی استکه حروف خاکی بآبی و آبی به بادی و بادی بآتشی بدل شود و این همان دایرهٔ اهطمیست که از آتشی آغاز و بخاکی ختم میگردد و دایرهٔ طبایع هم گویند.

ا ه ط م ف ش ذ ب و ی ن ص ت ض ج ز ک س ق ث ظ د ح ل ع ر خ غ

۱ / ۲ / ۳ / ۴ / ۵۶۷۸۹۱۰۱۱۱۲ / ۱۳ / ۱۴ / ۱۵ / ۱۶ / ۱۷ / ۱۸ / ۱۹ / ۲۰ / ۲۱ /
۲۲ / ۲۳ / ۲۴ / ۲۵ / ۲۶ / ۲۷ / ۲۸

سوم حروف تَنَزُّل تنزل آنستکه حرفرا اگر بشود بلا رتبه کرده نصف کنند و اگر نشد بر آن عدد افزایند و حرفیکه در عدد زوجست نصفش ساقط شود و حرفیکه در عدد فرد است مثل قاف و شین و واو و ثا و ذال و ظاتنا صفشان مشکل باشد پس عدد صفحه و سطر و خانه (که سه اند) بر آن افزایند و زوج نموده تنزل کنند (ظ ذ ث ش ق ف ش)

چهارم حرف تَرَقّی آنستکه حروف در ضرورت مترقی شود و آنها هفت حرفند در مقابل حروفات ترفعند و معنی ترقی آنستکه ترفع نظیرهٔ آنست چنانکه عین در مرتبهٔ هفتم (عشرات) در نقشهٔ (آینده) در حالت ترقی چهارده و صاد هیجده و را چهار و تا هشت و خاد و از ده و ضاد شانزده و غین (در مرتبهٔ یکم از الوف) دو میشود و در اینعمل هرجاکه حروف، ترقی یابد عشر ساقط (یکی حساب) میشود و در اینعمل هرجاکه حروف، ترقی یابد عشر ساقط (یکی حساب) میشود و هرگاه بعدد از عشر بالا رود مرتبهٔ آحاد باقی خواهد ماند (چنانکه را چهار شد) و این را ترقی حروف گویند واینحروف هرگاه از عشرات مرتبهٔ عشر رود یا عشرات هرگاه در عشر دوم و سوم آید ترقی با ترقی حروف مترقیست و بر نفس آن میافزاید و گاه باشد که احتیاج در نطق حروف ترقی بیوت آحاد و عشرات نامند فقط ترقی عدد مثل خود بر نفس خود میشودگاه سطر و صفحه و خانه بعد از طرح عشرات بر آحاد اضافه میشود و آن حروف هرچه درآید با عدد خودش که اولیت دارد مستحصله نامند.

قاعده حروف ترقی، هرگاه در اول خانه واقع شود به مثل خود مضاعف شود و سه عدد دیگر (سطر و صفحه و خانه) بر او افزاید بعد از طرح عشرات باقی ماندهٔ او را به حرفی که اقتضا

acrshop

تذکر حالات حروف ابجد از الف تا میم یکدرمیان مساوات و از با تا نون یکدرمیان ترفع و از غین تا عین یکدرمیان بعکس ترقی و از ظا تا سین یکدربین بعکس تنزل

طریق اخذ مستحصله و معرفت حروف

شناخت چهار مرتبه حروف لازم است ۱- معرفت حروف مساوات و ترفع و تنزل و ترقی ۲-ملاحظه طبایع حروف فوق که در مزاج مساوی نباشند ۳- ملاحظه هر حرفی که در جهت حرف دیگر نقصی لازم نیاورد ۴- جهت حفظ ضابطهٔ مستحصله منظور باشد و حروف مساوات از الف تا میم ابجد هفت حرف یک در میان است، مانند اجهزطکم و در آن مثلین باشد و حروف ترفع از باء تا نون هفت حرف یکدرمیان است مانند بدوح یلن زیرا ترفع بالا بردن حرف پائین است به عدد بیشتر مانند الف به باء و باء به جیم و جیم به دال تا لام به نون و ترفع سه‌گونه است که خواهد آمد و حروف تنزل از حرف سین یک در میان تا ظ عکس (از مآت بعشرات) هفت حرف باشد مانند ظذث شقفس و حروف ترقی از عین یک در میان تا غین حرف آخر هفت حرف‌اند مانند غضخ ترصع پس مساوات وترفع چهارده حرف اول شد و تنزل و ترقی چهارده حرف دوم گردید و مساوات با تنزل اساس و نظیراند و ترفع با ترقی مقابل و اساس و نظیر باشند.

توضیحات حالات اربعه و حروف

جفار در جفر باید حالات حروف را بشناسد مساوات یعنی عدد آنها با عدد خود بدون زیاد و کم بکار میرود و حروف مساوات اجهز طکم بعمل ترقی نزدیک‌اند مانند الف که در مساوات با میشود و جیم (دو برابر خود) واو شود و ها (دو برابر خود) یاء وزاء، ید گردد و طا،حی و کاف، میم و میم فامی شود.

قاعده در مساوات برابر است و در ترفع چهار مرتبه اضافه میشود و در تنزل دو مرتبه کم میشود و در ترقی دو مرتبه اضافه میشود.

چنانچه حروف ترفع در خانه اول واقع شود (حرف اول از چهار حرف حرف خانه باشد) هر جا باشد نظیره او مستحصله است با این وصف سین ترفع مستحصله‌ی الف مساوات است و چنانچه در خانهٔ دوم باشد به بیند که آنحرف نظیرهٔ از آحاد یا از عشرات یا مآت است اگر آحاد بود مئات گیرد مثلا اگر در اول خانه باشد مستحصله‌ی او غین و اگر از حروف دوم یا سوم یا چهارم باشد مبهم است بحال خود گذارد و حروف مساوات نظیرهٔ حروف تنزل است.

تَرَفُّع سه نوعست

ترفع بالا بردن حرف پائینست بمافوق خود و آن سه نوعست اول ترفع حرف بدرجهٔ مافوق مثل الف بیا و با بجیم و جیم بدال پس واحد زبطو شود و آنها هفت حرفند (ب د و ح ی ل ن) دوم ترفع رتبه است در عدد مثل آنکه آحاد در عدد رتبهٔ عشرات و عشرات رتبهٔ مآت و آن رتبهٔ الوف گیرد الف یا و یا قاف و قاف غین گردد با ترفع دایرهٔ ایقغی بهم میرسد.

ا ی ق غ ب ک ر ج ل ش د م ت تا ط ص ظ

۱/ ۱۰/ ۱۰۰/ ۱۰۰۰/ ۲/ ۲۰ / ۲۰۰ / ۳/ ۳۰/ ۳۰۰/ ۴/ ۴۰/ ۴۰۰/ ۹/ ۹۰ / ۹۰۰

سوم تَرَفُّع طبیعی استکه حروف خاکی بآبی و آبی به بادی و بادی بآتشی بدل شود و این همان دایرهٔ اهطمیست که از آتشی آغاز و بخاکی ختم میگردد و دایرهٔ طبایع هم گویند.

ا ه ط م ف ش ذ ب و ی ن ص ت ض ج ز ک س ق ث ظ د ح ل ع ر خ غ

۱/ ۲/ ۳/ ۴/ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲/ ۱۳/ ۱۴/ ۱۵/ ۱۶/ ۱۷/ ۱۸/ ۱۹/ ۲۰/ ۲۱/
۲۲/ ۲۳/ ۲۴/ ۲۵/ ۲۶/ ۲۷/ ۲۸

سوم حروف تَنَزُّل تنزل آنستکه حرفرا اگر بشود بلا رتبه کرده نصف کنند و اگر نشد بر آن عدد افزایند و حرفیکه در عدد زوجست نصفش ساقط شود و حرفیکه در عدد فرد است مثل قاف و شین و واو و ثا و ذال و ظاتا صفشان مشکل باشد پس عدد صفحه و سطر و خانه (که سه اند) بر آن افزایند و زوج نموده تنزل کنند (ظ ذ ث ش ق ف ش)

چهارم حرف تَرَقّی آنستکه حروف در ضرورت مترقی شود و آنها هفت حرفند در مقابل حروفات ترفعند و معنی ترقی آنستکه ترفع نظیرهٔ آنست چنانکه عین در مرتبهٔ هفتم (عشرات) در نقشهٔ (آینده) در حالت ترقی چهارده و صاد هیجده و را چهار و تا هشت و خاد و از ده و ضاد شانزده و غین (در مرتبهٔ یکم از الوف) دو میشود و در اینعمل هرجاکه حروف، ترقی یابد عشر ساقط (یکی حساب) میشود و در اینعمل هرجاکه حروف، ترقی یابد عشر ساقط (یکی حساب) میشود و هرگاه بعدد از عشر بالا رود مرتبهٔ آحاد باقی خواهد ماند (چنانکه را چهار شد) و این را ترقی حروف گویند واینحروف هرگاه از عشرات مرتبهٔ عشر رود یا عشرات هرگاه در عشر دوم و سوم آید ترقی با ترقی حروف مترقیست و بر نفس آن میافزاید وگاه باشد که احتیاج در نطق حروف ترقی بیوت آحاد و عشرات نامند فقط ترقی عدد مثل خود بر نفس خود میشودگاه سطر و صفحه و خانه بعد از طرح عشرات بر آحاد اضافه میشود و آن حروف هرچه درآید با عدد خودش که اولیت دارد مستحصله نامند.

قاعده حروف ترقی، هرگاه در اول خانه واقع شود به مثل خود مضاعف شود و سه عدد دیگر (سطر و صفحه و خانه) بر او افزاید بعد از طرح عشرات باقی ماندهٔ او را به حرفی که اقتضا

acrshop

کند برند مستحصله درآید (مثلاغ دو میشود و بر او سه اضافه شود پنج گردد ها درآید و دیگر حرف دوم خانه باشد باید دید اگر از عشره یکی اضافه بود آن عدد را مضاعف کند و اگر زیاد نبود همانرا بدون تضعیف بگیرد مگر ضاد که هرگاه در چهارم خانه واقع شود او را بصورت مضاعف در آورند و چون حرف ترقی در خانه‌ی آخر واقع شود عدد ثلاثة (س ص خ) ترک شود و عدد مستحصله اضافه شود و در ترقی باید حرف را بی‌رتبه کرد مضاعف کنند و اگر از ده گذشت فوق عشره راگیرد و بحرف سئوال بنگرد چند است فوق عشره یا عشرین راگیرد با آن عددی که دارد ضم کند و در دایره اعظم مزاج حرف را می‌یابد.

اینقاعده را حل کنید سئوال این است مَنْ خَلَقَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ عدد حروف ۱۹ و نقطه ۷ لفظ غافیطوس و اساس (ز ش ب غ ط ی ز ذ ی و م ال اح) نظیره (ش ز ع ن ث خ خ ا س ض ت ص و ب اح ج) قوا (د ا و ب ع س اع ف غ ا ن ی ط ا و س) تکسیر (ج ش ح راع ب ن و ث ص خ ث ا ض ط س) مستحصله (ض ق ص ذ خ س ب خ ظ ض ض ش ش ض غ هـ ی) نظیره (ل ه ا غ ی اع ی م ل ل ز ز ل ن ی م) خلقهن العزیز العلیم

قاعده در سئوال اَیْنَ الْمَهدی

مدخل کبیر ۱۵۱ (ا ن ق) وسیط مجموعی ۲۵ (هـ ک) وسیط کبیر ۱٦ (و ی) و صغیر ۷ (ز) مستخرجه (ا ن ق هـ ک و ی ز) نظیره (س غ ق ذ رخ ش) القوا (خ ی ن غ ع ب ش ج) نظیرهٔ دوم (ی خ ع ق ب غ ا ف) جواب مرکب (غ ا ی ب ع ن خ ف)

قاعده در کشف مطالب

بعدد حروف ابجد در استحصال علاوه بر معرفت حروف ۲۹ عمل لازمست ۱ بسط سئوال بحروف مقطعه (ام ام زم ان ک ی س ت) ۲ اخذ مدخل کبیر از اعداد سئوال که ٦۷۰ شد ۳ اخذ مدخل وسیط کبیر از کبیر با رد هزار بصد و صد به ده و ده بیک که ٦۷ گردد و مثلاً اگر ٦۷۱ می‌بود ٦۸ میشد ۴ اخذ مدخل وسیط مجموعی با رد تمام حروف سئوال به آحاد که آنها ۴۰ میشود ۵ اخذ مدخل صغیر با رد وسیط مجموعی به آحاد که ۴ می‌شود ٦ رد عدد مداخل اربعه را بحروف مانند (٦۷۰) ع خ (٦۷) ز س (۴۰) م (۴) د، ۷ بسط شش حرف بحروف با جلو آوردن مدخل سوم را بر دوم مانند ع خ م ز س د (ع ی ن خ ا م ی م ز ا س ی ن د ا ل) ۸ اینها را اساس کردن و نظیره آوردن چنانکه در جدول خواهید دید ۹ حروف اساس را به آحاد آورد و سطر سوم را بگیرد ۱۰ قاعده حرف اول و دوم را پس از رد به احاد ۱۱ اگر با هم متباین بود در هم ضرب و اگر متداخل بود اکتفا به اقل عدد نماید و اگر متوافق بود وفق یکی را در دیگری ضرب کند و اگر

متماثل‌اند. یکی از دو عدد اکتفا کند و حاصل عدد یکی از اقسام اربعه را زیر حرف اول سطر اساس با هندسه نویسد.

قواعد در استخراج واضح تر

برخی استخراجرا باینطور آورده‌اند (امام زمان کیست؟) بحساب ابجد کبیر ٦۷۰ مدخل کبیر شد بعد حروف سئوالرا به آحاد آورده و از هزار یک و صد را یک و ده را یک گرفته (مثلاً میمرا ۴ و کافرا ۲ و سینرا ٦ و غ را یک) با اینحساب مدخل وسیط مجموعی ۴۰ گردیده بعد با قاعده‌ی فوق مدخل وسیط کبیر از ششصد شش و از هفتاد هفت ٦۷ گردید و اگر مدخل کبیر ٦۷۲ میبود اینمدخل ٦۹ میشد زیرا اگر آحاد داشته باشد بحساب میآید و نیز وسیط مجموعی چون بآحاد برگردد وسیط صغیر شود چهل ۴ گردد و اگر آحاد میداشت مثلا ۴۱ بود برآن اضافه میشد پنج می‌گردید بعد اینها را بحروف بدل و آنرا استنطاق گویند در جدول بنگرید.

٦۷۰	۴۰	٦۷	۴	
ع خ	م	ز س	د	ع خ م ز س د

بعد باید حروف مستنطقه را بسط ملفوظی کرد در هر سه قسم بانظیره

ع ی ن خ ا م ی م ز ا س ی ن د ا ل	سطرِ اساس (۱)
ب خ غ س ظ خ ظ ش س ا خ غ ص س ض	سطرِ نظیره (۲)

۱۱- قاعده در تولید سطر سوم

باید نسبت بین حروفرا دانست تمام حروفیکه در سطر اساست باید به آحاد رد کرد بعد از سلب مراتب حرفِ اولِ سطرِ اساسرا با حرف دوم آن بسنجد اگر با هم متباینند (مثل ۵ و ٦) در هم ضرب و اگر متداخلند (مثل ۴ و ٦) باقل عدد اکتفا کند و اگر موافقند یکیرا در دیگری ضرب و اگر متماثلند یکی اکتفا کند ۱۲ و آنچه عدد از اقسام اربعه حاصلشد زیر حرف سطر اول بهندسه در خانهٔ اول بنویسد و دو مرا با سوم بسنجد در خانهٔ دوم نویسد و سومرا با چارم در خانهٔ سوم نویسد تا آخر و در آخر سطر یک حرف میماند آنرا با حرف اول سطر اساس ملاحظه کند بهمان قاعده در خانهٔ آخر حاصلشرا بنویسد چنانکه آخر سطر ۳ ضرب در ۲۱:۷ را نوشتیم جهت تسهیل میگویم حرف اول سطر اساس (ع) بود با سلب رتبه عددش هفتشد و حرف دوم (ی) بود با سلب رتبه یک شد پس همان ۷ را در اول خط سوم زیر حرف اول اساس بعد از نظیره گذاشتیم بعد حرف دوم (ی) را با نون سنجیدیم پس از سلب رتبهٔ نون پنج برگشت و حرف یاکه با سلب رتبه یک بود ضرب کردیم همان ۵ را زیر حرف دو نهادیم تا آخر ۱۳ سطر چهار مرا مانند سطر سوم

از نظیره گرفتیم و زیر سطر سوم نهادیم و باز دیدیم اول سطر نظیره ب بود (۲) و حرف دوم خ بود (۶۰۰) بعد از سلب رتبه ۶ شد با نسبت ۶ به ۲ عدد ۳ را در اول سطر نوشتیم و خ را نسبت به غ (بعد از آنکه غ بیک برگشت) سنجیدیم همان ششرا نوشتیم تا آخر سطر و جدول چهار سطر اینست.

۱	سطر اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
۲	سطر نظیره	ب	خ	غ	ی	س	فا	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	س	ض
۳	حاصل نسبت	۷	۵	۳۰	۶	۴	۴	۴	۲۸	۷	۶	۶	۵	۲۰	۴	۳	۲۱
۴	حاصل نظیره	۳	۶	۱	۶	۶	۶	۶	۳	۳	۶	۶	۶	۹	۶	۲	۴

قاعدهٔ سطر پنجم

سطر حاصل نسبت اساس (سطر سوم) را با حاصل نسبت نظیره (سطر چهارم) را ملاحظه کند عدد اقل هر یک از ایندو سطر را خانه بخانه از اکثر طرح کند باقیرا در زیر آنها نویسد تا سطر تمام شود و اگر دو خانه عددش مثل هم بود با هم جمع و حاصلشرا بنویسد و سطر پنجمرا سطر تتمه گویند.

۱۴) سطر ششم آنکه حروف سطر اساسرا با حروف نظیره یک یک مثل سطر ۳ و ۴ نسبت دهد عمل کند مانند سطر اول اساس که ع بود با اول نظیره که ب بود متباین‌اند ضرب کردیم ۱۴ شد در اول سطر ششم نوشتیم تا آخر

۱۵) سطر هفتم آنچه عدد در خانهٔ دوم سطر ششم است در خانهٔ اول سطر هفتم نویسد و آنچه در خانهٔ سوم سطر ششم است در خانهٔ دوم هفتم نویسد تا آخر و عددیکه در خانهٔ اول سطر ششم بود در خانهٔ آخر سطر هفتم نویسد (یعنی عدد دوم سطر ششمرا حرف اول سطر ۷ کند و به آخر رود بعد عدد اول سطر ششمرا آخر سطر ۷ گذارد).

۱۶) طریق سطر هشتم سطر هشتم آنکه سطر ششم و هفتمرا با هم بنگرد عدد آنرا از هم کم کند و باقیمانده را بنویسد و اگر دو خانه عددش مثل هم بود با هم جمعکند و بنویسد مانند سطر پنجم و اینراتتمه ثانیه گویند

۱۷) سطر نهم آنکه سطر دو تتمه را (سطر ۸ + ۵) ملاحظه کند عدد اقل را از اکثر بیندازد (کمرا زیاد تفریق کند) مابقیرا در سطر نهم نویسد و هرگاه عدد مثل هم بود با هم جمع کند حاصل آنرا نویسد و در جدول زیرنه سطر مشخص شده.

۱	سطر اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
۲	سطر نظیره	ب	خ	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	س	ض
۳	سطرحاصل اساس	۷	۵	۳۰	۶	۴	۴	۴	۲۸	۷	۶	۶	۵	۲۰	۴	۳	۲۱
۴	سطرحاصل نظیره	۳	۶	۱	۶	۶	۶	۶	۳	۳	۶	۶	۶	۹	۶	۱۲	۴
۵	سطر تتمه اولی	۴	۱	۲۹	۱۲	۲	۲	۲	۲۵	۴	۱۲	۱۲	۱	۱۱	۲	۹	۱۷
۶	حاصل نسبت نظیره	۱۴	۶	۵	۶	۶	۳۶	۶	۳۶	۲۱	۶	۶	۶	۵	۳۶	۶	۲۴
۷	حاصل نسبت دوم اساس	۶	۵	۶	۶	۳۶	۶	۳۶	۲۱	۶	۶	۶	۵	۳۶	۶	۲۴	۱۴
۸	حاصل تتمه دوم	۸	۱	۱	۱۲	۳۰	۳۰	۳۰	۱۵	۱۵	۱۲	۱۲	۱	۳۱	۳۰	۱۸	۱۰
۹	سطر باقی تتمه‌ها	۴	۲	۲۸	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۱۰	۱۱	۲۴	۲۴	۲	۲۰	۲۸	۹	۷

۱۸) سطر دهم حروف دوریه است که باید سطر نهمرا بحرف بدل کند سطر دهم پدید آید قاعده‌اش آنکه عدد آنرا بنگرد اگر مانند ۲۰ و ۳۰ تا ۲۰۰ تمامست پس حرف آن بحسب مرتبه در ابجد کبیر است آنحرفرا از ابجد کبیر بردارد و زیر آن بنویسد و اگربحساب مراتب حروف حرف بجمل کبیر ابجدی نباشد مثل ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ تا ۲۸ در اینمورد باید آنعدد را بقاعده جمل وضعی (ابجد وسیط) بردارد زیر آن بنویسد

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

اگر عدد از ۲۸ زائد شد ۲۹ و ۳۱ تا ۳۹ و ۴۱ و ۴۹ که در ابجد کبیر و وضعی پیدا نشود عشراترا نه طرح کند باقی عشراترا با آحاد جمع کند و به ابجد وضعی برده حروف گیرد مثلا بیست ونه دو عشرات دارد بیست آن با طرح ۱۸ دو میماند دو را با نه جمع کرده یازده می‌شود، د را بجد وضعی (ک) یازده است آنرا گرفته بنویسد مثلاً و از ۳۱ با طرح سه نه ۲۷۲ میماند ۳ را با یک جمع (د) را بنویسد و با ۳۲ پس طرح (ه) و با ۳۳ (و) میآوریم بجدول زیر مراجعه

سطرنهم	۴	۲	۲۸	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۱۰	۱۱	۲۴	۲۴	۲	۲۰	۲۸	۹	۷
سطر دهم	د	ب	غ	خ	غ	غ	غ	ی	ک	خ	خ	ب	ر	غ	ط	ز

۱۹) بیانی در اخذ سطر یازده

چون در استحصال بعد از سطرده سطر یازده نیاز بحروف دوریه دارد آنرا میآوریم بدان هر حرفی چهار حرف لازم دارد و آنرا حروف دوریه گویند بنام تنزل و ترقی و ترفع و مساوات

acrshop

(چنانکه در ص ۱۹ گذشت) و هر حرفی از حروف ابجد ما قبل آن تنزل و ما بعدش ترقی آنست و اگر آنحرف در مرتبه آحاد باشد حروف اعشار و مآت آنحرف ترفع و مساواتش خواهد بود مثلا حرف ب الف تنزل آن و جیم ترقی آن و را ترفع آن و کاف مساوات آنست چنانکه در جدول دورسه در خانهٔ دوم عیناً همین تعریف دیده می‌شود و دور تمام حروف در دایره ایقغ عمودیست

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ

غ

جدول دور اربعه

ایندایره بر افلاک تسعه قسمت و صورت ظهو حروف از آنستکه الف متداخل حرف آحاد حاصل اعداد نسبه باشد و با بعد آن ترقی آنست و غین بر قاعده در شمارهٔ دوری میافتد و تنزل اوست و یا وقاف ترفع و مساوات آن خواهد بود و دور حروف ابجد را یک یک از این دایره دریابید

ق غ ا ب ی	ر ا ب ج ک	ش ب ج د ل	ت ج د ه م	ث د ه و ن	خ ه و ر س	ذ و ز ح ع
ض ز ح ط ف	ظ ح ط ی ص	غ ط ی ک ا	ر ی ک ل ب	ش ک ل م ج	ت ل م ن د	ث م ن س ه
خ ن س ع و	ذ س ع ف ز	ض ع ف ص ح	ظ ف ص ق ط	غ ص ف ر ا	ک ق د ش ب	ل ر ش ت ج
م ش ت ث د	ن ت ث خ ه	س ث خ ذ و	ع خ ذ ض ز	ف ذ ض ظ ح	ص ض ظ غ ط	ق ظ غ ا ی

حرف راست حرف وسط هر خانه تنزل و چپ ترقی بالا ترفع و زیر مساواتست

(۲۱) پنج راه برای تحصیل مطالب

راه نخست (بقولی) باید تاریخ عملرا از روز و ماه و سال بحساب آورد و با حروف نوشت (مثلاً روز یکشنبه سیزدهم ماه شعبان سال هزارو دویست و سی و دو (بر فرض قائل) ۲۷۰۰ (با اینکه ۲۲۶۸ می‌شود) آنرا بلا رتبه کرده ۲۷ ماند (هزار را صدو صد را ده کرد) ۷ و ۲ را

۲۰۷

جمعکرده بحساب ابجد کبیر بدرجه ۹ رسیده (ط) رانوشته و اگر عدد زیادتر می‌شد مثلا ۲۹ بود بلارتبه اعتبار میکردیم از اول ابجد شمرده (۱۱) به درجه (ک) می‌رسید پس (ک) را می‌بایست ثبت کرد بهرحال (ط) نشان تاریخشد (شما هر چه خواستید باینطرز تاریخ بردارید

(۲۲) راه سوم: در بیان طالع وقت عمل بنگرد هنگام عمل چه بر جیست و طالع کدام بر جست عدد آنرا بگیرد اگر از ۲۸ حرفش کمتر بود بشمارد بهر حرفی رسید آنرا بگیرد مثل جوزاوجدی که هر یک در حروف (۱۷) حرف اند دردرجه بحرف (ف) میرسد و اگر بیشتر مثل میزان (۱۰۸) باشد صد را ده کند و ۱۸ را نویسد بشمارد در درجه بحرف (ص) می‌رسد آنرا ثبت کند پس بهرقدرو بهر راه که ممکن است آنرا اعتبار کند.

راه چهارم: حرف تقویت گرفتن است باید در وقت عمل با وضو و رو بقبله بعد از چند صلوات از قرآن تفال کند در هر بار از اول صفحه راست حرف اولرا بگیرد بلا رتبه ثبت مثلا در چهار بار (و ت ض ا) آمده عددش بلا رتبه (۱۹) شد زیرا (ت) را ۴ و (ض) را ۸ گرفتیم بعد از درجه ابجدی حرف (ق) ۱۹ شد ثبت گردید اینچهار حرف متحصله است (ط ز ص ق) چون دوباره بلا رتبه کنیم (۹ / ۷ / ۹ / ۱) و جمع نمائیم ۲۶ گردد باز بدرجه بردیم (ض) گردید ثبت کردیم اینحرف صفحه است که در عمل قوی و ما بعد قوی بکار میرود (اینها را امهات اربعه گویند)

۲۳ تعریف حرف قُوی) قوی را جمع قوتست مراد از قوت در اینجا طرح عدد جمل کبیر است بعدد برج و اخد عدد بر و جست و ما دون آنچه از طرح بماند قوت گویند زیرا فواصل عدد کافی عدد خواهد بود. و بقولی آن اسم ذاتیست و مقصود آن اینستکه در اینجا از آن حرف بیرون آید بلکه مقصود آنستکه با حساب آن اسم یا حرف راکامل کنند

طریق اخد قوی آنستکه بعد ضغیر وضعی از اساس یا نظیره ابجدیرا بشمارد از دایره ابجدی منصوبا یا مقلوبا بحرف دور خود رسد و اگر از اساس برسد بردارد و اگر نرسید بطروح سته عمل کند بدون کم و زیاد طروح سته از اینقرار است.

$\frac{1}{4}$ اهطم ۶ $\frac{2}{6}$ (۲) احست ۳ ایقغ ۲۸۴ ۲۸-۲۸ ۳۰/۳۰ عناصر (۷/۷) کواکب ۹/۹ افلاک ۱۲/۱۲ بروج منازل بدوح

۱ دائره عناصر اربعه اهطمی کاملا روشنشد و ما سقوطات را در ابجد صغیر علم حروف در جلد دوم ختوم و اذکار نوشتیم.

(۲) طرح دایره شش درشش

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
ا	۲	۳	۴	۵	ساقط	۱	۲	۳	۴	۲	ساقط	۴	۲
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
	۴	۲		۴	۲		۴	۲		۴	۲		۴

دایره احتی ۷ در ۷

ا	ح	س	ت
ب	ط	ع	ث
ج	ی	ف	خ
د	ک	ص	ذ
ه	ل	ق	ض
و	م	ر	ظ
ز	ن	ش	غ

سوم دایره کواکب ۷/۷ می‌باشد که بر احت بنا شده چنانچه در جلو مشاهده می‌شود و مداخل جلاله در آن ۴۲ می‌شود چهارم دایره افلاکست که ۹/۹ می‌باشد و در صفحه ۴۶ علم حروف مشروحشد پنجم دائره بروج ۱۲/۱۲ طرح ابتثی استکه در صفحه مشروح گردید و دایره منازل ۲۸/۲۸ همان ابجد استکه اساس همه است و با دوائر شریکست

دایره اجهزی یا برجی ۳۰ در ۳۰

از دایره اجهزی شش چیز استفاده می‌شود ۱ از الف تا غین ۲۸ با الف و بای دو ردوم - ۳۰ می‌شود پس باگردش ۱۴ دور دودر میان این دایره شکل می‌گیرد اول از الف دوم از جیم سوم‌ها تا آخر چنانچکه می‌بینید

اج ه ز ط ک م	س ف ق ش ث ذ ظ	اساس
ب د و ح ی ل ن	ع ص ر ت خ ض غ	نظیره

۲ حروف مساوات (اج ه ز ط ک م) و حروف تنزل (ظ ذ ث ش ق ف س) راکه اساس و نظیره همدگرند معرفی می‌کند و مدخل جلاله در آن ۴۶ است ۳ حرف ترفع (بدوح یلن) و نظیره آن حروف ترقی (غ ض خ ت ر ص ع) را نشان می‌دهد ۴ طالبها و مطلوبها و قرینها را روشن می‌کند ۵ ابعاد بین آنها را میرساند ۶ آن مصحّح تکسیر ابجد و غریزه آنست زیرا اگر هفت حرف چهارم و سومرا وارونه ی اول و دوم گردانیم و هفت حرف اول و دومرا وارونه‌ی سوم و چهارم گردانیم اجهزی می‌شود. **توضیح** مراد به طروح سته در اینجا ۷۷ نبود ولی در جای دیگر بجای ۶۶ و ۷۷ راذکر کرده‌اند ولی تمام هفت دایره را آورده‌ایم اما بیشتر چهار دایره (ابجد و ابتث و اهطم وابقغ راکافی دانند)

(۲۴) جدول استخراج حروف قوا

برای تسهیل استخراج حروف قوا بدقت باین جدول مراجعه و مطلبرا بیابید قاعده آنستکه از بالا سطر اول اساس و سطر دوم نظیر آنست و از حرف حاصل از اعداد نسبیه سئوال خود را در حاشیه راست جدول پیداکنید و حرف اساس و نظیره مقابل حرف سئوال خود را نیز در فوق بیابید

جدول حروف قوا

عمودی از حرف اساس و نظیره پائین آید وافقی از حرف حاصل پیش رود تا حرف قوا را بگیرد.

	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	د	ص	ط	غ
ا	ب	ب	ب	ق	ق	ق	ق	ی	ی	ی	ی	غ	غ	غ
ب	ج	ج	ا	ر	ج	ج	ز	ز	ک	ک	ا	ا	ا	ا
ج	د	د	ش	ش	ب	د	د	ر	ر	ش	ش	ب	ب	ب
د	ه	ه	م	ت	ت	ج	ج	م	م	م	ت	ت	ج	ج
ه	و	و	ث	ث	ن	ن	د	ن	ن	ن	و	د	د	ث
و	ز	خ	خ	خ	خ	س	س	س	س	س	ه	ه	ه	ه
ز	ح	ح	ذ	ذ	ذ	ع	ز	ع	ع	ع	ع	و	و	و
ح	ط	ط	ط	ض	ض	ض	ض	ف	ف	ف	ف	ز	ز	ز
ط	ی	ی	ح	ظ	ی	ی	ظ	ظ	ص	ص	ح	ح	ح	ح
ی	ک	ک	ط	ا	ا	ا	ک	ق	ق	ق	ا	ط	ط	ط
ک	ل	ل	ر	ب	ب	ب	ی	ر	ر	ر	ب	ی	ی	ی
ل	م	م	ش	ج	ج	ج	ک	س	ش	ش	م	ک	ک	ک
م	ن	ن	د	د	د	د	ت	ت	ت	ت	ل	ل	ل	ل
ن	س	س	م	ه	ه	ه	م	ث	ث	ث	ه	م	م	م
س	ع	ع	ع	و	و	و	و	خ	خ	خ	خ	ن	ن	ن
ع	ف	ف	س	ز	ز	ز	ذ	ذ	ذ	ذ	س	س	س	س
ف	ص	ص	ج	ع	ح	ح	ص	ض	ض	ض	ح	ع	ع	ع
ص	ق	ق	ظ	ط	ط	ط	ف	ظ	ظ	ظ	ف	ف	ف	ف
ق	ر	ر	ر	ی	ی	ا	ا	ص	ص	ا	ر	ر	ص	ص
ر	ش	ش	ک	ک	ک	ک	ب	ب	ب	ب	ق	ق	ق	ق
ش	ت	ت	ر	ل	ل	ل	ل	ل	ج	ج	ج	ر	ر	ر
ث	خ	خ	ت	ن	ن	ن	خ	ن	ن	ه	ه	ت	ت	ه
خ	ذ	ذ	ن	س	س	س	ذ	ذ	و	و	و	ث	ث	ث
ذ	ض	ض	ز	ز	ع	ع	خ	ض	ض	ز	ز	ض	خ	خ
ض	ظ	ظ	ظ	ف	ف	ح	ح	ذ	ذ	ح	ظ	ذ	ن	د
ظ	غ	غ	ص	ص	ص	ص	ط	ط	ط	ط	ض	ض	ض	ض
غ	ا	ا	ظ	ق	ق	ق	ی	ظ	ی	ی	ی	ظ	ظ	ظ

طرق برداشتن حرف قوا

پس از درک حروف دوریه و ترسیم آن باید بحرف حاصل از عدد نسبیه نظر کرد که چه عددی در ابجد وضعی دارد آنعدد را ضبط کند و حروف مقابل آنرا از سطر اساس نگاه کند و آنحرفرا از سطر اساس در دایره‌ی ابجد در حاشیه بیابد و از همان حرف بدون عدد خود حرف بآن عدد مضبوط که عدد حاصل از اعداد نسبیه است بدایره ابجد برتوالی بشمارد اگر در دایره ابجد منتهی الیه حرفی از حروف اربعه دور آنحرف بود بنویسد که آن حرف قوای حاصل از اعداد نسبیه و مراد همانست و اگر منتهی الیه عدد وضعی در دایره ابجد حرف خارج از دوریه بود تا دوازده بار اگر نرسد می تواند بترتیب عملرا از سر گیرد.

acrshop

۲ بعد از طرز اول بهمان عدد وضعی مضبوط از حرف نظیره مقابل حرف اساس را در دایره ابجد بدون عدد خود حرف از آنجا نیز بر توالی شمار کند اگر نرسید از سر گیرد.

۳ اینبار حرف اساس مقابلرا باز در ابجد پیدا کند بدون عدد خود حرف بر خلاف توالی بهمان عددوضع در دایره ابجدبشمارد اگرمنتهی‌الیه‌حرفی از حروف دوریه بود بردارد و گرنه از سر گیرد

۴ اینبار حرف نظیره را در دایره ابجد پیدا کند و بر خلاف توالی بدون عدد خود حرف بهمان عدد مضبوط بشمارد اگر نرسید از سر گیرد

۵ اینبار یکحرفراکم کند یعنی بدون عدد خود حرف و عدد ثانی از حروف سیم اساس بحسب ابجد در دایره ابجد بر توالی بهمان عدد مضبوط: بشمارد اگر نرسید از سر گیرد.

۶ اینبار از خود حرف اساس در دایره ابجد بشمارد بر توالی بهمان عدد مضبوط که در معنا اینبار حرفیرا عدد زیاد کرده باشد اگر نرسید از سر گیرد

۷ یا حرف نظیره اساسرا در ابجد یابد و حرفی نیز کم کند و بدون عدد نفس الحرف و بدون حرف ثانی از حرف سیم باخود حروف نظیره برتوالی شمارد ۸ باز از خود حرف نظیره در دایره ابجد بتوالی شمارد که حرفی زیاد کرده باشد.

۹ اینبار حرف اساسرا در دایره ابجدی پیدا و یکحرف بر خلاف توالی کم کند یعنی و از حرف سیم اساس بر خلاف توالی بشمارد اگر نرسید ۱۰ از خود نفس حرف اساس که یکحرف زیاده باشد بر خلاف توالی بشمارد ۱۱ اینبار باز حرف نظیره اساسرا در ابجد یابد و از آن بر خلاف توالی حرف کم کند یعنی از سیم حرف نظیره بحسب ابجد در دایره ابجد شمار کند ۱۲ اینبار از خود نفس حرف نظیره که حرفی زیاد شده باشد بر خلاف توالی بشمارد اگر منتهی الیه از حروف دوریه بود فبها و الا باز بطرح سته مشهوره عمل کند ۱ عناصر اربعه ۲ کواکب سبعه ۳ افلاک ۴ برجی ۵ منازل ۶ درجی از حرف اساس بر توالی یا خلاف آن بدون عدد خود حرف اگر رسید فبها و الا از حرف نظیره عمل کند والا بطرح ۶۶ از حرف اساس یا نظیره بر توالی یا خلاف تا ۳۰، ۳۰ عمل نماید.

(۲۶) طریق اَخذِ سطرِ قُوا

مثلاً حرف اول حاصل از اعداد نسبیه (د) دردوراربعه خانه (۴) حرف ترفع قوه‌اش (ه) حرف مواسات بود آنرا در اول سطر (۱۱) حرف اول نوشتیم حرف دوم (ب) حرف ترفع در خانه (۲) قوه‌اش (ک) بود، حرف مساواترا برداشتیم و حرف دوم سطر (۱۱) کردیم و حرف سوم از اعداد نسبیه (غ) در خانه (۲۸) دور حرف ترقی بود (ظ) حرف تنزلرا گرفتیم حرف سوم سطر (۱۱) نوشتیم حرف چهارم (خ) در خانه (۲۴) حرف ترقی بود (و) حرف مساواترا آوردیم حرف چهارم سطر (۱۱) نوشتیم حرف پنجم باز (غ) حرف ترقی بود (۱) مساوی او راگرفتیم در سطر

(۱۱) نوشتیم حرف ششم باز (غ) بود اینبار (ظ) راگرفته در سطر (۱۱) نوشتیم حرف هفتم باز (غ) بود اینبار (ی) قوه آنرا برداشتیم در سطر ۱۱ نوشتیم حرف هشتم (ی) در خانه (۸) حرف تنزل (ط) را در سطر ۱۱ نوشتیم حرف نهم (ک) در خانه (۱۱) حرف ترفع (ی) راگرفته و حرف دهم (خ) در خانه (۲۴) قوایش (ذ) حرف تنزل در سطر (۱۱) نوشته شد حرف یازدهم باز هم (خ) بود ترقی بود حرف (ذ) راگرفت.

حرف دوازده (ب) حرف ترفع در خانه (۲) حرف مساوات (ک) راگرفت حرف سیزدهم (ر) مترقی در خانه (۲۰) حرف تنزل (ق) راگرفت حرف چهاردهم (غ) مترقی حرف تنزل (ق) راگرفت حرف پانزدهم از حروف مساوات (ی) حرف ترفعراگرفت حرف شانزدهم از حروف اعداد نسبیه (ز) حرف مساوات بود (و) حرف مترفع راگرفت و در سطر (۱۱) حرف (۱۶) نوشته شد پس سطر (۱۱) کامل گردید که می‌بینید

(۲۶) بیان در سطر ۱۲ و حرف حاصل

لازمست در اینجا دو چیز یاد شود اول در بیان سطر حاصل اینسطر پیش از سئوال دو مقدمه دارد مقدمه نخست باید وقت سئوال اسم و تاریخ، چنانکه ذکر شد همه را بحروف بریده نویسد و عدد کبیرا بجد را زیر حروف نویسد بعد تمام آن اعداد را بطریق خانه‌های چهارگانه از یکها و عشرات و مات و الوف گرد آورد و آن چهار خانه را استنطاق نماید چنانکه ذکر شد آنگاه عدد آنحروف را به آحاد از روی حساب جمل صغیر بآن مرتبه حرفی که بآن مرتبه عدد در کبیر یافت شود آن حرف رابگیرد و ثبت کند و اگر به آن مرتبه عود در کبیر یافت نشد از بابجد وضعی عمل کند و از آن حرفی بگیرد و بنویسد این یکحرف حاصلرا ثبت کند بعد حرف روز و ساعترا و بعد حرف قرآنیرا با حرف طالع بعد این چهار حرف حاصلرا با اسقاط مراتب به احاد حساب کند اینحرف و حرف حاصلرا ضبط کند مثالیکه در سئوال امام زمان کیست؟ آورده‌اند حروفش ۱۴۷ حرفش لام قرآنیش (دج دج) ۱۴ حرفش (ن) صفحه حروف اربعه (ف هل ن) جمع آحادش ۲۱ حرفحاصل اینها (ش) می‌باشد.

توضیح مصنف در تشریح این ابهام می‌گویم ۱۴۷ (ل) آنکه عدد را جمع کردیم (۱۲) شدو (ل) در ابجد وضعی در درجه ۱۲ بود و عدد قرانی ۱۴ در ابجد وضعی به (ن) رسید و صفحه حروف اربعه (ف هل ن) با بجد صغیر (۸ / ۵ / ۶ / ۲) (ش) در آمد زیرا در درجه ۲۷ می‌باشد.

مقصد دوم در طریق اخذ سطر ۱۲

سطر ۱۲ حاصل اصل سئوالست پس از نقش سطرقوا (س ۱۱) حرف اول آنرا با حرف اول سطر اساس و حرف اول سطر نظیره و حرف حاصل از تاریخ و ساعت و طالع و قرانی (ش)

acrshop

عددگیری شود عدد اینها را از روی جمل صغیر با اسقاط مراتب جمع کند و بدائره ابجد وضعی برده بهر حرفی که رسید آنرا در اول سطر ۱۲ بنویسد باز حرف دوم حرف قوا را با بقیه‌ی مذکورات بطریق مذکور عمل کند تا سطر تمام شود.

مثلاً حرف اول اساس (ع) بود عددش (۷) و حرف اول نظیره (ب) عدد آن (۲) و حرف اول قوا (ه) بعدد (۵) و حرف حاصل (ش) عددش بالا رتبه (۳) جمعا (۱۷) درآمد در ابجد وضعی بدرجه حرف (ف) رسید در اول سطر (۱۲) ثبت شد.

حرف دوم سطر اساس (ی) بود عددش بیرتبه (۱) و حرف دوم نظیره (خ) بود عددش (۶) حرف دوم سطرقوا (ک) عددش (۲) و حرف حاصل (ش) عددش (۳) جمعا (۱۲) حرف شد در ابجد وضعی بدرجه‌ی (ل) رسید ثبت شد بهمین طریق عمل نمودیم تا سطر کامل گردید اکنون به سطرزیر می‌نگریم.

۱۰	سطردهم	د	ب	غ	خ	غ	غ	غ	ی	ک	خ	خ	ب	ی	غ	ط	ز
۱۱	سطرقوا	ه	ک	ظ	و	ا	ظ	ی	ط	ی	ذ	ذ	ک	ق	ق	ی	و
۱۲	سطرحاصل	ف	ل	ص	ع	ک	ذ	ک	ذ	ن	ف	ف	ل	ی	ف	ک	ر

(۲۷) در بیان سطر (۱۳) مُستَحْصَله

در اخذ سطر مستحصله باید سطر ۱۲ را دور کبیر داد یعنی دور اربعه را به اضافه حرف نظیره حرف حاصل از دائرهٔ ابجد وابتث واهطم وایقغ دور داد دور کبیر اینست

حرف دوریه ششگانه

ض ق ج غ ا ب ن ی س	ظ ر د ا ب ج خ ک ع	غ ش ا ب ج د ذ ل ف	ک ت ب ج د ه ض م ص	ش ث ز ذ ه و ظ ن ق	س خ ح ه و ز ق س ر	ن ذ ه و ز ح ک ع ش
ف ض و ز ح ط ل ف ف	ب ظ ک ح ط ی م ص ث	ص غ ل ط ی ک ث ا خ	و ر ط ی ک ل ز ب ذ	ذ ش ی ک ل م ح ج ض	ر ت س ل م ن ط د ظ	ز ث ع م ن س ا ه غ
و خ م ن س ع غ و ا	ث ذ ن س ع ف ر ز ب	ح ض ق ع ف ص ش ح ج	ی ظ ر ف ص ق ت ط د	خ غ ف ص ف ر د ا ه	م ک ص ق ر ش ع ب و	ه ل ث ر ش ت ف ج ز
ظ م خ ش ت ث ص د ح	ع ن ش ت ث خ ی ه ط	ق س ت ث خ ذ ب و ی	ل ع ظ خ ذ ض ج ز ک	ا ف غ ذ ض ظ د ح ل	ت ص ذ ض ظ غ ه ط م	ج ق ض ظ غ ا س ی ن

دور کبیر برای سطر ۱۳ مستحصله لازمست زیرا باید حروف اربعه (مساوات و تنزل و ترقی و ترفع) را باضافه نظیره باحرف حاصل از دایره ابجد و ابتث و اهطم و ایقغ دور دهند و حروف مستحصله را از آن بآسانی میابی زیرا هر طالبی مطلوب در دور حرف وسط وجود دارد.

نه دایره در دور کبیر

اگر عمیقانه بدور کبیر بنگری از خانه اول یک دایره ابجدی در حروف وسط خانه‌ها و از خانه دوم در اولین سه حرف وسط یک دائره دیگر در خانه‌ها می‌یابی و از پار سه حرف وسط از خانه‌ی آخر نیز یک دایره دیگر ابجدی می‌یابی پس در وسط سه دور ابجدی دارد و از خانه یک سه خانه در میان در حروف وسط دور اول (ا ه ط م ف ش ذ) و در دو دوم دریسار حرف وسط سه خانه در میان (ب و ی ن ص ت ض) و از خانه اول حرف وسط نه در میان دائره الیقغی است و از خانه اول یسارسه حرف بالا سه در میان (ج ز ک س ق ث ظ) و از خانه دوم یسارسه حرف بالا سه در میان (دح ل ع ر خ غ) دائره اهطمی دارد و در نه خانه اول یک دائره ایقغ و در نه دوم یک و در نه سوم یک با دودائره ابتثی میابی و از خانه دوم یمین حرف وسط یک در میان یک دائره اجهزی دارد پس جمعاً نه دائره بتعداد حروف دائره گردید و حروف دور کبیر ۲۵۲ = ۲۸×۹ و نیز دو رانسقی را در بر دارد لذا جهت کسب حرف مستحصله کمک می‌باشد و حروف مستحصله را از آن بآسانی می‌یابی زیرا مطلوبست هر طالبی در دو حرف وسط وجود دارد.

(۲۸) تعریف طالب و مطلوب و قرین

هر حرفی یا طالبست و یا مطلوب و یا قرین و یا هر سه، هر حرفی در جلوش سه قرین و سه مطلوب دارد و در عقب خود سه قرین و سه طالب مانند (ز) در دایره اجهزیه که طالب (ط) و (ط) مطلوب اول آن وطالب (ک) است و (ک) مطلوب (ط) و طالب (م) است و (م) مطلوب (ک) است پس مطلوب اول (ز) و مطلوب مطلوب آن و (م) مطلوب مطلوب مطلوب (ز) می‌باشد و در نظیره (ح) قرین (ز) و (ی) قرین (ط) و (ل) قرین (ک) و (ن) قرین (م) است پس (ز) در جلوش هفت حرف قرین و مطلوب دارد و در عقب خود نیز هفت حرف طالب و قرین طالب دارد لذا بعد ابجدی از هفت بیشتر نمی‌شود و اقران هم طالب و مطلوب می‌شوند.

مثلا (ز) مطلوب (ه) و (ه) مطلوب (ج) و (ج) مطلوب (۱) است پس (۱) طالب (ج) و (ج) طالب (ه) و (ه) طالب (ز) است پس در نظیره (ب) قرین (ا) و (د) قرین (ب) و (و) قرین (د) است و از دایره اجهز اینها روشن می‌شود زیرا دو سطر بالا بترتیب هر یک تا آخر طالب و مطلوب یک گرند و دو سطر زیر نظیره بردیف قرین حروف بالا هستند

ابعاد جدولی و ابجدی

هر حرفی با مطلوبش از جلود و بعد دارد و با مطلوب مطلوبش چهار بعد و با مطلوب مطلوب

acrshop

مطلوبش شش بعد دارد و با قرین خود یک بعد و با قرین مطلوبش ۳ بعد و با قرین مطلوب مطلوبش ۵ بعد و با قرین مطلوب مطلوب مطلوبش ۷ بعد دارد و همچنین است از خلاف خود و ابعاد دو گونه است جدولی یعنی از حرف در دائره انسغ بحساب میرود و یکی ابجدی که در دایره ابجد بحساب می‌رود و بعد ابجدی از هفت بیشتر می‌شود ولی بعد جدولی هر چند باشد و دائره اجهزاینست

ا ج ه ز ط ك م	س ف ق ش ث ذ ظ	اساس
ب د و ح ی ل ن	ع ص ر ت خ ض غ	نظیره

(۲۹) بحث در سطر ۱۳ یعنی مستحصله

در کسب سطر مستحصله بحثها شده ضوابط قاطعی بدست نیامده بلکه باید مدد غیبی رسد ولی چندچیز را ذکر می‌کنیم (۱) پس از آنکه حرف حاصله (سطر ۱۲) دور کبیر داده شد آنگاه حرف حاصلرا بحرفی از حرف اساس (یا نظیره) که مطلوبش باشد نسبت دهد اگر برای آن حرف منسوب الیه هم طبعی از عناصر اربعه در چهار حرف (تاریخ و ساعت و طالع و فال) باشد پس بعد جدولی منسوب الیه را تا حرف محاذی حرف حاصل (اگر چه از هفت بیشتر شود) بشمارد و بعد ابجدی را نیز تا حرف حاصل بنگرد (ولی بیشتر از هفت نشود) و ایندو بعد راگرد آورد در دائره انسغ بر کواکب سبعه از حروف حاصل متوالی یا خلافش بشمارد اگر منتهی الیه از حروف دور کبیر حرف حاصلست آنحرف قوای آن می‌باشد و ضبط کند. (معرفی دو جدول لازمست)

جدول عناصر و انسغ

نار هوا ماء تراب

ان	هب هب	مج مج	ت دت د	ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ه	و	ن	ح	ن	م	ل	ك	ی	ط	ح
ط	ی	ك	ل	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
م	ن	س	ع	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت
ف	ص	ق	ر							
ش	ت	ث	خ							
ذ	ض	ظ	غ							

چند راه برای اَخْذِ مُستحصَله

اگر در نسبت حرف حاصل به اساس (یا نظیره) مطلوب اول آنحرف را نیافت یا آنکه یافت ولی همطبع حرف صفحه نبود مطلوبرا بیابد باز اگر نیافت یا همطبع نبود مطلوب مطلوبرا بیابد، باز

اگر نیافت یا همطبع حرف صفحه نبود قرین حرف حاصلرا در اساس (یا نظیره) شرط همطبع بودن بردارد بازاگر نیافت یا همطبع نداشت قرین مطلب حرف حاصلرا بیابد و اگر نبود یا همطبع نبود قرین مطلوب مطلوب حرف حاصل را بشرط هم طبع بودن بردارد، و اگر نیافت یا همطبع نبود طالب طالب حرف حاصلرا بشرط همطبع بودن با حرف صفحه بیابد اگر نیافت یا همطبع نبود طالب طالب حرف حاصلرا بشرط بیابد اگر نیافت یا همطبع نبودطالب طالب طالب حرف حاصلرا بشرط همطبع بودن بیابد اگر نیافت یا همطبع نبود قرین طالب حرف حاصلرا با شرط بیابد و اگر نیافت یا هم طبع نبود قرین طالب طالب حرف حاصلرا بشرط بیابد اگر نیافت یا هم طبع نبود قرین طالب طالب طالب حرف حاصلرا بشرط همطبع داشتن در حروف صفحه بیابد و اگرنیافت یا همطبع نبود بنفس حرف عمل کند و بعد از آنکه آنحرفرا یافت و همطبع بود بعد جدولی آنرا تا محاذی حرف حاصل و بُعدِ ابجدی آنرا تا حرفَ حاصل بنگرد ایندو در دائره انسغ جمع کند از حرف حاصل بر توالی یا خلاف توالی بشمارد حرف متهاالیه اگر از حروف دور کبیر حرف حاصل بود قوايِ آنست:

تذکر لازم: بسا میشود ازحروف یک بعد بیشتر نباشد مثل آنکه مطلوب یا طالب یا قرین، در اساس (یا نظیره) محاذی حرف حاصل واقع شود پس بعد جدولیرا ندارد و بر همان یکبعد عمل می‌شود یا عمل بنفس حرف در ضرورت خواهد بود و امتحان هم لازم ندارد ولی در غیر اینصورت برای صحت عمل امتحان جاری می‌شود.

چند امتحان جهت صحت عمل

امتحانش آنستکه بُعد حرف صفحه همطبع منسوب الیه را در حاصل و منسوب الیه بنگرد هر چند بوده باشد برد و بعدیکه از حرف منسوب الیه بحسب جدول وابجد بدست آمده بیفزاید یاکم کند و در دایره انسغ متوالی یا خلاف توالی بشمارد اگر حرف منتهی الیه همان حرف نشانکرده بود آن مستحصله است والا بعد حرف صفحه را تا منسوب الیه نسبت بِدُ وبُعد بنگرد وکمتر را از بیشتر بیندازد و در دائره انسغ متوالی یا خلاف آن بشمارد اگر منتهی الیه حرف نشانکرده بود آن مستحصله است و الا باید عملرا از سرگیرد (چنانکه ذکر خواهد شد انشاءالله)

اینبار مطلوب مطلوبرا حرف حاصلرا در اساس (یا نظیره) با شرطش بیابد پس بعد ین آنحرفرا جمع کند بدستور مذکور عمل کند در دائره انسغ از حرف حاصل بتوالی یا خلاف آن بشمارد اگر منتهی الیه حرف دور کبیر باشد قوااست و در مطل مطل مطلوب نیز این امتخان جاریست.

عمل اخذ حروف مستحصله

درمانحن فیه چنین عمل می‌شود (ف) حرف اول سطر حاصل (۱۲) مطلوب آن (ق) در سطر

acrshop

اساس و نظیره نبود و مطلوب مطلوبش (ش) را درسطر نظیره یافتیم با حروف صفحه همطبع بود (و آن ف حرف خود حاصل بود) بعد جدولی حرف منسوب الیه را تا حرف محاذی حرف حاصل بدست آوردیم ۱۴شد و بعد ابجدی آنرا تاخود حرف حاصل گرفتیم ۳ بود پس از حرف حاصل ۱۷ بعد را در دائره انسخ شمردیم به حرف (ت) رسیدیم دیدیم در خانه ۱۸ دور کبیر با همند دراول سطر ۱۳ نوشتیم چون حرف همطبع خود حرف حاصل بود بامتحان نیاز نداشت حرف دوم حاصل (ل) بود مطلوبش (ن) را از سطر اساس گرفتیم و هم طبع آن خودش در صفحه بود بعد جدولی آنرا تا محاذی حرف حاصل ملاحظه کردیم ٦ بود و بعد ابجدی نداشت ازحرف حاصل شمردیم در دایره انسخ به (ص) رسیدو در دور کبیر خانه (۱۰) با هم بودند و چون (ل) با صفحه یکی بود امتحان نداشت.

حرف سوم حاصل ۱۲ (ص) مطلوب اولش در اساس و نظیره نبود و مطلوب مطلوب آن نیز نبود پس مطلوب مطلوب مطلوبش (خ) را از سطر اساس یافتیم و در صفحه همطبع (ل) بود بعد جدولیرا تا حرف محاذی حرف حاصل شمردیم ۴ بود و با ۵ بعد ابجدی ۹ بعد شد چون بحرف همدور نمیرسید امتحان کردیم حرف صفحه همطبع (ل) را با حرف حاصل (ص) ملاحظه کردیم چهار بعد جدولی ۵ بعد ابجدی داشت که با بعدین برابر بود از هم کم کردیم قرین (ص) ق بیرونشد آنرا در سطر ۱۳ حرف سوم نوشتیم

حرف چهارم (ع) مطلوبش (ص) همطبع در صفحه (ل) در نظیره بود بعد جدولی را از منسوب الیه تا حرف مجاذی حرف حاصل شمردیم (٦) بعد بود و بعد ابجدی آن یک، از حرف حاصل بر شمردیم بهم دور نرسید با امتحان ازحرف همطبع تا حرف حاصل و تا منسوب الیه ابعاد راگرفتیم بر بعد ین افزودیم از حرف حاصل شمردیم (۱۴) به (خ) رسید آنرا بعد از حرف سوم در سطر (۱۳) نوشتیم تا ۱٦ حرف به اتمام رسید.

سطر ۱۵ و پاسخ سئوال

پس از آنکه سطر ۱۳ را فهمیدی و نوشتی آنرا نظیره ابجدی بگیر و سطر ۱۴ را رسم نما و نظیره را صد رمؤخر فرما یعنی یکحرف از آخر سطر ۱۴ در اول سطر ۱۵ گذار بعد یکحرف از اول سطر ۱۴ در سطر ۱۵ گذار باز یک حرف از آخر سطر ۱۴ بردار حرف سوم سطر ۱۵ کن و یک حرف در اول سطر ۱۴ حرف چهارم سطره اکن تا حروف سطر ۱۴ تمام شود جواب درآید.

سطر ۱۳	ت ص ق خ س ص ظ ظ س س ز ع ص ظ ظ ظ
سطر ۱۴	ح د ه ی ا د م م ا ا ش ب د م م م

سؤال (امام زمان کیست؟) سال هزارو دویست و هشتاد و دو شب پنشنبه سیم شعبان

عدد تمام حروف	مدخل کبیر	وسیط مجموعی	وسیط کبیر	مدخل صغیر
عدد تمام حروف ۲۲۹۴ حرفش (ف	مدخل کبیر ٦۷۰ حرفش ع خ	وسیط مجموعی ۴۰ حرفش (م	وسیط کبیر ٦۷ حرفش ز س	مدخل صغیر ۴ حرفش (د
حرف قرآنی دج دج عدد ۱۴ حرفش ن	صفحه حروف اربعه ف ه ل ن عدد ۲۱ حرفش ش	جواب آمد محمد مهدی باشد امام		
سطر ۱۵ م ح م د م ه د ی ب ا ش د ا م ا م				

حروف مستنطقه ع خ م ز س د

بسط ملفوظی ع ی ن خ ا م ی م ز ا س ی ن د ا ل

		۱	۲	۳	۴	۵	٦	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱٦
۱	اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
۲	نظیره	ب	خ	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	س	ض
۳	حاصل نسبت اساس	۷	۵	۳۰	٦	۴	۴	۴	۲۸	۷	٦	٦	۵	۲۰	۴	۳	۲۱
۴	حاصل نسبت نظیره	۳	٦	۱	٦	٦	٦	٦	۳	۳	٦	٦	٦	۹	٦	۱۲	۴
۵	تتمه اولی	۴	۱	۲۹	۱۲	۲	۲	۲	۲۵	۴	۱۲	۱۲	۱	۱۱	۲	۹	۱۷
٦	حاصل اساس بانظیره	۱۴	٦	۵	٦	٦	۳٦	٦	۳٦	۲۱	٦	٦	٦	۵	۳٦	٦	۲۴
۷	حاصل دوم اساس نظیره	٦۰	۵	٦	٦	۳٦	٦	۳٦	۲۱	٦	٦	٦	۵	۳٦	٦	۲۴	۱۴
۸	تتمه ثانی	۸	۱	۱	۱۲	۳۰	۳۰	۳۰	۱۵	۱۵	۱۲	۱۲	۱	۳۱	۳۰	۱۸	۱۰
۹	تتمه دوتتمه	۴	۲	۲۸	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۱۰	۱۱	۲۴	۲۴	۲	۲۰	۲۸	۹	۷
۱۰	حاصل اعداد	د	ب	غ	خ	غ	غ	غ	ی	ک	خ	خ	ب	ر	غ	ط	ز
۱۱	سطر قوا	ه	ک	ظ	و	ا	ظ	ی	ط	ی	ذ	ذ	ک	ق	ق	ی	و
۱۲	سطر حاصل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۳	مستحصله	ت۱	ص۲	ق۳	خ۴	س۵	ص٦	ظ۷	ظ۸	س۹	س۱۰	ز۱۱	ع۱۲	ص۱۳	ظ۱۴	ظ۱۵	ظ۱٦
۱۴	نظیره	ح	د	ه	ی	ا	د	م	م	ا	ا	ش	ب	د	م	م	م
۱۵	صدرمؤخر	م	ح	م	د	م	ه	د	ی	ب	ا	ش	د	ا	م	ا	م

اصل کتاب جَفرِ جامع

و اینکتابرا جفر جامع و عقل فعّال و تکسیر اعظم گویند زیرا خانه‌های آن منازل قمری (۲۸×۲۸) وباکواکب توافق دارد لذا آنرا مصحف قمری نیزگویند واگرکسی آنرا در ساعت سعد با آیات حفظ کند یا جهت وسعت یا تسخیر پرکند از مقصد برخوردار است و با ابجد از بلیّات و آفات در امانست و به مغیاب آشنا و بسعادت نائل شود.

acrshop

تذکّر و توجّه اینراهیکه مذکور شد بهترین راه رسیدن بمطالبـت و ابجدی بود و بطریق ابتثی واهطمی وایقغی نیز میشود. و حیف است در کسب مادیات بکار رود.

راه کسب حروف مطلب

از جدول جفر که به اسم و محتوایش مطابق عدد بسم الله است از هر حرفی مفاهیمی میشود استخراج کرد و معانیی ازحروف گرفت مثل لفظ با (ب) که معیّت و استعانت و تعدّی و وورا دارد چنانکه گذشت و جیم اشاره بجود و جاه و جلب و جمال و جلال و جبر و غیره است و دال دلیل و دین و دزد و درهم و دینار و درمان و داد و دام می‌باشد و ها جمعیّت و هوس و هوش و هنر را میرساند و تا آخر حروف که هر یک بر اموری دلالت دارد چنانکه در حروف ابجد ذکر شد.

آشنائی با جدول هرگاه خواهی اسمیرا از جدول بیرون آوری بدرجه حرف بنگر وآنرا از خانه و سطر وصفحه و جزو بجو مثل عالم (خ۱۶ ـ ۱ ص۱۲ ج۱۳) بعربی و بفارسی رفتن (خ۲۰ ـ ۱۷ ص۲۲ ج۱۴) و مسیو (۱۳ ـ ۱۵ ص۱۰ ج۶) می‌باشد و بهر زبان چنین است.

جدول اُسُوّس و نظائر

اساس نظیره اهطمی نظیره اساس ابجدی نظیره اساس ابتثی نظیره اساس ارغیبی

ا	ب	ج	د	ا	س	ح	ت		ا	ض	د	ک	ا	ص	ت	ن
ه	و	ز	ح	ب	ع	ط	ث		ب	ط	ذ	ل	ر	ل	س	و
ط	ی	ک	ل	ج	ف	ی	خ		ت	ظ	ر	م	غ	ح	ق	ظ
م	ن	س	ع	د	ص	ک	ذ		ث	ع	ز	ن	ی	ث	ث	د
ف	ص	ق	ر	ه	ق	ل	ض		ج	غ	س	و	ب	م	ش	ذ
ش	ت	ث	خ	و	ر	م	ظ		ح	ف	ش	ه	ذ	خ	ک	ع
ذ	ض	ظ	غ	ز	ش	ن	غ		خ	ق	ص	ی	ف	ط	ج	ه

از سمت راست، اول و سوم اساس اهطمی و دوم و چهارم نظیره بعد مانند آن ابجدی است و در جدول چپ از راست اول و سوم اساس ابتثی و دوم و چهارم نظیره بعد مانند آن هم ارغیبی است.

اقالیم و بیوتات جفر

علماء جفر عبارتی دارند که بکار میبرند جفر را عالم کرسی دانند که ۲۸ اقلیم دارد و هر اقلیمی ۲۸ بلد و هر بلدی ۲۸ محله و هر محله ۲۸ خانه از ضرب ۲۸ اقلیم در ۲۸ بلد (۲۸×۲۸=۷۸۴) ضـرب در ۲۸ مـحله (۲۱۹۵۲ = ۷۸۴ × ۲۸) ضـرب در ۲۸ خـانه (۲۱۹۵۲×۲۸=۶۱۴۶۵۶) گویند درهر فلکی مانند آن عالمیـت زیرا هر چه در عالم عُلوی باشد

در عالم سُفلی وجود دارد.

حروف ابجدی بعضی حروفرا بتکسیر کبیر ضرب کرده‌اند و آنرا با امام صادق نسبت می‌دهند بر طریق هجائیه (اب ت ث تا ی) ابتثی که با اضافه‌ی لا ۲۹ میشود برخی بتکسیر صغیر از قرشت تا ابجد و پاره‌ئی بمتوسط که مدار اکثر امور است

صفحات و جزوات جفر

بعضی گفته‌اند جفر بعدد ابجدی ۲۸ جزو است هر جزوی ۲۸ صفحه و هر صفحه ۲۸ سطر و هر سطری ۲۸ خانه و درهر خانه چهار حرف که حرف اول نشان خانه و دوم نشان سطر و سوم نشان صفحه و چهارم نشان جزو است در جامع و چهار الف باینصورت (اااا) جلوه گر است الف اول نشان خانه و دوم سطر و سوم نشان صفحه و چهارم نشان جزو است و چهار الف بر اولیت آنچهار دلالت دارد و خانه دوم یک با دارد و سه الف (ب ااا) و سه الف دلیل سطر اول صفحه اول جزو اولند و خانه‌ی سوم یک جیم و سه الف دارد (ج ااا) و خانه چهارم یک دال و سه الف تا خانه ۲۸ یک غین و سه الف دارد (غ ااا) (و غینرا خانه هزارم به عدد و هزار و شصتم بلفظ می‌شود بشمار آورد و اینراه بطرز جفر جامعست.

نشان خانه و صفحه و سطر

خانهٔ اول با سطر دوم و صفحه اول و جزو اول (اب اا) چنین است و با سطر سیم (اج اا) چنین تا سطر بیست و هشتم (اغ اا) چنین خانه اول با سطر اول با صفحه دوم (ااب ا) و سوم (اا ج ا) و چهارم (اا د ا) تا صفحه بیست و هشتم (اا غ ا) از اینقرار است.

خانهٔ اول با جزو دوم (۱۱۱ ب) و جزو سوم (۱۱۱ ج) و جزو چهارم (۱۱۱د) تا جزو بیست و هشتم (۱۱۱غ) از اینقرار است.

خانه دوم باسطر دوم صفحهٔ اول و جزو اول (ب ب ۱۱) چنین است و با سطر سوم و صفحهٔ اول و جزو اول چنین است (ب ج ۱۱) و با سطر چهارم (ب د ۱۱) چنین تا سطر بیست و هشتم (ب غ ۱۱) چنین است. **خلاصه** آنکه در خانهٔ اول جفر جامع چهار الف (۱۱۱۱) و در خانه آخر آن چهار غین (غ غ غ غ) می‌باشد که بر خانه آخر و سطر آخر و صفحه آخر و جزو آخر دلیلست غین اول نشان خانه بیست و هشت و غین دوم نشان سطر بیست و هشت و غین سوم نشان صفحهٔ بیست و هشت و غین چهارم نشان جزو بیست و هشت است و احوال خیر و شر و اسامی اشیاء هر چه هست در هر زمان در آن خانه‌ها یافت می‌شود حاصل ضرب آنها از این قرار است.

۲۴۵۸۶۲۴ = ۴ × ۶۱۴۶۵۶ = ۲۸ × ۲۱۹۵۲ = ۲۸ × ۴۸۴ = ۲۸ × ۲۸

حرف خانه سطر صفحه جزو

این در صورتیستکه در هر خانه چهار حرف آوریم وگرنه باید بیست و هشت جرف جاگیرد

acrshop

پس چنین حاصل می‌شود ۱۷۲۱۰۳۶۸ = ۲۸ × ۶۱۴۶۵۶

درجات حروف

هرگاه بخواهیم اسمیرا بهر زبان از جدول دوائر ازخانه و سطر و صفحه و جزو بیرون آوریم بدرجات حروف می‌نگریم از ۲۸ درجه حروف آن اسمرا از خانه‌ها و سطور و صفحات و جزوات استخراج می‌کنیم مثل عالم بعربی عیش در خانه ۱۶ والفش درسطر یک و لامش در صفحه ۱۲ و میم درصفحه ۱۳ می‌باشد و دانا به فارسی در خانه ۴ سطر ۱ صفحه ۱۴ جزو یک می‌باشد

الفاظ و اسماء بیش از چهار حرفی

الفاظ پنج حرفی و بیشتر را با اشتراک خانه و سطر و صفحه و جزو باید جست مثلا در کلمه بایستی شش حرفی از خانه ۲ سطر ۱ صفحهٔ ۱۰ جزو ۱۵ و خانه ۲۲ و سطر ۱۰ بیابی و تمام اسماء اشیاء عالم و الفاظ در آنست.

إدْخالِ مطالب در خانه جفر

اگر خواهی اسم سه حرفی (احَدَ) و چهار حرفی (واحَد) را داخل جدول جفر کنی اسمرا در اول چهار حرفِ ابجد خانهٔ اول بترتیب بنویس و چهار حرفیرا دو حرف در اول خانه بترتیب بنویس و صفحه را تمام کن و اسم پنج حرفی و ششحرفیرا (معبود) در خانه اول و دوم و حروف مضاعف (محمّد) تکرار نمی‌شود مثال سه حرفی مثل علی

ع ا ه / ع ا ب / ع ا ج / ع ا د / ع ا ه / ع ا و / ع ا ز / ع ا ح / ع ا ط / ع ا ی / ع ا ک / ع ا ل /
ع ا م / ع ا ن / ع ا س / ع ا ع / ع ا ف / ع ا ص / ع ا ق / ع ا ر / ع ا **ش** / ع ا ت / تا ع ا غ

مثال چهار حرفی حکیم چنین است ح ک اا / ح ک ا ب / ح ک ا ج / ح ک ا د / ح ک ا ه / ح ک ا و / ح ک ا ز / ح ک ا ح / ح ک ا ط / ح ک ا ی تا / ح ک ا غ

مثال پنج حرفی ح ک اا م / ح م ا ج م / ح م ا د م / ح م ا ه م / ح م ا و م / ح م ا ز م / ح م ا ح م / ح م ا ط م / ح م ا ی م / ح م ا ک م / خ م ا ل م / ح م ا م تام / ح م ا غ

مطالبیکه زائد بر پنج حرفست تا آخر بنویس مثل **فَاللّهُ خَیرٌحافِظاً وَ هُوَ اَرحَمُ الرّاحِمینَ** که بیست و هشت حرفست اینجور نوشته می‌شود

ف ااا، ااب، ل‌اج ل ا د، ه اا ه، خ او، ی از، راح، ح اط، ااای، ف اا ک
ظ ال، اام، وان، ه اس، واع، ااف، رااص، ح اق، مار ، ااش، رات، راث، ااخ، ح اذ، مااض، ی اظ، ن اغ، جهت حفاظت حصار و دژ محکم است

راهِ إسْتِخْراج

نوید غیبی سحرگاه چنین گفت هرگاه خواهی براحوال خیر وشر خود یا غیر خبری یابی از هر

خانه و سطر و صفحه جفر جامع که نام آنشخص آید از حرف اول تا آخر آنخانه و سطر و صفحه هر چند خانه از ۷۸۴ باشد باو تعلق دارد ماقبل اسم حال گذشته و درون اسم حال کنونی و بعد ازاسم تا خانه آخر آینده اوست. باید حروف خانه‌های اشغالیرا بابسط، بیّنات گیرد و عدد آنرا حاصل اعداد را استنطاق کند و بدایره تکسیر برده و از صدر موخّر مطلب گیرد بفضل حقتعالی در آخر تکسیر چه منصوب و چه مقلوب عباراتی بنظم یا نثر در آید که مشعرا حوال باشد تا مستنبط کی باشد؟ و اگر در اسمی حرف اول الف یا حرف آخر غین (مثل احمد و بالغ) باشد از دایره ابتثی معکوس بکار برد که غین یک و الف هزار است و این استنباط حد و حصر ندارد و از تمام دوائر در طول و عرض و مداخل و تکاسیر می تواند بهره گیرد.

توضیح مثال میآوریم اگر حالات جعفر را بخواهی جیم در خانه ۳ و عین در سطر ۱۶ و فا در صفحه ۱۷ ورا در جرف ۲۰ قرار گرفته پس ما قبل جیم دو حرف، گذشته، و داخل میم تا حرف یست، حال حاضر و مابعد آن، تا غیر حال آینده است پس هر یک از قبل اسم و داخل آن و بعد ازآن حروفش تقطیع و تکسیر و صدر مؤخر شود مبین مطلبست و می تواند طولی و عرضی را با هم جمع کند و این اعظم قواعد است.

مثال دیگر در مثل حسین (بجفر کبیر) در جزو ۸ سطر ۱۵ صفحهٔ ۱۰ خانه ۱۴ وارد شده از خانه ۸ شروع در طولی سطر تا پائین آید پس خانهٔ اسم حسین را طالع گیرد خانهٔ زیر آنرا مال و معاش تا خانه ۱۲ زیر ۱۱ پس از خانهٔ طالع ۱۴) بقاعدهٔ تنجیم باید بداند در هر خانهٔ از آن دوازده خانه چار حرفیکه نوشته بحساب ابجدی چند است ۱۲، ۱۲ طرح کند هر چه ماند به بیند به کدام منسوبست و آن برج خانه کدام کوکب است و بچه کس و چه چیز تعلق دارد پس از آنها حکم کند مثل (ح س ی ن) خانهٔ اول ۱۲۸ حرف بعد از طرح باقی ماند ۸ (برج عقربست) اَللّهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ اَنَّهُ ما اُصْبِحُ وَاُمْسی بی مِن نِعْمَةٍ اَوْعافِیَةٍ فی دینٍ اَوْ دُنیا فَمِنکَ وَحْدَکَ لاشَریکَ لَکَ لَکَ اَلْحَمْدُ وَ لَکَ الشُّکْرُ بِها عَلَیَّ حَتّی تَرْضی وَ بَعْدَ الرِّضا ارسال هاتف ۷۲ مرة من لیل

بکسترق ۲ کشربق ۲ بلیتق ۲ بلهوشق ۲ نوکل ۲ بیهوش وانزل علی کذا وکذا واضربوه بحرابکم وسیوفکم ولا تدعوه ینام من العشاء إلی الصباح واعبروا علیه فی صفتی ومثلی بحق الملک بیطروش یا ه ۲ العجل الساعة

acrshop

لوح تعداد حروف بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیم ۷۸۶

این صفحه از جفر جامع است که دارای اسم اعظم و حقایق معظم می‌باشد و به توفیقات الهی و الهامات او بقلم سیّد محمّدتقی مقدّم، روز ولادت باسعادت امام یازدهم امام حسن عسکری علیه‌السلام (هشتم ع۲ سنهٔ ۱۴۲۲ = ۸۰/۴/۱۰) منظّم و به ما هدیه رسیده است و هرکس با شرائط پرکند و با خود دارد، انشاءالله بمقاصد میرسد

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ لا
ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ
ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض
د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ
ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ
و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث
ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت
ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش
ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق
ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص
ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف
م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع
ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن
ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م
ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل
ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی
ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط
ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط	ح
ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز
ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و
خ	ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه
ذ	ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه	د
ض	ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج
ظ	غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب
لاغ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا

لاحضار یقرأ فی لیل ۱۲۹۷ مرة بخور فقط کزبرة خطرناک

شَهِلٌ طَهِطٌ کِیلِیهِشٌ کِیهِیمٌ ناما احضر یا خدام هذه الاسمآء

اصراف آخر سوره جمعه

صفحهٔ از جفر جامع

۷۸۶ـ بسم اللّه الرَّحمٰن الرَّحیم الحمد للّه ربّ العالمین، این صفحه یکی از جداویل جفر جامع است که از هر خانهٔ آن به عالمهای معنوی راهگشاست و هر بیست و هشت خط آن دارای اسم اعظم بسم اللّه الرَّحمٰن الرَّحیم ۷۸۶ می‌باشد و بنده سیّد محمّدتقی مقدّم با شدّت بیماری قلب آن را با توفیقات حقتعالی و الهامات غیبی او تنظیم و در اختیار دوستان آل عصمت و محبّان علی و اولاد طاهرین او علیهم‌السلام نهادم و نباید بدست نااهل رسد و نسخه‌برداری نامشروع ولی با شرایط پر کردن با مشک و زعفران در ساعت سعد در حلال بیمانع است. تقدیم به پیشگاه حضرت بقیّةاللّه الاعظم عجّل اللّه تعالی فرجه

نمونهٔ جفر امام صادق علیه‌السلام

در شمس المعارف احمد بونی صفحهٔ ۳۴۲، جفری به نام حضرت صادق علیه‌السلام به این صورت آورده: **بسم ال ل ه الرحمن الرحی م شعیب، یسع شیث حزقیل قابیل طوس دیساط نابلس طرابلس طرسوس حلب حمص دمشق تفارقا احر مواد محمد احمد موسی الیاس یوسف محمد المهدی الملک المبین الله وکیل موسی بلقیس سلیمان جلیل نجم قایض المص کیهعص طهحم مستحمص ن و القلم و ما یسطرون مراد انتح منه محمد عثمان صالح و طالح الامر لله یعطی النصر لمن یشاء اذ قال ربّک للملائکة انّی جاعلٌ فی الارض خلیفة یا داود انّا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین النّاس بالحقّ، الامر کله لله یعزّ من یشاء و یذلّ من یشاء و هو حسبی و کفی.**

و در صفحهٔ ۳ حضرت جفر را تعریف کرده‌اند.

جدول جفر امام صادق علیه‌السلام

این هم یک صورت است که بونی در صفحهٔ ۳۴۳ آورده و به امام صادق علیه‌السلام منسوب نموده و بدین قرار است: حروف ابجد را وضع کن؛ ابجد، هوّز حطّی کلمن سعفص قرشت ثخّذ ضظغ لا، بیست و هشت حرف، هر حرفی در ۲۸ صفحه و هر صفحهٔ ۲۸ سطر و هر سطری ۲۸ خانه و هر خانه ۲۸ حرف و حرف اول را حفظ می‌کنی و دوم برای صفحهٔ دومی و السطر الرابع مرتبة البیت فیکون مکتوب فی البیت من الکتا اربع الفات و فی الاخیر اربع غینات علی وضع یحصل منه اربع مرات فی کل ضلع من الاضلاع طولاً و عرضاً و مجموع صفحات الجفر سبعمائة و اربعة و ثمانون صفحه و عدد سطوره ۳۱۹۵۲ و عدد بیوته ۲۱۴۵۶ و

acrshop

عدد حروفه الحاصله فی جمیع الصفحات ۲۱۴۵۶۳۴ و الشیئ المقصود بالاشارة ان کان رباعیاً مسطوراً بعینه فاالضابط فی الاشارة تعین له احاطة علی المراتب الاربع فتدبر فهو عظیم الشأن، و این جدول است که از آن اسماء ملوک معلوم می‌شود:

حروف	صفحه	سطر	بیت
احمد	امام	جعفر	دانیال
هود	ولید	زید	حسن
طاهر	یونس	کعب	لؤی
محمد	نوح	سلیم	علی
فهد	صالح	قاسم	ربیع
شاهین	یلمه	ثابت	خالد
ذوالنون	ضبع	طاهر	غانم

خبرهای خراب شدن دنیا

ش ف ۳۴۱) از حذیفه روایت شده که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ صاحب فتنه‌ای را تا انتهای انقضای دنیا وانگذارد و آنها بیش از سیصد بود و برای ما همه را به نام او و نام پدرش و قبیله‌اش نام برده و هر صاحب لشگری را تا بر پا شدن ساعت وانگذارد جز اینکه نام او و پدرش و وابستگانش را فرمود.

وَاَمّا سَبَبِ خرابی دنیا خرابی کوه‌ها را به باد وزنده و خرابی مدینه به جامعه‌ها، و خرابی بلخ به آب گرفتن، و خرابی ترمد بطاعون و خرابی مرو به رمل (شنهای نرم) و خرابی یمن به ملخ و خرابی سمرقند به شمشیر (اسلحه) و بنی قیطور، و خرابی فارس به قحطی، و خرابی مصر به نیل، و خرابی اندلس به شمشیر (اسلحه) و درسنهٔ ظف (۹۸۲ سنه) روم را می‌گیرند سپس آنها را صاحب الزمان م ح م د المهدی (عجّل الله تعالی فرجه) می‌گیرد پس خداوند رومة المدائن را با قسطنطنیه به دست محمد القائم (علیه السلام) باز خواهد کرد، خداوند متعال امر خواهد کرد.

وَ اِذا خَرَجَ هٰذَا الاِمامُ تَکوُنُ الْاَرْضُ مُلِئَتْ جَوراً وَ ظُلماً وَ بِقَدْرِهِ تَمْلأُ عَدْلًا وَ لَو بَقِیَ مِنَ الدُّنْیا یَوْمٌ واحِدٌ لابُدَّ اَنْ یَحْکُمَها وَلَدُ فاطِمَةِ المُسَمّیٰ بِصاحِبِ الزَّمانِ وَ هُوَ المَهدِی وَ اِسْمُهُ مُحَمَّدٌ یَقْسِمُ المالَ بِالسَّوِیَّةِ وَ یَعْدِلُ فِی الرَّعِیَّةِ وَ یَفْصِلُ فِی القَضِیَّةِ وَ یَفْتَحُ المَدائِنَ الرُّومِیَّةَ وَ تَحْتَ طاعَتِهِ سَبْعُونَ اَلفاً

مِن وُلْدِ اِسماعیل وَ اِسحاقَ وَ تَرْفَعُ المَذاهِب وَ یَبْقی صاحِبُ کَشْفٍ وَ شُهُودٍ وَ یَنالَ البَقِیَّةَ الَّتی فِی الصَّنْدُوقِ مِنَ نَهرِ الْاُرْدُن الَّتی وَضَعَها عُلَماءُ التَّحقیق.

و زمانی که خروج کند این امام زمین پر از جور و ظلم شده و به قدرت او پر از عدل شود و اگر از دنیا روزی نماند ناگزیر است اینکه آن را فرزند فاطمه حاکم شود، آنکه به صاحب الزمان نامیده شده و او المهدی است و اسم او م ح م د باشد مال را بین مردم برابر تقسیم می‌کند و در رعیت عدالت نماید و قضایا را فیصله دهد و شهرهای رومیه را بگشاید، و هفتاد هزار از فرزندان اسماعیل و اسحق زیر فرمانش باشند و مذاهب را (جز مذهب جعفری) بردارد و صاحب کشف و شهود را باقی گذارد و بگیرد آنچه در صندوقها است از نهر اردن، آنچه را که علماء تحقیق وضع کرده‌اند.

نزول عیسی (علیه السلام)

سپس عیسیٰ از منارهٔ درخشندهٔ شرق دمشق فرود آید و مردم وقت عصر بسوی دمشق آیند و صاحب الامر با مردم نماز بخواند (و عیسی به او اقتداء کند) پس (امام زمان) امر کند صلیب‌ها را بشکنند و خنزیر را با هرکس آن را در آنزمان بخورد بکشند و سفیانی کشته شود در نزد درخت به غوطه دمشق و اصل آن از دهی امت از ده‌های آن و با صلاح و فلاح ظاهر شود و دجال خروج کند و خروج او از طبرستان از مشرق باشد و به اصفهان آید و او را هزار طیلسان پوش از یهودها پیروی کنند و او مردی باشد کهل واعور (یکچشم) بین دو چشم او نوشته کافر، که هرکسی می‌خواند و چهل روز در زمین درنگ می‌کند روز اول آن مثل یکسال باشد و روز دوم مانند یک ماه و روز سوم یک جمعه (هفته) و باقی ایامش مثل همین ایام باشد.

تذکر: شرح دجال و سفیانی را در مصلح حقیقی جهان امام زمان مفصل می‌یابید.

مطالب طلسمات و اسم اعظم

ش ف ۴۲۵) در اینجا لازم دانستم جهت استکمال مطالب نکاتی وارد کنم، اول فوائد طلسم اعظم که در جلد دوم ختوم و اذکار صفحهٔ ۴۶۰ نوشته شده اینک دستور پر کردن و بهره بردن را بخوانید. خواص آن از شمار بیرون است، جهت دخول بر ملوک و امراء و مقامات و کارهای بزرگ باید آن را به مشک و زعفران و

acrshop

کافور در پارچهٔ حریر سفید نوشت و بخور دهد و اسماء اعظم را در خلوت بخواند و پر کند و با خود دارد پس هرکس به او بنگرد خداوند محبت او را در قلوب خلق اندازد و اگر بر پوست آهو نویسد بهتر و زن حامله با خود دارد به آسانی وضع حمل کند و بر جن زده آویزند، شفا یابد. روز شنبه پر کند و حضرت عیسی علیه‌السلام با آن به اذن خدا مرده زنده می‌کرد.

دستور لازم، در خلوت با طهارت و قلب پاک دو رکعت نماز حاجت بجا آورد و بعد از بسم‌الله و الحمد و آیة الکرسی و شهدالله و قل اللّهمّ ۷۸۶ یاالله گوید و در وقت نوشتن مشغول ذکر باشد و اگر موکلین را احضار کند باید ۷۰ روز در خلوت بعد از نمازها ۶۶ بار یاالله بگوید و این را خلوت صمدانیه گوید پس انجام شرائط بخواند:

بسمِ الله الرَّحمٰن الرَّحیمِ اللّهمّ اِنّی اَسئلُکَ بِما سَئلَکَ جبرئیل عند عرشک العظیم ان تسخر لی ملائکة الکرام خدام هذه الاسماء اللّهمّ سخّر لی کسفیائیل و دردیائیل و شمخیائیل... اجیبوا ایّها الملوک و الرؤساء و اعینونی علی قضاء حوائجی بحقّ ما تعلمون من عظیم سرّ الله و بحقِّ هذا الاسم العظیم الاعظم الله الله الله بعلمك و قدرتك علی الخلایق و باسمك العظیم الکبیر المتعال الله الله الله الاسم الذی فضلته علی سائر الاسماء اسئلك اَنْ تُسَخِّرَ هٰذِهِ الْاَرْوٰاحَ وَ اَنْ یَأْتُونی فی نَوْمی اَوْ یَقْظَتی اِنَّكَ عَلیٰ کُلِّ شَیْئٍ قَدیرٌ و جمله‌اش ۴۳۹۶ بار است، چون تمام شود ملکی بخواب آید کهیائیل حاجت را می‌گوئی و اگر آن را در لوحی بعدد در آوری برای برآمدن حاجات مفید است ولی باید حوائج شرعی و مهم باشد

۷۸۶

۱۶	۱۹	۲۲	۹
۲۱	۱۰	۱۵	۲۰
۱۱	۲۴	۱۷	۱۴
۱۸	۱۳	۱۲	۲۳

دستور پر کردن طلسم اعظم

ش ف ۴۲۵) جهت دخول بر سلاطین و مقامات در ضرورت طلسم اسم اعظم را (در جلد دوم ختوم و اذکار ص ۴۶۰) به مشک و زعفران در پارچهٔ حریر سفید نویسد و با خود دارد؛ پس هرکس به او بنگرد با هیبت باشد و خداوند محبت او را در قلوب خلق اندازد و اگر بر جن‌زده آویزد شفا یاد و حضرت عیسی علیه‌السلام با آن به اذن خدا مرده زنده می‌کرد و اگر بر جام شیشه با زعفران نویسد هر بیماری بنوشد شفا یابد؛ و هزار صلوات برای والدین مؤلّف شرط اثر آنست.

و جهتِ محبت و عقد اللسان این مثلث را در ساعت سعد در انگشتر نقره روز دوشنبه بعد از دو رکعت نماز و گفتن عدد کبیر الله ۴۳۹۶ نقش کند و الحمد و آیةالکرسی و شهدالله و قل اللّهمّ را با دعای احتجاب در جلد اول ختوم صفحهٔ ۴۴۶ بخواند بدست کند محبوب القلوب شود نقش جلاله و مثلث این است

۷۸۶

۲۱	۲۶	۱۹
۳۰	۲۲	۲۴
۲۵	۱۸	۲۳

عظمت بسم‌الله

رحمن مشتق از رحمت است هر کسی بآن محتاج است و آن نام بزرگ حقتعالی است که در دنیا با بندگان برحمت رفتار می‌کند و کاشف بخشندگی ذات غنی است در عالم امر چنانکه در عالم ازل ظاهر شد پس در بسم الله اسم اعظم است چون نازل شد آسمانها بحرکت درآمد و زمین‌ها لرزید و ملائکه بر تسبیح افزودند و آن بر جبهه اسرافیل و جبهه آدم نوشته بود و بر بال جبریل و بر کف عزرائیل نوشته و بر عصای موسی و زبان عیسی و خاتم سلیمان و زمانیکه مریضی به عدد آن نوزده بار بخواند شفا یابد و پنجاه بار برای برآمدن حاجت بخواند برآورد و وقت پر کردن باید بذکر مشغول و قلبش متوجه معبود باشد.

فوائد طلسم الرحیم

ش ف ۴۲۹) خیر دنیا و آخرت در بسم‌الله الرحمن الرحیم است که اول بر آدم نازل شد بعد بر ادریس بعد بر سلیمان علیهم السلام و خداوند ملک و نبوت را به رسول خود عطا نموده لذا می خواند **اَللّٰهُمَّ یٰا فٰارِجَ الْهَمِّ وَ یٰا کٰاشِفَ الْغَمِّ یٰا مُجیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّینَ یٰا رَحْمٰنَ الدُّنْیٰا وَ الْاٰخِرَةِ وَ رَحیمَهُمٰا اِرْحَمْنی بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِکَ تُغْنینی بِهٰا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوٰاکَ**، جهت اداء قرض و برآمدن حاجات و دفع بلیات مداومت شود و اگر آنرا در نقره نقش کند با خود دارد اثرات زیادی به بیند این ذکر را در وقت نقش بخواند بعد از نماز در خلوت و ساعت معین به بسمله **اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الرَّحیمُ عَلَی الْمَخْلُوقٰاتِ وَ کٰاشِفَ سِرِّ الْمَوْجُودٰاتِ وَ اَنْتَ الرَّحْمٰنُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُسَخِّرَ لی عَبْدَکَ جَرْیٰالَ یَقْضی حٰاجَتی وَ مٰا اُریدُ اِلٰهی اَسْئَلُکَ الْکَشْفَ عَلیٰ وُجُودی وَ نَیْلَ مَقْصُودی**... (ش ف ۴۳۰) یا قریب یا ودود یا رحیم هر کس باین دعا و ذکر بخواند هر چه بخواهد حقتعالی عطا کند.

acrshop

۷۸۶

الر	ح	م	ن
۵۱	۳۹	۳۹	۹۹
۱۰	۲۰۲	۲۸	۱۸
۳۷	۴۹	۲۰۱	۱۱

در وسعت رزق بکار می‌رود

۷۸۶

الر	ح	ی	م
۸	۲۰۰	۴۰	۱۰
۱۰	۴۰	۲۰۰	۸
۴۰	۱۰	۸	۲۰۰

در محبت بکار می‌رود

طلسم فتح و پیروزی

چهارده اسم‌اند در اوائل سور که از اسماء اعظم الهی می‌باشند و هر کدام خواصی و فوائدی جداگانه ناشمار دارند و حروفات از آن حروف نورانی است هر کسی آنها در مربع و صحیفهٔ در شرف شمس یا خانه شمس پر کند و با خود دارد نامش بلند و مقامش رفیع و قدرش زیاد و سینه‌اش باز و خواسته‌های او برآورده شود و هر کسی آنها را ۷۷ بار بخواند و ۶۱۲ صلوات بفرستد هر چه از خداوند خواهد باو عطا می‌کند انشاءالله و طلسم این است.

الله	لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن	حی	سلام	طیب	قیوم	نور	هادی
لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن	حی	سلام	طیب	قیوم	نور	هادی	الله
ملک	مالک	کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن	حی	سلام	طیب	قیوم	نور	هادی	الله	لطیف
مالک	کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن	حی	سلام	طیب	قیوم	نور	هادی	الله	لطیف	ملک
کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن	حی	سلام	طیب	قیوم	نور	هادی	الله	لطیف	ملک	مالک
هادی	علیم	میسر	رحمن	حی	سلام	طیب	قیوم	نور	هادی	الله	لطیف	ملک	مالک	کافی
علیم	میسر	رحمن	حی	سلام	طیب	قیوم	نور	هادی	الله	لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی
میسر	رحمن	حی	سلام	طیب	قیوم	نور	هادی	الله	لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی	علیم
رحمن	حی	سلام	طیب	قیوم	نور	هادی	الله	لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی	علیم	میسر
حی	سلام	طیب	قیوم	نور	هادی	الله	لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن
سلام	طیب	قیوم	نور	هادی	الله	لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن	حیّ
طیب	قیوم	نور	هادی	الله	لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن	حیّ	سلام
قیوم	نور	هادی	الله	لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن	حیّ	سلام	طیّب
نور	هادی	الله	لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن	حیّ	سلام	طیّب	قیوم
هادی	الله	لطیف	ملک	مالک	کافی	هادی	علیم	میسر	رحمن	حیّ	سلام	طیّب	قیوم	نور

طلسم اَحَدیّت برای حوائج

ف ۱۸۷) در شأن این اسماء جلیله شرح زیادی آمد و آنها: الله احد واحد جواد وهاب حی موجد دائم ولی مجیب ودود اول هادی، می‌باشند آنها را باید در مربعی نهاد و سوره اخلاص را در باطن مربع ودیعه کرد و با خودش حمل کرد و از عجائب صنع خدای تعالی خواهد دید آنچه بحصر نیاید زیرا هر اسمی از این اسماء بحامل خود قوتی از حیاة قلب بروح معارف می‌دهد و لطائف توحید بخشد و زمانیکه صاحب آن ملازم ذکر آنها صادقانه شود خداوند رزق و باطن و ظاهر باو دهد و از خداوند متعال چیزی نطلبد مگر اینکه باو بخشد و آن از اعظم اذکار است در فائده و اگر ملوک با خود دارند بر خصم ظفر یابند و هر کس آنها صد بار بقصد هلاک ظالم بخواند بسوی او اشاره کنند خداوند متعال آن جبار را هلاک کند و هر کس آنرا در کاغذی روز جمعه رو بقبله با طهارت و ذکر بعد از دو رکعت نماز نقش کند و بر سر خود (در کلاه‌خود) نهد خداوند متعال به او هیبت و عزّت و وقار دهد و هرکس او را به بیند او را دوست بدارد و بزرگ شمارد و شرح صدر یابد والله یقول الحق و یهدی السبیل و طلسم اینست:

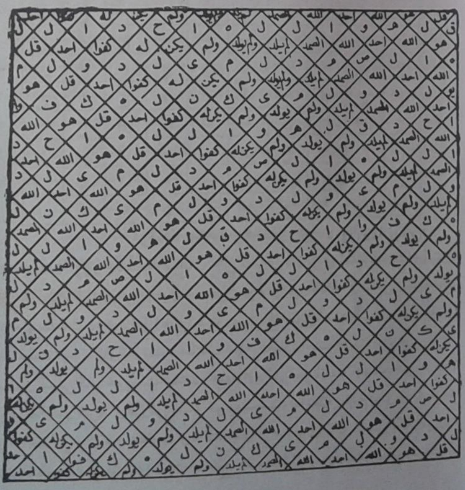

acrshop

طلسم مغناطیس اکبر

ش ف ۲۰۷) در اثر است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ذریهٔ او علیهم السلام در مخاوف از کهیعص حمعسق استفاده می‌کردند از بلا ایمن می‌شدند و علی علیه السلام در شدائد می‌خواند و می‌فرمود هرکس از شما به این اسم خدا را بخواند جز اینکه برایش مستجاب می‌شود و حاجتش روا می‌گردد: **اللّهمّ یاکهیعص و یا حمعسق اغفر لی وارحمنی** و هرکس بین آندو را در وفقی در شرف قمر در نقره جمع کند از منافع خواهد دید از آنچه وصفش عاجز است و آن در سرعت اجابت و قضاء حاجت سر بدیعی دارد زیرا آن مغناطیس اکبر و کبریت احمر است و وقت پر کردن بخواند بِسْمِ اللّهِ الرحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّهُمَّ انّی اسئلك بکهیعص حمعسق ان تکفینی کل عظیم و ان تصرف عنی کل شرّ وووو یا رب العالمین

ک	ه	ی	ع	ص	ح	م	ع	س	ق
ه	ی	ع	ص	ح	م	ع	س	ق	ک
ی	ع	ص	ح	م	ع	س	ق	ک	ه
ع	ص	ح	م	ع	س	ق	ک	ه	ی
ص	ح	م	ع	س	ق	ک	ه	ی	ع
ح	م	ع	س	ق	ک	ه	ی	ع	ص
م	ع	س	ق	ک	ه	ی	ع	ص	ح
ع	س	ق	ک	ه	ی	ع	ص	ح	م
س	ق	ک	ه	ی	ع	ص	ح	م	ع
ق	ک	ه	ی	ع	ص	ح	م	ع	س

اوقات سعد در شب و روز برای دعانویسی

شمس ف ۱۵) **روز یکشنبه** ساعت **اول** بعد از اذان برای شمس است جهت پر کردن طلسم محبت و قبول قول و دخول بر ملوک و حکام و لباس پوشیدن نو خوبست **ساعت دوم** برای زهره است مورد ملامت است درآن اموری. ابتدائی خوب نیست پس آغاز کار نشود **ساعت سوم** عطارد است جهت سفر و اصلاح و محبت و قبولی کار خوبست **ساعت چهارم** برای قمر است جهت خرید کالا تعریف ندارد و خرید و فروش ملک خوب نیست، **ساعت پنجم** برای زحل است و در آن جدائی و کینه و عداوت و مانند اینها از ضربه زدن به شمس بکار می‌رود **ساعت ششم** جهت مشتری است حوائج خود را از پروردگار بخواهید و از

بزرگان کار گرفتن است **ساعت هفتم** جهت مریخ است وهیچ‌کار انجام ندهد نه وصل ونه فصل **ساعت هشتم** برای شمس است تا **ساعت چهارده** بهمان منوال، **ساعت نهم** برای زهره است در آن برای جلب قلوب و عطف قلوب مردم و امثال آن نویسد و **ساعت دهم** برای عطارد است هرچه خواهی بدست آید ساعت نیکواست **ساعت یازدهم** برای قمراست در آن طلسمات و انگشتر و امثال آنها را پر کند نیکو است **ساعت دوازدهم** برای زحل است و آن نحیه است و چیزی پر نکند که زیان دارد، **والله اعلم.**

روز دوشنبه ساعت اول برای قمر است برای محبت و عقداللسان و جلب قلوب خوبست **ساعت دوم** برای زحل است برای سفر و حوائج خوبست **ساعت سوم** برای مشتری است برای تزویج و محاکمات و مکاتبات خوبست **ساعت چهارم** مریخ برای اعمال مداوا و امثال آنها است **ساعت پنجم** برای شمس است برای برآوردن حاجات و عقد زنان و جذب قلوب نافع است **ساعت ششم** برای زهره است جهت پر کردن طلسمات خوبست **ساعت هفتم** برای عطارد است جهت برآمدن حاجات و عقداللسان و جذب القلوب خوبست **ساعت هشتم** برای قمر است جهت ازدواج و صلح بین مردم نافعست **ساعت نهم** برای زحل است جهت کینه اندوزی و تفرقه و مانند آنها آمده **ساعت دهم** جهت مشتری است بسیار خوب است جهت هر کاری **ساعت یازدهم** برای مریخ در عداوت و کینه و خون ریزی بکار می‌رود **ساعت دوازدهم** برای شمس برای عقدبندی و مهربانی و مراوده خوبست بهمین قدر اکتفا شد و در جلد اول ختوم و اذکار اقیانوس فیض صفحهٔ ۴۲۲ ساعات خوب نوشته شد.

تذکر: با تصدق و دعا و توکل بر خداوند در هر ساعت، هرکار خوب را می‌شود انجام داد زیرا صدقه دفع بلا و دعا دفع بدیها است و توکل بر خداوند از همه بالاتر است **وَاللّهُ علىٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ.** لکل امر من الغروب تا دم صبح ۳۱ مرة با توکیل ... اهیا باع قاع سلطع ساسیم

صـ ۵۱

فتح جمیت در سوم عسل گرفته ۷ کا سه آب آن سر بریزد و
در هر کاسه ۱ بسم الله بگو

۸۱ ۱۱۱۱ ۱۱ ۳ ط ۱۹ ۸ ۸ ه ۸ ۱۱۱ ه ۹ ۲ ۴ ۱۱۱

۸ ح ا ط م ع م ط ۸ م م و لا ص ۱ ۳ ا ط ا ص ه ح ۸ ۱۱ ۱۱ ۱۱

۳ ح ح ح ۱ ط ۱ ر ح ح ح ح — توکلوا یا خدام هذه

نمونهٔ از علم ستاره شناسی

۱۸۴/۷) اَوَلَمْ یَنظُرُوا فِی مَلَکُوتِ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ

چرا در (عجائب) ملکوت آسمانها و زمین نمی‌نگرند. این کتاب از علم هیئت (از شموس و اقمار و کواکب) جهت کسب معرفت بحث دارد و منافع ستاره‌شناسی را بیان می‌کند.

بر جام مس بنویس با چوب

بشب بنگر بخلق آسمانها	ببین از نجم نورانی جهانها
بگردش اختران ناشمارند	یابی ره از آن بر کهکشانها

رمان هربار خواندی
صنم به بزن حرکت کرد

بقلم خادم اهلبیت دانشمند معظم
سیّد محمّدتقی مقدّم دامت برکاته

دستور بره برای هرکار جلب یا دفع صرع یا احضار یا ارسال
هاتف

مشهد مقدس: بازار بزرگ انتشارات مقدم ۲۲۵۸۳۲۳
۲۲۲۶۴۵۱

شابک ۸-۰۴-۶۱۶۴-۹۶۴

هلفتش ۲ مهلیقتش ۲ قشلمتش ۲ کشنطمتش ۲ بقلطش ۲ قتش ۲
مُهُر ۲ افیتش ۲ مقتش ۲ هارتش ۲ ماوکیش ۲ کشبج ۲ اجیب یا
میجوت و آمر بهاشیئت الوحا العجل الساعة ۲

صـ ۵۰

لوح توحید و تقدیس: باید با مشک و زعفران در ساعت سعد با شرائط پر شود

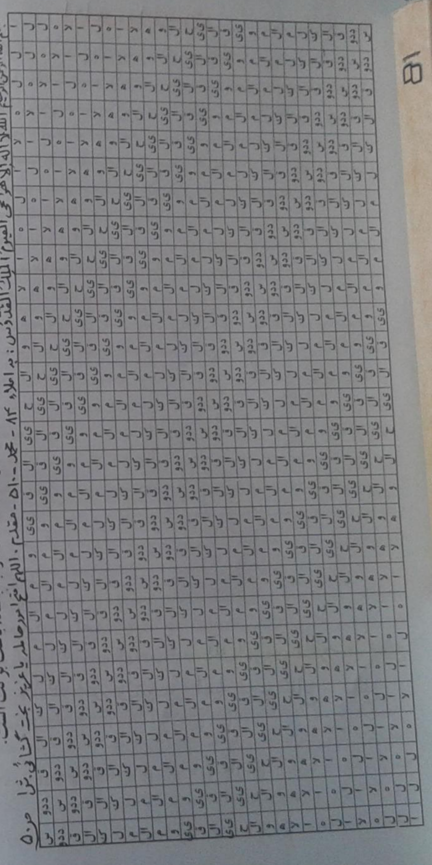

acrshop

مجرب ارسال هاتف ۱۰۰ مرة بدون بخور/ قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی اللهم یا
منزل الوحی علی قلوب انبیائك انزل خادم هذه/ الایة علی فم بن قمر
یفعل فیه کذا وکذا بحق بطد زهج واح وبسر کهیعص حمعسق
الوحا العجل الساعة

علت نوشتن اینکتاب را بخوانید تا بدانید

بر هر خردمندی روشن است که هیچ حاصلی از دانشگاه دنیا برای انسانها از معرفت پروردگار برتر و والاتر نیست و ارزش هر کسی بقدر معرفت اوست چنانکه معرفت خواجهٔ لولاک از همه بیشتر و قرب و مقامش نیز از همه‌ی خلایق نزد حقتعالی برتر و والاتر است و اصولا تشکیل جهان و خلقت انسان برای معرفت حضرت منانست و حقتعالی با ارسال رسل و انزال کتب و اتمام حجت اسباب معرفت را تکمیل و خود را با آیات، به متفکرین معرفی نموده و در آخرین کتابش فرموده (۵۳/۴۱) **سَنُرِیهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّیٰ یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ** (بزودی آیاتمانرا در بلندیها و در نفسهاشان بآنان مینمایانیم تا برایشان روشن شود که آن بدرستیکه حق است.

پس معرفت را در آسمان شناسی گردانید تا مردم از تفکر در آسمانها معرفت یابند و برای کسی در حق شکی نماند و از عظمت آسمان شناسی آنستکه حقتعالی حبیب خود را به معراج میبرد و آیات خود را باو مینمایاند و همچنین خلیلش ابراهیم را و باز از عظمت آیات آسمانی استکه حقتعالی به آسمانها و شمس و قمر و نجوم و شب و روز سوگند یاد نموده لذا جای تاسف است که مسلمین با سرمایه‌های علمی نسبت به هیئت از دیگران عقب بمانند و اجانب با هیئت عملی در فضا و کروات جای پا باز کنند علل آن یکی بی‌توجهی حکام و یکی اختلافات درونی و یکی پی بردن بعظمت کامل هیئت می‌باشد و حقیر با قلت مایهٔ علمی در این وادی و کثرت گرفتاری و ضربات مهلکهٔ جهان بیماری خواستم نمونهٔ از هیئت سخن گفته باشم و از علام الغیوب کمک میخواهم **هُوَ الْعَلِیمُ الْمُوَفِّقُ الْمُعِین** فروردین ۱۳۶۸ سید محمدتقی مقدم.

هیئت در دوازده بخش راه کسب علم هیئت ۲ تعریف علم هیئت ۳ اقسام علم هیئت ۴ منافع علم هیئت ۵ تعیین تاریخ‌ها ۶ کمیت برخی از اختران ۷ کیفیت اوضاع نجوم ۸ طبایع کواکب سبعه ۹ مدت سیر بروج در سال ۱۰ تعیین شرف شمس و قمر در عقرب ۱۱ عمل در ساعات کواکب ۱۲ علوم غریبه عقد الرجل عن الزواج

۱۱۱۱ ۹ ۴۷۷۷ ۴ ۱۱۱۱ ۳۴ ۵۵ ۳۱۱۷ ۴۱۱۱

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمٰاتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذِینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ (۲/۶) **وَ الصَّلٰوةُ وَ السَّلٰامُ عَلَی الْاَنْبِیٰاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ عَلٰی خٰاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ آلِهِ الطّٰاهِرِینَ الْمَعْصُومِینَ وَ عَلَی الشُّمُوسِ الطّٰالِعَةِ وَ الْاَقْمٰارِ الْمُنِیرَةِ وَ الْاَنْجُمِ الظّٰاهِرَةِ** بعد از سپاس ناشمار برای پروردگار و درود نامحدود بر احمد بختار و تحیت کامل بر اوصیاء ابرار باید گفت از همه‌ی سخنها بالاتر و از هر مقالهٔ والاتر گفتگوی معرفت پروردگار است که کاخ با شکوه جهانرا برای کسب محمالات انسان برپا نمود و آسمان با عظمت را بیکی از نام‌های خود برافراشت و آنرا به شموس و کواکب و نجوم و اقمار زینت داد و با بخشش خرد تاج تکریم بر سر بشر نهاد و سفرای خود را برای تعلیم حقایق بسوی انسانها گسیل داشت و حجیتهای خود را اختران زمین گردانید تا کسی در ظلمت جهل نماند و بهانهٔی برخلاق متعال نجوید و حضرت اقدس سبحانی افکار بشر را بآیات قدرت خود در آفاق و زمین توجه داده است

بخش اول: تفکر در هیئت

۱۹۰/۳) إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضِ وَ اخْتِلٰافِ اللَّیْلِ وَ النَّهٰارِ لَآیٰاتٍ لِأُولِی الْاَلْبٰابِ الَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللّٰهَ قِیٰامًا وَ قُعُودًا وَ عَلٰی جُنُوبِهِمْ وَ یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضِ رَبَّنٰا مٰا خَلَقْتَ هٰذٰا بٰاطِلًا.

همانا در پدیده‌های آسمانها و زمین و از پی درآمدن شب و روز هر آینه نشانها (قدرت قادر) است برای خردمندان آنانکه خدا را در حال ایستادن و نشستن و بر پهلوهاشان یاد میکنند و در آفریدن آسمانها و زمین می‌اندیشند گویند پروردگارا اینها را بیهوده نیافریدی) **رسولخدا** شبی سه بار از خواب برمیخواست وضو میگرفت و این آیاترا میخواند و امام ششم نیز هرگاه از خواب برمیخواست آنها را میخواند تا پیروانش بیاموزند و معرفت یابند. با چنین حال باید گفت چون آغاز دین معرفت پروردگار است و معرفت بدون تفکر برای کسی حاصل نمیشود بر هر انسانی لازمست در آیات الهی (از انفسی و ارضی و آسمانی) هماره اندیشه کند زیرا نخستین تکلیف هر مکلف معرفتست که از تفکر حاصل میشود و آن بالاترین عبادت و والاترین حالت هر خردمند است که در هر حال بیاد آفریننده‌ی خود باشد و در پدیده‌های آسمانها و زمین و نسبت خود بآنها اندیشه کند و این معرفت استکه انسانرا

acrshop

بفرمان برداری حق وادار و بر اقامه آن استوار میدارد و در آیهٔ دیگر گویا امر به تفکر آسمانها میشود

بانگ توحید از پدیده‌های آسمان

۱۸۴/۷) اَوَلَم یَنظُروا فی مَلَکوتِ السَّمٰواتِ وَ الاَرضِ (چرا در ملکوت آسمانها و زمین ننگریستند) باید در ملکوت آسمانها و زمین می‌نگریستند. این آیه مبارکه اشعار میدارد که بشر باید در وجود و نظام و صنعت آسمانها و زمین بنگرد و اندیشه کند کدام قدرت آنهاء را بوجود آورده و کدام قادر دانا آنها را منظم نموده و کدام صانع آنها را ساخته و کدام حی قدیر است که اختیار آنها را بدست گرفته.

لذا باید انسان با تدبر سر به آسمان نماید اندیشه کند اینهمه نجوم و کواکب نامعدود و در فضای نامحدود مانند هیئتی که اول و آخر ندارد پرچم توحید بدست همه در حرکات و کار خود لااله الاالله گویان شب و روز علی الدوام بدون مکث متحیرانه حق را میجویند وقتیکه انسان یک چنین هیئتی را در آسمان دید که در جوش و خروشند پس با آنان آشنا و هم عنان و هم صدا شده از سویدای دل میگویند. **رَبَّنا ما خَلَقتَ هٰذا باطِلاً سُبحانَکَ فَقِنا عَذابَ النّارِ**

پروردگار ما تو اینها را بیهوده نیافریدی منزهی تو پس ما را از عذاب آتش نگهدار مولفگوید به هشت باغ بهشت مراجعه ص ۱۲۱ سطر ۱۰ تا ۹ سطر صفحه بعد.

در عظمت تفکر در آیات آفاقی

وَلَولا اَنَّ لِاَهلی عَلَیَّ حَقٌّ وَ لِسائِرِ النّاسِ عَلَیَّ حُقوقٌ لَرَمَیتُ بِطَرفی اِلَی السَّماءِ وَ بِقَلبی اِلَی اللّٰهِ ثُمَّ لَم اَرُدَّهُما حَتّیٰ یَقضِیَ اللّٰهُ عَلیٰ نَفسی (حضرت سجاد علیه‌السلام گوید و اگر برای اهل من بر من حقی نبود و برای سایر مردم بر من حقوقی نبود هر آینه چشممرا بطرف آسمان میزد و با دلم بسوی خدا سپس آندو را بر نمیگردانیدم تا خدا بر نفسم حکم کند) یعنی همیشه متفکر آنها بودم.

زمخشری در ربیع الابرار آورده شبی حضرت سجاد علیه‌السلام دست در ظرف آن نمود تا وضو گیرد ناگاه سر بالا نمود شب ماهتاب بود بقدری در فکر عظمت آسمانها فرو رفت که دست او در ظرف باقی بود و سرش بالا تا وقتیکه موذن اذان صبح را گفت

امر به تفکر در مخلوقات

هر قدر اکتشافات علمی و اختراعات فنی و ابزارهای تلسکوپ و میکرسکوپ و سپکترسکوپ و امثال اینها زیادتر شود حقایق اسلام بهتر روشن می‌شود زیرا پیشوایان ما همه را خبر دادند.

روزی حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله بر صحابه وارد شد آنها را متفکر دید فرمود چه فکر میکنید گفتند در خالق فرمود در خلق فکر کنید نه در خالق زیرا فکر خلق بر خالق احاطه نمیکند فکر کنید در اینکه خدا هفت آسمان و هفت زمین آفریده که هر زمینی ۵۰۰ سال راه و ما بین آسمان و زمین و زیر هر آسمان و مابین هر دو آسمانی ۵۰۰ سال راهست و در آسمان هفتم دریائی است که عمق آن به اندازهٔ همه این مسافتها است و در آن دریا فرشتهٔ ایستاده که آب آندر یا از کعب پای او نمیگذرد ...

ابن خلکان در وفیات الاعیان در تعریف امام صادق گوید یکی از دوازده امام پیشوای مذهب امامیه از سادات اهلبیت بوده بعلت صدق قول بصادق ملقب و فضل و علمش بالاتر از ذکر است و او را در صنعت فیزیک و شیمی و غیره گفته‌هائی است و شاگرد وی ابوموسی جابربن حیان صوفی طرطوسی کتابی جمع کرده که دارای هزار صفحهٔ پانصد رسالهٔ امام صادقست ضمنا جای هیئت از نظر اسلام روشنشد که مقام والائی در علوم دارد بلکه چون محکم‌ترین راه استدلال به مبدء و معاد است در رأس علوم واقع میشود و لازمست گفته شود که چشم انبیاء و اولیاء غیر از چشم مردم عادی یا مسلح است بلکه آنان می‌بینند آنچه از دیدگان مردم غایب است و علم هیئت را میشود به پنج قسم بخش کرد.

عالمهای دیگر: از ابن‌عباس روایت شده که خدا را سیصد و ده و اندی عالم در پشت کوه قاف و پشت هفت دریا است که مردم آن عوالم یکچشم بر همزدنی خدا را نافرمانی نکرده‌اند و نه آدمرا شناخته‌اند و نه فرزندان او را و شمارهٔ مردم هر یک از آن عالمها بیش از سیصد و سیزده برابر آدم و فرزندان اوست (هیت ۴۴۷)

در آسمانها چه می‌بینید و از آنها چه فهمیدید

حقتعالی در آسمانها قدرت نمائی کرده و انسانرا به تفکر آیات آفاقی توجه داده چند چیز از آنها را میآوریم اول خود آسمانها و بنای آن چنانکه در راهنمای بهشت (ج ۱ ص ۳۵۰ مشروحشد مراجعه شود، هر انسانی وقتی چشمش بآسمانها می‌افتد گویا دلش دو چیز

acrshop

میخواهد یکی آنکه پرواز کند بالاتر از پرندگان و یکی آنکه ستارگانرا مثل منزلهای زمین طی نماید و عجائب آنها را ببیند سنهٔ ۱۳۰۵ ش شنیدم در سبزوار مردی جعبهٔ ساخته بر بام‌ها بالا میرود او را بجای تشویق گرفتند گفتند دیوانه است؛ (خوب بود نگشتند) و در سنهٔ ۱۳۰۸ که به زرگری میرفتم در صحن نوحکاکها استادی مگسی از برنج ساخت که قریب ده متر پرواز میگرد نفهمیدم با او چه کردند و در سنهٔ ۱۶۷۸ م (قرن ۱۰۷۴ ش) مرد فقیری در فرانسه بنام بسفیه قفلساز با دقت در وضع پرواز پرندگان دو بال چوبی ساخت و از فراز رودخانه پرواز کرد (اندیشه ز ۱۹) ولی بالا نرفت و قهرمانان تمدن در اینراه تلفاتی دادند تا اینکه (لیلیانتال) آلمانی از پرواز پرندگان پس از بیست سال و ساختن انواع بالها (دائر ۲۴۰) سنه ۱۸۹۱ م (۱۲۹۰ ش) بالی برای خود ترتیب و پس از پنج سال تمرین و بیش از دو هزار بار پرواز و گردش بجهات آخر قربانی شد (قهرمانان تمدن ۳۳۶)

پیرو آرزو و تاریخ پرواز بشر

بعد از ۲۵ سال رنج (لیلیانتال) باز برادران رایت بنام ویلبر و اورویل آمریکائی (اندیشه ز ۴۱) با دقت کتب پرواز پرندگان را بررسی و آزمایش کرده سنهٔ ۱۹۰۳ م (۱۳۰۰ ش) بساختن هواپیما موفق شدند و برای اولین بار ۱۲ ثانیه بهوا رفت بعد با کوشش زیاد پی‌گیری کرده بر پرواز افزوده تا در انظار بنمایش گذاردند و بنای پرواز را نهادند و پس از آنها کورتیس آمریکائی سنهٔ ۱۹۰۸ م (۱۳۰۴ م) اختراع رایت را تکمیل و ماشین هوائی را ساخت و بالاخره راه آسمان باز شد (فرهنگ علوم ۳۲۲) و روز بروز پیشرفت کرد و جت و هلکوپتر ساخته شد و بمافوق سرعت صوت رسید و بشر به آرزوی اولش نائلشد و تمام آنها را از روی پرواز پشه و توقف او در هوا ساختند ولی تفکر در صانع آنحیوانی نکردند. (شاید هم‌اکنون کرده باشند.

نتیجهٔ از این اختراعات

با اینهمه تفکر و تلفات هنوز اختراعاتشان بقدر پرواز پشه از حرکت و سقوط و دفاع و تندی و آرامی و توقف در هوا شده و قرآن مجید در یک آیه خلقت اینحیوان را روشن نموده و از ضعیف‌ترین پرندگان راه پرواز بشر را باز کرده میفرماید.

۲۶/۲) إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا

فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ (همانا خدا پروا نمیکند مثلی بزند که پشه چیست پس مافوق آن را، اما آنانکه گرویدند پس میدانند که آن مثل از پروردگارشان حقست (و اما آنانکه نگرویدند میگویند آیا خدا باین‌ها چه غرضی دارد. مولفگوید

تفکر کن در این آیات معبود — تا گیری از آنها بهر و سود
شوی عارف به این اسرار خلقت — ترا آید از این آیات مقصود

بخش ۲ تعریف هیئت و تاریخ آن

یک دسته جمع از هر چیزیرا هیئت گویند و در اینجا منظور از هیئت مجموعه‌ی ستارگان آسمانست و علم هیئت از ماده و ظواهر اجرام سماویه و نسبت آنها بهم و [illegible] بعد و مجرا و محیط و اثرات آنها بحث دارد و هیئت را آسمان شناسی گویند و از دانشهای کهن است و تاریخ روشنی ندارد ولی قبل از حضرت ابراهیم علیه‌السلام سنهٔ ۳۳۲۳ سال بعد از هبوط ۲۲۶۲ ولادت قبل از میلاد مسیح مردم با نجوم کار میکردند و پدر ابراهیم منجم بود لذا ابراهیم علیه‌السلام با استدلال ستاره پرستی را باطل کرد و در زمان باستان نزد آشوریان و کلدانیان و فینیقیان و اهل مصر و هندوچین و ایران معروف بوده فیثاغورث یونانی سنهٔ پانصد قبل از میلاد مسیح در مدرسهٔ ایطالیا معلم اینعلم بود و از کتب استفاده میشود که بنای این دانش در ایران نهاده شد و از اینجا بهند و یونان و سایر کشورها رفته چنانکه محمدبن اسحق‌بن ندیم از علمای قرن چهارم در کتاب فهرست (ص ۲۴۰) چاپ اوروپا از کتاب الزیجات ابومعشر بلخی (متوفی ۲۷۲ هـ ۸۸۵ م) نوشته.

تاریخ نجوم در ایران

شهریان ایران در حفظ علوم از حوادث پوست درخت خدنگ راکه توز نام داشت و بادوام‌ترین پوستها بود برگزیده و سایر کشورها بپیروی ایران برای کمان آنرا اختیار کردند سپس شهری خوش آب هوا و زمین خوبتر اصفهانترا مهندسین برگزیدند تا نوشته‌های علمی را آنجا نهان کنند ده جی را گرفتند در میان آن سارویه کتب علمی را نهان کردند ابومعشر گوید سالها پیش از ما یکطرف سارویه شکست در دالانیکه از مهره‌های گل قرص ساخته بود داستانی باین مضمون نوشته بود.

طهمورث علم علما. را دوست میداشت منجمین باو گفتند بسبب بارانهای متوالی در

acrshop

مغرب طوفانی آید (شاید طوفان نوح بوده) و بمشرق رسد طهمورث مهندسین را خواست در نتیجه سارویه را برگزیدند بنائی ساخته امر کرد علومرا در پوست توز نوشته آنجا نهان کنند سیصد و سی و یکسال و سیصد روز از سلطنت طهمورث گذشته بود طوفانشد این کتابها با کتابی بنام ادوار هزارها در آنجا نهان بود که معدلات کواکب و علل حرکات سیارات در آن ضبط بود.

تاریخ هیئت از نظر اسلام

قریب سه هزار سال قبل از هجرت علم نجوم رواج داشته چنانکه قبل از حضرت ابراهیم علیه‌السلام با نجوم کار میکردند و اکثر آنها ستاره‌پرست بودند و حضرت خلیل‌الرحمن با استدلال آنها را باطل کرد و کتابهای آسمانی از رصدخانه بهتر خبر میدهد و پیامبر خاتم قریب پانزده قرن قبل بآسمانها رفت و از احوالات عوالم دیگر خبر داد آنوخت فرمود الهواء فیه خلق (در هوا مخلوقاتست) و وصی بلافصل او علی علیه‌السلام بر منبر فریاد زد **سلونی عن طرق السموات فانی اعلم بها من طرق الارض** (از من از راههای آسمانها بپرسید که من بآنها از راههای زمین داناترم) و یکی از شاگردان امام ششم اول کسی استکه علم هیئت از او شهرت یافته بنام جابربن حیان صوفی (متوفای ۱۶۱ ه) او پانصد رساله از رساله امام ششم را در هزار صفحه جمعکرد.

بخش ۳ - اقسام علم هیئت

۱- هیئت کروی ظاهری ۲- هیئت نظری ۳- هیئت میکانیکی فلکی ۴- هیئت طبیعی اجرامی ۵-هیئت عملی اجرائی

هیئت کروی ظاهری بحث میکند از اشکال احجام اجرام سماوی و حرکات ظواهر آنها و اوضاع بعضی از کواکب با بعضی دیگر نسبت بدوائر و نقطه‌های مفروضهٔ مرکزی در فضای نامتناهی مثل شمس و ستارگانش اینقسم برای اکثر مردم فراهم میشود که اندکی در خلقت و نظم آنها تفکر کنند **اَلَّذِینَ یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّمٰوٰاتِ وَ الْاَرْضِ** (۱۹۰/۳)

هیئت نظری آنستکه از قرب و بعد نجوم و کیفیت استخراج حرکات حقیقی آنها در فضا از حرکات محسوس در زمین بحث کند و با اینقسم کیفیت تقاویم مواضع اجرام سماوی و کسوفات شمش و خسوفات قمر و استتار بعضی سیارات در مواجهٔ با بعضی دیگر روشن

میشود و غرض از اینعلم تعیین مدار نجوم سیار و دنباله‌دار است از دور شمش و مدار اقمار از دور سیارات خود و تعیین مدارهای نجوم مزدوجه است (ما در اینجا نظریهٔ اسلام و قدماء و متأخرین را میآوریم.

هیئت میکانیکی فلکی آنستکه از وابستگی کرات و سیر آنها نسبت بهم و جاذبه و دافعه‌یی مرکزیهٔ آنها بحث کند که به نسبت ایندو نیرو در هم متاثرند مانند یکدستگاه موتوری نسبت بهم دگر و علل حرکات آنها را میخواهد

هیئت طبیعی اجرام فلکی از طیعت و خواص هر یک از نجوم و ترکیب آنها با هم و حاصل اثرات کیمیائی آنها بحث دارد که در کدام یک از نجوم عناصر اربعه بطور کامل مثل زمین وجود دارد و یا از قرب و بعد هر یک از نجوم بهم چه عنصر تولید میشود

هیئت عملی فلکی آنستکه از اسباب و آلات تسهیل است یافتن بکروات از ارصاد و زیجات و مقیاسهای زمانی و مکانی و سفینه و ایستگاه‌ها و پایگاه کردن بعضی از کروات برای رسیدن ببعضی دیگر بحث دارد چنانکه با اختراع (کرچوف آلمانی ۱۸۶۰ م) سپکترسکوب را تا حال بیش از چهل معدن از معادن زمین در شمس کشف شده و آنرا در تازی طیاف در پارسی پرتو بین میگویند و با سفینه‌ها توانستند در قمر فرود آیند ولی با اینحال آنان در مصنوع سرگردانند و ما در خالق آنها حیرانیم و ذات مقدس او فرموده

۲۷/۳۸) وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْاَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

و بآسمان و زمین را و آنچه بین آندو است بیهوده نیافریدیم این گمان کسانی است که کفر ورزیدند پس وای بر آنکسانیکه کفر ورزیدند از آتش

فرق بین غیب‌گوئی و کشف مجهول

غیب‌گوئی آنستکه کسی بدون ابزار حسی و علل خارجی از آینده و امور غیبیه خبر دهد و واقعیت پیدا کند لازمه این امر احاطه داشتن بتمام جهات آنچیز است لذا یکی از دلائل نبوت غیب‌گوئی انبیا است مثل آنکه **الم غُلِبَتِ الرُّومُ** خبر غیبی بود و روم بعد از فتح شکست خوردند و یا آنکه پیغمبر خاتم فرمود **اَلْهَوَاءُ فِيهِ خَلْقٌ** (در هوا مخلوقاتست) یا وصی بلافصل آنحضرت از غیب خبر میداد و هر یک از پیشوایان اخبار غیبی داشتند امام باقر خبر از شموس و اقمار در آسمانها داد و حضرت رضا بزمینی در آسمانها خبر داد و یا

acrshop

آنکه از ائمه رسیده خداوند در زمین ما دو شهر بزرگ دارد یکی جابلقا در مشرق (شاید استرالیا باشد که کاپیتان دولفکن ۱۶۰۶ م کشف کرد و هلند جدید نامید) و دیگری بنام جابرسا در مغرب و در آنها مردمانیست که آدم و اولاد ویرا بشناسند (شاید آمریکا باشد که کریستف کلمب و آمریک ۱۴۹۲ م کشف کردند) و آنچه با ابزار و تجربیات و قرائن و علم روز بدست آید اخبار غیبی نیست مثل گفتار مرتاضان و قیافه شناسان و مکتشفین و اعجاز برق بلکه آنها را کشفیات روز نامند که این نوع را هم اولیاءالله دارند مانند آنکه رسول اکرم فرمود از جذامی فرار کن چنانکه از شیر فرار میکنی که امروز پس ۱۴۰۰ سال کشف کردند میکروب جذام بشکل شیر است و در هوای مجذوم جهش دارد و مانند شیر از مجرای نفس بطرف سرایت میکند (حالا نظریهٔ اسلامرا نسبت بستارگان بخوانید).

نظریهٔ اسلام با قُدَماء و متاخرین

۳۳/۱۴) وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ و او برایتان خورشید و ماه را رام کرد پی‌درپی آمدگانند و شب و روز را برایتان رام نمود) در این آیه حقتعالی شمس و قمر را با هم آورده بخلاف رای قدماء که شمس را در آسمان چهارم دانند و لیل و نهار را هم که مولود شمش و قمراند با هم ذکر نموده و چون لام در لکم برای انتفاع و ملکیت چه حقیقی و چه مجازی بکار میرود معلوم میشود که قوام زندگی انسان و جانداران از جهت نسبت بآندو بستگی دارد از تنظیم شب و روز و گرمی و سردی و فصول و نور و ظلمت یکی نورده و یکی نورگیر و نورده و اعمار و تواریخ و منافع و مهماتش و عهود و اوقات عبادات از نماز و روزه و حج همه بستگی به منظومه شمسی دارد و در این آیه از جزئیات آندو بحث ندارد.

هفت آسمان و زمین از نظر قرآن

۱۲/۶۵) اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ خداوند آنکسی است که هفت آسمان آفرید و از زمین مانند آنها) احتمال دارد یکی همین زمین ما باشد که هفت قاره دارد یا بقول قدماء مانند پیاز، یا در فضا اراضی متعددی باشد چنانکه متاخرین قائلند که هر یک از آنها دارای کرهٔ بخاری استکه بر آنها احاطه دارد و کاشف حقایق امام صادق علیه‌السلام در خبر ادریسی فرمود غلظت آسمان چارم بمسافت پانصدسال راهست و از

آسمان چهارم تا سوم و از سوم تا دوم هر یک پانصد سال راهست و مابین هر آسمان تا آسمان دیگر همچنین (شاید آسمان چهارم زحل باشد و جرم آن هفتصد و شصت برابر زمین است.

تشریح آسمانها از کلام امیرالمؤمنین

۵۷ بحار ۹۰) عبیدبن کثیر از حسن‌بن علی علیهماالسلام نقل کرده با پدرم نزد عمربن خطاب بودیم و کعب‌الاحبار نزدش بود و او قاری تورات و کتب انبیاء بود عمر باو گفت ایکعب اعلم بنی‌اسرائیل کیست بعد از موسی‌بن عمران علیهماالسلام پاسخداد اعلم بنی‌اسرائیل از بعد موسی‌بن عمران یوشع‌بن نون بود که بعد از موسی وصی او بود و همینطور هر پیغمبری که از بعد موسی‌بن عمران درگذشت وصیی در امت او از بعدش قائم شد عمر گفت وصی نبی ما و عالم ما کیست آیا ابوبکر است علی علیه‌السلام ساکت بود کعب گفت آرام باش که سکوت برتراست و بعمر گفت ابوبکر مردی بود من بصلاح مسلمین او را برای صلاحش پیش داشتند ولی وصی نبود همانا موسی‌بن عمران چون درگذشت بسوی یوشع‌بن نون وصیت کرد پس گروهی از بنی‌اسرائیل پذیرفتند و طائفه‌ئی فضل او را انکار کردند و اینمطلب در قرانست که خداوند متعال یادآوری کرده.

۱۴/۶۱) فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (پس گروهی از بنی‌اسرائیل گرویدند و گروهی کفر ورزیدند پس ما تائید کردیم بر دشمنانشان آنانرا که گرویدند پس صبح کردند ظاهر شوندگان) و نیز انبیاء سلف و امتهای گذشته پیمبری نداشتند مگر برایش وصی بود که قومش باو رشک بردند و فضلش را دفع کردند عمر گفت وای بتو ایکعب پس وصی نبی ما کیست؟ کعب گفت آنکه در تمام کتابهای انبیاء و کتب آسمانی معروفست علی برادر نبی عربی که او را بر امرش کمک میکند و بار او را بر آنچه بخواهد میکشد و برای او همسریست برکت داشته و برای او از آن همسر دو فرزند است که امت آندو را میکشند بعد از او و بوصی او حسد میبرند چنانکه امتها بر اوصیاء انبیاء خود حسد بردند و او را از حقش دفع میکنند و از فرزندان بعد از او را میکشند مانند حسد امتهای گذشته بعد عمر از گفته کعب درماند گفت ایکعب اگرچه در کتاب خدا اندکی راست گفتی اما دروغ هم زیاد گفتی کعب گفت والله در کتاب خدا هرگز دروغ نگفته‌ام ولکن از من از چیزی پرسیدی ناچار بودم از تفسیر جوابترا

acrshop

بدهم زیرا من میدانم اعلم این امت امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب است بعد از پیغمبر بجهت اینکه من از چیزی از او نپرسیدم مگر اینکه نزد او یافتم آنچه در تورات و تمام کتب انبیا آنرا تصدیق میکرد عمر گفت اُسْکُتْ یَابْنَ الْیَهُودِی یهودزاده ساکت باش والله تو بدروغگوئی حریصی کعب گفت والله خود مرا دروغگو ندانم در چیزی از کتاب خدا از وقتیکه حکم بر من برای خدا جاری شده

در امتحان بی‌مغز رسوا میشود

اگر میخواهی چیزی بر تو القا کنم از علم تورات اگر فهمیدی تو از او داناتری و اگر او فهمید از تو داناتر است عمر گفت بگو به بینم چه خواهی کعب گفت مرا از قول خدای متعال وَکانَ عَرشُهُ عَلَی الْماءِ (و عرش او بر آب بود) پس زمین در کجا بود و آسمان کجا بود و تمام خلق کجا بودند عمر گفت غیب خدا را کی میداند از ما مگر مردیکه از پیغمبر ما شنیده باشد گفت بابی الحسن احاله کن اگر از او این را بپرسی شرح میدهد به تمثل آنچه در تورات ما خوانده‌ایم عمر گفت بگذار تا مجلسی آمده شود پس این بود تا وقتیکه علی علیه‌السلام بر عمر داخل شد و اصحاب او خواستند علی علیه‌السلام را از عظمت ساقط کنند.

جوابها از آغاز خلقت و آسمانها

کعب گفت یا اباالحسن مرا از قول خدایتعالی در قولش وَکانَ عَرشُهُ عَلَی الْماءِ لِیَبْلُوَکُمْ اَیُّکُمْ اَحْسَنُ عَمَلاً (و بود عرش او بر آب تا شما را بیازماید که کدام یکی‌تان در عمل نیکوترید) (البته این آیه از متشابهاتست هرکسیرا جای چانه زدن نیست) علی‌بن ابیطالب امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود عرش او بر آب بود هنگامی که نه زمین پهن بود و نه آسمانی برافراشته و نه صدائی که شنیده شود و نه چشمهٔ که بجوشد نه ملک مقربی و نه نبی مرسلی و نه ستاره‌ایکه سیر کند و نه ماهی که جاری شود و نه خورشیدیکه نور دهد و عرش او بر آب بود او برابر خود چنان نافذ بود در حالیکه وحشت نداشت بسوی کسی از خلقش نفس خود را تمجید می‌کرد و تقدیس مینمود چنانکه میخواست چنان باشد پس آغاز نمود که مخلوقات را بیافریند پس دریاها را بموج در آورد و شکافت از آنها مانند رود گویا بزرگترین چیزی بود از خلق خدا و بآن آسمان بهم پیوست پس زمین را از جای کعبه گسترد و آن وسط زمین است گویا بدر یا طبقه شد و آنرا دریا را شکافت یکبرا هفت طبقه کرد سپس دستش

بسوی آسمان و آن دودی بود از آن آبیکه از آن دریا ایجاد نموده بود و آنرا هفت طبقه نمودبآن کلمه ایکه غیر خودش کسی نمیداند

آسمانها تمام محل سکونت است

و درهر آسمانی ساکنی از ملائکه قرار دارد که آنها معصوم‌اند از نور دریاهای خوشگوار آفرید و آن بحر رحمت است و طعام آنها را تسبیح و تهلیل و تقدیس گردانید همینکه فرمانش گذشت و خلقش را آفرید راست شد بر ملکش خود را ستود چنانکه سزاوار آن بود ستوده شود سپس مملکتش را تقدیر نمود در هر آسمانی آتش پاره نورانی آویخته ستارگانی بود مانند آویزان گردان قندیلها در مساجد که شمارشرا جزا وتبارک‌وتعالی کسی‌نداندو هر ستاره‌ئی از ستارگان آسمان بزرگتر از شهریست در زمین

علت خلقت شمس و قمر

سپس شمس و قمر را آفرید آندو را با هم دو شمس گردانید اگر آندو را تبارک و تعالی چنانکه بودند در اول مرتبه بحال خود میگذاشت خلقت شب و روز و ماه وسال شناخته نمیشد و زمستان از تابستان و بهار از پائیز شناخته نمیشد و دینداران نمیدانستند چه وقت برهی آنها میرسد و گارگران نمیدانستند چه وقت در زندگی کار کنند و چه وقت برای راحتی بدن آرام گیرند پس خدای تبارک و تعالی از مهربانی به بندگانش نظر داشت. (۳۹/۳۶) والقمر قدرناه منازل

حرکت شمس و قمر

پس جبرئیل را بر انگیخت (شاید آغاز خلقت او بود) بسوی یکی از دو خورشید با بالش آنرا مسح کرد شعاع از آن رفت و در آن درخشندگی را واگذارد. (شعاع و نور ماه گرفته شد ولی از نور گرفتن و نور میدرخشید) این اشاره است بقول خداوند

۱۳/۱۷) وَجَعَلْنَا اللَّیْلَ وَالنَّهارَ آیَتَیْنِ فَمَحَوْنا آیَةَ اللَّیْلِ وَجَعَلْنا آیَةَ النَّهارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِن رَبِّکُم وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِینَ وَالْحِسابَ وَکُلَّ شَیءٍ فَصَّلْناهُ تَفْصِیلا

و گردانیدیم شب و روز را دو نشان پس نشان شبرا محو کردیم و نشان روز را نور دهنده گردانیدیم تا فضلی از پروردگارتان بجوئید و تا شمارهٔ سال‌ها و حساب را بدانید و هر چیزی را بنوعی تفصیل دادیم) و آندو را در فلک قرار داد که جاری میشوند و فلک دریائی در ما

acrshop

بین آسمان و زمین مستطیل در آسمان کشش آن سه فرسخ است (از فرسنهای خدائی) که از پرده‌های خورشید و ماه جاری میشود هر یک از مهر و ماه بر عجله‌اند و او را سیصد ملک میکشند بدست هر ملکلی از آنها دستگیره است که آنها را در هواهای آندریا میکشانند برای آنها صدائی به تهلیل و تسبیح و تقدیس و اگر یکی از آندو از هوای آندریا بیرون شود هر آینه هر چیزی که بر روی زمین است میسوزد حتی کوهها و سنگها و هر چه خدا آفرید، (۵/۳۹) وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى

اشاره به خلقت آدم

چون خداوند آسمانها و زمین و شب و روز)و ستارگان و فلک را آفرید و زمین‌ها را بر روی ماهی نهاد بر او سنگینی کرد مضطرب شد پس آنها را با کوهها محکم نمود پس همینکه کاملشد آنچه خلق آسمانها بود و زمین خالی بود هیچ کسی در آن نبود بملائکه فرمود إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (۳۰/۲) همانا من در زمین جانشین قرار دهم گفتند آیا در آن قرار میدهی کسیرا که فساد کند و خون بریزد با اینکه ما تسبیح میگوئیم با حمد تو و ترا تقدیس میکنیم فرمود همانا من میدانم آنچه را شما نمیدانید.

کیفیت خلقت آدم علیه السلام

خداوند جبرئیل علیه السلام را فرستاد از خاک نرم زمین قبضهٔ گرفت با آب شیرین و شور عجین کرد و طبایع را در آن مرکب کرد پیش از آنکه روح در او دمیده شود پس او را زمین آفرید لذا آدم نامیده شد زیرا چون او را با آب عجین کرد خمیر شد پس او را در سطحی افکند مثل کوه بزرگ و آنروز ابلیس بر آسمان پنجم خازن بود در سوراخ بینی آدم در آمد و از دبر او بیرونشد و با دستش بر شکم او زد میگفت برای چه خلقت شده‌ئی اگر مافوق من باشی که اطاعت نمیکنم و اگر پستر از من باشی کمکت نمیکنم پس در بهشت هزار سال ماند ما بین خلقتش تا دمیدن روح بعد از آب و گل و نور و ظلمت و باد او را آفرید و نورش از نور خدا بود اما نور ایمان آورد و ظلمت و کفر و ضلالت آورد و گل رعده و ضعف و پوست انداختن آورد در برخورد بآب بر چهار طبع منبعث شد بر خون و بلغم و تلخی و باد و آن قول او تبارک و تعالی است

اولا یذکر الانسان خلقناه من قبل و لم یکن شیئا آیا انسان یاد نمیکند که او را از قبل

آفریدیم و چیزی نبود، در اینوقت کعب گفت ایعمر ترا بخدا آیا تو مثل علی بن ابیطالب میدانی گفت نه کعب گفت علی بن ابیطالب وصی انبیاء و محمد خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله است و علی خاتم اوضیاء است و بر روی زمین امروز نفس داری نیست مگر اینکه علی‌بن ابیطالب از او داناتر است و الله یاد نکرد از خلق انس و جن و آسمان و زمین و ملائکه مگر اینکه آنرا در تورات خوانده‌ام دیده نشده که عمر مانند آنروز غضب کرده باشد. (شرح خلقت آدم در ج ۲ ص ۱۰۸ راهنمای بهشت نوشته شده)

نظریات اهل هیئت

ذیمقراطیس گوید فضا از هوا پر و ستارگان در آن پخش و بهیچ جرمی متصل نیستند و بمقتضای طبیعت خود را جذب هوا متحرکند بهر قدر ستاره‌ای بمرکز زمین نزدیکتر باشد حرکتش کند هر چه دورتر سریعتر چنانکه هر جسم مدور متحرک بدور مرکز خود چنین است لذا سه روز و شب ثوابت از سیارات سریعتر است

۲ بطلمیوس مولف مجسطی یکقرن و نیم قبل از میلاد، زمین را ساکن و مرکز کرات و سه چهارم سطح زمین را آب و زمین محاط هوا دانسته و هوا را محیط و آنرا محاط کره آتش و فلک قمر نیز کرهٔ آتشرا در میان دارد و فلک قمر ماه و ستاره‌ی ندارد سپس فلک عطارد و فلک زهره و فلک شمس و فلک مریخ و فلک مشتری و فلک زُحَل، هر فلکی بر فلکی محیط و فلک هشتم بر زُحَل محیط که ثوابت بر آن میخ کوبند و فلک نهم اطلس (بعد مفطور) استکه افلاک در دلش هستند مثل پیاز

نظر فیثاغورث

۳ فیثاغورث یونانی (متولد ۵۵۹۰ م) گوید بهترین جای جهان آنجاست که اشرف عناصر در آن باشد و بهترین امکنه مرکز محیط آتش است در مرکز عوالم جرمی آتشین وجود دارد که اجرام ده کانه الهی از ثوابت و سیارات سبعه زمین و ماه دورش میگردند و زمین دو گردش دارد یکی وضعی که شب و روز بوجود میآید و یکی انتقالی بدور آتش مرکزی میگردد **چهارم** نظر هیئت جدید کوپرنیک لهستانی است **نظریه جدید کوپرنیک** با مطالعه‌ی کتب علمای شرقی که آنان از مکتب بزرگان اسلام گرفته بودند عقیدهٔ خود را در فضای باز اعلام کرد و (در سنه ۱۵۴۴ م) هیئت جدید را بخود نسبت داد و هر ستاره‌ایرا در

acrshop

فضا کرهٔ معرفی کرد و از شمس افساری بآن انداخته و بفضای نا متهاهی روانه کرد و نامشرا نظام شمس نهاد و نظام بطلیموسرا محو کرد و در سال (۱۶۵۰ م) کپلر آلمانی ظاهر شد و قواعد جاذبیت اشیاء را کشف و گفت مدار سیارات بیضی است و اختر شماری و زیج و رصد بر پایهٔ صحیحی نباشد و پس از او گالیله‌ای ایتالیائی تلسکوبهای قوی ساخت و آلات بوجود آمده تا اینکه این فن رونق یافت.

نظریهٔ سه‌گانه در حیات سیارات

قدماء طبایع و عناصر و فعل و انفعال را منحصر به زمین دانسته با این رای وجود حیوانی مختص کرهٔ زمین میشود زیرا وجود و بقا و حیات مشروط بنمو و تعدی میاشد پس کرات فاقد حیات و حیوانانست ولی الهیون از فلاسفه قدیم معتقد بوند که جوهری کامل (چون ملائکه) از غیر حیوان و بشر در افلاک وجود دارد. مجرد از طبایع و منزه از لوازم آن

ولی بنظرّ دانشمندان غربی در هر یک از سیارات شمسی زمینی است مثل زمین ما از کوه و دشت و آب و هوا و روز و شب و اقمار و فصول.. و لوازم آنها نیز نام زمین مجاز اطلاق میشود ولی در وجود حیوان مدرک کسی مدعی نشده ولی بدو وجه حدس زده‌اند یکی آنکه با تلسکوب کوه دیده شده و پر کوه از سنگ وریک وشن است پس اراضی سیارات هم مثل زمین ما قابل کشت و زرع است و با دلیل قوی از قبیل انکسار نور و حدوث شفق و ظواهر میدانیم هر یک دارای بخار است و بخار مستلزم ابر و باد و بارانست زیرا اختلال نظام کون و خرق طبیعت و تخلف معلول از علت محالست و ابر و باد و باران مستلزم اشجار و نباتست و نباتات و اشجار هم غالباً منشا تکون حشرات و حیواناتست و بنابر انتخاب طبیعی اینها دلیل بر وجود حیوانات بری و بحری و توالد و تناسل است و با اینوصف از نظر اسلام که خداوند رب العالمین است مانعی ندارد که از فیض نسبت بخلق کرات دیگر دریغ نماید و دارای خلقی بغیر صورت و طبایع می‌باشند

تشریح زمین‌ها از کواکب سبعه

اسلا ت ۲۷۶) متاخرین با ادله اثبات کرده‌اند ک هفت کره از سیارات شمس محاط بکره‌ی بخارند مثل زمین ماه و زهره و عطارد و مریخ و مشتری و زحل و اورانوس پس هفت زمین آشکار میشود اول همین زمین که ما بر آن زاد و ولد میکنیم و آسمان دنیا عبارتست از

کرهٔ بخاریکه محیط بر زمین است و **زمین دوم** زهره با متعلقات آن زیرا از همه بزمین نزدیکتر است و بعد از آن عطارد

زمین سوم است و آسمان سوم بخاری است محیط بر عطارد زمین **چهارم** مریخ است و آسمان چهارم بخاری استکه بر مریخ محیط است زمین **پنجم** مشتری است و آسمان پنجم بخاری استکه بر آن محیط است زمین **ششم** زحل است و آسمان ششم بخاریست که بر آن محیط است زمین **هفتم** کره‌ی اورانوس است و آسمان هفتم کره بخاری استکه بر اورانوس محیط است پس از آنها فضای نامحدودی استکه بر عالم شمس، محیط است

اثبات مطالب از امام ثامن علیه السلام

حسین بن خالد بحضرت رضا علیه السلام عرض کرد ترتیب آسمانها و زمین‌ها چه نحو است حضرت کف دست چپ را باز کرد و کف راسترا بر آن نهاد فرمود این زمین دنیا است و آسمان دنیا گنبد آن بر روی آنست زمین دوم روی آسمان دنیا است و آسمان دوم چون گنبدی بر روی زمین دوم است زمین سوم روی آسمان دوم است و آسمان سوم چون گنبدی بر روی آن، زمین چهارم روی آسمان سوم و آسمان چهارم چون گنبدی بر روی آن.زمین پنجم روی آسمان چهارم و آسمان پنجم چون گنبدی بر روی آن زمین ششم روی آسمان پنجم و آسمان ششم چون گنبدی بر روی آن زمین هفتم روی آسمان ششم است و آسمان هفتم چون گنبدی بر روی زمین هفتم است و عرش خدا بر روی آسمان هفتم قرار دارد و این است مفاد آیهٔ (۱۲/۶۵) وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ (چنانکه گذشت) چون منجی به اینجا رسید حسین بن خالد گفت پس یک زمین بیشتر در زیر ما نیست امامرضا علیه السلام فرمود آری یک زمین بیشتر در زیر ما نیست و شش زمین در بالای ما است.

جرح و تعدیل در نجوم و از افعال خمسه

بحث مفصلی است در علم نجوم که آیا از افعال خمسه حرامست یا مستحب آراء فقها بر آنستکه اعتقاد بتاثیر مستقل نجوم در کاینات حرامست شهید اول در دروس ۳۲۷ فرمود **یَحرم اِعتقادُ تاثیرِ النُّجُومِ مُسْتَقِلّةً اوْ بِالشّرکةِ وَ الاخبارُ مِن الکائِناتِ بِسَببِها** اعتقاد تاثیر نجوم مستقل یا بشرکت و خبردادن از کاینات بسبب آن حرامست اما اگر بجرمان عادت خبر دهد که خدایتعالی چنان میکند هنگام چنین حرام نیست و اگر چه مکروه است بر اینک

acrshop

عادت در آن طرد نشده جز در اندک و علم نجوم را هم پارهٔ حرام دانسته‌اند بجهت اعتقاد و تاثیر ولی علم هیئت حرام نیست بلکه مستحب است زیرا در آنست از اطلاع حکم خدا و عظمت قدرت اوست **آیة الله خویی در مصباح الفقاهه** ۲۴ گویند احادیث در جواز آن آمده زمانیکه برای معرفت سیر کواکب و اوضاع خاص آنها باشد موافق جمعی از اعاظم رضوان الله علیهم و آنچه موهم تعلم نجوم از شیعه و سنت رسیده بر غیر اینصورت است و الله العام پس اعتقاد به تاثیر آنها مستقل یا شرکت آنها در تاثیر حرامست ولی برای تکمیل معرفت بهترین راه است چنانکه خداوند بیان نموده و مشروح شد.

شهید ثانی در قواعد و فواعد (۳۵/۲) گوید **کُلُّ مَنِ اعْتَقَدَ فِی الْکَوَاکِبِ اَنَّها مُدَبِّرَةٌ لِهٰذَا الْعَالَمِ وَ مُوجِدَةٌ مَا فِیهِ فَلَا رَیْبَ اَنَّهُ کَافِرٌ**، هر کس در کواکب اعتقاد کند که آنها مدبر اینعالم‌اند و پدید آرنده‌ی در آنند. بیشک کافر است و در مکاسب محرمه (۳۰۴/۲) علامه حلی در تحریر الاحکام (۱۶۱) و شهید اول در دروس ۳۲۷ و در بحار ۵۶ ص ۲۹۱ و در وسائل ج ۱۲ ص ۱۰۱ و سید خونی در مصباح الفقاهه ۲۴۸ و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۲۱۲ همه در تحریم اعتقاد به نجوم و ابطال حکم نجوم نموده‌اند.

تبصرة، بحث علوم نجوم در راهنمای بهشت ج ۱ ص ۱۷۵ مشروحند و امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: علوم چهار است فقه برای ادیان و طب برای ابدان و نحو برای حفظ زبان و نجوم برای معرفت ادیان و رسولخدا صلی الله علیه و آله فرمود از نجوم بیامرزید آنچه در تاریکیهای بیابان و دریا هدایت میشوید (بیش از آن) سپس خودداری کنید.

بخش ۴ منافع علم هئیت و ستارگان

۱۶/۱۶) **وَ عَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ**، و به نشانها و ستارگان آنان را راهنمایی میشوند. علم هیئت منافع زیادی دارد اول آنکه بهترین راه مبدء و بدست آوردن معرفت خلاق جهان است و انسان از شناخت پدیده‌های آسمانها نسبتا به علم و قدرت و عظمت خالق و صانع آنها پی می‌برد چنانکه خداوند متعال جلت عظمته خود را بخالقیت آنها معرفی نموده تا مردم بدانند این نظام اکمل محکم به تصادم و تشاکل و تخلیه و انحلال بر پا نمی‌شود و ما از منافع هیئت دوازده چیز یاد میکنیم.

راهنمائی از مصنوع بصانع

خداوند متعال از تمام جهات بشر را راهنمائی به ارائهٔ الطریق نموده چه با آیات آفاقی و یا انفسی و یا ارضی و تکوینی و تدوینی با اعطاء عقل و ارسال رسل و انزال کتب و نصب اوصیاء و آیات دیگر که هر کسی پا بجهان خاکی نهاده و چشم به آفاق و زمین باز کند با حس تکاپو می‌یابد که هر ذره تا افلاک همه نشانهای قدرت است و می‌پرسد اینها را چه کسی آفریده و چیده و منظم نموده جریان ابراهیم خلیل در سه مورد شاهد مطلب است به راهنمای بهشت ج ۲ ص ۱۴۸ مراجعه شود

اول کسب معرفت

۱۲/۶۵) **اللّٰهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ وَ مِنَ الْاَرْضِ مِثْلَهُنَّ یَتَنَزَّلُ الْاَمْرُ بَیْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ عِلْماً** خداوند آنستکه هفت آسمان را آفرید و از زمین مانند آن‌ها، فرمان در بین آنها فرود میآید تا بدانید که حقیقتا خدا بر هر چیزی توانا است و البته خدا از دانائی بهر چیزی احاطه دارد (مسلم تا انسان در کواکب نا شمار گردش لیل و نهار و نظام فلک و عجایب و اسرار و بعد و قرب و نور آنها و طبقات زمین تفکر نکند بقدرت و عظمت صانع آنها معرفت پیدا نمیکند ولی از تفکر در آنها علم بهم میرساند که ذات حق قادر و دانا آنها را پدید آورده است

برهان آفاقی

۲۸/۷۹) **ءَاَنْتُمْ اَشَدُّ خَلْقاً اَمِ السَّمَاءُ بَنٰیهَا رَفَعَ سَمْکَهَا فَسَوّٰیهَا وَ اَغْطَشَ لَیْلَهَا وَ اَخْرَجَ ضُحٰیهَا وَ الْاَرْضَ بَعْدَ ذٰلِکَ دَحٰیهَا**

آیا شما سخت ترید در خلقت یا آسمان که آنرا بنا کرد سقف آنرا بر افراشت پس تسویه کرد و شبش را تاریک نمود و روزشرا بیرون آورد (که با گذشت میلیارد سالها خللی بر آن وارد نمیشود و از این آیه استفاده میشود که خلقت و بنای آسمانها در عالم افکار در بنا و سقف بندی و تسویه و تاریک و روشن کردن از خلقت انسان شدیدتر است و زمین را نیز بعد از آسمانها گسترده است و فرمود (۵۷/۴۰) **لَخَلْقُ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ اَکْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ** هر آینه آفریده آسمانها و زمین بزرگتر است از خلق مردم

acrshop

دوم از منافع علم هیئت

از منافع هیئت ساعت شب و روز و ماه و فصول است چهار فصل بدست آمده و از اینرو علم بآنها حاصل شده و باید ناظم آنها را بشناخت که خود معرفی کرده
۵/۱۰) **هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نورا و قدره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب** (اوست آنکه خورشید را درخشنده گردانید و ماه را روشنائی و آنرا در منازلی اندازه گیری کرد تا شمارهٔ سالها و حسابرا بدانید)

از این آیهٔ مبارکه نفع سوم هیئت نیز بدست میآید و آن حساب تاریخ و دفاتر و اعمار هر چیزیست و طلب و قرض و سوابق و ولوا حق روشن میشود لذا در این دو منفعت چون مورد لزوم تمام ملل جهان است بحث داریم شاعر عرب گفته و مصنف گوید

لیس بانسان و لا عاقل	من لا یعی التاریخ فی صدره
و من دری اخبار من قبله	اضاف اعمارا الی عمره
هر که عاری شد زتاریخ جهان	ابلهست آنکس خردمندش مخوان
و انکه شد از عمر دنیا با خبر	اوست دانا در میان مردمان

چهارم از هیئت طریق زمین در دریا و صحراها دانسته میشود که دریا نوردان سوابقا و لاحقا بهره میبردند بویژه در ظلمات اینرا هم حقتعالی در کتاب کریمش بیان فرموده
۹۷/۶) **و هو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمات البر و البحر قد فصلنا الایات لقوم یعلمون**

و اوست آنکه برایتان ستارگانرا قرار داد تا بآنها در تاریکیهای دشت و دریا هداست شوید بحقیقت، آیات را تفصیل دادیم برای مردمیکه میدانند

پنجم آگاهی از احوال جهان و نسبت انسان با آن است که از علم به اوضاع آسمانها بشر پی میبرد این بنای عجیب و این سقف برافراشتهٔ پر عجائب گویا برای او بمنزلهٔ یک باغ و گلستان و قصری است ساخته شده تادر آن تا زندگانی کندو با معرفت انجام نماید وظیفه و مقام خود را دریابد اینرا نیز حقتعالی تذکر داده
۲۲/۲) **الذی جعل لکم الارض فراشا و السماء بناء** (آنانکه برای شما زمینرا فرش و بستر و آسمانرا ساختمان و پوشش گردانید) لازمهٔاش آنستکه انسان بداند اینفرشرا کی گسترده و این بنا راکی بر افراشته و باز فرموده **الم نجعل الارض مهادا و الجبال اوتادا**

ششم از اینعلم اوقات کسوف و خسوف و حوادث دیگری برای رفع خطر بشر روشن

میشود که انسان باید به تکالیف خود عمل کند و از پی چاره بر آید و خود را از خطر برهاند.

هفتم کشف تحلیل عناصر از طبایع اجرام آسمانی و استفاده از اشعهٔ خورشید و امثال از سعد اکبر و سعد اصغر

هشتم کیفیت سیر نورو استفاده از خواص آن و استفاده از آن برای انجام عبادتها مثال اقامهٔ نماز که از نور شمس و زوال آن استفاده میشود کتاب کریم آنرا روشن نموده (۷۸/۱۷) **اقم الصلوة لدلوک الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر ان قرآن الفجر کان مشهودا** (نماز را از زوال شمس تا تاریکشدن شب بپا دارید و بپادار خواندن فجر را و همانا خواندن بامداد گواهی شده) سه وقت نماز از ظهر و عصر و صبح از این آیه استفاده میشود.

نهم استفاده از مواقیت و مقادیر حرکات اجرام سماوی برای مانور عظیم مسلمین سالی یکبار نزد خانهٔ خدا و سالی یکماه مهمانی پروردگار در رمضان و اینرا حقتعالی در کتابش روشن نموده (۱۸۹/۲) **یسئلونک عن الاهلة قل هی مواقیت للناس و الحج** (از تو از ماهها میپرسند بگو آنهاوقت ها است برای مردم در وعده و تعهدات و برای حج) و باز فرمود (۱۹۷/۲) **الحج اشهر معلومات** (حج نمودن چند ماهیست دانسته شده) در باره روزه فرمود (۱۸۵/۲) **شهر رمضان الذی انزل فیه القران ... فمن شهد منکم الشهر فلیصمه** (ماه رمضانست که در آن قرآن نازل شد... پس هر کس ازشما آنماه حاضر شود باید آنرا روزه بگیرد)

دهم استفاده از شناخت علل نزول بارانها و فراوانی و گرانی از کلف شمس و کثرت سردی و گرمی هوا از اوضاع کواکب برای کشت و زراعت و نیز برای ساعات نیک و شروع بکارها اینراهم حقتعالی به بشر گوشزد کرده (۲۲/۵۱) **و فی السماء رزقکم و ما توعدون** (و از آسمانها است روزی شما و آنچه وعده داده شوید) و باز در جای دیگر فرموده (۱۶/۱۶) **و علامات و بالنجم هم یهتدون** (و نشانها است و بستارها آنان هدایت میشوند) و هداست شدن مردم بسوی حق از کواکب از همه مهم‌تر است زیرا حقتعالی و رسولانش و اوصیاء او و کتب نازله الله برای هداست انسانست واستفاده از علم هیئت برای آنهاست

یازدهم از منافع هیئت

از منافع آسمان شناسی یکی آنستکه انسان پی میبرد که آسمانها منشا فیض و رحمت فیاض ازل خداوند رحمانست و محل ارزاق خلایق و هبوط و صعود فرشتگان و عالم و

acrshop

ارواح اولیاء و نیز محل بر آمدن ابرها و وزیدن بادها و نزول باران و میدان تابش افتاب و سیر آن جهت تولید موالید سه‌گانه از جهاد و نبات و حیوان میباشد در اینباره چندین آیات وارد شده

۱۶۴/۲) إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

(همانا در خلقت آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز و کشتی که در دریا جاری میشود بآنچه مردم سود میبرند و آنچه خدا از آسمان از آب نازل کرده پس بآن زمین را بعد از مردنش زنده کرد و در آن از هر جنبده پراکنده نمود و گردش دادن بادها و ابرهائیکه بین آسمان و زمین است هر آیه نشانها است برای گروهیکه اندیشه کنند)

ده نشان قدرت علی الظاهر در این آیه خلق آسمان ۲ خلق زمین ۳ اختلاف شب و روز ۴ کشتیراتی برای سود مردم ۵ و نزول باران از آسمان و زنده کردن زمین بآن بعد از مردنش و پراکندن جنبدگان و گردش باد پدید آوردن ابرها • بفرمان کردن ابرها بین آسمان و زمین هرآینه نشانهای قدرت است برای گروهیکه خرد را بکار برند و باز فرموده (۲۲/۵۱) وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ و در آسمان روزی شما است و آنچه از منابع آسمان شناسی وعده داده میشود

نفع ۱۲- **وقتیکه انسان** نسبت بفضای نامتناهی آسمانها و وسعت آنها علم بیابد می‌بیند دنیای ما با این فراخی در جنب آنها مانند قطره به اقیانوس بحساب میآید و از اینراه بوسعت و عظمت جهان دیگری که خالق اینها خبر داده پی میبرد و تصدیق میکند و به بهشت و دوزخ که وعده و وعید آمده یقین میابد آنگاه وقتیکه باو گفته شود به مومن صالح در آخرت مملکتی میدهند که اگر بخواهد همه‌ی مردم را دعوت کند جا دارد باور خواهد کرد چنانکه آیاتی در اینباره آمده

۱۳۳/۳) وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (و بشتابید بسوی آمرزش از پروردگارتان و بهشتیکه پهنای آن آسمانها و زمین است که برای پرهیزگاران آماده شده (معلومستکه کسی نمیتواند آسمانها و زمین را محدود و اندازهٔ آنرا معین کند چنانکه طنطاوی بصری مینویسد تا این تاریخ سیصد هزار میلیون ستاره

کشف شده و کوکبها است که از آنها اطلاعی نداریم بعضی از ستارگان کهکشان چند میلیون برابر خورشید است و نور بعضی از کواکب هزار سال نوری طول میکشد تا به زمین رسد نور در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر سیر میکند و آیات آفاقی زیاداست در اینکتاب به بیست چیز اکتفا میوشد اول آسمانها چنانکه شمهٔ در اینجا مذکور شد و شمهٔ در راهنمای بهشت (ج ۱ ص ۳۵۰) تفصیل یافت دوم ملک سوم کواکب چهارم نجوم پنجم مصباح ششم سحابی هفتم شمس هشتم قمر نهم ابر دهم طرق ۱۱ شعری

تذکر لازم استفاده از علم هیئت برای کهانت و جادوگری یا برای ضرر مسلمانی حرام است و تمام منافع مذکوره بحق پرستی برمیگردد. و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود بر امتم از دو خصلت میترسم تکذیب به قدر و تصدیق به نجوم براهنمای بهشت ج ۱ ص ۱۷۶ مراجعه شود.

بخش ۵ تعیین تاریخ‌ها از هیئت

تاریخ نشان گذاردن آغاز زمانست و اثر و تاثیرات حوادثات بزرگ مانند هبوط آدم علیه السلام یا میلاد مسیح علیه السلام یا هجرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و تاریخ مشهور چهار است اول تاریخ عرب که اشرف تواریخ محسوب میشود و تاریخ اسلام یعنی هجرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله برآن بنا شده و سالهای آن دوازده قمری است و قرآن مجید آنرا بیان فرموده

۳۶/۹) إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ

همانا شمارهٔ ماهها در نزد خداوند دوازده ماهست در کتاب خدا روزیکه آسمانها و زمین را آفرید از آنها چهار تا با حرمت است این است دین محکم (چهار ماه حرام ذیقعده و ذالحجة ومحرم و رجب است و ماهها بعد دوازده وصی پیغمبر خاتم وعد ساعات شب و روز است) و شب اول ماهرا هلال و روز اول آغازش محرم و صفر و ربیع الاول و ربیع الثانی و جمادی الاول و جمادی الثانی و رجب و شعبان و رمضان و شوال و ذیقعده و ذیحجه و هریک در تسمیه علتی دارد

غُرّه (سفیدی پیشانی است) و روز سی‌ام را سلخ (خروج گوسفند از پوست) زیرا ماه از زیر شعاع شمس بیرون رود.

acrshop

پس سال قمری سیصد و پنجاه و چهار روز و هشت ساعت و چهل و هشت دقیقه می‌باشد و چند ماهش ۳۹ روزی می‌شود و این بود دو سیر نیرین نیّر اعظم و نیّر اصغر **کبیسه** آنستکه ماه آخر ماه سال قمری سی روز یا سال یازده سال (۲ و ۵ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۵ ؟ ۱۸ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۶ و ۲۹) کبیسه شده زیرا پس از هر ماه در میان کم سی بگیرند در هر سال پانزده ساعت و دوازده دقیقه کسر میآورند روی محاسبه ۳۶۰ روز و ماههای پنجم نداریم پس مبدء تاریخ، روز اول محرم آنسالی استکه پیغمبر اکرم از مکه معظمه بمدینه هجرت نمودند ولی عرب قبل از آن تاریخ بنای کعبه را داشتند و بعد تاریخ عام الفیل بوده

روز خلقت آسمانها

۵۷ بحا ۱۰۱) سیدبن طاوس گوید در صحف ادریس است اول روزیکه خداوند آفرید روز یکشنبه بود پس صبح آن روز روز دوشنبه بود که خداوند دریاها را دور زمین جمع کرد تاآنها را چهار دریا کرد فرات و نیل و سیحان و جیحان بعد شب سه شنبه ظلمت و وحشت آمد صبح سه شنبه خداوند شمس و قمر را آفرید بعد از شرح طولانی شب چهارشنبه شد خداوند هزار هزار صفت از ملائکه آفرید پارهٔ بر شکل ابر و پارهٔ بر شکل آتش که در خلق و اجناس با هم متفاوتند بعد صبح چهار شنبه شد از آب اصناف چهارپایانرا آفرید با پرندگان و برای آن رزقی در زمین قرار داد و آتش بزرگ و اجناس هوا (پرندگان کوچک) را آفرید سپس شب پنجشنبه شد خداوند درندگان جنبده را از درندگان و پرنده جدا کرد صبح روز پنجشنبه شد پس هشت بهشت را آفرید و هر یک را دری از آنها را بسوی بعضی گردانید بعد شب جمعه شد نور درخشنده آفرید خدا صد در رحمت باز کرد در هر دری جزئی از رحمت و بر هر دری هزار فرشته رحمت گماشت رئیس آنها را میگائیل کرد آخر آنها را دری گردانید رحمت بتمام خلایق بآن در بین خود رحم می‌کنند بعد صبح جمعه شد خدا درهای آسمانرا بباران باز کرد بادها وزید و ابرها را بوجود آورد ملائکه رحمت را بزمین فرستاد امر شد ابرها بر زمین باران بارند و زمین روئیدنی‌هایش جلوه کرد و بر حسن بهجت افزود ملائکه را نور فرا گرفت و خدا روز جمعه را بهمین جهت یوم الله یوم المزید نامید و خدا فرمود روز جمعه را گرامی ترین ایام و دوسترین روزها بسویم گردانیدم تا آخر حدیث

آشنائی باکواکب سبعه

در فضای نامتناهی آنقدر ناشمار نجوم کواکب پراکنده و سرگردانند که انسان با دیدن آنها مبهوت و حیران میشود و تمام آنها به تسبیح حضرت حق مشغول و جز خلاق متعال کم و کیف آنها راکسی نمیداند و هر چه انسان متفکر در اوضاع آنها بیشتر مطالعه کند بر حیرتش بیشتر افزوده گردد و با اینحال هفت کوکب در فضای آسمان ما از نظر اهل هیئت مشهورند که ما هم رفته رفته با آنها آشنا میشویم یکی ماه است که اطفال هم او را بهم نشان میدهند و زهره (ناهید) و عطارد (تیر) و شمس (خورشید) و مریخ (بهرام) و مشتری (برجیس) و زحل (کیوان) میباشند و چون حرکت و سیر خصوصی هر یک از انها بر ستارگان و فلک هشتم زیادتر است سیاره سبعه نامند و هر یک در نزد اهل هیئت بحرف آخر نشان داده میشوند قمر(ر) زهره (ه) عطارد (د) شمس (س) مریخ (خ) مشتری (ی) زحل (ل) علامت دارد و زحل و مشتری و مریخ را علوی گویند چون فوق شمس‌اند و زهره و عطارد و قمر را سفلی نامند بحث اینها در راهنمای بهشت جلد ۱ ص ۳۵۲ نوشته شده.

هفت کوکب هست دنیا را　　　گاه از ایشان نظام و گاه خلل
قمر است و عطارد زهره　　　شمس و مریخ و مشتری و زحل

وضع هفته را بر کواکب نهادند

بزرگان کواکب سبعه را با ایام هفته نسبت داده‌اند روز یکشنبه شمس دو شنبه بقمر و سه شنبه بمریخ چهارشنبه بعطارد پنجشنبه بمشتری و جمعه بر زهره و شنبه بزحل نسبت داده‌اند و نسبت آنها بشبهای هفته شب یکشنبه بعطارد و دو شنبه ببرجیس و سه شنبه بناهید و چهارشنبه بکیوان و پنجشنبه بشمس و جمعه بقمر و شب شنبه ببهرام و مولی الموحدین علی بن ابیطالب علیه السلام در اختیارات ایام سبعه فرمود

و فی الاحدا البناء الان فیه　　　بنی الله تعالی اطباق السماء

تواریخ دیگران

حکمای ترکستان هر سالی را بنام جانوری نام نهادند و طبایع سالرا در طبع آنحیوان و برج اول را در حدود برج دلو (بهمن) دانند اول سیچقان ایل (موش) دوم اودئیل (گاو) سوم پارس ئیل (پلنگ) چهارم توشقال ئیل (خرگوش) پنجم سوی ئیل (نهنگ) ششم ئیلان ئیل

acrshop

(مار) هفتم یونت ئیل (اسب) هشتم قوی ئیل (گوسفند) نهم حمدونه (میمون) پیچی ئیل دهم تخاقوی ئیل (مرغ) یازدهم ایت ئیل (سگ) دوازدهم تنگوزئیل (خوک) وئیل یعنی سال

برجهای روسی ۱ مارت ۲ ایترل ۳ مای ۴ یون ۵ یون عاکست ۷ سپتامبر ۱۸کتابر ۹ نودینز ۱۰ دکابر ۱۱ یانور ۱۲ فورال

برجهای میلادی مارس ۲ اوریل ۳ مه ۴ ژونن ۵ ژویه ۶ اوت ۷ سپتامبر ۱۸کتبر ۹ نوامبر ۱۰ دسامبر ۱۱ ژانویه ۱۲ فوریه میلادی (برگردیم بمنافع چهارم هیئت)

بتاریخ و ساختمان زمین آشنا میشویم

یکی از آیات قدرت باریتعالی زمین است با هزاران آیات دیگر که در آن میاشد زمین شناسان برای سن زمین با حساب دقیق حسابی باز کرده‌اند و بر اساس دقت در (اجسام رادیو آکتیو) صورت گرفته باین بیان که بعضی از اجسام (رادیو آکتیو) صورت گرفته باین بیان که بعضی از اجسام مثل اورانیوم) و (رادیوم) تشعشعاتی از خود صادر میکنند آند و جسم متشعشع را (رادیو آکتیو) گویند و آن حالت ثابت ندارد و بکندی زیاد تحول پیدا میکند و در مدت میلیاردها سال بصورت مادهٔ دیگری که شبیه به سرب است در میآیند مقدار زمانیکه برای تبدیل این اجسام سرب لازمست و بحساب دقیق دانشمندان و پی بردن به تبدلات این اجسام کلید رمز عمر تعین زمین بدست می‌آید

مثلا اورانیوم (فلز سفید رنگ مخصوصی) پس از طی صد ملیون سال فقط شامل $\frac{۹۸}{۱۰۰}$ اورانیوم خالص است و بقیه‌اش بسرب برگشته و پس از پنج میلیارد سال پنجاه در $\frac{۵۰}{۱۰۰}$ آن اورانیوم و بقیه بسرب بدل شده این تبدیل بطور دقیق و مداوم عمل میشود و عوامل خارجی از سرما و گرما قادر نیست تجزیه و تبدیل این عناصر را تیز یا کند کند لذا اورانیوم یک وقت نگار طیعتی است با اینقاعده در هر نقطه‌ای از زمین مقدارمختصری اورانیوم غالباً از سنگهای مختلف بدست میآید که بتوان از راه تقدیر آن و سرب موجود در آن فورابسن آن تخته سنگ پی برد و در نتیجه عمر آن قسمت از پوسته زمین را که محتوی سنگ مزبور است بدست آورد مثل آنکه از تاریخ الواح قبورده عمر ده را بیابیم در نتیجه با استعمال این طریق و امتحان قدیمی‌ترین سنگها را معین کرده

دوم تاریخ رومی

تاریخ رومی منسوب به اسکندر رومی است زبان سریانی تشرین او و تشرین ثانی کانون اول ۳۰ کانون ثانی ۳۰ شباط ۲۸ آزارا۳۱ نیسان ۳۰ آیار ۳۱ حزیران ۳۱ تموز ۳۱ ایلول و اغاز سالشان میزان (ایلال ۳۰) است و ماههای آنها در عدد مختلف وسالشان سیصد و شصت و پنجروز است یا اینکه بحسب ارصاد از این کمتر است به رصد بطلیموس ۴ دقیقه و ۴۵ ثانیه و بر صد محقق طوستی (ایلخانی) ۱۱ دقیقه... باختلاف رصد خانه‌ها و آغاز آنرا بطلمیوس در محسطی (دوازده سال) بعد از وفات اسکندر داند بهر حال نهصد و سی و دو سال شمسی قبل از هجرت نبی صلی الله علیه و آله اول این تاریخ است (هبوط ۳۴

سیم تاریخ فرس قدیم

این تاریخ از تواریخ جلوتر است و از بیان علی علیه السلام معلوم میشود قبل از اصحاب رس که حنظله پیغمبرشان بود به اسامی بروج فارس شهر داشتند و سیزده نو روز ازآنوقت است چنانکه بنده در جلد اول کیفر کردار نوشته‌ام و بعضی گویند مورخ جمشید جم بوده و برخی یزدجرد را مورج می‌دانند ولی رسم آن بوده که هر شاهی که روی کار آمدی بنام او تاریخ میگرفتند و سال عجم سیصد و شصت و پنجروز است بنام فروردین اردی بهشت خرداد تیر مرداد شهریور مهر آبان آذر دی بهمن اسفند

چهارم تاریخ جلالی از جلال الدین ملکشاه است ارسلان سلجوقی بنا نهاد و این تاریخ همان شمسی عجم است با همان اسامی برجها و سالش سیصد و شصت و پنجروز و پنج ساعت و چهل و نه دقیقه و پانزده ثانیه و چهل و هشت رابعه است و برجی در آن سی روز است و پنجروز را در اسفند افزایند و گویند آغاز سال حمل هجدهم فروردین بوده و آنرا ایام ملکشاه جلو برده‌اند (بیست مظفر)

و تاریخ دیگری نیز مانند فارسی میلادی هست که ۲۱ روز از آن گذشته اول فروردین است برج دوم آوریل سوم

بروج ایرانیان

فروردین (آغاز زیستن نبات) شمس در برج حمل است اردی (شبیه) **بهشت** شمس در برج ثور است خرداد (خورش داد مردم را از گندم و جو و غیره) شمس در برج جوزا

acrshop

است تیر شمس در سرطانست مرداد شمس در اسد است شهریور (زیور داخل پادشاهان در آنست) شمس در سنبله است مهر (مردم با هم با ارسال هدیه مهر میورزند) شمس در برج میزانست ابان (آبها زیاد میشود) شمس در عقرب است آذر (مردم محتاج آتش شوند) شمس در قوس است دی (دیو) شمس در جدی باشد. بهمن (بهتر میشوم) شمس در دلواست اسفند شمس در حوت است

تعریف بروج نجوم و هیئت

برج یعنی حصر و در اصطلاح یکی از دوازده بخش متساوی در فلک و فلک (مدار) هشتم را به ۳۶۰ بخش متساوی کرده‌اند و هر بخشی را درجه نامیده‌اند و هر ۳۰ درجه را یک برج اعتبار کرده که مجموع ۱۲ برج باشد هر برج را بنام حیوانی مصور نامیده‌اند حمل منقلب بصورت بره اینکه بعقب می‌نگرد و کواکب آن ۱۳ داخل و ۵ خارج و طبعش ناری است نور ثابت بصورت کاوی است ۳۳ داخل و ۱۱ خارج طبعش خاکی است جوزا مشترک الجدین (ثابت و سیار) مثل دو آدم که دست در گردن هم کرده‌اند ۱۸ داخل و ۷ خارج دارد طبعش هوائی سرطان (۳۱/۱۰) منقلب بصورت خرچنگ ۹ داخل و ۴ خارج و طلوع آن ۲/۲۰ ساعت و آبی است و سنبله (صورت دختریست خوشه بدست) ۳۰/۱/۹ مشترک ۲۶ داخل و ۶ خارج (۲/۳۰) خاکی است میزان (شکل ترازو) ۳۰/۶ منقلب ۸ داخل و ۹ خارج و (۲/۳۰) هوائی عقرب ۲۹/۱۹ ثابت ۲۱ داخل و ۳ خارج (۲/۲۰) آبی قوس شکل مردی استکه تیر و لکمان نهاده و آنرا میکشد مشترک ۳۱ داخل (۲/۲۰) ناری جدی (شکل بزغاله منقلب ۲۹/۱۰ خاکی ۲۸ داخل (۲ خارج دلو شکل مردی است قائم سطل را سرنگون کرده) ۲۹/۱۶ ثابت ۴۲ داخل ۳ خارج () هوائی حوت (صورت دو ماهی است بهم پیوسته) مشترک ۳۰/۲ و ۲۴ داخل و ۴ خارج (۱/۲۰) آبی

تقسیم بروج بر کواکب

منجمین بروج را بر کواکب سبعه سهم کرده‌اند جز شمس و قمر بهر یک دو رسیده و بشمس و قمر هر یک یک رسیده به زحل جدی و دلو (۱۰ و ۱۱) رسید و به مریخ حمل و عقرب (۱ و ۸) رسید و به مشتری قوس و حوت (۹ و ۱۲) رسید و به شمس اسد (۶) و به زهره ثور و میزان (۲ و ۷) رسید و به عطارد جوزا و سنبله (۳ و ۶) رسید و به قمر سرطان (۴)

رسید پس حمل و عقرب خانه‌ی (خ) و قوس و حوت خانهٔ (ی) وثور و میزان خانهٔ (ه) و جدی و دلو خانهٔ (ل) وجوز او سنبله خانهٔ (د) و اسد خانهٔ (س) و سرطان خانه (ر) می‌باشد

ثور و میزان چو خانهٔ زهره است — زحل راست جدی و دلو مقام
تیر و جوزا و خوشه مه سرطان — خانهٔ آفتاب شیر مدام
رمز کی گفتم از نجوم ترا — تا بیاموزیش تمام تمام

تکرار رموز کواکب و بروج

رمز کواکب را بحرف آخر آورده‌اند مانند شمس و قمر و مشتری و مریخ و زحل و زهره و عطارد (س ر ی خ ل ه د) و رمز بروج را بر ابجد نهاده‌اند ولی حمل را بر صفر آورده‌اند مانند حمل (.) و ثور (ا) و جوزا (ب) سرطان (ج) اسد (د) سنبله (ه) میزان (و) و عقرب (ز) قوس (ح) جدی (ط) دلو (ی) حوت (یا)

مواقع شرف و هبوط کواکب

شرف شمس از ۱۲ شب ۱۹ (حمل) تا شب ۲۰، و شرف ماه در درجه سوم ثور، شرف زحل در درجهٔ ۲۱ میزان، و شرف مشتری در درجهٔ ۱۵ سرطان، و شرف مریخ در درجهٔ ۲۸ جدی و شرف زهره در درجهٔ ۲۷ حوت و شرف عطارد در درجهٔ ۱۵ سنبله شرف راس در درجهٔ سیم جوزا شرف ذنب در درجهٔ سیم قوس لذا دوازده اسم را ناباید در شرف شمس پر کرد تا تاثیر عجیب بخشد و هبوط کواکب مقابل شرف او باشد بهمان درجه و حال هبوط مانند شرف است مثلاً هبوط از شمس بهمان درجات از میزان شروع میشود (میزان و عقرب حمل جدی سرطان سنبله حوت قوس حوزا بردیف کواکب سبعه و راس و ذنب و اینها را ابونصر بحروف آورده از کواکب حرف آخر و از بروج و درجه هر دو را با حروف آورده مثلاً در شرف زحل (فلوکا) با اشاره به شرف و لام اشاره بزحل و واو اشاره به بمیزان هفت بشمار رفت زیرا حمل را صفر گرفته‌اند و (کا) اشاره به ۲۱ است و (یج یه) بدون فا آورده یا اشاره به مشتری و میم اشاره بسرطان برج جارو یا و ها با هم اشاره به درجه ۱۵ میباشد همچنین تا آخر جلد اول

acrshop

اشراف و هبوط کواکب سبعه جهت پر کردن طلسمات

اشرف کواکب			هبوط کواکب		
کوکب	بروج	درجات	کوکب	بروج	درجات
شمس	حمل	۱۹	شمس	میزان	بسط
قمر	ثور	۳	قمر	عقرب	ج
زحل	میزان	۲۱	زحل	حمل	کا
مشتری	سرطان	۱۵	مشتری	جدی	یه
مریخ	جدی	۲۸	مریخ	سرطان	کح
زهره	حوت	۲۶	زهر	سنبله	کز
عطارد	سنبله	۱۵	عطارد	حوت	یه
راس	حوزا	۳	راس	قوس	ج
ذنب	قوس	۳	ذنب	جوزا	ج

کفعمی رحمة الله در مصباح ص ۳۱۱ فرموده اِنَّ هٰذِهِ الْاَحْرُفِ صِفَةُ الْاِسْمِ الْاَعْظَمِ وَ هِیَ 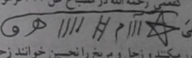 و اهل دعا آنرا در شرف شمس برای امور میکنند و زحل و مریخ را نحسین خوانند زحل نحس اکبر و مریخ نحس اصغر و مشتری و زهره را سعدین گویند مشتری سعد اکبر و زهره سعد اصغر عطارد ذو جسدین

در شرف و هبوط کواکب سبعه شرف (ش) ۱۹ درجه حمل، (ر) درجهٔ سیم ثور، (ل) شرف زحل درجه ۲۱ میزان شرف مشتری در درجه ۱۵ سنبله شرف راس در درجهٔ سیم جوزا شرف ذنب در درجه سیم قوس (این صعودی کواکب) و اما هبوط آنها و بروج شرف هما آنها هستند مگر آنکه در آن درجه قویتر باشند و کواکب تابد درجه شرف رو دارند د رتزایداند و چون از آن درجه بگذرد رو به کمی نهند هبوط کنند و هبوط هر یک مقابل شرف او باشد بهمان درجه و حال هبوط هم چون حال شرف باشد اهل دعا در وقت شرف شمس که اول شرف آن ۲ از شب ۱۹ تا شب ۲۰ میباشد اسم اعظم را مینویسند.

تعیین توافق افق مرد و زن

گویند اگر کسی خواهد بداند پسر و دختری در ازدواج با هم توافق دارند پرس در کدام

روز و کدام ساعت متولد شده‌اند و برابر کواکب سبعه طرح نمادگر نر و ماده آیند مهربان باشند اگر آندو معین نباشند نام هر کدامرا با نام مادر او را بحساب در سبحه کبیر آورد وبر آنها (هفت هفت) طرح نماید اگر یک آمد یکشنبه متولد شده و گرد و بماند دو شنبه اگر سه بماند سه شنبه چهار چهار شنبه پنج پنجشنبه شش جمعه و هفت اگر بماند شنبه بدنیا آمده و شنبه را بزحل نسبت داده‌اند و باز بعناصر اربعه نام هر یک را با مادرش تکسیر و ارائه دهد تا طبع آنها بدست آید آتش شرقی و باد شمالی و آب غربی و خاک جنوبی است

بخش ۶ تَعَدُّدِ شَمس و نُجُوم

از قدماء کسی بتعدد شمس قائل نبود حتی بو علی سینا ولی متاخر بـا ادوات (سپکتر سکوب که در تازی طیاف و در پارسی پرتو بین مخترع کر چوف آلمانی ۱۸۶۰م) تعداد سی شمس غیر شمس کشف و اعلام کردند و درجات انوار ثوابت و اجزاء عناصر منشأ نور و نار و ابعاد و تصاویر کرات را تقریباً معین کردند گفتند هر یک از نجوم ثوابت ذاتاً دارای حرارت و نور است در اعماق بحر فضای نامتهاهی شناور و هیچیک مربوط و منوط بعالم و نظام شمسی ما نیست و هر یک مستقل نظام خاصی و عالم مخصوصی مرکب از اراضی سیاره و اقمار در آنها قرار دارد و منظم بدور خود میچرخد (آنان با ابزار و پی‌گیری عملا از مسلمین پیش افتادند با اینکه مایهٔ کلی اطلاعات کیهانی کتبی و لفظی در دست مسلمین بوده یا بسبب غفلت و یا واسطهٔ بی‌امکانی و یا اختلافات درونی یا هر سه از استخراج وجود خارجی باز مانده) با اینکه وحه بلافصل خاتم الانبیاء علی بین ابیطالب علیه السلام یکهزار و چهار صد سال قبل میفرمود سَلُونِی عَنْ طُرُقِ السَّمٰوٰاتِ فَاِنِّی اَعْلَمُ بِهٰا مِنْ طُرُقِ الْاَرْضِ (از من از راههای آسمانها بپرسید که من باآنها داناترم از راههای زمین) و امروز ثابت شده که در کهکشان مادهٔ هزار ملیون خورشید در حرکت‌اند و در آنها شموسی هستند که ده میلیون مرتبه از خورشید، بزرگترند

اخبار از ساکنین کرات

مِنْ وَرٰاءِ شَمْسِکُمْ هٰذِهِ اَرْبَعُونَ عَیْنُ شَمْسٍ مٰا بَیْنَ عَیْنَ الشَّمْسِ اِلٰی عَیْنِ شَمْسٍ اُخْریٰ اَرْبَعِینَ عٰالَمًا فِیهٰا خَلْقٌ کَثِیرٌ مٰا یَعْلَمُونَ اَنَّ اللّٰهَ (تعالی) خَلَقَ آدَمَ اَوْلَمْ یَخْلُقْهُ وَ اِنَّ مِنْ وَرٰاءِ قَمَرِکُمْ هٰذٰا اَرْبَعِینَ قُرْصًا مٰا بَیْنَ الْقُرْصِ اِلَی الْقُرْصِ الْاٰخِرِ اَرْبَعُونَ عٰالَمًا

acrshop

فِیهٰا خَلْقٌ کَثِیرٌ مٰا یَعْلَمُونَ اَنَّ اللّٰهَ (تَعالٰی) خَلَقَ آدَمَ اَمْ لَمْ یَخْلُقْهُ ... حضرت باقر العلوم امام پنجم علیه السلام چهارده قرن قبل فرمود در پی شمس شما چهل چشمهٔ آفتابست که ما بین هر چشمهٔ آفتابی تا چشمهٔ آفتاب دیگر چهل جهانست که در آنها مخلوقات بسیاری است نمیدانند که خداوند متعال آدمی آفریده یا او را نیافریده و همانا از پی ماه شما اینجا چهل قرص (ماه) دیگر است که نمیدانند خداوند متعال آدمی آفریده یا او را نیافریده

در مریخ چه خبر است

در مریخ جاندارانی هستند که زندگی میکنند و دو ماه دارند بنام قوبوس و دیموس ک بدورش میگردند بلکه گویند در ۶۰۰ ملیون ستاره ازسیارات کهکشان ذی روح و متفکر وجود دارد و در هر فاصله ۴۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ کیلومتری یک دو کره باشد ک موجودات ذیروح متفکر دارند (اسلات ۳۹۴

بحث در کرویت و حرکت شمس

عصارهٔاش اینستکه هیئت کوپرنیک است شمس در مرکز حرکات اجرام علوی مانند سایر ثوابت ساکن و میزان استقامت وضع نظام سیارات منظومه خود است مثل مرکز دایره در وسط نظام مستقر است، این اکتشاف حرکت وضعی آنرا بدور خود انتقالی را انکارنکرده ک با اتباع در فضا سیر میکند با حفظ مرکزیت چنانکه زمین با مرکزیت ادوار قمر نیز بدور خود میچرخد

فلاسفه بعد از هزار، هجری برای خورشید با حفظ مرکزیت اتباعش دو حرکت قائلند یکی وضعی که تقریباً در هر ۲۵ روز و چند ساعت یکبار بدور خود میچرخد و کشفیات قرن هفدهم بر این امر اتفاق دارند و انرا از حرکت فلک و بقاع و نشانهائیکه بر سطح شمس کشف کرده‌اند استباط کرده‌اند که همه بر یک روش در مدت مزبور از غرب بشرق سیر می‌کنند و در حرکت وضعی شمس منافع زیادی برای ما عائد میشود زیرا در آن کلف‌ها و بارها است که قطر آنها بیش از پنجاه هزار فرسنگ شعله‌ها زبانه میکشد به ارتفاع تا چهارصد هزار کیلومتر و آنها باعث اختلاف بارندگیها و سردی و گرمی در کم و کیف است.

حرکت انتقالی که با مجذوبات خود در فضای نامحدود سیر دارد چون شخص آوارهٔ با فرزندانش در بیابان، و متاخرین در کیفیت اینحرکت اختلاف دارند که آیا حرکت مستقیم و

هدف کجا است و یا مستدیر است و مرکز کجا است (بعضی گفته‌اند) در درجه اول بسوی ستاره (جاثی علی رکبتیه) سر پا نشسته روانست بعضی گویند بسوی عقد الثریا روزی ۴۲۲ هزار میل روان دارد و طبق آیه (۳۵/۳۶) **وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَهٰا** (و خور جاری می‌شود که برایش مستقری نیست) سیر دائمی را اثبات و کشف اخیر را صحه میگذارد و نظریه قدما را در سکون شمس رد میکند و توجیه بعضی لمستقرلها زحمت بیهوده است.

بخش ۷ تعریف کیفیت و اوضاع نجوم

از قدرت نمائیهای قادر منان یکی ماه استکه همه‌ی مردم دنیا آنرا همیشه می‌بینند و مثالها نیز بآن میزنند ولی توجه بخلقت و طلوع و غروب آن کاملا که چه صنعتی در آن بکار رفته است ندارند حضرت ابراهیم بمجرد دیدن طلوع ماه و درخشندگی آن ندای **هذا ربی** سر میدهد (۷۷/۶) زیرا در جستجوی خالق است بهر حال علماء هیئت قرن ما صفات و حالاتی برای قمر قائل شده‌اند که قبل از این قدما قائل نبودند و تعریف کنونی با آراء قدماء مخالفت دارد با اینکه علم روز با موشکهای کیهان پیما در ماه انسان پیاده کرده و عکسها برداشته معذالک هنوز وضع کاملا روشن نشده که آیا میتوانند در آن مثل کرهٔ زمین زندگی کنند یا نه و در لطافت وکثافت و نورانیت و ظلمانیت و بزرگی و کوچکی و تسطیح و کرویت آن اقوال زیاد است تا کجا این معما حل شود ما سه قول را در کم و کیفیت قمر میآوریم تا دو چیز حاصل کنیم یکی معرفت به خالقش و دیگری عظمت اسلام عزیز

اول قول قدماء به اعمان قدماء قمر در جوف فلکی است مرکوز وکوبیده و محاط وبر آن عطارد پیچیده و بر عطارد زهره و بر زهره شمس و مریخ و مشتری و زحل بترتیب هر یک محیط وکوبیده‌اند مانند پیاز طبقه طبقه دور هم پیچیده‌اند و جز ماه، قمر دیگری قائل نبودند چنانکه یاد کردیم

قول دوم ظن متأخرین عصر ما است مانند کوپرنیک و گالیله و امثل اینها که قمر را جور دیگر معرفی کرده‌اند بخلاف اقوال قدماء می‌گویند قمر تقریبا شصت و دو هزار فرسنگ بالای هوای زمین با $\frac{1}{49}$ زمین حجم مستقلاً در مدارش گرد زمین میچرخد و یک حرکت تبعی نیز دارد که همراه کره زمین در یک مدار سالیانه دور افتاب میگردد و چون مدار زمین در حد وسط بین افلاک سیارات واقع شده قمر هم که از اتباع زمین است ناگزیر محلش در وسط همه‌ی سیارات است بظن متأخرین وقتیکه موقعیت زمین و سیارات را نسبت بآفتاب

acrshop

پنجم زهره و عطارد در جلو و مریخ و مشتری و زحل در عقب زمین‌اند بر خلاف رای قدماء که زمین و قمر را در زیر همه سیارات دانسته‌اند.

تَعَدُّدِ ماه‌ها

تا قرن ۱۲ هجری فریقین جز قمر زمین ماهی توهم نمیکردند ولی گالیله سنه ۱۶۱۰ م یکی از اقمار مشتریرا کشف کرد بعد از آن اقماری یافتند تا در زمان ما ۲۸ قمر شد یکی برای زمین ۲ برای مریخ و ۸ برای مشتری و ۹ برای زحل و ۸ برای اورانوس و یکی برای نپتون و یک برای زهره که قطر آن دو هزار میل بحساب می‌آید و دوری آن نسبت به زهره مثل بعد ماه است بزمین مولفگوید

هفت کوکب در آسمان ما	خالق ذوالمنن نموده رها
زحل و مشتری و مریخ‌اند	شمس گردد میانه‌ی آنها
زهره پنجم عطارد است و قمر	سوی حق جمله‌اند راه نما
چار فصل آورند و هم تاریخ	شب روز از مدارشان هر جا
سردی و گرمی و بهار و خزان	ابر وباران زسیرشان پیدا
سرسری نیست اینهمه صنعت	از زمین و زمان هوا و قضا
هر یکی در عمل زنند فریاد	نبود خالقی بغیر خدا
گر تفکر کنی تو ایغافل	چون (مقدم) شوی یقین شیدا

مختصرترین حال ستاره زهره

ستارهٔ زهره (ناهید) پیش از غروب اوقاتی در آسمان غرب تابستان از همه زودتر مثل الماس میدرخشد و دور خورشید می‌چرخد چون نقطهٔ سمت راست خورشید باشد سحر قبل از خورشید (در رمضان) طلوع میکند و چنانچه جانب چپ خورشید واقع شود بعد از غروب میدرخشد زهره از عطارد خیلی بزرگتر و بزمین هم نسبتاً نزدیکتر است و بعد از ماه زهره‌است حداکثر فاصله‌اش تا زمین تا ۲۵۲ ملیون کیلومتر و اقلش چهل ملیون کیلومتر است و فاصله‌اش تا خورشید در حدود ۱۰۸ ملیون کیلومتر است و بسبب قرب بخورشید دو برابر و نیم کرهٔ زمین است و قطرش ۱۲۱۸۸ کیلومتر با مقایسه بقطر زمین ۱۲۶۷۶ حجمش بحجم زمین نزدیکست و وزنش بالغ بر $\frac{۸۲}{۱۰۰}$ ۴۸۸۳۱۰ بتوان ۱۵ تن میگردد جاذبه‌اش $\frac{۹}{۱۰}$ جاذبه

سطح زمین است یعنی جسمیکه در زمین ۱۰۰ کیلو وزن دارد در زهره بیش از ۹۰ کیلو وزن نخواهد داشت (از اندیشه پرداز ص ۲۲۶ سرعت متوسطش بدور تقریبی ۳۴/۸ کیلومتر در ثانیه است و سال آن در حدود ۲۲۵ شبانه روز ما است که یکسال تقریبا هفت ماه و نیم طول می‌کشد (از چهانهای دور ۲۲۶)

شمهٔ از حالات کواکب سبعه

چون شمس و قمر در نزد ما مشهود و مشهورند مبنای گردش سال را بر دور آفتاب نهاده‌اند و مدت یکدور آفتاب از هنگام مفارقت او از یکنقطه معینه مثل اول حمل تا برگشت بآن نقطه) یکسال شمسی دانند و یکدور ماه را (از هنگام مفارقتش از یکوضع معین با آفتاب مثل هلال بهمان حال) یکماه خوانند و چون دوازده دور قمر یکدور شمس نزدیکست دوازده دور یکسال کرد و اینرا سال قمری خواندند و باگردش ماه و گردش خورشید ثالثه و ثانیه و دقیقه و درجه و ساعت و شب و روز و ماه و سال و تاریخ بشر تنظیم شده است که خلاق متعال اینها را بمردم تعلیم و تفهیم نموده

۱۷/۱۷) وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا

و ما شب و روز را دو نشان (قدرت) گردانیدیم پس نشان شبرا محو کردیم و آیهٔ روز را گردانیدیم نور دهنده تا اینکه شما فضلی از پروردگارتان بجوئید و تا اینکه شمارهٔ سالها و حسابها را (از عمر و زده بندر بین خود) بدانید (که درحقیقت آندو تقویم قدرت قادر منانست) و هر چیزی را ما بنوعی تفصیل دادیم

بخش ۸ طبایع کواکب سبعه

نوشته‌اند شمس طبعش گرم جهتش مشرق ندش شیرین جلالی و سعد است قمر طبعش سرد و جهتش لذتش شیرین مشترک و سعد است مریخ سرخ مطلق طبع گرم جهت لذت نمکی نحس اصغر جلالی عطارد رنگ سبز مایل بسیاهی طبع مسرور لذت دو جبرین سعد و نحس ---- جهتش مغرب مشتری رنگ زرد مطلق بر طبعش گرم طعم شیرین جهت مشرق سعد اکبر جلالی زهره زرد رنگ و سبز آهنی طبع سرد جهت مغرب طعم شیرین سعد اصغر زجل سیاه رنگ مطلق طبع گرم لذت شور جهت جنوب جلالی نحس اکبر.

acrshop

توافق و تخالف کواکب سبعه

شمس و مریخ با هم بسیار دوست، زهره و زحل با هم بسیار دوست عطار دو شمس باهم بسیار دوست، عطارد و مریخ با هم محب متوسط، قمر و مریخ با هم محب متوسط، شمس و زحل باهم دشمن متوسط، مشتری و قمر باهم بسیار دشمن، عطارد و زحل باهم دشمن متوسط، عطارد وزهره باهم دشمن متوسط نتیجه آنست که وقتی طالب و مطلوب در عدد نام با هم افتادند اگر طبایع ستارگان با هم آید سازگارند و گر نه اختلاف دارند مثلا نصر طالب ۳۴۰ شمس آمد و مهر مطلوب ۲۴۵ مشتری آمد آندو در طبع وجهت طعم و سعدیت موافقند (زحل مشتری مریخ شمس زهره و عطارد قمر)

تشریح بین پنج ستاره

در قرآن مجید حقتعالی در قدرت نمائی نسبت به آیات آفاقی هفت چیز را نام برده مانند شمس)و قمر و نجوم و بروج رجوم و شهاب و منازل اینها در آیه بطور عموم میفرماید (۶/۳۷) إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ با این آیه تمام ستارگان را در شب فرا میگیرد و خورشید و ماه را از آنجا جدا میکند که با طلوع خورشید ستارگان ناپدید میشوند و خداوند ایندو را در عدد جدا بیان نموده و در قصهٔ حضرت یوسف هم جدا ذکر نموده و کواکب از نجم درخشنده‌تر است چه بسبب قرب بزمین و یا پر نوری بجهت آنکه کواکب دری و زینت بخش وصف شده

دوم نجم ستارگانی هستند شاخص که انسانها در دریا و صحرا راهنمائی میشوند چنانکه حقتعالی فرموده و بالنجم هم یهتدون و در سیزده آیه یادآوری شده

سوم بروج، برج جائی راگویند که مشرف بر شش جهت باشد مستولی بر جهات چنانکه در باغهای قدیم و دور شهرها بود و خداوند به آن سوگند یاد نمود وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ و بروج و آسمانها جای دیده بانان ملکوتی جهت دفع شیاطین‌اند چنانکه در سوره (حجر ۱۹) و در سورهٔ نساء (۸۰/۴) استحکام آنها بیان شده

و ما بحث کواکب سبعه را با سالهای نور و مسافتها بطور کامل در راهنمای بهشت ج ۱ صفحات ۳۴۹ تا ۳۵۷ تشریح کردیم حتما مراجعه شود. در اینجا اشاره میشود.

بحثی از گردش زمین

به چند دلیل زمین با اینکه مسطح می‌نماید و دشت و کوه به ما نشان می‌دهد کروی و مدور و در گردش است و قدماء می‌پنداشتند که زمین به‌جایی بند است (البته به قدرت پروردگار بستگی دارد نه به قول آنان) بعضی می‌گفتند بر پشت چهار نهنگ است یا بر پشت فیل و یا بر گاو و گاو بر ماهی ولی حالا ثابت شده که به‌جایی بند نیست و در فضای مسافت بی‌انتها می‌گردد و آن را کوپرنیک چهارصد سال قبل کشف کرد و البته اقوال قدماء بعضی تحویلاتی دارد:

دلیل اول: آنکه می‌بینیم آسمان گنبدوار دور زمین را احاطه کرده از هر طرفی به زمین وصل است و هرچه روی زمین می‌رویم باز می‌بینیم آسمان محیط است پس تدویر و کرویت زمین ثابت می‌شود.

دلیل دوم: وقتی در صحرای مسطح را طی می‌کنیم از پشت سر عمارتها ناپدید می‌شود و از جلو آثار درختان و عمران دیده می‌شود و اگر بر بلندی مثل قلهٔ کوه برآئیم بیشتر آثار دیده می‌شود و باز آسمان بر آنها چسبیده می‌نماید و همچنین کشتی وقتی حرکت می‌کند از پشت سر آثار ناپدید و از جلو نمودار می‌گردد.

دلیل سوم: اگر از مرکزی حرکت کنیم و به‌دور زمین بگردیم باز به همان مرکز اول می‌رسیم و یک ربع کره زمین که ده میلیون متر است دورش چهل میلیون می‌باشد و ---- شوری دور کرهٔ زمین هفت‌هزاروپانصد ورست است که هرورستی ۱۰۶۶ متر معمول ما است (فلاماریون ۱۸) و پست‌وبلندی‌ها و گودالهای زمین مانند گودالهای پست نارنج و پرتقال است نسبت به بزرگی زمین با یک پرتقال.

به قدرت خدا زمین مانند فرشی است

زمین با ایکه کروی و مدور و در حرکت است برای انسانها و ساکنین آن مانند خانهٔ فرش‌شده می‌نماید که همه در آن به آرامش به‌حال خود زندگی می‌کنند مانند مورچگان که بر روی یک گوی بزرگ می‌گردند و تمام تعلقات زمین از کوه و انهار و اشجار و عمارات همه در جای خود قرار دارد و زمین در فضای نامحدود بدون بندوبست به‌جایی در حرکت است و هوای نامتناهی بر آن احاطه دارد و ساکنین بهره می‌برند حق‌تعالی فرموده

(۴۸/۵۱) وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ

acrshop

و زمین را ما گستردیمش پس خوب گسترانده‌ای هستیم (در این دو چیز را می‌فهماند یکی مانند فرشی که رویش زندگی می‌کنند، کار می‌کنند، می‌خوابند و یکی آنکه مانند گهواره در حرکت است که در جای خود حامل را پرورش می‌دهند.

از قدرت پروردگار

با اینکه کره خاک دور می‌زند ساکنین آن به‌حال خود ایستاده یا نشسته یا خوابیده یا در حرکت‌اند. دریاها بهم نمی‌ریزد و انهار جاری می‌شود. آنانکه آن طرف ما هستند باید سرازیر ایستاده باشند و این ممتنع است ولی به قدرت خداوند زمین ما مثل آهن‌ربا همه‌چیز را به خود می‌کشد مثل یک قطعه آهن‌ربای مدور که اگر معلق باشد همه‌چیز را از سوزن و میخ و ذرات به خود می‌کشد و مجذوب آن نمی‌افتد پس زمین گویا یک جسد مغناطیسی است که همهٔ جمادات و حیوانات و نباتات به خود می‌کشد و این قوه را جاذبه گویند چنانکه یک سنگ را که برمی‌دارد سنگین است و اگر رها کنی می‌افتد و تا وقتی‌که تحت قوهٔ تو باشد از دست نمی‌افتد و همه‌جای زمین چنین است.

دلیل دیگر: وقتی خط شاقولی را مانند بنا و مهندسی بسنجیم به ناف زمین می‌رسد ثابت می‌کند همه‌جای زمین جاذبه است پس تمام سکنهٔ زمین سر پا ایستاده و اگر به‌طرف آسمان پرند خاطرجمعند که به‌جای خود برمی‌گردد پس این قوهٔ جاذبه و ثقل است که همه را به خود کشیده و همه در کار خود قرار دارند و بهره‌برداری می‌کنند. حق‌تعالی فرموده

۳۶/۲) وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

و برای شما در زمین قرارگاه و بهره‌برداری است تا هنگامی.

دلیل گردش زمین به دور خود

خورشید وقت طلوع به ما نزدیک و بزرگتر می‌نماید تا ظهر نصف‌النهار بالا رفته و دورتر و کوچک‌تر می‌نماید. باز رو به مغرب نزدیکتر و بزرگتر شده تا غروب می‌کند و چنین است ماه و کواکب و لذا قدماء تصور می‌کردند شمس و قمر و نجوم در بیست‌وچهار ساعت یکبار به دور زمین می‌گردند بعدها با ارصادها معلوم شد زمین به دور شمس می‌گردد و کوپرنیک آن را ثابت کرد.

وقتی که ما در طیاره باشیم طیاره در حرکت است و اطراف او همه رد می‌شوند و ما

به‌حال خود هستیم ولی راه طی می‌کنیم وقتی خارج می‌نگریم آنها در حرکت‌اند و به خود در طیاره بنگریم ساکن هستیم ولی راه طی می‌کنیم مانند چرخ و فلک که می‌گردد و آنچه خارج از آن است ثابت است و زمین ما مانند فندقی است در مقابل گنبد بزرگی نسبت به شمس ممتنع است خورشید که چندین میلیون از زمین بزرگتر است در ۲۴ ساعت دور زمین بگردد زیرا به همان قدر فضا نسبت به بزرگیش نیاز دارد و باید در هر ثانیه چندین میلیارد متر مسافت طی کنند و آن خلاف عقل است پس زمین به دور خود در حرکت است به‌طوری‌که ما در هواپیما هستیم و در آن حرکت نداریم.

بحث از قطب زمین

یک میل را در یک گوی فرو برند دور میل دوایری تشکیل می‌دهد و یک نقطهٔ کوچک به‌نام قطب دارد و هر دایره‌یی که از آن دورتر است از قطب دورتر است و گوی به دو نسمت مساوی تقسیم می‌شود و زمین بدون میل چنان است و دو نقطه در آن تصور می‌شود مانند دو سوراخ قرقره و آن دو قطب‌اند و بغیر آن دو قطب در ۲۴ ساعت سایر نقاط گره می‌گردد و هر نقطه برای خود دایره‌یی تشکیل می‌دهد، از همهٔ آنها بزرگتر دایرهٔ آن نقطه‌ها است که در وسط حقیقی قطب‌ها واقع شده و آن دایره را خط استوا نامند یعنی اگر کره‌ی زمین را ببریم نیم کره‌ای مساوی می‌شود و این خط در روی زمین ترسیم نیست ولی نقاطی که باید از آن تشکیل شود موجود است پس تمام اراضی دافعه بر خط استوا بزرگترین دایره را تشکیل می‌دهد که در ۲۴ ساعت ۳۷ و پانصد ورست (چهل میلیون متر) یا در هر دقیقه ۲۶ ورست سیر می‌کند. روسیه که نزدیک قطب شمال است دایرهٔ متشکله آن به‌جهت غرب قطب شمالی کمتر است.

جهات اربعه. در نصف‌النهار رو بخوانید بایست جلو تو جنوب و پشت سر تو شمال و طرف چپ مشرق و طرف راست مغرب است و شناخت آن بر همه لازم است زیرا برای مسلمین قبله‌شناسی در نمازها واجب است. حق‌تعالی فرمود

۱۵۰/۲) وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

و از هر جایی‌که بیرون شدی پس رویت را (وقت نماز) در طرف مسجدالحرام بگردان (و نیز به مسلمین فرماید) و هر جائی‌که باشید پس روی خود را به‌جانب آن بگردانید (پس مسلمین در هر جای کره‌ی زمین باشند باید وقت نماز رو به کعبه باشند.

acrshop

بیان شب‌وروز

وقتی یک گوی را مقابل یک چراغ بگیریم نصف آن را روشنایی می‌گیرد و نصف دیگر تاریک است و روشنایی و تاریکی لامپ معلوم می‌شود چنین است حال زمین در مقابل فضای خورشید. ماه نصف تاریکش شب است و اگر زمین ساکن باشد همیشه روز یا شب می‌شد و هر نقطهٔ گوی در گردیدن دایره تشکیل می‌دهد پس تمام نقاط روشن و تاریک مشخص می‌شود و شب‌وروز پیدا می‌گردد و بالطبع باید نصف کره روز و نصف شب شده باشد.

احجام کواکب سبعه

عطارد و زهره و زمین و مریخ خانوادهٔ شمسیهٔ مایند و با هم ارتباط کلی دارند و به دور محور خود می‌گردند و شب‌وروز و فصول اربعه دارند. **عطارد** به آفتاب از سایرین نزدیکتر و کوچک‌ترین سیارات متوسط‌الحجم‌اند و از زمین هیجده‌بار کوچکتر و سه برابر قمر است و $\frac{۱}{۱۶}$ قمر وزن دارد و جبال آن از جبال زمین بزرگتر و بلندتر و بیشتر از سنگهای آن معدنی است و بعد او از آفتاب ۵۳ ورست است یعنی از زمین دوبارونیم به آفتاب نزدیکتر است و در سیر سریعتر از کره‌های دور آفتابست در مدار خود در هر ثانیه ۴۵ ورست مسافت طی می‌کند و در هشتادوهشت شبانه‌روز ما یکبار به دور خود و به دور آفتاب می‌گردد. سه ماه ما یک سال عطارد است. محور او بیشتر از زمین متمایل است لذا مثل زمین فصول اربعه دارد ولی مدت هر فصل او به‌جای نود روز ۲۲ روز است و به جهت قرب آفتاب نور و گرمی او از زمین هشت بار بیشتر است و لذا گرمی آنجا فوق‌تحمل سکنهٔ زمین است پس باید سکنهٔ خاصی داشته باشد.

عطارد، گاهی این طرف شمس و گاهی آن طرف واقع می‌شود دیدن آن سخت است زیرا به شمس نزدیک است و با آفتاب ما با هم طلوع و غروب می‌کند او را چند دقیقه قبل از غروب یا یک دو ساعت قبل از طلوع می‌شود دید.

معرفی زهره به‌اختصار

زهره از شمس نسبت به عطارد دورتر است و لذا آسانتر دیده می‌شود و در مسیرش نسبت به زمین گاهی این طرف شمس و گاهی آن طرف اوست و هرگاه از شمس دور است

درخشنده است در اول شب طرف مغرب و نزدیک صبح در مشرق دیده می‌شود و گاهی به ما نزدیک و گاهی دور می‌شود و از زمین سبکتر است و سنگهای معدنی دارد و سال آن هفت‌ماه‌ونیم ما است و چون شمس از ما نزدیکتر است نور و حرارتش دو برابرونیم زمین است و قابل سکونت است ساکنین آن متمدن هستند شاید اسباب ارصاد آنها از با کاملتر باشد و عطارد و زهره را سیاره داخله نامند زیرا مدار آنها در داخلهٔ مدار زمین است و مریخ را خارج خوانند زیرا مدارش در خارج مدار زمین است.

مُعَرِّفی مِرّیخ

از شمس ۲۱۰ میلیون ورست دویست مدار آن از مدار زمین ما بزرگتر و سرعتش از زمین کمتر است در دو سال‌ویازده ماه یکبار دور شمس می‌گردد و در ۳۶ ساعت به دور خود می‌گردد محور او مثل محور زمین متمایل است لذا شب‌وروز دارد آتمسفر دارد که در آن ابرها برخیزند فصول آن از فصول ما طولانی‌تر است قطبین آن منجمد است... بحث زیاد است.

تعریف مشتری: مشتری هزاروسیصد برابر زمین است مدارش پنج بار از زمین بزرگتر است سال مشتری یازده سال و دوماه‌وهیجده روز است و شبانه‌روزش از ما کمتر است در نه ساعت و پنجاه‌وپنج دقیقه دور خود چرخد شرح مفصل در فلاماریون ۱۱۳

مختصر تعریف زحل

زحل ۸۶۴ برابر زمین است مسافت آن از آفتاب مسافت آن از شمس هزاروسیصدوبیست‌وپنج میلیون ورست و در سی سال یکبار به دور خود می‌گردد لذا شب‌وروز او کمتر از ماست هر فصل آن هفت‌سال‌ونیم زمین است.

اورانوس در ورای مدار زحل دور شمس می‌گردد بُعد او از آفتاب دویست‌وشصت میلیون ورس است در هشتادوچهار سال یکبار دور شمس می‌گردد حرارت و نور شمس به اورانوس ۳۶۰ بار کمتر از زمین است.

نپتون مسافت بعد او به شمس ۴۱۷۰ میلیون ورس است ۸۵ بار از زمین ما بزرگتر است و در ۱۶۵ سال یکبار دور آفتاب می‌گردد.

(۲۵/۳۱) **وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ**

acrshop

و هر آینه اگر از آنها (که منکر خدایند) بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده هر آینه گویند خداوند، بگو سپاس خداوند را بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند (و نادانند)

دلایل کُرَوِیتِ زمین از قرآن

۴۰/۷۰) بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ

(سوگند پرورگار مشرقها و مغربها) تعدد مشرق و مغرب دال بر کرویت است که هر روزی از جایی شمس طلوع می‌کند و در جای دیگر غروب می‌نماید.

دلیل دوم: در وسائل (شیخ حر عاملی متوفای ۱۱۰۹) نوشته که حضرت صادق‌علیه‌السلام به بعضی از صحابهٔ خود فرمود کمی در مغرب تأمل کنید زیرا آفتاب از نزد شما پنهان می‌شود پیش از آنکه از ما غروب کند.

دلیل سوم: حضرت صادق فرمود مردی با من همراه شد که نماز شام در پسین و نماز صبح را در آخر شب می‌خواند چون دید من نماز شام از مغرب و نماز صبح را پس زدن صبح می‌گذارم به من گفت چه ضرر که تو هم مانند من نماز بخوانی زیرا آفتاب پیش از آنکه برای ما طلوع کند بر گروهی دیگری طلوع می‌کند و همان‌وقت که بر افق ما غروب می‌کند بر افق گروهی طلوع می‌کند گفتم بر ما واجب نماز مغرب را وقتی بخوانیم که آفتاب از افق ما غروب کند و نماز صبح وقتی بخوانیم که سپیده بر خود ما بدمد (۱۶۶ هیئت) پس کرویت ثابت شد.

دلیل چهارم: از آن حضرت روایت شده خداوند زمین را از زیر کعبه تا منیٰ و از منیٰ تا عرفات گسترد سپس از عرفات تا منیٰ (۳۰/۷۹) وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا

دلیل پنجم: حضرت باقر فرمود: پس خداوند از این کف، زمینی سپید و پاکیزه آفرید پس آن را در هم پیچید و بالای آب نهاد (اثبات مدور بودن و کرویت می‌کند) (۱۶۷ هیئت) وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ (۲۵/۳۰) و از نشانهای (قدرت) او ایستادن آسمان و زمین است به فرمان او

بخش ۹ گردش بروج در سال قمر در عقرب

حمل و ثور هر یک ۳۱ و جوزا ۳۲ و سرطان و اسد و سنبله هر یک ۳۱ و میزان و عقرب هر یک ۳۱ و قوس و جدی هر یک ۲۸ و دلو وحوت هر یک ۳۱ بودن آفتابست در بروج ولی تحقیقا حمل ۳۰ روز و ۱۵ ساعت جوزا ۳۱ روز و ۹ ساعت و در ثور ۳۱ روز و ۲/۳۰

دو ساعت و نیم و در سرطان ۳۱ روز ۱۰ ساعت و در اسد ۳۱ روز و ۵ ساعت و در سنبله ۳۰ روز ۱۹ ساعت و در میزان ۳۰ روز ۶ ساعت و در عقرب ۲۹ روز ۱۹ ساعت و در قوس ۹ روز ۱۲ ساعت و در جدی ۲۹ روز ۱۰ ساعت و در دلو ۲۹ روز ۱۶ ساعت و در حوت ۳۰ روز ۲ ساعت است

استخراج قمر در عقرب

کواکب در بروج دوازده گانه میچرخند و قمر یکی از کواکب سبعه است و وقتیکه در عقرب واقع شود و برای تزویج خوب ندانند و قاعدهٔ آنها از اینقرار است هر چند روز از ماه عربی گذشته آنرا در حساب دو برابر نما و پنج روز بر آن بیفزای پس بنگر شمس در کدام برجست از حمل بحساب آورده بهر بُرجی پنج روز بده در هر برجیکه عدد تمامشد ماه در آن بُرجَست و اگر عددی باقی ماند آنرا در شش ضرب کن حاصل را از درجهٔ آن برج بحساب آور

هر چه از ماه شد مثنی کن — پنج دیگر فزای بر سر آن
و آنچه مانده در آخر منزل — ضرب در شش کن و درج میدان

مثلا فرض کنیم شعبان را خواستیم بفهمیم قمر در چه برجست چون ۱۵ روزگذشته ان را دو برابر نموده و پنج بر آن میافزائیم و ۳۵ شد دیدیم شمس در حمل است بهر برجی پنجروز میدهیم پس قمر در آخر میزانست روز ۱۶ شعبان حساب کرده شانزده روز گذشته بود دو برابر شد ۳۲ پنج افزودیم ۳۷ شد باز هم شمس در حمل بود ۳ از آن تا میزان را بیرون کرد دو و باقی ماند ضرب در ۶ کردیم پس قمر دوازده درجه در عقربست

روشن‌تر قمر در عقرب

در حمل (فروردین) از روز ۱۶ تا نیمه ۱۸ (۵۴) و از ثور (اردی بهشت) نیمه ۱۳ تا آخر ۱۵ (۵۴) و از اسد (مرداد) از اول روز ۶ تانیمه روز ۸ (۵۴) و از سنبله از نیمه روز ۳ تا آخر روز ۵ (۵۴) و از میزان (مهر) از اول برج تا نیمه روز ۳ (۵۴) عقرب (آبان) از روز ۲۸ تا آخر برج (۷۲ می‌نماید) و از قوس (آذر) از روز ۲۶ تا نیمه روز ۲۸ (۵۴) جدی (دی) از روز ۲۱ تا نیمه روز ۲۳ (۵۴) دلو (بهمن) از روز ۲۱ تا نیمه روز ۲۳ (۵۴) حوت (اسفند از روز ۱۸ تا آخر روز ۲۰ (۶۰) ساعت قمر در عقرب است

acrshop

اینهم قولیست در قمر در عقرب خدا داناست

* منظورش نزدهم مرز دیجارت *

حمل ۱	۱۶	۱۷	۱۸ نیم		۷ میزان	۱	۲	۳ نیم
ثور ۲	۱۳ نیم	۱۴	۱۵		۸ عقرب	۲۸ نیم	۲۹	۳۰
جوزا ۳	۱۱	۱۲	۱۳ نیم		۹ قوس	۲۶	۲۷	۲۸ نیم
سرطان ۴	۸ نیم	۹	۱۰		۱۰ جدی	۲۳ نیم	۲۴	۲۵
اسد ۵	۶	۷	۸ نیم		۱۱ دلو	۲۱	۲۲	۲۳ نیم
سنبله ۶	۳ نیم	۴	۵		۱۲ حوت	۱۸ نیم	۱۹	۲۰

اختلالات در تعریف فلک

اساس هیئت قدیم همان افلاک عظیمه بود که حکماء سلف بحث داشتند و علم روز آنرا موهوم دانست و آیه **وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ - يَسْبَحُونَ فلک** را تثبیت کرده بوعلی در شفا گوید فلک جسمی است کروی و بسیط و شفاف که در اوست مجدء گردش دورانی تنها و ازخواص آنست که فرق والتیام ندارند و نه پاره شود و نه رفو گردد ازجا در نرود و ضد ندارد و صفاتش تغیر نگیرد و چنین‌اند اجرا می‌که در آن مرکوزند و فاعلیت آن بعشق است و آن مانند حیوانی بی‌سر ودم است و اسلام هر دو را نفی می‌کند فلک حقیقی را اثبات می‌کند نه موهوم و نه لایتغیر **ابوبصیر به امام صادق** علیه السلام گفت مردم می‌گونید هرگاه فلک تغیر کند فساد رخ می‌دهد فرمود این عقیده زندیقان (مادی گران) است ولی مسلمین را بدین امر راهی نیست، پس اسلام با تعریف حکماء فلک درکم و کیف اختلاف دارد نه در اصل و دلیل رد قول حکما در کم و کیف اختلاف خود آنهاست اوزکیوس حکیم ۲۳ و ارسطو ۴۷ و فراسکاتور ۷۰ رسانیده‌اند و ذیمرقراطس وجود فلک را منکر و گوید کواکب در فضا متحرکند

فلک حقیقی در اسلام

فلک بهر چیز مدور چرخی فلک گویند مانند تفلک ثدی المرئة (زمانیکه پستان زن گرد شود) پس فلک آسمان مجرای کواکب است چنانکه در قرآن (دو جا) یاد شده (۳۶ و ۴۰) کل فی فلک یسبحون (هر یک در فلکی شنامیکنند) و در سوره (۲۱ و ۳۳) انبیاء نیز آمده کل

فی فلک و آیه دیگر در والنازعات آمده و السابحات سبحا (سوگند بشناکنندگان شناکردنی) و در احادیث بسیار فلک ذکر شده و باب مدینه علم فرمود **ثُمَّ عَلَّقَ فِي جَوِّهَا فَلَكَهَا** (در جو آسمان و فلکش را معلق کرد و مرحوم سید لعبته الدین در اسلام و هیئت ص ۱۵۰ اینها را شرح داده پس فلک مدار نجوم و مجرای کواکب است که با خود همراه دارند.

پس تعبیر افلاک برحسب حرکت و سیر هر کوکبی در مدارش تعبیر فلک می‌شود و آن به مهر و ماه و ستارگان اختصاص ندارد بلکه کلیه اجرام سماوی و زمین حتی سنگهای پرتاب شده در هوا و ابرها اگر بچرخند و پرتون ها به فلک تعبیر می‌شود پس مقصود از فلک مدار و مجرایی کواکب است و فضای دور هر جرمی فلک است مانند دریا و ستارگان مانند ماهی در آن شنا گرند.

از این آیات درباره فلک استفاده کنید

۳/۷۹) **وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا** (سوگند بشناوران شناوری) خداوند بشناوران سوگند یاد کرد و آنها اجرام سماوی هستند که در فضا شنا می‌کنند و اگر حدیث آمده زمین بر گاو و گاو بر ماهی ماهی بر آب مضافی حذف باشد یعنی شکل و در آیهٔ دیگر مجاری سیر اجرام را بفهماند.

۱۷/۲۳) ولقد خلقنا فوقکم سبع طرائق (بحقیقت بالای شما هفت راهها آفریدم) و این راهها همان مجرای آنها است و بالاتر از اینها هر چیز جاری مجرالازم دارد در آیه دیگر ۳۵/۳۶) والشمس تجری لمستقرلها (و خورشید جاری می‌شود برایش قرار گاهی نیست) و در قرائت معصوم لا مستقر آمده پس از این آیه ما به بودن خورشید و جاری شدنش در مجاری استفاده می‌شود و در دعای صباح مولی الموحدین آمد والقن صنع الفلک الدوار فی مقادیر تبرجه (و استوار نمود ساختن فلک چرخنده را در اندازه گیری‌های زیبایش) و اگر دو آیه در قرآن طباقا آمده (۳/۶۷) (۱۵/۷۱) **الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا** (آنکه هفت آسمانرا طبقه طبقه آفرید) برای آنستکه هر یک روی دیگر است و نظر متاجرین مثل کوپرنیک و کپلر بااسلام موافق آمد.

افلاک فرضی و نقطه گذاری در آسمان

آسمانها چون بجائی اتصال ندارد و حد و حصر و مرکزی ندارد نمیشود نشان داد که

acrshop

کدام ستاره در کجای عالم است (آنها بنامی از نامهای خداوند بر پایند) جز اینکه با ثوابت آنها را نسبت بهم نشان دهیم لذا قدماء افلاکی در هوا فرض کرده و آنها را نسبت به هم در جهات سته نشان می‌دهند اولا دائره بزرگ مجاری منطقه فلک هشتم فرض کرده آنرا فلک اسبروج (فلک الافلاک)(نامند و ایندائره متقاطع منطقه فلک نهم و هشتم است بر دو نقطه متقابل که آنرا دو نقطه اعتدال خوانند و دور فلک را بدوازده بخش کرده هر بخشی را برجی از حمل و ثور و جوزا .... نام نهاده و هر برجی بسی درجه مساوی قسمت کرده و هر درجه را به شصت دقیقه و هر دقیقه بشصت ثانیه و هر ثانیه بشصت ثالثه و هر ثالثه تا بعاشره و سیصد و شصت

بخش ۱۰ تخریج مفاهیم شرف شمس از مولف

مؤلف با تائیدات پروردگار متعال و زحمت سرشار شرف شمس را برای اهل حال تفسیر و مفاهیم آنرا استخراج و بدوستان مولانا امیرالمومنین علیه‌السلام هدیه می‌دهد و آن دوازده حرف از کتب سماوی که بشرف شمس معروف و نقش در ۱۹ فروردین در نقره و غیره برای حامل منافع بسیار و حاصل سرشاری دارد زیرا حامل اسماء حسنی‌اند واسامی خواجه لولاک و اوصیاء عظام آنحضرت علیهم‌السلام را در بردارند و مولف آنها را برای بهره برداری مردم روشن و بتحریر در آورد.

از تورات موسی علیه السلام شش حرف دارد ه و اااا که با حساب دقیق ما نوزده با بسم الرحمن الرحیم آغاز شده و تاویلش **هُوَاللهُ الاَحَدُ الصَّمَدُ الحَیُّ المُحْیِی** الوهاب می‌شود (۶ و ۱۳ و ۱۱۱و ۱۱۱ و ۱۱۱ و ۱۱۱ = ۴۶۳) و در انجیل عیسی دو حرف است م، که دو تفسیر دارد (۶ و ۴ و ۴۰) الهادی البدوح و دیگری (۳۵ و ۹۰) **هُوَالعَزیزُ الوَدُود** ر از قرآن مجید چهار حرف دارد آاا که پنج پر اول اشاره بوجود اقدس خمسه طیبه (۶۲۳) است و سه الف اشاره است به احدیت و ازلیت یعنی ازلی و ابدی و ما سه حرف دیگر را بقاموس عدد (۳۳۰) بردیم و سمیعیت و علیمیت درآوردیم پس مجموع اعداد دوازده حرف در کل راهنمای اسماء حسنا و چهارده معصوم از حضرت خاتم تا حضرت مهدی علیه‌السلام می‌باشد که مجموع اسامی آنان ۱۹۲۷ باشد پس معنای دوازده حرف از اینقرار است. **هُوَاللهُ الاَحَدُ الحَیُّ المُحیی الوَهّابُ الهادِیُ البَدُّوحُ العَزیزُ الوَدُودُ السَّمیعُ العَلیمُ مُحَمَّدٌ و عَلِیٌّ و فاطِمَةُ والحَسَنُ والحُسَیْن**

خواص دوازده حرف

بچند نوع از آنها استفاده می‌شود در ۱۹ فروردین با زعفران و گلاب نسخه‌های زیاد نقش و شسته شود برای هر امراض نوشیدنی مفید است انشاءالله شفا دارد، در کاغذ یا پوست آهو نقش و زیرنگین انگشتر نهد بدست کند یا طلسم نقره کند، با خود دارد در جام آب نهد بیاشامد، آنرا بهفت شکل در ظرف چینی نویسد و سه شب زیر آسمان نهد برای امراض شافی است، برای دفع ظالم نام او را با مادر یا پدرش با شکل سه الف ااا) بر تخته کهنه نویسد برعضوش سوزن نهد در جای (ظالم) دفن کند ظالم ضربه مهلک خورده و یا شکلی در سوفال بنام ظالم و مادرش کشد و میم و سه الف را با خاتم مقلوب کند (م ااا) در آب چاه یا کدر اندازد ظالم دفع شود و وقت رفتن نزد ظالم بر ابهام راست نویسد در محکمه منصور شود و باید در وقت نوشتن هر یک از مذکورات اینرا بخواند

اللهم انی اسئلک بالهاء من اسمک الاعظم و با الثلاثی العصی و الالف المقوم و با المیم الطمیس الابتر و بالسلم و بالاربعة التی هی کالکف بلا معصم و بالهاء المشقوقة والواو المعظم صورة اسمک الشریف الاعظم ان تُصَلِّیَ علی سیدنا محمد و آله بعدد کل حرف جری به القلم ان تقضی حاجتی حاجت را یاد کند بهرحال بنده گویم در این حروفات بیشک اسم اعظم نهفته است و ما جهت پر کردن طلسمات ساعات سعد و نحس را به قسم آشکار میکنیم بروز و شب و به ساعات هفته و به امتزاج شب و روز و در علم لیمیا معرفت کواکب سبعه لازم است جدول بعدی نمونه‌ی امتزاجست که سی روز و شب کواکب را باگردش کواکب را در روز و گردش آن‌ها در شب معین می‌کند.

سیر کواکب سبعه در روز و شب هفته

روزهای هفته		ساعات روز		شبهای هفته	ساعات	شب
شنبه	ه	اول روز	ه	خ	اول شب	خ
۱ شنبه	س	وقت دوم	ی	د	وقت دوم	س
۲ شنبه	ر	نزدیک اول	خ	ی	وقت سوم	ه
۳ شنبه	خ	زوال ظهر	س	ه	نیمهٔ شب	ر
۴ شنبه	د	بعدازظهر	ه	ل	بعد از نیمه	ر
۵ شنبه	ی	عصر	د	س	ثلث آخر	ل
جمعه	ه	آخرهای روز	ر	ر	صبح صادق	ی

acrshop

پس در این جدول دو نوع از سیر کواکب عنوان شد نوع سوم آنستکه ساعات هفته را ۱۶۸ ساعت بر هفت قسمت کنیم بر یک ۲۴ میرسد و اگر آنرا عمل کنیم باید از ساعت اول شنبه زحل شروع نمود درست ساعت اول روز یکشنبه به شمس تعلق می‌گیرد بجدول مراجعه شود.

روز شنبه و شب یکشنبه روز یکشنبه وشب دوشنبه

ل	۱	۸	۵	۲۲	۲۵	۳۲	۳۹	۴۶
ی	۲	۹	۱۶	۲۳	۲۶	۳۳	۴۰	۴۷
خ	۳	۱۰	۱۷	۲۴	۲۷	۳۴	۴۱	۴۸
س	۴	۱۱	۱۸		۲۸	۳۵	۳۲	
ه	۵	۱۲	۱۹		۲۹	۳۶	۴۳	
د	۶	۱۳	۲۰		۳۰	۳۷	۴۴	
ر	۷	۱۴	۲۱		۳۱	۳۸	۴۵	

پس ساعت اول شنبه به زحل دوم به مشتری سوم بمریخ چهارم بشمس پنجم به زهره شش به عطارد ۷ بقمر ۸ بزحل ۹ بمشتری ۱۰ بمریخ ۱۱ به شمس ۱۲ به زهره ۱۳ به عطارد ۱۴ بقمر ۱۵ به زحل ۱۶ به مشتری ۱۷ به مریخ ۱۸ به شمس ۱۹ به زهره ۲۰ به عطارد ۲۱ به قمر ۲۲ به زحل ۲۳ به مشتری ۱۴ به مریخ ساعت اول صبح یکشنبه به شمس تا آخر هفته

طبایع بروج بتعریف دیگر

از کفعمی علیه‌الرحمة نقلشده که در آسمان دوازده بر جست و آنها را هفت کوکب است اگر خواهی طالع کسرا بدانی اول نام او را با نام مادرش بحساب ابجد کبیر در آور و دوازده دوازده طرح نما اگر یکی حمل است و آتشی و اگر دو بماند ثور است و خاکی و سه بماند جوز او بادیست و اگر چهار بماند سرطان است و آبی و اگر پنج بماند اسد است و آتشی اگر شش بماند سنبله است و خاکی هفت میزان و بادی و هشت عقرب و آبی و آخر نه بماند قوس و آتشی و اگر ده بماند جدی و خاکی یازده دلو و بادی و دوازده حوت آبی پس جوزا و میزان و دلوبادی و نرند سرطان و عقرب و حوت آبی و نرند ثور و سنبله و جدی خاکی و

ماده اند حمل و قوس و اسد آتشی و نرند حمل با جوزا موافق و سنبله با عقرب موافق جدی بحوت موافق

پس کسیکه آتشی باشد تعویذ حب را دوشنبه یا یکشنبه باید نوشت و اگر خاکیست تعویذ راسه شنبه و اگر طالع بادی است چهارشنبه یا شنبه و اگر آبی است آدینه و شنبه باید تعویذ حب او را نوشت.

حالات بروج و تعلق آنها باکواکب

حمل منقلب است و عقرب ثابت ایندو به مریخ (نحس اصغر) تعلق دارد، ثور ثابت است و میزان منقلب است و ایندو به زهره (سعد اصغر) تعلق دارد، جوزا مشترک است و سنبله هم مشترک ایندو و به عطار (سعد و نحس) تعلق دارد، سرطان منقلب است و تنها به قمر (سعد) تعلق گرفته، اسد ثابت و بیک حال و به شمس (سعد) تعلق گرفته، قوس و حوت مشترکند به مشتری (سعد اکبر) تعلق گرفتند، جدی منقلب دلو ثابت به زحل (نحس اکبر) تعلق دارند.

توافق و تخالف بروج

حمل و اسد با هم زیاد دوستند ۲ حمل و ثور با هم نسبتا ضداند ۳ حمل و سنبله با هم سازگاراند حمل و میزان با هم سازگارند ۵ حمل و عقرب با هم دشمن‌اند ۶ ثور و سنبله زیاد دوستند ۷ ثور و میزان با هم ضداند ۸ ثور عقرب با هم دوست‌اند ۹ جوزا و قوس و دلو با هم دوست‌اند ۱۰ جوزا و میزان دوست‌اند ۱۱ سرطان و عقرب با هم دوست ۱۲ اسد و قوس با هم زیاد دوست ۱۳ اسد و حوت با هم دوست ۱۴ سنبله و جدی با هم دوست ۱۵ سنبله و حوت با هم دوست **تَوافُق و تَخالُفِ کَواکب** (س خ) و (ه ل) و (د س) و (د خ) و (ر خ) با هم دوست‌اند و (س ل) و (ی ر) و (د ل) و (د ه) با هم نسازند.

بخش ۱۱ تحولات در دوازده برج

هرگاه قمر در برج حمل باشد نوبریدن پوشیدن و مسافرت و آغاز معالجه و ارسال کالا و مانند اینها نیکست ۲ هرگاه در ثور باشد چون ثور خانه‌ی شرف قمراست بیشتر امور بویژه وصلت (جز در ایام‌سوگواری ائمه) نیکست ۳ درجوز ابرش و پوشش و شروع به تحصیل و آغاز تعلیماتی و تاسیسات نیکست ۴ چون قمر در سرطان باشد انجام امور کشاورزی و حفر

acrshop

چاه و کانال‌رسانی خوبست ۵ قمر در اسد عقد عروسی و شروع بکارهای اساسی و جراحی و معالجه بسیار نیکست ۶ قمر در سنبله برش و پوشش و اشتغال بتجارت و خرید باغ و ملک و مزرعه خوبست ۷ قمر در میزان وصلت و برش و پوشش و سفر در آغاز معالجه خوبست ۸ ماه در عقرب امور کشاورزی و امور آبیاری و جراحی و مداوای چشم خوبست ۹ قمر در قوس برش و پوشش و عقد و عروسی و شروع به آموزش و تعلیم خوبست ۱۰ قمر در جدی جراحی و شروع بمعالجه و کشت و زراعت و دید و بازدید و امور سیاسی نیکست ۱۱ قمر در دلو شروع بساختمان و معاملات و بخانه‌ی نو رفتن و انجام کارهای کشاورزی خوبست ۱۲ قمر در حوت برش و پوشش و تعلیم و تعلم و دادن سفارشات و تجارت و بذرافشانی و تاسیسات خوبست.

در سعد و نحس آغاز سال

برخی در بارهٔ روز اول سال هجری را چنین آورده‌اند غره محرم در یکشنبه در ستاره مهر شمس سعد است بسیار خوب است، حال رعیت و آمرین و اوضاع مواشی و املاک و خواروبار نیک خواهد (والله العالم) روز دو شنبه حال حکام ضعیف و غلات میانه و مهتران کم شوند و بمردم رنج و تعب رسد چون بر قمر آغاز شده روز سه شنبه بر مریخ اوضاع نامطلوبست روز چهارشنبه بر عطارد نا امنی از دزدی و آمرین دارد و احوال مردم نامطلوب چون سعد و نحس را دارا است روز پنجشنبه مشتری بعد سعداکبر احوال حکام و مردم بسیار خوبست و روز جمعه بر سلطنت زهره آید عیاشی و شادی و بی‌بندو باری و غفلت دارد روز شنبه بر زحل آید فتنه و جنگ زیاد شود و اختلافات درگیرد و همین حساب در نوروز پدید آید و الله العالم بنده گویم بسته به کردار مردم است اگر خوب باشند و محبت و تعاون بخیر کنند همه‌اش نیک آید. خداوند رحمت فرستد.

خواص ساعات کواکب سبعه

زهره (ناهید) ساعت زهره عقد وصلت مصاهرت و طلسم الفت و زیارت و معالجت امراض و برش و پوشش نیک و مولودش خوش طبع و یا عیش باشد و ترک آغاز امور عظیمه است **مشتری** (هرمزد) در ساعت آن ترتیب تعویذات و جوشنها و طلب حاجات و سفر و دیدار اکابر و آغاز امور عظیمه و برش و پوشش و بیع و شرانیک و مولودش صالح و

طیب باشد و ترک امور سری و طرب است **عطارد** (تیر) تعلیم و تعلم و آغاز امور جدید و تعمیر و اخذ کسب و پر کردن طلسمات الفت و محبت عالیست و مولودش عاقل و دانا و زیرک بار آید و ترک فصد و حجامت و سیر و سفر و برش و حرب و معالجه و امور نهانست **مریخ** (بهرام) جهت آلات حرب و طلسمات و شکار و ترک برش و دیدار اکابر و طلب حاجت و پوشش است و مولودش خونریز شود و **شمس** (خورشید) آغاز امور عظیمه و برش و پوشش و پر کردن طلسمات الفت و بیع و شَرانیکست مولودش با عمر خوش اقبال و دانا باشد و ترک تجارت و حرکت است **زُحَل** (کیوان) عمران و عروسی و زراعت و درختکاری و کار دهاقین خوبست و طلسمات خصمی و نزادن زن خوب است و مولودش درازعمر و با دوست باشد وجود مصاهرت وصلت و حرکت و فصد و حجامت و معالجه و دیدار ملوک باید کرد.

ساعات پر کردن طلسمات

جمعه برای حب و عقد السان و عقد الرجال و بغض و عداوت شنبه بغض یکشنبه حب دوشنبه عقداللسان سه شنبه بغض چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه حب را سزد و در محل عمل در آتش دفن یا بر درخت آویختن یا بزمین دفن نماید و در مهربانی نام مطلوبرا جلو بنویسد در شمس محبت نویسد در زحل عداوت مریخ دشمنی و در زهره محنت و در قمر خواب بندی و در عطارد عقد الرجال و در مشتری مهر و محبت ولی باید خلاف شرع نباشد

در افلاک کواکب سبعه

افلاک کواکب سبعه و فلک البروج و فلک اعظم و عناصر اربعه باین ترتیب است که در ایندازه دیده می‌شود و دورترین افلاک از زمین زحل و نزدیکترین فلک قمر که نشان اینها حرف آخر است و شمس و قمر را نیرین و شمس را نیرا عظم و قمر را نیر اصغر خوانند و پنج دیگر را متجره نامند و زحل و مشتری و مریخ را علویه و زهره و عطارد دو قمر را سفلیه گویند و افلاک نه اند فلک الافلاک اطلس فلک اعظم ۲ فلک البروج که ثوابت در آن باشند ۳ فلک زحل ۴ فلک مشتری ۵ فلک مریخ ۶ فلک شمس ۷ فلک زهره ۸ فلک عطارد ۹ فلک قمر و در شروع از قمر شروعکنند زحل و مریخ را نخستین خوانند زحل نحس اکبر و مریخ نحس اصغر مشتری و زهره را سعدین گویند مشتری سعد اکبر وزهره سعد اصغر

acrshop

بخش ۱۲ چند عمل در زحل

این آیه را در روز شنبه بعدد گیرد در لوحی سربی هفت در هفت نقش و جهت فتح با خود دارد ۱۲۹۶ **نَصْرٌ مِنَ اللهِ وَ فَتْحٌ الْقَرِيب، اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً** (قریبا) **رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ اَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ** و اگر بتواند موکل زحل را مسخر کند مادام العمر بهره میرد و اگر نام کسی بر کواکب بر زحل فرود آمد تعویذ زحل چنین است ص ط ط ۶۶۱۱۹۹۶۱

چند سخن در شمس

تسخیر شمس باین نوعست اول سه طلسم را هر روز نوشته تا هشت روز بوقت معین در آب جاری اندازد در عروج ماه (نصف شب اول ماه بهتر) بعد از عمل تا چهل روز این ورد را روزی هزار بار بخواند و پرهیز مانند زحل است ورد اینست:

یاش ارنمدی و اش ار عمل طاش شمعون یا شمسائیل بِحَقِّ اَللّٰهُ الصَّمَدِ (سپس طلسم را پر کند و با خود دارد)

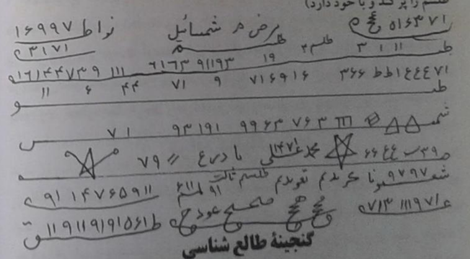

گنجینهٔ طالع شناسی

بسم الله الرحمن الرحیم

در گرفتن طالع (یا استشاره در کار و امور) باید نام طرفین و مادر آنانرا به ابجد کبیر یا دوائر دیگر در آورد و بردوازده برج قسمت کرد یا با هم در طبایع و افق تقارن دارند و یا تباین و یا در جهاتی تقارن و در برخی تباین، مثلا هر دو طالع طرفین حمل می‌آید یا هر دو

ثور آید یا مختلف از این ضرب ۷۸ بعدد هوالمحیط صورت بهم می‌رسد و هر صورتی حکمی پیدا می‌کند چنانکه در جدول استفاده می‌کنید و باز همین دستور کواکب حاصل اسامی قسمت می‌شود همان سه حال را می‌یابد و اگر در ازدواج و وصلت نباشد بجای همسر نام آنچه از کارهای قصد کرده بگذارد و بروج از این قرارند حمل ۲ ثور ۳ جوزا ۴ سرطان ۵ اسد ۶ سنبله ۷ میزان ۸ عقرب ۹ قوس ۱۰ جدی ۱۱ دلو ۱۲ حوت کواکب زحل ۲ مشتری ۳ مریخ ۴ شمس ۵ زهره ۶ عطارد ۷ قمر و باید طبع هر دو را به سعد و نحس به سنجد.

تذکر: بچند طرح میشود طالع را گرفت: ۱- طرح عنصری چهار چهار ۲- طرح کوکبی هفت هفت ۳- طرح افلاکی و آن نه نه است ۴- طرح بروجی دوازده ۵- طرح منازل بیست و هشت است ۶- طرح درجی ۷- طرح مرکب یکدگر بهم اول نام طالب و مطلوب را بر یکی از آنها طرح کرده باقی مانده را با هم می‌سنجد و در قسم هفتم طرح هر یک را بر دیگری می‌سنجد.

شمه‌ئی از طالع شناسی جهت همسری

۱- **حمل با حمل** طبیعت هر دو منقلب با هم سازگاراست زیرا موسم رشد و اول بهار می‌باشد پس همراه ایندو با هم توافق ظاهری و عمری و باطنی دارند و حاصل نیک از فرزندان و علم ببار آرند ولی باید فرصت را از دست ندهند ودر حیطه علم و هنر و معلم بکار پردازند اگر چه در آغاز بزحمت باشند ولی بعد بهره‌ی و افری خواهند داشت و دشمن و حاسدین بسیار دارند و طالع آندو یا اَللّٰهُ اَلْمَلِكُ است و برای بقاء نعمت هر صبح و شام ۱۵۶ بار آنرا بگویند.

۲- **حمل و ثور** ایندو قرین یکدگراند و مصاحب خوبی هستند و حاصل خوبی از فرزند و زراعت ببار آورند ولی باید با هم تعاون داشته باشند و اختلاف بهم نرسانند و زوج از زوجه بسیار بهره می‌برد و عدد آنان بر مُقْتَدِرُ و هادی و ودود آمد اگر تحت علم و هنر در آیند قدرت مندد و رهبر مهربان باشند و چنانچه بر اینسه اسم ادامه دهند نعمت را باقی گذارند ۷۸۴

۳- **حمل و جوزا** در طبع با هم مختلف‌اند و چون به مریخ و عطارد نزدیک هستند بیشتر امکانات آنها به رنج و تلخی می‌گذارند و سازگاری آنها سبب ارثی است که بوده و فرزندانشان کم ولی رزق آنها زیاد و وصلت آنها اول خوبست بعد به نفاق می‌کشد روزهای

acrshop

سه شنبه و چهارشنبه برای آنها در آغاز کار بهتر است و عدد صاحب طالع ۹۵ باشد که بعد از هر نماز بهمان عدد باید یا اَللّٰهُ یا سَیِّدی گوید.

۴- **حمل با سرطان** دائما آنها ناسازگار باشند زیرا ستاره یکی نحس و یکی سعد است و خصومت بین آنها زیاد افتد و شاید بطلاق کشد و بیشتر عمر آندو به تلخی برگذار شود و فرزندان نا میمون آیند و طالع سرطان بیشتر دوام دارد علاج کارشان زیاد تصدق است. ذکر آندو یا رَؤُفُ است.

۵- **حمل با اسد** حال یکی منقلب و دیگری ثابت پس با هم خرم باشند و در نعمت غوط ورند و ریاست مهمه نصیب آنها شود ولی باید از عطا بذل کنند و بهره‌ی زیادی از همسر می برد. ذکرش یا حلیمُ یا قوی

۶- **حمل با سنبله** یکی مقلب و دیگری مشترک و با هم امتزاج دارند ولی از جهت فصول هر در بارورند و فرزندان بسیاری آورند چنانچه بر صدق خود کار کنند فراوان بهره بردارند حرام آفت آنها می‌باشد باید اجتناب کنند ذکرش یا اَللّٰهُ الرَّزّاقُ

۷- **حمل با میزان** با سعد اصغر وصلت است و از جانب مقابل بهره فراوان است ممکن است اول کار به اختلافات زیادی کشد و باید عذر خواهی از زوج باشد که از حلم دور شده باید هر دو همواره از خشم خودداری کنند. روزی ۱۱۳ بار یا جامِعُ گویند.

۸- **حمل با عقرب** هر دو منقلب و هم طبع هستند و با زندگانی خوبی مقابل نمی‌شوند دائماً بین آنها نزاع برقرار است و کارهای آنها کامل نگردد و چاره‌ی آنها آنستکه دائم از خشم خودداری کنند و این همسر بدزبان درآید و با زبان شوهر و مردم را بیازارد حاصل خوبی ندارد و باید زیاد بخواند **رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ**

۹- **حمل با قوس** وصلت مقابل سعداکبر است و امورات آینده که مقصد طالع است بسیار نیک باشد و چون محسود می‌شوند نباید از بذل مال نسبت به وابستگان دریغ کنند و در منصب نباید از عدالت بگذرد و باید قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاس را تا آخر زیاد بخواند.

۱۰- **حمل با جدی** هر دو در طبیعت منقلب‌اند و این کار یا وصلت با گرفتاری زیاد روبرو می‌شود و باید هر دو با مدارا کار کنند و اگر شغل باشد زیاد درد سر دارد سوره واقعه را هر شب برای اصلاح کارشان بخوانند و **یا غَنِیُّ یا فَتّاحُ یا رَزّاقُ** را ورد خود سازد.

۱۱- **حمل با دلو** اختلاف بین آنها زیاد و دائماً در گرفتاری باشند و در قصد شغل است کم درآمد و پر زحمت باشد مگر اینکه با صداقت و انصاف و پر کار وارد کار شود و اگر

همسر است باید تحت تربیت و تعلیم و اطاعت شوهر در آید و چاره گرفتاریش بعد از هر نماز ۷۴ بار یا **دَلیلَ المُتَحَیِّرینَ** است.

۱۲- **حمل با حوت** با یکدیگر در طبع نسازند ولی اگر وصلت است خوش قدم و اگر کار است بسیار پر سود است ولی عامل باید از عدل و مروت و صدق بدرنرود و سازگاری باید از طرف زوجه باشد با شوهر مدارا کند و دو خطر هر یک موجود است باید آنها را با تصدق زیاد و دعا رد کنند و هر روزی ۶۶ بار بخوانند **فَاللّٰهُ خَیْرٌ حافِظاً وَهُوَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ**

۱۳- **ثور با ثور** بسیار وصلت خوب و یا کار و یا منصب خوب با هم بخوبی و خوشی زندگانی دارند و حاصل فراوانی ازاولاد و علم و هنر وآثار بار آید و گرفتاری را با حلم بر طرف کنند ولی حساد آنان زیاد و باید از نعمتهای الهی بمردم محروم انفاق نمایند و تحصیل علم را ترک نکنند که از مقام ساقط میشود. روزی ۱۰۰ بار یا رب گوید

۱۴- **ثور با جوزا** از طرف زوج فیض و از زوجه مخالفت و اگر منصب یا کار یا هنر است درد سر زیاد دارد مگر به بردباری و صبر و تحمل بسر برد و ممکن است حاصل خوبی در کار نباشد و در صورت قسمت و تقدیر باید تحت علم و تربیت بسر برند و مرض سختی از حرارت طالب دچار می‌شود زیاد تصدق دهد و هر روز ۶۶ بار بگوید یا شافی **یا کافی یا مُعافی**

۱۵- **ثور با سرطان** وصلت و کار و هنر و منصب گرفتن بسیار خوب و پر فایده است و معروف می‌شود و حاصل زیادی ببار می‌آورد باید مواظب باشد که از راه حق عدول نکند و گرنه فرصت از دستش می‌رود و با شخصی کج خلقی و بدروشی دچار می‌شود بعد از هر نماز ۳۴ بار یا صمد گوید و مریض سختی می‌شود با تصدق دفع کند. روزی صد بار یا شافی گوید

۱۶- **ثور با اسد** بسیار وصلت خوب و شغل و هنر و کار خوب و با میمنت باشد ولی اختلاف شدیدی در کار است که باعث ناسازگاری باشد نیاز به واسط قوی عادل دارد که همواره مواظب باشد باید به فروتنی و حلم برگذار کنند و همیشه با قوه قاهره روبر باشد باید خود را وا باید و از یاد خدا غافل نشود. ذکرش یا ناصر و یا حافظ روزی ۱۰۰ بار

۱۷- **ثور با سنبله** در مطلوب گرفتاری زیاد است دائم موافقت ندارد و کار زیاد و حاصل کم بدست آید زراعت و باغ داری و دام داری بسیار خوبست شرط آنکه ازانصاف بدر نرود و حقوق را ادا نماید و علاقه‌ی طالب بمطلوب زیاد است ولی عمر مطلوب کوتاه باشد. برای طول عمر زیاد صله ارحام و خیرات و دعا نماید روزی ۸۴ بار بگوید **یا بَدیعَ**

acrshop

السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ

۱۸- **ثور با میزان** در کار و اخلاق و بهره برداری تو افق کامل باشد و نتایج خوب از فرزند و حاصل بار آید اگر بقضاوت نشیند باید یک موبطرفی میل نکند و مطلوب بسیار سالم است بشرط آنکه آنرا آلوده به خرابی نسازد. مواظب باشد دچار حرام نشود یا عدل یا حکیم ترازو دارای و خواروبار با صاحب طالع سازگار است زیاد بگوید یا قاض یالحاجات

۱۹- **ثور با عقرب** سرمایه زیاد در جائی بکار می‌رود که گاه گاه به ضرر و خطر و گزند مقابله می‌کند تضاد اخلاقی در بین است همسر بد زبان و یا ملک با درد سر و یا مرکب پر خرج درکار است باید هر روز چهار قل را ده بار بخواند

۲۰- **ثور با قوس** ازدواج پر بار و منصب پرکار و مرکب رهوار و شغل پر افتخار بدست آید ومبادا با عجب و تعدی از دست رود باید سرمایه در جای خود مصرف گردد و گرنه چون تیر بیجا هدر رود. در معاملات اسناد را محکم کند. و آیهٔ توکل باید در صبا ملح بخواند.

۲۱- **ثور با جدی** طالب و مطلوب باید در تعلیم و تعلم بکوشند و از دائره‌ی تعلم بدر نروند و با هم مهربان باشند ولی هر دو راخطر زیاد است از احراز غافل نشوند در حصار آیة الکرسی و چهار قل بسر برند و فیض طالب و افق او بیشتر از مطلوب است اگر جدال در بین آنها آمد باید زوجه تحمل نماید و جهت رفع خطر باید هر یک روز صبح صد بار بگویند **لَااِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِینُ**

۲۲- **ثور با حوت** همواره در نعمت و وسعت و آسایش باشند ولی بدست آوردن مطلب زوجه یا ملک یا مرکب مهارت زیادی با زحمت فراوانی لازم دارد و باید از نعمت برای ثبات بیدریغ به نیازمندان برساند و از خویشان غافل نشود و از ادامهٔ تحصیل خودداری نشود. و ذکر یا علیم یا حکیم است

۲۳- **جوزا با جوزا** با هم توافق اخلاقی و مرامی دارند و زندگانی محقر یابند و به سختی و زحمت همواره دچار باشند مگر به دعا و خیرات و کمک مردم از گرفتاری خود را برهاند و خطرات زیاد دارد و باید بتوسل پردازد و از کارگشائی دریغ نشود روزی صد بار گوید یا فتّاح

۲۴- **جوزا با سرطان** بین آنان توافق نباشد و همواره اختلاف و نزاع باشد جز آنکه تحت فرمان رهبری مطاع قرار گیرند در عین حال با منصب سخت و کارپر زحمت دچار است و توانائی اتمام و اداره‌ی آنرا ندارد و اگر بمطلوب رسد باید بعد از هر نماز ۷ بار بخواند **حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ**

۲۵- **جوزا با اسد** با هم درشان و عقیده و اخلاق توافق ندارند کاری است مافوق قدرت

و زوجه است مافوق استطاعت و ناسازگاری همواره حاکم باشد و صبر از طرف زوجه است و بی‌توانائی از طالب باشد برای رسیدن بمطلوب نماز اول وقت و وفاء بعهد لازم است.

۲۶- **جوزا با سنبله** کاملا با هم اگر بهم رسند توافق اخلاقی و طبیعت دارند و در آنها اختلافی نیست ولی نمام‌ها بین آندو را بهم می‌زنند و درد سر از حاکم دارند باید با توکل به تدابیر برطرف کنند و در کارهای به مستشار و ناصح مراجعه کنند اگر دچار وام شوند بعد از نماز ظهر صد صلوات را ترک نکنند تا برطرف شود.

۲۷- **جوزا با میزان** با یک دگر موافق و ممکن است تمامی بین آندو را تیره کند ولی باید حلم و صبر را از دست نداد و اگر به منصب قضاوت نشست باید از عدالت غافل نشود و اگر به منصبی رسد باید با مردم عدالت کند و از خدا کمک گیرد. ذکرش یا مالک الملک

۲۸- **جوزا با عقرب** اختلاف شدید بین آنان همواره از بدزبانی باشد مگر آنکه تحت تفکر تکلم کنند و در شغل گاهی زیان گاهی سود و در منصب درد سر و گاهی دلخواه باشد در عین حال طالب و مطلوب به تعلیم نیاز دارند و مطلوب خطرناکست. و از پیوند بخویشان غافل نشوند. و بسیار هر روز گوید یا حافظ یا ودود

۲۹- **جوزا با قوس** منصب بالاتر ازخود و کار مافوق قدرت و همسر بالاتر ازخود را می‌خواهد اگر بتواند آنرا بدست آورد و در هر حال ایفاء بخدمت و اداء حق نماید خوبست و اگر چه خود را بزحمت زیاد انداخته و بقاء مطلوب در شکران و اداء حقوق است.

۳۰- **جوزا با جدی** طالب ضعیف و مطلوب منقلب پس حال ثابتی در آنهانباشد مگر آنکه از پروردگار با تضرع و آسایش گیرند و مطلوب باید با زحمت رشد کند. و از خدا کمک گیرد. روزی ۱۰۰۰ بار سبحان الله گوید

۳۱- **جوزا با دلو** در طالب و مطلوب سستی و خطر وجود دارد و در مطلوب بیشتر پس وصلت بسختی و کار بدشواری می‌کشد و مطلوب بدرد کار می‌خورد مدارا لازم دارد.

۳۲- **جوزا با حوت** بسیار مطلوب خوبی است اگر بدست آید پر بار و بی آزار و فیض سرشار دارد و با هم به خوبی سازگار باشد جز اینکه حسودان و اجانب آنها را بدرد سراندازند و خطر مطلوب زیاد است و احتیاج به مایعات دارد. زیاد بگوید یا حنّان یا منّان.

۳۳- **سرطان با سرطان** اگر چه در طبیعت هر دو ثابت نیستند و یک طبع‌اند ولی ضعف دارند و ناسازگاری چه در وصلت و چه در کار و چه در معاملات وجود دارد جز اینکه با استمدادا غیبی عمل شود و در این کار بیماری و عمل بیماری زیاد باشد باید به خیرات و تصدقات بر طرف شود. باید روزی ۵۰ بار بگوید فَاللّٰهُ خَیْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ.

acrshop

۳۴- **سرطان با اسد** مطلوب ارزنده و پر بهاء بدست آید بسیار خوب است ولی باید خطر از دست رفتن آنرا چاره کند زیرا مقام بلندی دارد و بین آندو زیاد مجادله شود نیاز به مصلح دارند و باید یکطرف حلم ورزد. ذکرش یا الله الحلیم

۳۵- **سرطان با سنبله** توافق ظاهری و اختلاف باطنی ندارند و گرفتاری زیاد خواهد داشت مطلوب باغ یا زراعت است از آفت حفظ شود. و از خدا کمک گیرد. یا الله الواجد

۳۶- **سرطان با میزان** مطلوب بسیار خوب است اگر تحت تاثیر محیط و مجالس نباشد و مقصد و خواسته بسیار بی‌نقص است اگر حسودان و موذیان بگذارند و طالب باید در نگه داری سعی کند و باید نعمت را شکران کند. ذکرش یا الله الشکور

۳۷- **سرطان با عقرب** از هر دو طرف ناسازگاری باشد تباین اخلاقی و عملی درکار است و محصولات خوبی بار نیارند و از طرف مطلوب صدمات میخورد و گرفتاری را باید با اداء حقوق برطرف نماید. ذکرش یا الله الشافی

۳۸- **سرطان باقوس** از مقصد و مطلوب فوائد بسیار بدست آید و باید از مطلوب استفاده نماید و آنرا معطل و ضایع نگذارد و در این امر باید به حسره رجوع شود. و صداقت بکار برد. ذکرش یا الله المعافی

۳۹- **سرطان با جدی** در مقصد و مطلوب طالب بسی خوردنی‌ها از فواکه و لحوم و حبوبات است و اگر قصد معنوی دارد باید پشت کار را بگیرد تا بمقصد رسد و در مطلوب نقصی از تعالیم وجود دارد. که باید برطرف شود. ذکرش یا الله الکافی

۴۰- **سرطان با دلو** در قصد طالب ابزار و اسباب و لوازم زندگی است و با استمرار کار به ثروت و مکنت خواهد رسید ولی با سستی زیان دارد. و باید توکل را از دست ندهد یا الله

۴۱- **سرطان با حوت** پیوند نیک و مقصد نیک و با آب سروکار خواهد داشت و مطلوب بی‌آزار و پر بار بدست آید و در نزاع تعدی از طالب است. باید عدالت از بین نرود. یا دافع

۴۲- **اسد با اسد** قصد بالا نشستن و پست حساس باشد و در پی منصب والائی از علم یا پزشکی یا لشگر و یا کشوری در جلو است ولی بسیار پر خطر باشد فقط در طلب کار در هر وقت احتیاط لازم است. و باید مواظب باشد بظلم دچار نشود. یا الله القاضی

۴۳- **اسد با سنبله** مطلوب پر بار را قصد دارد از باغ و بستان و جنگل و مزرعه ولی باید طالب از تندی و زورگوئی و قدرت نمائی به مطلوب خودداری نمایم و باید ضعفا را فراموش نکند. ذکرش یا الله القادر النافع

۴۴- **اسد با میزان** مطلوب و مقصد طالب بسیار عالی و بی‌عیب است باید طالب از تعدی و ناحق خودداری کند و مطلوب را بفساد نکشاند و تادیوان عالی قضاوت و بالاتر راه دارد. و قدرت‌مند میشود. ذکرش یا الله السلطان

۴۵- **اسد با عقرب** مطلوب دارای خوی بدی است که در طبع اوست و باید طالب با قدرتی که دارد با او مدارا کند و خلاصه با منافق باید زیست کند. و باید همواره خود را وایابد. ذکر یا الله الحفیظ

۴۶- **اسد با قوس** اسلحه گرفتن و ابزار خواستن است و طالع اگر بتواند با قدرتی که دارد از مطلوب خود بهره‌گیری کند بسیار نیک است. و مطلوب زود از دست میرود. یا الله الدافع

۴۷- **اسد با جدی** ریاست یافتن بر مردم نادان و یا بدست آوردن گله‌ی گوسفند یا دام داری کردن باشد بسیار خوب. ولی از دشمن غافل نشود. ذکرش یا الله العزیز

۴۸- **اسد با دلو**، مطلوب مغرور و با قدرت است و به سختی بدست آید ولی با همت عالی و توکل بر خدا به مقصد میرسد و باید در اداء حق مردم سستی نکند و با خویشان مهربانی کند تا بمقصد برسد. ذکرش یا الله الصانع

۴۹- **اسد با حوت** مقصد طالب استیلای غواصی و سفر دریا و یا هوائی و یا همسر سازگار مطلوب فرمان بردار است و باید در قدرت از عدالت و تواضع بیرون نشود.

۵۰- **سنبله با سنبله** طالب و مطلوب در محل خطر قرار دارند و هر دو به نگهبان نیازمند هستند و هر دو نیاز به راهنما دارند و باید به احتیاط کار کنند زیرا زود بخطر می‌افتند. و نیاز مردم با خالق است. ذکرش یا رحمن یا رحیم

۵۱- **سنبله با میزان** مطلوب بسیار خوبی است که ارزشهای طالب را بجامعه می‌رساند و باعث رشد و شهرت طالب است. و باید در حقوق مردم سستی نکند تا بمقصد برسد.

۵۲- **سنبله با عقرب** سازگاری بین آنها نیست زیرا از طالب لطافت واز مطلوب کج روی ولجبازی است و اگر متاع یا منصب باشد آغشته به رنج و خون دل است. یا الله القاهر

۵۳- **سنبله با قوس** استفاده مطلوب بطالب بیشتر است زیرا در طالب قوه کار کشیدن کم است اگر مورد بهره‌ی عام قرار دارد و علت با هم سازگار هستند و طالب توانائی او کم است.

۵۴- **سنبله با جدی** با هم بسیار سازگارند زیرا مطلوب بیشتر بهره بر میدارد از طالب و لذا محبت بین آنان زیاد است ولی هر دو به کمالات نیاز به مربی دارند. یا قریب یا مجیب

۵۵- **سنبله با دلو** اگر قصد ازدواج است همسر بهره دهنده و کمک کننده باشد که بشوهر کمک میرساند و اگر قصد ابزار یا کارخانه‌جات باشد طالب نمی‌تواند اداره کند. و بزحمت می‌افتد. ذکرش یا دلیل یا دافع

acrshop

۵۶- **سنبله با حوت** بسیار طالع خوبی است و نیاز مردم بصاحب این طالع باشد باید در رفع نیاز کارهای مردم بکوشد و در وصلت با هم مهربان باشند و هر دو غنی می‌شوند.

۵۷- **میزان با میزان** طالب و مطلوب در اعلا درجه اقتصادند تا زمانیکه در بین آنان بر هم زنی رخنه نکند ولی حساد آنان و آفات آنان زیاد و دشمنان سرسختی دارن هر دو باید از نمام‌ها دوری کنند. ذکرش یا الله القاضی

۵۸- **میزان با عقرب** در مطلوب بنحسی وجود دارد و در وصلت و بدزبان و در ملک درد سر و در کار رنج و در متاع غش درمیان دارد و باید طالب اگر دچار شود با تحلم و تدبر از مطلوب بهره گیرد. و بهتر ترک است. یا الله الراعی

۵۹- **میزان با قوس** مقام و یا کار و یا ملک و زوجه والائی را می‌طلبد و بسیار خوش قدم و خوش ذات وخوشخو و خوش عاقبت است اگر طالب بتواند از آن بهره برداری کند و شکر خدا را بجا آورد. ذکرش یا الله الدلیل

۶۰- **میزان با جدی** مطلوب نواقص دارد باید طالب به رفع نواقص آن بپردازد و یک گرفتاری بزرگی هم دارد باید طالب تحمل کند اختلاف در ایشان است اگر قسمت طالب باشد باید ازخود بزرگواری نماید و باید نقص اخلاقی مطلوب بر طرف گردد.

۶۱- **میزان با دلو** وصلت و خرید و منصب خوب است با همراهی یک دگر یا یا فعالیت طالب زندگانی خوشگواری طی خواهند کرد ولی باید ازمحیط بدو مجالس بدکاملاً بر حذر باشند و تعلیم را نباید واگذار کنند. و باید از ذکر خدا غافل نشود. یا الله الاحد

۶۲- **میزان با حوت** در این کار گویا غواصی یا استخراج گنج و طلب فرزندان صالح است و حاصل پر باری در پیش دارد و در وصلت زوجه‌ی مهربانی است. باید سخت‌گیری نکرد. یا الله الجواد

۶۳- **عقرب با عقرب** همواره بین آنان مجادله و فتنه باشد و اگر وصلت است اولادهای ناصالح آید و اگر شاغل است محصولات بدی دارد و همواره به مصلحی نیاز دارند. ترکش بهتر است. یا الله الباسط

۶۴- **عقرب با قوس** مطلوب بسیار سودمند است وصلت با خانواده‌ی بزرگ طالب خواهد بود بعید است کار آنها به آخر رسد. مگر بدعاء توسل یا الله الحق

۶۵- **عقرب با جدی** مطلوب مطیع و سودمند است ولی ممکن است با آزار و کوتاهی و جهل طالب بهر دو صدمات زیاد وارد شود و مطلوب نارسا است. یا الله الولی

۶۶- **عقرب با دلو** مطلوب و شغل خوبست ولی طالب نمی‌تواند بهره برداری کند بین

آنها فاصله است. ترکش خوبست مگر از خدا کمک گیرد. یا الله الواسع

۶۷- **عقرب با حوت** اگر چه برای طالب مطلوب بسیار خوب ولی با هم توافق سازگاری ندارند بین آنها در طبیعت و اخلاق و زندگی مغایر است. سازگار نیستند. یا الله الحی

۶۸- **قوس با قوس** با هم دگر نهایت توافق را دارند و با تعاون یکدیگر کارهای بزرگی را انجام می‌دهند وزارت و معاونت و پست‌های حساس را قبضه کنند. و یا تجارت دارند.

۶۹- **قوس با جدی** مطلوب پرورش لازم دارد هنوز به کمال نرسیده و اگر شغل است سرمایه گذاری لازم دارد. باید از خویشان کمک گرفت. یا الله الطبیب

۷۰- **قوس با دلو** احتیاج زیاد به واسطه دارند خود تنها هر یک نتوانند از هم بهره برند در وصلت هم واسطه مهمی لازم دارند و گاهی از هم جدا می‌شوند و به واسطه مصلح نیازمندند. ذکر یا الله الحبیب الرؤف

۷۱- **قوس با حوت** در وصلت زوجه نجیب بی‌آزار است و اگر طالب زوجه با شغل یا منصب را بدست آورد سعادت مند باشد. و شکر لازم دارد. یا الله البصیر

۷۲- **جدی با جدی** اگر چه کاملاً با هم سازگارند ولی خودکفا نباشند و همواره به یک مربی و سرپرستی محتاجند زندگانی متوسطی را دارند. و باید قناعت ورزند. یا احد یا صمد

۷۳- **جدی با دلو** هر دو نیاز به سرپرست دارند باید تحت رهبری عاقل عالم ناصحی کار کنند وگرنه جدائی باشد. و با صلهٔ ارحام و تصدق ترقی دارند. یا ربّ رؤف

۷۴- **جدی با حوت** مطلوب بسیار والا و خوبست ولی از قدرت طالب بیرون می‌باشد مگر خود را با سعی زیاد با تحصیل ترقی دهد. و از خداوند کمک گیرد. یا ربّ ودود

۷۵- **دلو با دلو** اگر چه با هم توافق اخلاقی و طبیعی دارند اما هیچ یک توانائی اداره کردن هم را ندارند برای شغل زدو بند خوبست. باید به تعاون با هم کار کنند. یا بصیر یا جواد

۷۶- **دلو با حوت** مطلوب از قدرت طالب بیرون است زیرا خود نمی‌تواند به مطلوب دست یابد مگر بواسطه شخصی بزرگ پس عدد اینها با عدد ۷۶ هُوَالاَوَّلُ اَلحَبیبُ مطابق در آمد که بدانی همهٔ هستی‌ها از اوست. و همه باید او را دوست بدارند یا اوّل یا آخر.

طالع نامه با کواکب

همان قانون بروج در کواکب جاری می‌شود و پس از قسمت یا با هم توافق دارند یا تخالف و یا از جهاتی توافق دارند مانند زحل با زحل و زحل با مشتری و زحل با مریخ و یا شمس و زهره و عطار دو قمر و بیست وهفت نتیجه می‌دهد.

acrshop

۱- ل ل اگر چه در طایع با هم توافق دارند ولی هر دو گرفتار زیاد و زحمت بسیار خواهند کشید مگر استمداد غیبی کمک کند بتوانند با دعا و توسلات و خیرات خود را برهانند بسیار مطلوب پر بهائی است چه ملک یا زراعت یا زوجه یا تجارت یا اداری باشد اگر طالب بتواند آنرا نگهداری نماید.

۲- ل خ طالب با قصدی که دارد بیشتر گرفتار می‌شود اگر برای او مطیع و فرمان بردار و دست و با هم توافق دارند و گرفتار می‌شوند با دعا و تضرع و توسل برطرف کرد ۳- ل س مطلب بسیار مهمی در نظر دارد اگر بتواند بدست آورد کار مهمی کرده ولی نگهداری آن خیلی مشکل است و حسودان و متجاوزان ۴- ل ه اگر بتواند مطلوب خود را بدست آورد بسیار سعادت مند شده و کمک به معنویات وی خواهد شد. ۵- ل د مگر بتوانند با استغاثه از خداوند سرنوشت خود را عوض کنند. ۶-ل ر ما بین آنها فاصله زیادی است خیلی راه دور است بعید است که بمراد دست یابد اگر چه بسیار خوبست. ۷- ل ی بسیار طالع خوبی است برای هر کس فراهم شود در نهایت خوش محجتی است ولی باید آن را با عدالت درمردم و شکران خداوند نگه داری کند و اگر نصیب کسی شود مشهور آفاق گردد و از هر نعمتی برخوردار خواهد شد محبوب القلوب مردم شود.

۸- ی ی طالع نیکی است بهرچه روآورد میسر میشود باید مواظب باشد که به حرام رونیاورد.

۹- ی خ اگر چه با مطلوب توافق دارد ولی باید با رنج بسر برد زیرا گرفتاری زیاد در مطلوب وجود دارد همه را طالب باید جبران کند. ۱۰- ی س قصد کار بزرگ و مقام والای خیلی با رفعتی کرده اگر بتواند دست یابد مشهور جهان خواهد شد و مردم از حاصل او بهره‌ها خواهند برد شرق و غرب را پر از آوازه خواهد کرد.

۱۱- ی ه این طالع نیز بسیار مقام بلندی دارد و نصیب هر کس نشود غرب را بیشتر مسخر کند ولی باید به خلق خدافیض رساند و نام نیکی بطور دائم در جهان می‌گذارد ولی مدت کوتاهی زندگی می‌کند ۱۲- ی د مطلوب قاصد بیک حال نیست گاه از عدالت بیرون شود نفع و ضرر دارد بانوسان سعر روبرو می‌شود در تجارت سود وضرر دارد ۱۳- ی ر همسر از زوجه بهره‌ور شود که مانند ماه بدرخشد و اگر روزها در ناراحتی باشد شبها از زوجه نهایت التذاذ معنوی و مادی را می‌کند.

۱۴- خ خ طالب و مطلوب هم سنخ یکدیگرند و با هم اگر در سختی باشند توافق دارند مگر آنکه بدیها را بوسیله توسلات و دعا خیرات پردارند ۱۵- خ س وصلت نامناسبی است

ولی اگر صورت یابد طالب بسعادت میرساند و اگر مقام باشد بالاترین مقام است و باید بداند از جانب خداوند است و شکر لازم دارد.

۱۶- خ ه آرزوی بلندی در طالب است ولی دست یافتن بر آن خیلی بعید می‌آید زیرا مطلوب محبوب مردم است اگرچه عمر کوتاهی دارد بهر حال اگر طالب به آرزو رسد باید ازشکر حق غافل نشود ۱۷- خ د طالب در طلب مقصود بر گرفتاری خود می‌افزاید اگر چه مطلوب سازگار و موافق می‌باشد ولی گاه بدرد سر دچار می‌کند.

۱۸- خ ر وصلت مهمی دارد و کار بزرگی قصد کرده ولی بسیار بعید است بتواند دست یابد و اگر دست یابد بداند خداوند باو کمک کرده است باید در هر حال خدا را فراموش نکند.

۱۹- س س کاملا با هم توافق دارند و هر دو به منصب والائی در عالم دست می‌یابند ولی جدائی آنها از هم دگر زیاد است. بهرحال هر کسی را نصیب نمی‌شود ۲۰- س ه گویا طالب و مطلوب برای یک دگر فراهم شده اند و هر دو پر فیض‌اند و طالب ازنور و امور شبانه بیشتر استفاده خواهد کرد ۲۱- س د بین آندو بعید است سازگاری باشد و شغل خوبی نخواهد بود ۲۲- س ر وصلت بسیار بجا و با میمنت و پر سود و پر نتیجه است.

۲۲- ه ه هر دو پر فیض‌اند عامل و معمول و طالب و مطلوب در نهایت فیض اندولی عمر کوتاهی دارند. ۲۳- ه د با هم سازگاری ندارند وضعف باید در زوجه باشد و پر نیض‌اند ولی باید به مردم رسانند. ۲۵- د د اگر چه طالب و مطلوب هر دو با هم توافق اخلاقی و مرامی دارند ولی بیک حال نمی‌باشند ودر اختلاف و در گرفتاری و رفاه بسر می‌برند ۲۶- در مطلوب خوبی طالب در نظر دارد و اگر بهره‌اش شود خیلی باسعادت است ولی بین آنان اختلاف شدید است و ناسازگاری ازمطلوب می‌باشد. ۲۷- در - با همسر مهربان دچار میشود باید حرمت او را داشته باشد و صاحب طالع باید با مردم جوش رفتار باشد و روزی او زیاد است بشرط آنکه توکل بخدا داشته باشد.و الله العالم بجمیع حقایق الامور مخفی نماند که مقاصد الرمل ما جدا نوشته شده امیدوارم از خالق منان اسباب تشویقی برای صاحبان علم و قلم فراهم گردد. وَاللّٰهُ الْمُوَفِّقُ الْمُعِينُ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَأْنَا وَالْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

acrshop

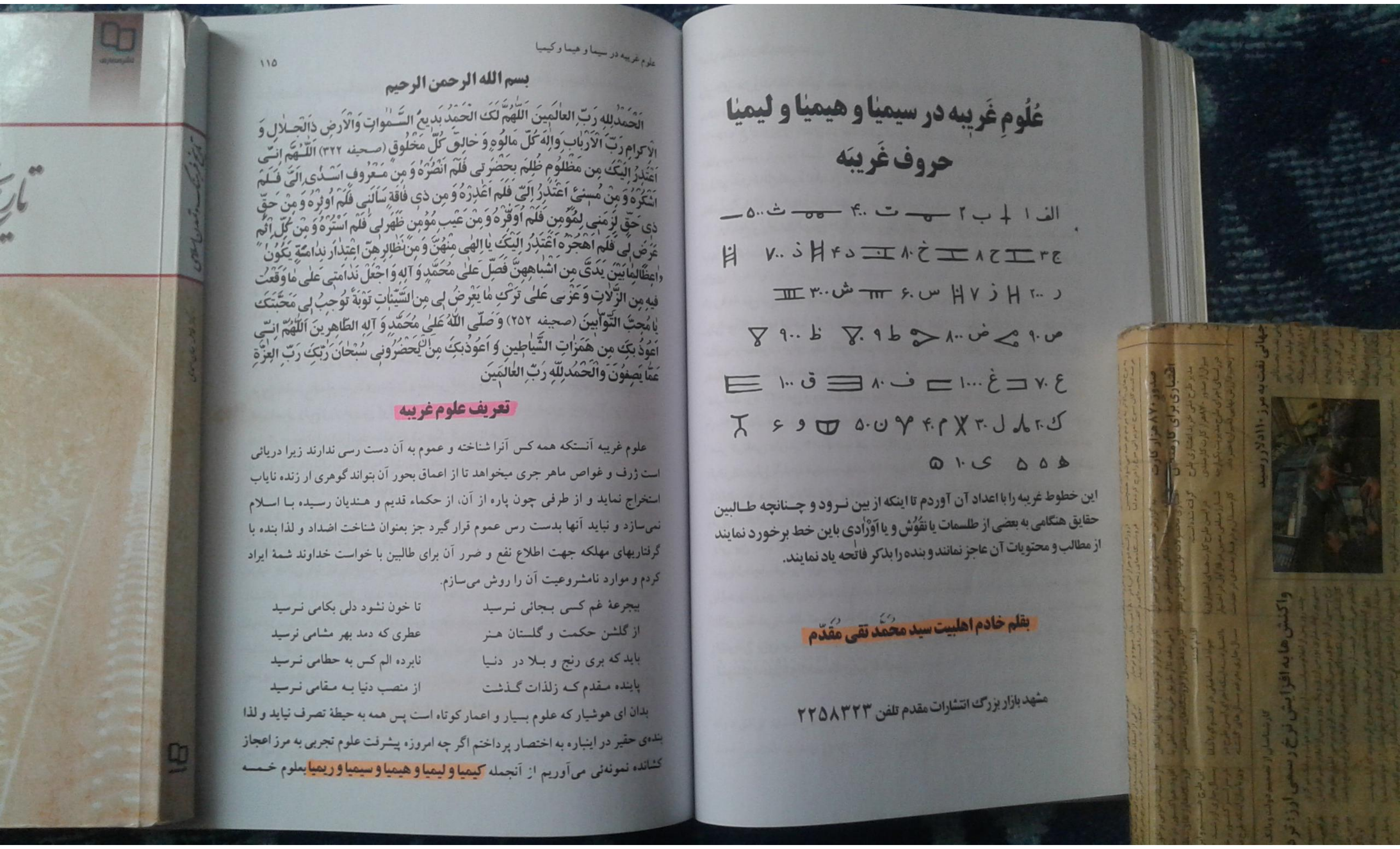

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلحَمدُلِلّٰهِ رَبِّ العالَمینَ اَللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ بَدیعُ السَّمواتِ وَالاَرضِ ذَاالجَلالِ وَ الاِکرامِ رَبَّ الاَربابِ وَاِلٰهَ کُلِّ مَالُوهٍ وَ خالِقَ کُلِّ مَخلُوقٍ (صحیفه ۳۲۲) اَللّهُمَّ اِنّی اَعتَذِرُ اِلَیکَ مِن مَظلُومٍ ظُلِمَ بِحَضرَتی فَلَم اَنصُرهُ وَ مِن مَعرُوفٍ اُسدِیَ اِلَیَّ فَلَم اَشکُرهُ وَ مِن مُسیءٍ اعتَذَرَ اِلَیَّ فَلَم اَعذِرهُ وَ مِن ذی فاقَةٍ سَاَلَنی فَلَم اُوثِرهُ وَ مِن حَقِّ ذی حَقٍّ لَزِمَنی لِمُؤمِنٍ فَلَم اُوَفِّرهُ وَ مِن عَیبِ مُؤمِنٍ ظَهَرَلی فَلَم اَستُرهُ وَ مِن کُلِّ اِثمٍ عَرَضَ لی فَلَم اَهجُرهُ اَعتَذِرُ اِلَیکَ یا اِلٰهی مِنهُنَّ وَ مِن نَظائِرِهِنَّ اِعتِذارَ نَدامَةٍ یَکُونُ واعِظاً لِمابَینَ یَدَیَّ مِن اَشباهِهِنَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَاجعَل نَدامَتی عَلی ما وَقَعتُ فیهِ مِنَ الزَّلّاتِ وَ عَزمی عَلی تَرکِ ما یَعرِضُ لی مِنَ السَّیِّئاتِ تَوبَةً تُوجِبُ لی مَحَبَّتَکَ یا مُحِبَّ التَّوّابینَ (صحیفه ۲۵۲) وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِن هَمَزاتِ الشَّیاطینِ وَ اَعُوذُ بِکَ مِن اَن یَحضُرُونِ سُبحانَ رَبِّکَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا یَصِفُونَ وَالحَمدُلِلّٰهِ رَبِّ العالَمینَ

تعریف علوم غریبه

علوم غریبه آنستکه همه کس آنرا شناخته و عموم به آن دست رسی ندارند زیرا دریائی است ژرف و غواص ماهر جری میخواهد تا از اعماق بحور آن بتواند گوهری ار زنده نایاب استخراج نماید و از طرفی چون پاره از آن، از حکماء قدیم و هندیان رسیده با اسلام نمی‌سازد و نباید آنها بدست رس عموم قرار گیرد جز بعنوان شناخت اضداد و لذا بنده با گرفتاریهای مهلکه جهت اطلاع نفع و ضرر آن برای طالبین با خواست خداوند شمهٔ ایراد کردم و موارد نامشروعیت آن را روش می‌سازم.

بیجرعهٔ غم کسی بجائی نرسید — تا خون نشود دلی بکامی نرسید
از گلشن حکمت و گلستان هنر — عطری که دمد بهر مشامی نرسید
باید که بری رنج و بلا در دنیا — نابرده الم کس به حطامی نرسید
پاینده مقدم که زلذات گذشت — از منصب دنیا به مقامی نرسید

بدان ای هوشیار که علوم بسیار و اعمار کوتاه است پس همه به حیطهٔ تصرف نیاید و لذا بندهٔ حقیر در اینباره به اختصار پرداختم اگر چه امروزه پیشرفت علوم تجربی به مرز اعجاز کشانده نمونه‌ئی می‌آوریم از آنجمله کیمیا و لیمیا و هیمیا و سیمیا و ریمیا بعلوم خمسه

عُلُومِ غَریبه در سیمیا و هیمیا و لیمیا

حروف غَریبَه

الف ۱ ب ۲ ت ۴۰۰ ث ۵۰۰
ج ۳ ح ۸ خ ۸۰۰ د ۴ ذ ۷۰۰
ر ۲۰۰ ز ۷ س ۶۰ ش ۳۰۰
ص ۹۰ ض ۸۰۰ ط ۹ ظ ۹۰۰
ع ۷۰ غ ۱۰۰۰ ف ۸۰ ق ۱۰۰
ک ۲۰ ل ۳۰ م ۴۰ ن ۵۰ و ۶
ه ۵ ی ۱۰

این خطوط غریبه را با اعداد آن آوردم تا اینکه از بین نرود و چنانچه طالبین حقایق هنگامی به بعضی از طلسمات یا نقوش و یا اورادی باین خط برخورد نمایند از مطالب و محتویات آن عاجز نمانند و بنده را بذکر فاتحه یاد نمایند.

بقلم خادم اهلبیت سید محمّد تقی مقدّم

مشهد بازار بزرگ انتشارات مقدم تلفن ۲۲۵۸۳۲۳

acrshop

معروفست و از علوم خفیه در مقابله جلیه محسوب باشد زیرا از جلیه بسهولت بدست آید و خفیه برای هر کسی میسر نشود و بریاضت نفس و تائید عالم السر و الخفیات نیازمند است و کیمیا علم صناعت اکسیر است که با آن قوای اجسام معدنیه و عناصر را بعضی به برخی تبدیل کنند تا طلا و نقره و بالاتر را از فلزات دیگر جدا سازند و لذا ما بحثی نداریم.

نمونه از کیمیا را بخوانید

حکماء آنانکه اینعلم را با شدت رنج دریافتند در اخفا بسر برده و یا آنکه قافیه را ناقص گذاردند زیرا اینعلم فلزات را بقوهٔ تدابیر از نقصان بکمال رساند و کاملترین فلز ذهب و فضه و ارواح اینعلم زنبیق و نشادر و گوگرد و زرنیح و تیزآب وزاج سبز است و فلزات سبعه را از ذهب و فضه و ارزیز و سرب و حدید و نحاس و قلع جسد بشمار رود و الفاظی بکار می‌رود مثل حجرالاسود موسی سیاه سر صحیح المزاج مذکر فرارزیبق و عار مونث گوگرد و قمر اول فضه و عطارد و روی توتیا جسد زهره و ثالث نحاس (مس) و شمس و رابع ذهب و مریخ خامس اقسام حدید و مشتری و سادس قلع و زحل و سادس سرب و عقاب نوشادر و علم اصغر زنیخ زرد عروس گوگرد صراف نمک تلخ است اسد شوره تقطیر الاجزاء را بآب حل کرده محلول را بواسطه علقه بظرف دیگر گیرند تا صاف و لطیف بچکد و سحق آنستکه اجزاء را به هاونگ سایند تا یکذات شود تصعید آنستکه اجزاء را در یک ظرف کرده و ظرف دیگر را بر روی آن نصب و لبهای هر دو ظرف از گل و پارچه بند کرده ظرف را بر آتش نهند تا جوهر اجزاء پریده بسطح ظرف بالا چسبد یا شویدانه نهادن اجزاء است در بوته یا قدح و قدحی سرپوش کرده و لبهای هر دو را بند نمایند در آتش نرم گذارند تشمیع آنستکه اجزاء مرکبه حالتی یابد که با اندک حرارت گداخته شود چون در هوای رود منجمد گردد تعفین آنستکه اجزاء را در جائی نهند عفونت یابد جانور بهم رسد حل آنستکه اجزاء را در شیشه کرده زیر زمین نمناک نهاده محلول شود و عقد آنستکه اجزاء محلول را در زجاجی نهاده بر خاکستر گرم نهند تا منعقد شود و از سحق و تصعید نوبت بحل و عقد رسد. اینها صرف عمریست بیهوده.

نمونه از عمل اکسیر

کیمیاگری از شناخت گیاهان و جمادات و معدنیات و فلزات و خواص آنها بهم میرسد که

خدای تعالی چنان قرار داده که اگر قطره بر فلزی چکد آنرا بفلز دیگر مبدل کند بتحقیق رسیده که اکی گیاهی است در ریگستان بیدا یافت می‌شود برگ آن بشکل برک آک است ولی فرقش آنستکه آک شاخها دارد اگر برگ یا شاخشرا بشکنند شیری بیرون آید و اَکَی یکشاخست بقدر دو وجب از زمین بلند و بهمان متصل است مثل برگهای آک و در شکستن شیر بیرون نیاید باید از بیخ کنده خشک کند سفوف باریک ساخته حفظ نماید وقت لزوم یک طوله قلع گداخته را بقدر یک ماشه از آن سفوف بر آن ریزد بعون خداوند نقره گردد بکتب کیمیاگران مراجعه شود.

فِضّهٔ خادِمه وقتی بخانهٔ ملک پاسبان بانوی عالمیان آمد وضع زندگی آنان را محقر ولی منور دید با خود قدری اکسیر کیمیا ذخیره داشت ظرفی از مس را طلا کرد بخدمت مولای عالمیان آورد حضرت دستی بر زمین نهاد و چشم فضه افتاد دید طلاها مانند نهر روانست فرمودند آنرا بر روی آنها بگذار و روانه کرد تا فضه بداند تمام اجزاء عالم در زیر نگین مولای عالمیانست.

نمونه دیگر در حصار گلستان مشهد زنی را مار میگزد اتفاقاً مرحوم شیخ حسنعلی در آنجا رفته بودند بمرحوم خبر میدهند دستور میدهند از پشت تپه فلان گیاه را ببرید بر او بمالید چنان می‌کنند خوب می‌شود زمان قاجار طبیب الملوک را برای مداوا بمشهد میاورند در یکی از منازل مارگزیده ایرا میاوردند خوب کند عاجز می‌ماند و در بین زنی از کردها آمده مارگزیده را می‌بیند که شکمش باد آورده فورا گیاهی را از کوه گرفته با ماست بیدن او میمالند زرداب بیرونشده پوستها میترکد خوب می‌شود.

دوم لیمیا و آن علم طلسماتست که از کنوز اسرار بقلم آید و با آن دانسته میشود کیفیات تمزیج قوای فاعله عالیه به منفعله سافله تا از آنجا حاصلی غریب بدست آید و در اینباب کتب زیاد است

سوم علم هیمیا و آن علم تسخیرات باشد که از معرفت به احوال سیارات سبعه از حیث تصرف آنها که فواعل علوی‌اند در قوابل سفلی اثر دارند و موضوع آن دعوات و خواتیم و بخورات آنها و تسخیر روحانیت و عزائم جنیان و معرفت اقداح و منازل و افسونها و احراز است

چهارم سیمیا و اساس آن خیالات باشد که مخیله فعالیت دارد و جز احداث مثالات خیالیه حاصلی نیاورد و وجود خارجی ندارد بلکه کلیات وجود ذهنی است و در اسلامی

acrshop

جائی ندارد

پنجم ریمیا و آن علم شعبده است که قوای جوهر ارضیه را با مزج بیکدگر، حاصل و اشکال تازه میدهد و کتاب بحرالعیون مشتهربابن الحلاج مشتمل بر علم سیمیا و ریمیا است و حل المشکلات حاوی لیمیا و سرالمکتوم شامل هیمیا می‌باشد

اعلام خطر در سود و زیان اینها

جهت اینکه پاره‌ئی از مردم در اعتقادات ضعیفند و ممکن است بعضی از افعال خارق عادت را از بیگانگان به بیند (مانند نصاری و مرتاضین) پس با القائات شیطانی در دین سست شوند مولف با تائیدات پروردگار پاره از خارق عادات تصنعی آنانرا می‌آورد تا بدانند که معجزات انبیاء و اوصیاء علیهم السلام جدای از کارهای خارق عادت مردم است مانند سحر سحرهٔ فرعون که با اعجاز جناب موسی علیه‌السلام از بین رفت و از این پنج علم سیمیا در اسلام جائی ندارد و چه بسا خلاف شرع انور است ما بعنوان نمونه اساس آنها را یاد می‌کنیم ولی علم لیمیا طلسمات در اسلام جا دارد که خود سبع المثانی مشعر آنست آنهم مشروط باینکه در حرام نباشد.

مبنای علم سیمیا و موضوعات آن

سیمیا سه اصل دارد عظام و رماد و مداد و چند ناموس مثل تعفین و تدخین و تزیین و بر چند نوع آمده اطلاع برخواطر و طی‌الارض و مشی بر آب و طیران از شهر بشهر و امطار بیوقت و تدخین چند نوع است جذب و میل اشجار و ناموس اطعمه و ناموس سهر و ناموس اکحال

بحث در علم لیمیا

چون علم کیمیا مربوط بمادیاتست بحثی نداریم همانطوریکه گفتیم و علم لیمیا امتزاج قوای فعاله علویات است با قوای منفعله سفلیات از اسماء و طلسمات که عمل به آن آثار عجیب ظهور کند و پایه آن بر علم حروف و اعداد است از ترکیبات در ساعات سعدیه و آن در الواح پیاده می‌شود. درج ۱ ص ۴۴۹ تعریف کردیم مقتضیات موجود و موانع مفقود وحق منظور گردد و کسانیکه در لیمیا کار می‌کنند حق را در نظر داشته و از ترویج حق دریغ نکنند چند نمونه ذکر می‌کنم بهمان شرائطیکه در جلد اول نوشتم برای رفتن نزد اکابر و

سلاطین لوح مربع یا مثلث طلا در زهره یا مشتری بعدد کبیر ۲۱۷ = ۹۵۰ آیهٔ وَإِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ (س ی ۱۶۳) را (۸۸۵) در آن لوح نقش و این چهار اسم را در پشت آن حک و نام خود و سلطانرا با یکی از اسماء حسنی مثل رئوف و ودود ممزوج نماید در حال حک یا رب یا رب گوید و تا ختم عمل با کسی تکلم نکند و چهار اسم از اینقرار است

یا حَبِیبَ القُلُوبِ وَ یا طَبِیبَ القُلُوبِ وَ یا مُنَوِّرَ القُلُوبِ وَ یا مُقَلِّبَ القُلُوبِ

(عدد اسماء ۷۷۷ باشد) باذن خداوند قبول القول و منظور الدوله گردد.

طلسم دیگر در رؤیت اکابر و مهرانگیز

در دیدن ملوک یا مهرانگیز در لوح نقره دایره نقش کند در دایره صورت زهره و مشتری را در مهر زند بدست زهره صورت آفتاب و بدست مشتری صورت ماه و دور مهر دایره این چهار اسم را با اسم خود و مطلوب و مادر او نقش کند و حین نوشتن ونقش بخورد در ستاره بسوزد و با کسی تکلم نکند و اینرا بخواند یا رَبَّ العالَمِینَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ و آله اَلْقِ مَحَبَّتِی فِی قَلبِ فلان بن فلان و اسماء از اینقرار است یا کفتالیوش یا مستعلموش یاطهالموش یا غملیوش

جهت مسموع القول شدن در رویت اکابر در لوح شکل مربع عدد آیه **اَللّهُ لَطِیفٌ بِعِبادِهِ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ وَ هُوَالقَوِیُّ العَزِیزُ** بگیرد و با اسم خود حروفرا ممزوج سازد عدد را در خانه‌های مربع درج کند در وقت نوشتن آیه را تکرار کند (عدد آیه ۹۹۸) و این چهار اسماء حسنی را اطراف آن نقش نماید یا عَلِیُّ العَظِیمُ و یا عَلِیُّ الکَبِیرُ و یا عَلِیُّ الاَعْلیٰ یا عَلِیُّ المُتَعالُ

طلسم عجیب و غریب روز پنجشنبه روزه گیرد چون دو ساعت از روز گذشت با طهارت دو رکعت نماز حاجت گذارد با طهارت در خلوت زبانش بذکر گویا باشد در لوحی اینها را بعدد در آورد **وَمِن شَرِّ قَضاءِ السُّوءِ وَمِن شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّ رَبِّی عَلیٰ صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ** در لوح مربع درج نماید با خود دارد چندین کسرا محکوم بقتل کردند وبدینوسیله از قتل رها شدند ۱۳۸۲۹ میباشد.

کاملتر از آن بجهت خشم سلاطین و ظلمه و غیره لوحی در روز یکشنبه ساعت اول سعد که قمر از نحوست خالی باشد در مربع بنگارد با همان شرط بالا و این آیه را بآن ختم کند سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلیٰ

۸۲۱ ۲۳۳ ۷۱۰ ۱۱۱ ۲۳۶ ۱۳۷ ۱۱۰

acrshop

عدد صحیح ۲۷۵۲

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ چون لوح تمام شد با قدری بوی خوش آنرا دود دهد در بازوی چپ به‌بندد از شر ظلمه و آمرین خود ایمن گردد و عدد آیات از اینقرار است (۱۲، ۲۲۲، ۷۱۰، ۱۲۱، ۲۳۶، ۱۳۷، ۱۰۰، ۴۲۰، ۱۵۴، ۴۳۵ و انشاءالله سالم ماند بشرط قائل مؤمنین نباشد باید با اجازهٔ مجتهد اعلم باشد جمع کل ۲۷۵۲

اصول علم سیمیا برای دفع شبهات

اعمال آنرا بر سه اصل نهاده‌اند عظام رماد مداد و عظام سه است 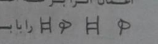 را با بسم الله بگیرد ۲۴ روز حب السوس و بجای آب گلاب دهد و کارد نحاس احمر گیرد بر آن این طلسم با این کلمه نویسد

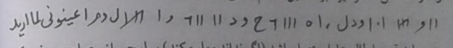

و باید قمر با طالع عامل متصل باشد (اگر نداند معلوم کند) بر لوحی از رصاحص ذبح که یکقطره از آن بر زمین نچکد سرشرا جدا نموده دلشرا بیرون کرده 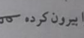 او را از فرق قطع، پراطول وصل بدم را با آن ضم (و بقیه از راس و قلیب و اطراف اجنحه و پرهای دراز او را در ظرفی پاک حفظ، و فضلات پاک کرده را در دیک معتدل پخته گوشت و آب آنرا خورده استخوانش کسر و جویده و مفقود نشود آنها را در ظرفی اندازد یک استخوان بزرگ روی آب آید بگیرید و یکی در وسط و یکی در ته آب، آنها را برداشته نشان کند که ملاک عمل است و بقیهٔ استخوان ریزه و پرها با سروبال و دل و پری که نگهداشته بود ضم کرده در آبگینه مطین بطین الحکمة بآتش بسوزاند تا خاکستر گردد رمادش رماد اول و آنرا در ظرف پاک حفظ تا وقت عمل رسد.

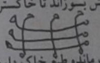

بحث در عظام استخوانیکه ته آب مانده طبع خاک دارد روحانیتی استکه شمعون نامند و عمل او بر معدنیات و نباتاتست و بکوه صحرا تعلق دارد و او را خاتمی باید بنامیم خاتم الطاعة که بجای عزیمت در علم تسخیر جن نام دارد وقت عمل به آن باید تکلم کرد و آن در تسخیرات بمنزله عهد و قسم است آنرا بر آن عظام بنام روحانیت بالا جورد باید نوشت علها کسططنتا چون عامل قصد عمل در ارضیات کند چیزی را معدنیات بگیرد مثل 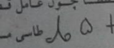 طاسی مسی یا فلزی و استخوان مختوم را روی آن نهد و از جاعل لیل و نهار کمک گیرد و گوید یا شمعون خذ علی هذا العیون آنطاس از نظار غایب شود تا وقتیکه استخوان برداشته شود و از تکلم بآن رسم خاموش گردد.

وصل دوم عظام میانه بر طبع هوا و روحانیش زیتون خاتمش اینست لوسحطهیا 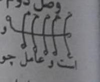 وعملش در هوانیاتست از طیور و ابر و برق و رعد و باران و برف بی‌نهایت است و عامل چون خواهد بنماید که بآسمان میرود استخوانرا بخاتم اسم روحانیت مختوم و چهل و نه بار اسم قسم را بر آن بخواند و از دست خود چیزی مانند رسن و چوب و امثال آن بر هوا افکند و نام روز و شب و ساعت را ببرد و بگوید یا زیتون خذ علی العیون و گوید رفتم اینک بنگرید حضار پندارند او بالا میرود با آنکه خود در جمع نشسته باشد.

وصل سوم استخوان بالا طبع آتش دارد روحانیش سلیمون و خاتم و اسم و قسم آن اینست کیمشلهوینا 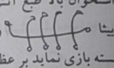 و عملش در ناریاتست عامل اگر قصد نمایش آتش کند که در آن نشسته بازی نماید بر عظم مزبور نام روحانی و خاتم را بر آن نویسد و چهل و دو بار اسم قسم را بر او خواند صاحب روز و شب و صاحب ساعترا یاد کند گوید یا سلیمون خذ **علوم العیون** مردم او را در آتش بینند گویند اینه روحانی شعبده مقدّم ارواح طایفه‌اند (بجای اینکارها یکسال نماز شب خالصانه بخواند تا بمقام کشف و کرامات برسد.

رماد دوم افراخ 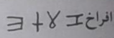 چهار یا کمتر را گرفته شب پنجشنبه اول یا آخر ماه ربیع الاول وقتیکه زحل در تثلیث عطارد باشد در خم نو اندازند (و در غیر آنوقت هم می‌شود) و وقت گرفتن افراخ از آشیانه بخواند ظهیرة و ظهرة فتعلیش تفعلیش اندریوش ابدیوش اروش ماروش صهیوش والیش هاروش مبهوش الوغاث تیغاث طلیوث شلیوث اجب یایطروش بطیموخ طیموخ قداش قدوس سبوح رب الملائکة والروح اجیبوا ایتها الارواح الشمسیة النورانیة وافعلواما آمرکم بهذا الاسم بهلشلشاع بطابطلط خفیک هشهس سلمیع لعمرها هارش توکل ناهش یعوبید و قالب بتکفال، اگر افراخ چهار باشد هر یک در برینه اخضرانداخته سر بندد در سر چهارراه دفن کند اگر سه باشد در سرسراه و اگر دوانند برد و راه یکی عمل ندارد و چهار بهتر است تا هفت روز کسی مطلع نشود مواظب باشد جانوری قصد آنها بکند شب هشتم بعد از رفت و آمد مردم آنظرفها را بیرون کند باز اسماء را هفت بار بخواند و بر آنها دمد و بیرون کرده در ظرفی انداخته آنها را بسوزاند خاکستر کند آن رمادوم است (بجای اینها روزی هزار بار لا إِلٰهَ إِلَّا الله بگو تا قلبت روشن شود

مولفگوید چون در این علم فایده دینی تصور نیست از بقیه خودداری می‌شود و بهمین قدر از پروردگار آمرزش خواهم و حیف عمر است که در اینعلم بجای بندگی معبود صرف شود و عاملین را نصیحت میکنم بجای صرف وقت بمعرفت و طاعت پردازند و به ائمه

acrshop

اطهار علیهم السلام توسل جویند.

بیابان‌گردی پوست ... و جلدد جاجهٔ مذبوح مدبوغ بعضی را بعضی ترکیب کنند و جلد نمر در بالا و زیر نعلینی سازد در وقتی که قمر متصل بعطارد و عطارد مستقیم السیر باشد پس این اشکالی که ذکر می‌شود بر جلد ... نویسد و بران راست وقت توجه به مشی به‌بندد آنچه دیگری بیک ماه رودوی بیکروز رنج میرود شروط بر اینکه در حرکت صبح و شام کمتر از یازده بار نخواند اشکال بال غزاله اینست

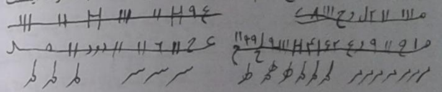

کلمات صبح و شام اینست یا مطینا انواخی رخیم اعلالی الوهاخ طبیوثخ مانوخار ولهیم اهو مسمیل اللّهمّ سهّل وَ یسّر وَلا تعسّر یامَن لااِلهَ الاّ هُوَ وَلامعبُودَ سِواه و در وقت توجه اول رفتن دو دست خود را بر زانو نهد و روانه گردد (مولفگوید امروز با ترقی صنایع هیچ نیازی به اینها نیست با پروازی جهان را طی می‌کنند.) ولی برای غارپیمایان لازمست

سخن در وقوف بر خواطر

افلاطون گوید بگیر ... را وقتیکه از سوراخ بیرون آمده باشد او را در آب پاک غرق کند اگر مطرنیسانی یا نهر اربعه سیحون جیحون نیل و فرات باشد کاملتر است پس مرده‌اش خشک کند بوزنش لحم کروان و ربع وزن آن دل ... و همانقدر دل طوطی نر باشد گیرد با هم کوبیده خلط کند دوازده نخود از آن باشیرینی تناول کند بعد از لحظه هر چه بشنود یادگیرد بر خواطر آگاه شود وَاللهُ اَعْلَمُ مولفگوید برای مسلمین حرامست ونباید انجام دهند

ریاضیت مرتاضین هر که خواهد برخواطر آگاهی یابد یکهفته روزه گیرد و حیوانی نخورد و بِمفاتِحَ العِلم مداومت کند هر روز هزار بار بخواند سیمتدیدع هلیهون لالهون دمد عوث حاجتی فیناً هیلوب بعد یازده صلوات فرستد و سه‌بار بگوید اَللّهُمَّ اکْشِفْ عَنْ قَلْبی حِجابَ الْغَفْلَةِ وَ عَلِّمْنی مالَمْ اَکُنْ اَعْلَمُ وَ بَیِّنْ لی مِن کُلِّ ما اَسْئَلُ عَنْهُ یا مَنْ لااِلهَ اِلاّ هُوَ وَ لا مَعْبُودَ سِواه باز یازده صلوات فرستد روز هفتم اثر ظاهر شود هر چه کسی در خاطرش بگذرد در خاطر او آید و از او در آن باب کلامی واقع شود

دستور طی الارض تصنعی

حکیم لادن طرابلسی فرموده جلد ... را با جلد مرغابی سفید و پوست گردن خروس کبود رنگ با پوست روی کفتار و پوست دجاجه چاق ... (غزال) و جلد فرسط مشروط بذبح آنها را دباغی کند و از آن نعلینی بسازد بالای تخت آن فرس باشد در وقت مستقیم السیر بودن عطارد بدوزد قمر متصل بسعود باشد چون خواهد بجای دور رود با طهارت روزه دار بره افتد زمین در پیچد والله اعلم

طرز مشی آب

ابوزکریای رازی گفته بگیرد خطا طیف بریه آنچه نزدیک باشد به اول اثبات رغب و در کوزه نورنگ ریخته در تنور نانوائی نهد تا خاکستر شوند پس بوزن آن رماد آب کرفس گرفته خمیر کند و آنرا تنک ساخته در سایه خشک نماید بعد بسابد تا غبار شود در شیشهٔ پاک نموده گلاب بر آن ریزد بقدریکه روی آنرا بگیرد پس حفظ کند که در سیمیا اعمال زیادی است اگر بر کفشی که از پوست تمساح و دُلفین دوخته باشند این طلسم را در ساعتی که قمر در سرطان بر تثلیث مشتری باشد روی آب رود فرو نرود.

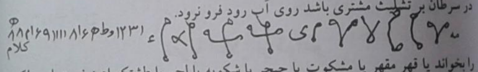

کلام را بخواند یا قهر مقهر یا مشکوت یا حیجر یا شکوبه یا لحم یا طشتک اعینونی علی دلک برخی گفته‌اند پوست دُلفین و تمساح و جلد ماهی دریا و جلد فرس اکاذبح و دباغی شده روی هم طبقه بدوزند و تمساح بالا و زیر باشد و بر هر جلدی از جلود اربعه حروف معروف بریح و غیم و نار و مطر را بنویسد پس برهم دوزد و قمر متصل بعطارد از برج ثابت آبی باشد بعد از تکمیل بپوشد و روی آب برود و به اسماء ارباب فصل و روز و ساعت متکلم باشد حروف اربعه که بر هر جلدی باید نوشت چنین برای باد ... حروف ابر

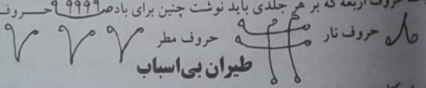

حروف نار حروف مطر

طیران بی‌اسباب

در کتاب سندره ابوعبدالله مسیحی نوشته از درخت سبز سندره شاخی اخذ بشکل سرطانی بساز بر او جلد جردون و اُوز بپوشان هفت نی میان تهی بقدر شد بر هم مرکب مانند ساخت موسیقار اسماء را بخواند و بر هفت پاره پوست شترمرغ نویسد و کلام صیت را هفت بار بخواند و برآنجا بدمد و پوستها را بر نیها بنه و در نیها بصدای بلند بگو یا خدا هذا

acrshop

الاسماء ارفعونی من هذا المکان الی مکان کذا (جا را معین کن) بعد کلام وصیت را شروع کن باذن خدا بالا میروی اسماء این است.

سطنلو تیهواهیال العجل یکمسلهو نیثا الحنوهبال العجل الوحا الوحاالساعة بما امرکم بکاد العامل کلام صیت اینست طف اشما ذویش سلهندویش الامارفعتمونی من هذا المکان الی البلد الفلانی یکی از تلامذه ارسطو عملرا در یونان کرد نوشته خور در برج حمل باشد و زحل در زمین باشد قصبه در آنسال رسته باشد و از لبخ آن هفت گره بشمارد و از گره هشتم ببرد و در وقت قطع قصبه بخواند محث لجهطیر یشهلیدوش یهوال شمخویشا و آن قصبه به منزله فرس باشد مولفگوید وقت نزول را ننوشته‌اند ولی اگر دست یافتن بکوانزلونی به منزله فرس باشد (مولفگوید وقت نزول را ننوشته‌اند ولی اگر دست یافتی بگو انزلونی یا خدام الاسماهنا و اینها را برای خالی نبودن کتاب از افعال قدیمه نوشتم و گرنه اکنون با سفینه به کروات میروند و اینها جز اتلاف وقت و سرگردانی بیش نیست و جوانانرا به شب زنده‌داری توصیه میکنم که بتمام مقامات بدون اینها میرسند و از سیمیا مطرویعفین و تدخین است که با ما مناسبت ندارد.

حروف الریح　　حروف الغیم　　حروف النار　　حروف المطر

نمونهٔ اطلاع از خواطر

حکماء هند و بابل اصل سیمیا را بر اعظم دخنه نهاده‌اند که آن تصرف در خیالات مردم و انقلاب اعیان د رمخیله حضار است، بیروج الضم را بگیر و برابر آن یا (کبوتر) بیضا و دم با خون و دم امرئة، آنها را عجین و مجفف کند که کف کند و اقراص نماید چون خواهد عجائب بکسی نماید گوید چشم به بند بازکن اسماء سبعه را بخواند و تدخین کند بگوید بینوا ایها الروحانیون کلما سئلنی عنه و ما طلبو امنی و نام مطلوبرا ببرد گوید چشم باز کن او مطلوبرا ببیند اسماء سبعه اینست حنطا منطا منجا علمون‌ها ینط سمعا شعبت یا من الاسماء الحسنی والصفات العلی والضیاء والبهجة والبهاء رب اعنی بملائکتک و لیجیبونی طائعین و یفعلوالی من کذا و کذا اجیبوایها الارواح العالیة بحق من قال للسموات والارض ایتیا طوعا وکرها قالتا اتینا طائعین آمینَ و رب العالمین یکی از عاملین برای چند جوان کرده بوده برایم نقل کردند

در انحناء اشجار و امیال

نوشته‌اند جهت اماله آن بعامل مغز سر و استخوان اسود و استخوان همه را جمع کند بکوبد و چهل روز در زمین نمناک دفن پس بیرون آورد و خشک کند و جزوی از این با جزو عظم که کهنه باشد بکوبد و تحت شجری تدخین کند شاخهای آن بزمین آید تا النطاع بخار بماند (عملش چون اتلاف وقت و حاصلش سودی برای مسلمین ندارد خلاف شرع است ولی اگر کسی با گروهی تدخین گرد بدانند معجزه نیست. بلکه شعبده است،

طریق دیگر معجب جهت درختان کهن یا نخله بگیرد اطراف که از دیرگاه مرده باشد و و باقی عظام بالیه و برگ شجرهٔ زین النهار قبل بوستان افروز و قدری از طلع نخل همه را با هم بکوبد دخنه کند زیر نخله بلند با حطب نخله تبخیر نماید سران نخله برگردد بزمین رسد (اینهم کار بی‌فایده است و تصرف در اموات خلاف شرعست)

دفع شبهات ریاضت‌کشان

۳۷) یکی از شعبه‌های سیمیا نوامیس اطعمه و اشربه است از آنها نمونه میآوریم نوشته‌اند بگیر مغز و بروغن لاولا بریان کن بقدر ربع آن بنفشه تازه گیرد با مقلو مخلوط و بهم مالدوجای سرد نهد افلاطن گوید چون بنفشه پخته شد برفق جدا کند بنفشه تازه ریزد و بجوشاند تا هفت بار در هفت روز و بر هر رطل از دوای مقلو مثقالی کافور قیصوری افکند روغن را بروی آرد در زجاج حفظ کند و طبی سی در م (۲۰ مثقال) و ضان مثلش و با آن دهن طبخ کند تا جائیکه آب نخواهد آنرا برای حفظ در شیشه سر بسته حفظ کند بعد چند روز برای عادت معده ریاضت غذا کشد بعد روزی یک مثقال تناول کند تا دو یا سه هفته بغذا محتاج نشود (ولی در اسلام چنین دستوری نیامده سهروردی آورده بگیر هر حیوانی (که حلال گوشت) را از او جدا کند و آنرا در دو رطل ماء الورد نهد تا آنرا تماما بخورد باز نیم رطل دیگر در شیشه کند و دودرم زعفران نیم دانگ مشک و نیم دانگ کافور در آن شیشه نهد تا خشک شود بعد سحق کند و هرگاه نیاز باشد بوزن دود انگ بخورد تا ده روز بغذا محتاج نشود ولی پیش از آن چند روز ریاضت غذا لازم دارد (برای سفرها و خدای نکرده قحطی‌ها لازم میشود)

acrshop

از همه سهل تر بگیر [illegible] و خشک کرده بسای چون غبار و در روغن لوز بمال که با بنفشه و گل پرورده باشی و نرم بکوب تا چون خمیر گردد و نگاهدار تا خشک شود و مانند شفونی بساز بوقت حاجت یک کف دردهان گیر تا یکهفته بطعام نیاز نداری و الله اعلم

در بیدار خوابی درباره آنکه کسی بخواهد خوابش کم شود البته برای تهجد خوب و برای امور غیر دینی روا نباشد، خفاشی ذبح کند و این اشکالرا بر رکوی نو نویسد قمر درحرفه باشد و بین راس و قلب مذبوح نهد و آنرا در چیزی دوخته معلق بعنق طالب کند و نام او بهمان خون بر آن رکوه نوشته باشد تا زمانیکه در گردن او معلق باشد بخواب نرود اشکال اینست طاوش طلوش بها بها بهریط توکل یا عنقود بحق هذه الایمان والجلمود و هو واااام وو س

جهت دیدن ارواح نمونه‌ئی یاد می‌کنیم که آنرا کحل اعظم نامند که سبب رویت روحانیون شود چشم [illegible] وچشم [illegible] و عیون ثلثة انکا صال وحطا طیف و دیده [illegible] و مراره [illegible] و عین [illegible] اسود بری و مراره او و همه را خشک کند و در جائیکه صدای خروس به آنجا نرسد نهد و بعد از جفاف بکوید با عسل آتش ندیده عجینی کند و در زیر مسی سفید نشده یا زجاجی بر آتش نهد تا دوران بالا رود و در ظرف جمع شود تا وقتیکه تمام آن سوزد پس آن دوده کحل اعظم است و با مداد بدستور بچشم کشد ۴۲

تکلم نائم برای بازجوئی از کسیکه در بیداری نتوان کسب کرد بگیر [illegible] بر سینه نائم (اگر مونث باشد بهتر) نهد آنچه در دل دارد بگوید، و نیز این [illegible] را بر کف دست گیرد یا در کف مالد و کف بر دل نائم نهد از او استنطاق کند هر چه پرسد خبر دهد و نیز همانرا بر سینه زنان خفته نهی، خفایا را بگویند.

در تعلیقات نامرئی تعلیقات آنستکه چیزی ازاشیاء یا دعا بخود آویزند تا نامرئی شوند نه نامرئی اعجازی بی اسباب مانند انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام بلکه تصنعی و از آنها چند چیز بچشم می‌خورد که ما ترک کردیم و از خداوند عفو و مغفرت میخواهم و میگویم (۸۳/۲۱) **اِنّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ رَبَّنا آمَنّا فَاغْفِرْ لَنا وَارْحَمْنا وَاَنْتَ خَیْرُ الرّاحِمینَ** (۱۰۹/۲۳) **رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاَنْتَ خَیْرُ الرّاحِمینَ** (۱۱۸/۲۳) **وَالحَمْدُلِلّهِ کَما هُوَ اَهْلُه.** نمونهٔ از آثار زحمات انقلاب آورده شد.

احتجاب از خلق با آیات

نفحات الرحمن ۴۴) از حضرت رضا علیه‌السلام روایت شده که فرمود: ابومنذر هشام بن سائب حلبی داخل شد بر امام صادق علیه‌السلام فرمود تو قرآن تفسیر می‌کنی گفت آری فرمود مرا خبرده از قول خدا تعالیٰ به پیغمبرش صلی الله علیه و آله که فرمود (۴۵/۱۷) **وَاِذا قَرَأْتَ القُرآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَبَیْنَ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجاباً مَسْتُوراً** (زمانی که قرآن می‌خوانی ما قرار دادیم در بین تو و بین آنانکه ایمان به آخرت نمی‌آورند حجابی مستور) آن کدام آیه است که هرگاه رسولخدا صلی‌الله علیه و آله می‌خواند از آنان محجوب می‌شد گفت نمی‌دانم فرمود چگونه گفتی که تو قرآن را تفسیر می‌کنی، گفت یابن رسول الله اگر صلاح بدانی بر من نعمت دهی و مرا بیاموزی فرمود آیه‌ایست در کهف و آیه‌ایست در نحل و آیه‌ایست در جاثیه و این آیه است:

(۲۳/۴۵) **اَفَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهُ هَواهُ وَاَضَلَّهُ اللهُ عَلیٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلیٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلیٰ بَصَرِهِ غِشاوَةً فَمَنْ یَهْدیهِ مِنْ بَعْدِاللهِ اَفَلا تَذَکَّرُونَ**، و در سورهٔ نحل است این آیه (۱۰۸/۱۶) **اُولٰئِکَ الَّذینَ طَبَعَ اللهُ عَلیٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَاَبْصارِهِمْ وَاُولٰئِکَ هُمُ الغافِلُونَ** و در سورهٔ کهف است (۵۶/۱۸) **وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذُکِّرَ بِآیاتِ رَبِّهِ فَاَعْرَضَ عَنْها وَنَسِیَ ما قَدَّمَتْ یَداهُ اِنّا جَعَلْنا عَلیٰ قُلُوبِهِمْ اَکِنَّةً اَنْ یَفْقَهُوهُ وَفی آذانِهِمْ وَقْراً وَاِنْ تَدْعُهُمْ اِلَی الْهُدیٰ فَلَنْ یَهْتَدُوا اِذاً اَبَداً.** کسروی گوید من اینها را بمردی از اهل همدان یاد دادم، حاکم دیلم او را اسیر کرده بود بیست سال در آن ماند بعد این سه آیه یادش آمد و خواند گوید بر محله‌های آنها و مراصدشان می‌گذشتم مرا نمی‌دیدند و چیزی نمی‌گفتند تا اینکه بیرون شدم و بشهر اسلام آمدم. ابوالمنذر گوید: من آن آیات را بقومی یاددادم وآنها دریک کشتی از کوفه بسوی بغداد بیرون شدند و با آنها هفت کشتی بیرون شد شش کشتی را راه بریدند و آن کشتی که در آن این آیات خوانده شده بود سالم ماند.

راه اخفاء از خلق با آیات

ش ف ۲۱۰) از بعضی عارفین آورده که هرکس این پنج آیه را (با شرائط) بخواند و بر زمین نشیند، بعد بگردد به عقب خود با انگشت دست راست دایره بکشد تا آن را به جلو خود ببندد بعد بگوید: **یا خُدّامَ هٰذِهِ الْآیاتِ وَالْاَسْماءِ بِحَقِّها عَلَیْکُمْ اِلّا ما اَخْفَیْتُمُونی عَنِ النّاسِ وَالْخَلْقِ اَجْمَعینَ** بعد ساکت نشیند و سخن نگوید مخفی باشد تا زمانی که ساکت است (البته با خلوص امکان دارد)

acrshop

کماء أنزلناه من	السّماء فاختلط	به نبات الأرض ۱۸/۴۵	فأصبح هشیما	تذروه الریاح
یوم الآزفة إذ ۱۸/۴۰	القلوب لدی	الحناجر	کاظمین ماللظالمین	من حمیم ولاشفیع
هو الله الذی ۵۹/۲۲	لا إله إلا هو	عالم الغیب والشهادة	هو الرحمن	الرحیم
علمت نفس ما	فلا أقسم بالخنس	الجوار الکنس	واللیل إذا عسعس ۸۱/۱۴	والصبح إذا تنفس
ص والقرآن	ذی الذکر	بل الذین ۳۸/۲	کفروا	فی عزة وشقاق
الله فاطر	رب قادر	رحمن لطیف	رحیم خبیر	مالك قاهر
السماء فاختلط	نبات الأرض	فأصبح هشیما	تذروه الریاح	کماء أنزلناه من
لا إله إلا هو	عالم الغیب والشهادة	هو الرحمن	الرحیم	هو الله الذی
إذ القلوب لدی	الحناجر کاظمین	ماللظالمین من	حمیم ولا شفیع	یوم الآزفة
علمت نفس ما	الجوار الکنس	واللیل إذا عسعس	والصبح إذا تنفس	علمت نفس ما
ذی الذکر	بل الذین	کفروا فی عزة	وشقاق	ص والقرآن
ربّ قادر	رحمن لطیف	رحیم خبیر	مَلك قاهر	الله فاطر
به نبات الأرض	فأصبح هشیما	تذروه الریاح	کماء أنزلناه من	السماء فاختلط
عالم الغیب والشهاد	هو الرحمن	الرحیم	هو الله الذی	لا إله إلا هو
الحناجر کاظمین	ماللظالمین	من حمیم ولا	شفیع یطاع	یوم الآزفة
الجوار الکنس	واللیل إذا عسعس	والصبح إذا تنفس	علمت نفس ما	والصبح إذا تنفس
بل الذین	کفروا فی عزة	وشقاق	ص والقرآن	ذی الذکر
رحمن لطیف	رحیم خبیر	مالك قاهر	الله فاطر	رب قادر
فأصبح هشیما	تذروه الریاح	کماء أنزلناه من	السماء فاختلط	به نبات الأرض
هو الرحمن الرحیم	هو	الله الذی	لا إله إلا هو عالم	الغیب والشهادة
ماللظالمین من	حمیم ولا شفیع	علمت نفس ما	فلا أقسم بالخنس	الجوار الکنس
واللیل إذا عسعس	والصبح إذا تنفس	الآزفة إذ	القلوب	الجوار الکنس
کفروا فی عزة	وشقاق	والقرآن	ذی الذکر	بل الذین
رحیم خبیر	مالك قاهر	الله فاطر	رب قادر	رحمن لطیف
تذروه الریاح	کماء أنزلناه من	السماء فاختلط به	نبات الأرض	فاصبح هشیما
الرحیم هو الله الذی	لا إله إلا هو	عالم الغیب والشهادة	هو الرحمن	الرحیم
حمیم ولا شفیع	یوم الآزفة	إذ القلوب لدی	الحناجر کاظمین	ماللظالمین
والصبح إذا تنفس	علمت نفس ما	فلا أقسم بالخنس	الجوار الکنس	واللیل إذا عسعس
وشقاق	ص والقرآن	ذی الذکر	بل الذین	کفروا فی عزة
الله قاهر	الله فاطر	رب قادر	رحمن لطیف	رحیم خبیر

در نام مریخ مثلث بجلد ۲ ختوم و اذکار ص ۳۵۲ مراجعه شود

اگر ازکرهٔ نپتون بشمس نظر نمایند در فضای تاریك آسمان مثل کوکب درخشندهٔ مینماید پس در نپتون برودت بعدی است که از تصور او نیز عاجزیم و نمیتوان معتقد شد که آنجا مسکونست واگر مسکونست پس مخلوق آنجاهمه خلقت جدیدند وما ازآن خلقت مطلقاً مطلع نیستیم نپتون مثل زمین ما یك قمر دارد برای مزید بصیرت خوانندگان که با خانوادهٔ شمسیه نزدیکتر و سهلتر آشنا بشوند در ذیل این صفحه یك جدول نمایندهٔ بُعد و حجم و مدار سیارات سبعه را که با خود آفتاب هشت است ترتیب دادیم . هرکس دقت نماید و ملکه بکندحالت ادارهٔ شمسیهٔ مارا میتواند بیشتر و واضح تر بفهمد و بشناسد

جدول نمایندهٔ قُرب و بُعد و حجم و سرعت سیر سیاره‌ها است

اسامی سیارات	بزرگی آنها نسبت بزمین	فاصلهٔ بعد انها از آفتاب	مدت مدار آنها بدور آفتاب	مدت دورهٔ محوری آنها	عدد اقمار آنها
عطارد	۲۰ بار کوچکتر	۸۵ میلیون کیلومتر	۸۸ شبانه روز	دقیقه ۵ ساعت ۲۴	
زهره	۹ عشر	۱۰۸ میلیون کیلومتر	۲۲۵ « «	دقیقه ۲۱ ساعت ۲۳	
زمین	—	۱۴۹،۵ میلیون کیلومتر	۳۶۵ روز و ربع	۲۴ ساعت	۱
مریخ	٦ دفعه ونیم کوچکتر	۲۲۸ میلیون کیلومتر	٦۸۷ روز	دقیقه ۳۷ ساعت ۲۴	۲
سیارات صغیره	خیلی کوچك	از ۴۰۰ تا ۸۰۰ میلیون کیلومتر	از ۳ تا ٦ سال	....	....
مشتری	۱۲۹۵ بار بزرگتر	۷۷۵ میلیون کیلومتر	۱۲ سال	دقیقه ۵۵ ساعت ۹	۹
زحل	۷۴۵ بار بزرگتر	۱۵۰۰ میلیون کیلومتر	قریب ۳۰ سال	دقیقه ۱۵ ساعت ۱۰	۱۰
اورانوس	٦۳ بار بزرگتر	۳۰۰۰ میلیون کیلومتر	۸۴ سال	نامعلوم	۴
نپتون	۷۸ بار بزرگتر	۴۵۰۰ میلیون کیلومتر	۱٦۵ سال	نامعلوم	۱

acrshop

۷۸۶ - استخاره طلب خیر از حقتعالی

انسان در امورات چه بسا متحیر میشود ناچار است از عالم الغیب و الخفیات خداوند متعال طلب خیر کند لذا باید بعد از مشورت استخاره کند تا خداوند خیر بنده را می‌داند و خوب و بد روشن می‌شود لذا ۷۲ استخاره آماده آمده و هر کس خودش می تواند بهره‌گیرد، دستور استخاره (بعد از نماز باشد بهتر است) نیت می‌کند و ده صلوات می‌فرستد و چند بار بگوید **بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَسْتَخِیرُ اللهَ بِرَحْمَتِهِ خِیَرَةً فِی عَافِیَةٍ** بعد سوره حمد را بخواند چون به **ایاک نعبد و ایاک نستعین** رسید سر انگشت شهادت را بر جدول گذارد حمد را تمام کند بعد ببیند چه عددی است آنرا در متن بیابد و مطلب را بخواند **اِنشاءِ الله حَق تَعالی بخیر** راهنمائی می‌کند و در ترکش نیز چنین است.

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۸	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۳۶	۳۵	۳۴	۳۳	۳۲	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵
۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸
۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱	۵۰	۴۹
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲

۱- در این قصد که دارای باید بر خداوند توکل کنی تا کارت بالا رود **۲**- تجارت خوب است که برکت دارد ولی باید امین باشی **۳**- اینکار خوب است ولی خیلی تدبر می‌خواهد که مالت را نبرند **۴**- مرکب خوبست ولی پر خرج معتدل بهتر است **۵**- قصد وصلت دارید برای طرفین مبارک است ولی قدری با رنج **۶**- محل و منزل خوبست اگر توان آنرا داشته باشید **۷**- این معامله پر زحمت است ولی پایانش خوبست **۸**- از اینکار حذر کن که بهره ندارد **۹**- اینکار حاصل خوبی دارد بشرط آنکه بحرام نکشد **۱۰**- این عمل نتیجه خوبی ندارد ترکش بهتر است **۱۱**- در این کار شرکت خوبست پیروز می‌شوی ولی باید بشرط آن وفا کنی **۱۲**- خوب نیست صبر کن تا وقتش برسد **۱۳**- با رنج و جوش ممکن است به نتیجه رسد **۱۴**- سفر خوبست فوری اقدام نما بهره دارد **۱۵**- قصدی که داری با زحمت زیاد نتیجه خوبی دارد **۱۶**- گرو قرض بزرگی می‌شوی و رنج فراوانی میبری ترکش بهتر است **۱۷**- تجارت بهتر از ادامهٔ تحصیل است زیرا رشد مالی دارد **۱۸**- به ریاست می‌رسی ولی مسئولیت زیادی دارد **۱۹**- سازندگی بنا بسیار خوبست اقدام نما ولی در حد شرعی **۲۰**- گرفتاری تو از آنست از خویشان بریده چاره‌اش صلهٔ ارحام است **۲۱**- بوالدین احسان کن گره کارت باز میشود و عمرت زیاد شود **۲۲**- بهمین قدر که خداوند داده قناعت کن و شاکر باش خداوند وسعت می‌دهد **۲۳**- در این کار یکه طمع کردهٔ دچار حق الناس میشوی و عاقبت ندارد **۲۴**- ترک محاکمه کنی بهتر است زیرا عمرت بی‌فایده ضایع میشود **۲۵**- زودتر به معالجه پرداز و از خداوند شفا بخواه **۲۶**- سرقتی که شده اگر چه سارق آشنا است ولی مال بسختی بدست می‌آید **۲۷**- اختلافی که دارید با هم مدارا کنید بهتر آنست از سخت‌گیری و در محکمه در جازدن **۲۸**- در معاملات اسناد را محکم کن که مالت را نخورند،صداقت از بین رفته **۲۹**- بخت با نو بسته شده، با چهل شب نماز شب و چهل روز زیارت عاشورا زودتر باز میشود **انشاء الله ۳۰**- گرفتاری تو از آن جهت است که اموات را یاد نمی‌کنی برای آنها خیرات کن تا وسعت یابی **۳۱**- بلای تو از سستی انجام احکام است باید آنها را جبران کنی و در احکام جدی باشی که گرفتاریت سخت تر نشود **۳۲**- تو یا گرفتار ظالمی یا زندانی هستی یا دچار بد جنسی شده چاره‌اش هفتاد هزار

جفر بخت گشایی

۷۸۶ بسم الله الرحمن الرحیم، جفر بخت گشائی و فتح و پیروزی

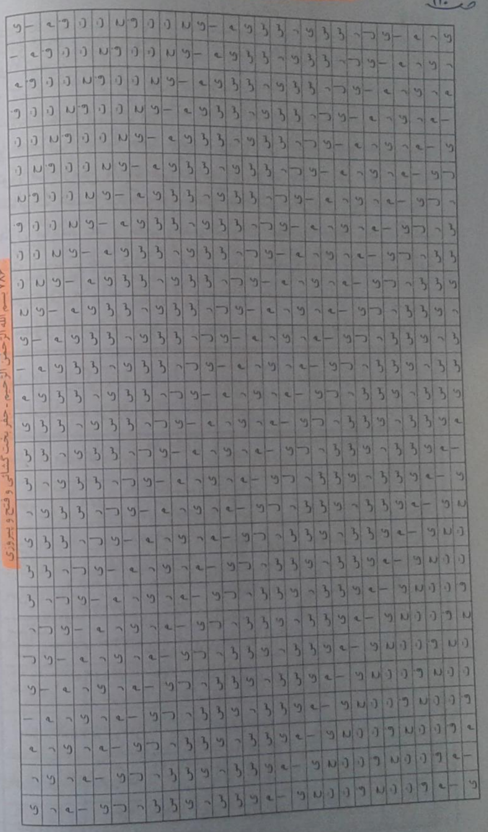

acrshop

رؤیت سارق من نوم کف راست زیر سر

لا اله الا الله گفتن است تا آزاد شوی ۳۳- گویا واجب الحج شده باید اقدام کنی وگرنه ضرر بزرگی خواهی خورد ۳۴- در بیماری صبر کن شاکر باش **انشاء الله** شفاء غیبی می‌رسد جبران می‌شود ۳۵- مسافرت از سفر می‌آید باید خدا را شکر کنی ۳۶- قصد بنای خیر داری زودتر افتتاح کن ۳۷- شریک تو خیانت کار است لذا برکت در شرکت شما نیست جدا شو ۳۸- در اینکار خلاف شرع واقع میشود فوری ترک کن ۳۹- اگر خواهی قرضت ادا شود صبح یس و ظهر صد صلوات و شب سورهٔ واقعه را بخوان و چندی قناعت کن ۴۰- تا میتوانی شغل آزاد بگیرند نوکر دولت مشو رزقت را نفروش ۴۱- غمهای تو زیاد است به سفر زیارت ائمهٔ اطهار برو تا غمت برطرف شود ۴۲- ضررهای تو از ترک سهم سادات و امام است آنها را اصلاح کن تا ضرر نبینی ۴۳- شخص امین شریک مال مردم است پس هرگز در امانت‌ها خیانت مکن اگرچه اموال دولت و کافر باشد ۴۴- شخص خائن رستگار نمیشود هرگز در کالاها غش و خیانت مکن ۴۵- در اینکار کمک، به مظالم میشود فوری ترک کن ۴۶- این شغل بدرد مردم نمی‌خورد شغل مشروع بگیر ۴۷- گویا قصد سفر خارج داری چون از وابستگان و خویشان قطع میکنی دینت در خطر است بهتر است ترک نمائی ۴۸- مسکن را بساز ولی خلاف شرع نباشد ۴۹- مبادله خوبست ولی بشرط اسلامی که اجناس طرفین مشروع باشد ۵۰- شرکت پایان خوبی ندارد بهمان مایه خود بساز ۵۱- نذری که کرده‌ای ادا کن کارت خوب میشود وگرنه ضرر میکنی ۵۲- مقام تو بالاتر می‌رود باید بیشتر بکارهای مردم برسی ۵۳- بزودی بقدرت میرسی باید به مظلومان کمک کنی ۵۴- ثروت رو بزیادی است خیریه‌ای احداث کن ارحام را اگر فقیرند سیر کن ۵۵- بهترین صدقه کمک به ضعیفانست از پیران و بیماران و قرضداران دریغ مکن ۵۶- خطر بزرگی در پیش داری هر چه می‌توانی تصدق بده و خیرات کن ۵۷- گرفتاری تو از آنست که ارحام را از یاد برده‌ئی ۵۸- در افعال و اقوالت و حرکات و سکنات مواظب باش به مردم آزار نکرده باشی ۵۹- کشاورزی از گنجهای خدا است اقدام کن ۶۰- حفر چاه و درختکاری بهتر و باقیات است اقدام فرما ۶۱- با عیالت مدارا کن و او هم باید با شوهر مدارا کند تا کار بطلاق نکشد ۶۲- هرگز بین مردم قضاوت مکن تا می‌توانی از شغل قضاوت پرهیز که بسیار خطیر است ۶۳- خیلی کار خوبیست بشرط آنکه در معاملات انصاف کنی ارزان فروش کارش بالا میرود ۶۴- کارت درست می‌شود بشرط آنکه کسیرا نیازاری ۶۵- بزودی سلامتی و فراغت را در می‌یابی ولی باید به مریضان کمک نمائی ۶۶- اقدام کن پرستاری بهترین خدمت است ۶۷- بمقام دکتری و بالاتر می‌رسی به مراجعین ترحم کن ۶۸- قصد ازدواج داری اقدام کن ولی باید خانوادهٔ مومن بسازی ۶۹- اینکار خوبست ولی معلمی بهتر است ۷۰- کار خطرناکی است اقدام مکن ۷۱- در کارها و سفر عجله مکن اول وقت بواجبات نمازت بپرداز ۷۲- در مشاغل باید خدا را در نظر داشته باشی و دروغ نگویی و از لهویات دوری کنی

وَالسَّلامُ عَلیٰ مَنِ اهْتَدیٰ وَاتَّقیٰ.

استخاره من منام بکیت ومنت راس

استخدام میوه اب نوخ ۳ روز ریاضت از یکشنبه بعد هر نماز ۱۰۰ مرتبه و بعد ۱۰۰۰ مرتبه در روز ۴ میاید کل بگوید چه خواهی بگو

انوخ ۲ ششششوخ ۲ نوخ ۲ اجب یا میهوت اباتوخ وافعل کذا وکذا

بخور لبان

۳ روز روزه در خلوت هرشب ترش روزه بگیر

در روز چهارم برو بیت خلا واسم ها یکسره بخوان و با کسی سخن نگو و هر روز بعد هر نماز ۱۰۰۰ مرتبه و می رود و یک دیگر آید و عهد کن و ملک آید

طبّ اسلامی

تعریف خواص گیاهان و درمان امراض

این مجموعه ایست از گفتار ائمهٔ اطهار علیهم السّلام و از طب قدیم و جدید

نوشته خادم اهل بیت رسالت
سیّد مُحمّد تقی مقدم

در هشت بخش ۱- تشریح بدن از امامان معصوم علیه السلام ۲- طبیبان روحی و جسمی ۳- تکلیف انسان در حفظ بدن ۴- از خداوند و قرآن شفا گیرد ۵- استفاده از طب معصوم ۶- تعریف غذاها و گیاهان ۷- اسامی گیاهان نافع و خواص آنها ۸- درمان چند مرض خطیر با دارویی گیاهی

اسم + اسم مادر + عدد حروف صوامت ۵۴۳ + ۲۶۲۴ داخل مثلث بر کاغذ کبود

acrshop

بسمه الشافی الکافی

درمان از طب اسلام

این نسخه‌ایست از طب، منتخب از طب ائمهٔ اطهارعلیهم‌السلام و چندین کتاب طب دیگر جهت حفظ بدن و مداوایی از نباتات در هشت بخش گرد آمده به‌ویژه جهت امراض قلبی و اعصاب که رو به افزایش است نظر به اینکه هزینه‌های مداوا سرسام‌آور شده شاید با این کتاب کمی به درمان جامعه به آسانی بشود زیرا درد و درمان با خداوند است، یٰامَنِ اسْمُهُ دَوٰاءٌ وَ ذِکْرُهُ شِفٰاءٌ، و جهت مدارک نام کتبی که استفاده شده در اینجا بعد از نام با رمز و شماره در صفحات می آوریم تا ابهامی نباشد و به آنجا مراجعه شود.

قرآن مجید، اصول کافی (۲ کا) بحارالانوار (۳ بحار) مکارم‌الاخلاق (۴ ق) سفینهٔ بحار (۵ س) حلیة‌المتقین (۶ ن) طب‌النبی (۷ ی) طب‌الصادق (۸ ق) طب مفید (۹ د) طبیب خانواده (۱۰ ده) طب و درمان در اسلام (۱۱ م) طب و بهداشت (۱۲ ت) تحفهٔ حکیم (۱۳ م) نسخهٔ عطار (۱۴ ر) اسرار خوراکیها (۱۵ ع) درمان با گیاهان (۱۶ هان) گلها و گیاهان شفابخش (۱۷ ش) میوه‌ها و سبزیهای شفابخش (۱۸ خش) زبان خوراکیها (۱۹ کیها) راهنمای نجات از مرگ مصنوعی (۲۰ عی) نسخه‌های شفابخش (۲۱ بخش) بهترین ارمغان (۲۲ غان) ختوم و اذکار (۲۳ کار) اعجاز خوراکیها (۲۴ کیها) دکتر برای همه (۲۵ همه)

تذکر در جلد اول ختوم و اذکار شفا و درمان، شمه‌ای از طب لقمان وارد شده و در دستورات زندگی بهترین ارمغان خواص گیاهان و خوراکیها از ائمهٔ معصومین وارد شده لازم است مطالعه شود وَالسَّلاٰمُ عَلیٰ مَنِ اهْتَدیٰ وَاتَّقیٰ.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

اَلْحَمدُ للهِ العلیمِ الحکیمِ والصلوةُ والسلامُ عَلَی النَّبِیِّ الْاَکْرَمِ وَ عَلیٰ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطّاهِرِین، قالَ اللهُ تَعالیٰ (۲۴/۸) یٰا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیبُوا لِلّٰهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذٰا دَعٰاکُمْ لِمٰا یُحْیِیکُمْ ای کسانی‌که گرویده‌اید. برای خدا و برای رسول خدا اجابت کنید زمانی‌که شما را می خواند برای اینکه شما را (زندگانی جاوید) زنده نماید (باید مؤمنین دعوت خدا و رسول را از امر و نهی و دستور اجابت کنند به آنچه امر فرموده عمل کنند و از آنچه نهی نموده باز ایستند همیشه زنده

خواهند بود اگر دستورات اسلام و بهداشت آن رعایت شود. بیماری تولید نمی‌شود.

بخش ۱ - تشریح بدن انسان از اَئِمهٔ اطهار

انسان مجموعه‌ایست از روح و جسم و با تمام آنچه در عالم است مربوط می‌باشد و جهان برای او خلق شده و از تمام آنها بهرور است به‌ویژه خوراکیها که بدن به آنها نیاز دارد و از همه‌چیز باید برای جهان دگر بهره بردارد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود:

اَتَزْعَمُ اَنَّکَ جِرْمٌ صَغِیر   وَ فِیکَ انْطَوَی الْعٰالَمُ الْاَکْبَر

آیا تو پنداشتی که جرم کوچکی هستی و حال آنکه در تو عالم بزرگتر در نور دیده است پس حفظ بدن از خطرات بر هر کسی لازم است تا دین خود را حفظ نماید و هریک از روح و بدن صحت ومرض دارند که لازم است در هر حال انسان مواظب باشد و فرمود: **دَوٰائُکَ فِیکَ وَ مٰا تُبْصِرُ** و دوای امراض تو در تو است و تو بینا نیستی و دوای امراض روحی مانند کبر و شک و شرک و نفاق و حرص و حسد و بخل و خشم و شهوت و لئامت و عجب و جهل و لجاجت و خودپرستی و امراض بدنی بسیار است.

شش حالت در انسان

۸ ق ۸۰) امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود برای بدن شش حالت است صحت و مرض و خواب و بیداری و موت و حیات و برای روح صحتش یقین، مرضش تردید، خوابش غفلت، بیماریش بی‌فکری، مرگش نادانی و زندگیش دانش است (امراض روحی در کیفر کردار پنجم مشروح شده).

بیان امام صادق در ترکیب بدن انسان

۶۱ بحار ۳۱۷) سالم‌بن ضریر گوید مردی نصرانی از امام صادق علیه‌السلام سؤالاتی از اسرار طب کرد (پاسخ شنید) سپس از تفصیل جسم پرسید حضرت فرمود: همانا خداوند انسان را بر دوازده وصله آفریده و بر دویست‌وچهل‌وهشت استخوان و بر سیصدوشصت رگ، پس عروق آنهایی هستند که تمام جسد را سیراب می‌کنند و استخوانها آنرا نگه می‌دارد و گوشت استخوان رانگه می‌دارد و عصب گوشت را نگه می‌دارد و در دست او هشتادودو استخوان است در هر دستی چهل‌ویک استخوان از آنها در کف او سی‌وپنج است و ساعد او دو تا است و در بازوی او یک و در شانه‌اش سه تا پس

acrshop

اینها چهل و یک می‌شود و چنین است در دیگری و در پای او چهل و سه استخوان است در قدش از آنها سی‌وپنج و در ساقش دو است و در رکبه‌اش سه تا، و در رانش یک و در ورکش (بالای ران) دو تا و همچنین در دیگری و در صلب او هیجده فقره است و در هریک از پهلویش نه ضلع است و در (گردن) او هشت و در سرش سی‌وشش استخوان و در دهان بیست‌وهشت یا سی‌ودو (استخوان) است (پس حفظ بدن بر همه لازم است) و باید دانست که امامان معصوم تمام علوم حقیقی را دارا بودند و باید همیشه به ایشان توسل جست.

تشریح بدن از امام صادق علیه‌السلام

طب‌الصادق ۶۵) در زمان بنی‌عباس به‌ویژه منصور از دولتها همه گروه می آمدند تا دولت آنان را بررسی کنند منجمله اطباء و هرجا منصور در امور گیر می‌گردد کرد باز ناچار از امام‌علیه‌السلام کمک می‌گرفت هنگامی اطباء از هند آمده بودند منصور فرستاد تا جعفربن محمدعلیهماالسلام بیاید **حضرت وارد شد** طبیب هندی کتابش را برای منصور می خواند حضرت ساکت بود تا هندی کتابش را تمام کرد متوجه حضرت شد پرسید این کیست؟ گفتند عالم آل محمد(علیهم‌السلام) است گفت آیا میل دارد از آنچه پیش ما است بهره داشته باشد حضرت فرمود نه؟ او گفت چرا؟ فرمود زیرا که آنچه با من است بهتر از آنها است که نزد تو است گفت با شما چیست؟

امام‌علیه‌السلام فرمود: با من این‌است‌که گرمی را با سردی و سردی را با گرمی، رطوبت را با خشکی و یبوست را با رطوبت معالجه می‌کنم و آنچه را که رسول‌الله فرموده به‌کار می‌بندم و نتیجهٔ کار را به خدا وا می‌گذارم (حضرت او را به خدا و رسول توجه دادند) طبیب گفت آن چیست؟ **امام فرمود:** آن‌است‌که شکم خانه هر بیماری و پرهیز سر هر درمان است و بدن را از آنچه به آن معتاد شده محروم مسازید، طبیب گفت مگر طب غیر از اینها است **امام فرمود** لابد گمان می‌کنی من اینها را از کتب طب آموخته‌ام او گفت غیر این گمان نمی‌برم.

حضرت فرمود نه به‌خداقسم جز از خداوند از دیگری تعلیم نگرفته‌ام (علم امام از خداوند است) اکنون بگو از من و تو کدامیک در فن طبابت داناتریم؟ گفت چه عرض کنم ولی کار من طبابت است و شاید من عالم‌تر باشم، حضرت اجازه می‌دهی چیزهایی از تو

بپرسم؟ طبیب گفت بپرسید اگر بدانم جواب می‌گویم.

حضرت پرسید چرا سر آدمی دارای مفصلها است و یک‌پارچه نیست؟ گفت نمی‌دانم، فرمود چرا پیشانی مانند روی سر از مو پوشیده نیست؟ گفت نمی‌دانم فرمود چرا در پیشانی خطوط مختلفی نقش شده گفت نمی‌دانم فرمود چرا ابرو بالای چشم قرار گرفته او گفت نمی‌دانم فرمود چرا چشم را به شکل لوزی ساخته‌اند؟ گفت نمی‌دانم.

حضرت ضِمناً درس توحید دادند

فرمود چرا درون کاسهٔ زانو به سمت عقب است؟ گفت نمی‌دانم فرمود چرا میان کف پا گود است و به زمین نمی‌چسبد؟ گفت نمی‌دانم **فرمود** ولی به فضل خداوند به حکمت همهٔ اینها آگاهم طبیب گفت بفرمایید استفاده کنم فرمود پس گوش کن و از خودشناسی آغاز کردند.

تَفَکُّر در خلقتِ سَرِ انسان

فرمود سر را یک‌پارچه نیافرید بلکه از قطعات مختلف ترکیب نمود و شکافها برایش قرار داد تا صداع (درد سر) آنرا نیاز دارد موی را بالای سر رویانید تا به‌وسیلهٔ آن روغن لازم به دماغ برسد و بخارات مغز خارج شود و در عین حال پوششی برای سرما و گرما باشد.

پیشانی را از موی عاری نمود تا چشم به‌وسیلهٔ آن نور گیرد و در پیشانی خطوط و نقوش نصب کرد تا از ریزش عرق به چشمها مانع شود مانند نهرهایی که در زمین محل جریان آب می‌شود از پخش آن عرق مانع است.

ابروی او را بالای چشمها قرار داد تا بقدر لزوم نور چشم برسد و از افراط جلوگیری شود، زیادی نور، چشم را اذیت می‌کند لذا در روشنایی زیاد دست خود را برابر چشم می‌گیریم تا آسیب نبیند. بینی را میان دو چشم قرار داد که نور را به دو قسمت مساوی تقسیم کند تا به‌طور اعتدال به چشم برسد.

چشم را لوزی‌شکل آفرید تا داروهای لازم که به‌وسیلهٔ میل به‌کار می‌رود به آسانی وارد چشم شده و جرم و مرض به سهولت از آن به‌وسیلهٔ اشک خارج شود و **سوراخ بینی** را در زیر آن مقرر فرموده تا چرکهای مغز از آن خارج و بوهای خوش و لازم به‌وسیلهٔ هوا از آن بالا می‌رود.

acrshop

لب و آبخوره را روی دهان بنا فرمود تا از ورود کثافات دماغ به دهان جلوگیری کند و خوراک را از آلودگی به آن نگه دارد.

ریش را برای مرد قرار داد تا محتاج پوشیدن صورت نباشد و به‌وسیلهٔ آن از زن شناخته شود.

دندانهای جلو را نیز آفریده تا غذا را به‌وسیلهٔ آن پاره کنند آسیاب را پهن نموده تا غذا به‌وسیلهٔ آن کوبیده و نرم گردد آسیاب را درازتر ساخته تا میان اضراس و انسان چون ستونی استوار باشد.

شرح کف دست و مو و ناخن

کف دست از مو برهنه مانده تا اشیاء را به آن لمس کند و از قوهٔ لامسه بهرهٔ وافری داشته باشد، **مو و ناخن** را روح نداده تا چیدن و بریدن آن دردی ایجاد نکند، **دل** را صنوبری (شکل میوهٔ کاج) آفریده تا در آویختگی خود نوک باریکش در ریه داخل شده از نسیم آن خنک شود و مغز سر از حرارت آن آسیب نبیند.

اعضای دیگر انسان

ریه را دو قطعه قرار داد تا قسمتی از قلب در تنگنای آن واقع شده، از حرکت آن نسیم بگیرد، **کبد** را محدب آفریده تا معده به سنگینی خود بر اوفشار آورده بخارات مسموم از آن خارج شود. **کلیه** را مانند لوبیا ساخته زیرا (کلیه) محل ریزش و قطرات منی است که نقطه‌نقطه بر آن می‌چکد اگر کروی یا چهارگوشه بود نقطه‌ها با هم اتصال می‌یافت و هنگام خروج موجب التذاذ نمی‌گشت چه اینکه منی از فقرات پشت به‌سوی کلیه حرکت می‌کند و گاهی منقبض و گاهی منبسط شده منی را قطره‌قطره به‌سوی مثانه پرتاب می‌کند.

زانو و قدمها

کاسهٔ زانو را به سمت جلو قرار داده زیرا آدمیزاد میان دستهای خود به‌طور محاذی راه می‌رود و اگر غیر از آن بود راه رفتنش مشکل و حرکاتش ناموزون بود زیر قدمهای پا را تهی کرده تا همهٔ پا به زمین نچسبد زیرا اگر تمامش به زمین می‌چسبید مانند دسته هاونی بود که گرانیش باعث ناراحتی می‌شد و سنگ‌ریزه‌ای هرچند ریز و کوچک بود فشار و

سنگینی بدن پا را به زحمت می‌انداخت. (آن طبیب به اعلمیت حضرت اعتراف کرد)

دستگاه تغذیه را امام بیان نمود

۷ طب ق ۷۱) امام صادق علیه‌السلام به مفضل بن عمر فرمود در کیفیت رسیدن غذا به بدن دقت کن و ببین در گردش این کارخانهٔ دقیق چه حکمت و تدبیری به‌کار رفته غذا از راه دهان به درون معده می‌رود بعد به حرارت غریزی آن پخته شده به‌وسیلهٔ رگهای باریک به جگر می‌رسد. این رگها مانند صافی غذا را صاف می‌کنند تا چیزی از درشتی به جگر آسیبی نرساند زیرا جگر از هر عضوی لطیف‌تر است.

در حکمت پرورگارت اندیشه کن ببین چگونه هر عضوی را در جای مناسب خود ترتیب داده، برای فضولات چه ظرفهایی به‌نام زهره و سپرز و مثانه خلق کرده تا در بدن منتشر نشوند و موجب فساد نگردند (اگر زهره نبود زرداب داخل خون می‌شد و اگر مثانه نبود ادرار دفع نمی‌شد و بول داخل خون یا جای دیگر بدن می‌شد.

دستگاه چشم و گوش را امام بیان می‌کند

۷۲/۷) ای مفضل اندکی هم در کیفیت حواس پنجگانه تفکر کن (حق‌تعالی) چشم را آفریده تا رنگها را ببیند. اگر رنگ باشد و چشمی که رنگ را ببیند نبود وجود رنگها سودی نداشت و به‌عکس اگر چشم بود و رنگ نبود خلقت چشم حکمتی را دارا نبود.

گوش را آفرید تا صداها را بشنود اگر صدا بود و گوش نبود صداها اثری نداشت و اگر گوش بود و صدایی نبود خلقت گوش موردی نداشت ببین بعضی از **حواس** را با بعضی دیگر از محسوسات مربوط نموده، برای هر حسی محسوس معین و جهت هر محسوسی حسی مقرر کرده است (تعریف قلب را حضرت رضا علیه‌السلام کردند در حکمت تشیع ص ۲۳۵ راجعه

درمیان هر حس و محسوس رابطه‌ای قرار داده که بدون آن احساس نمی‌شود مانند روشنایی و هوا که اگر روشنایی نباشد رنگها آشکار نمی‌شد و چشم چیزی را نمی‌دید و اگر هوایی نبود که صدا را به گوش برساند گوش، چیزی را نمی‌شنید.

توجه: امام صادق علیه‌السلام هزاروسیصد سال قبل اینها را بیان نمود، امروز علم روز آشکار کرده و میلیون‌ها سلول در چشم و دستگاه حسیه کار می‌کند پس طبیب روحی و جسمی حجتهای خدایند آیات قدرت الهی در راهنمای بهشت جلد اول بیان شده و توحید مفضل جدا است (ما به همین قدر اکتفا کردیم).

acrshop

بخش ۲- طبیبان روحی و جسمی

طبیبان روحی و جسمی انبیاء و اوصیاء علیهم‌السلام‌اند که امراض روحی را از جهل و کبر و حسد و حرص و بخل و نفاق و صفات مداوا می‌کنند و انسان بیشتر از طبیب جسمی نیازمند است زیرا اگر روح بیمار شود هلاکت دنیا و آخرت است و طبیبان جسمی امراض بدن را مداوا می‌کنند و کتابها دربارهٔ امراض روحی و درمان آنها در اخلاق نوشته شده از آنجمله است پنج جلد راهنمای بهشت.

مداوای روح لازم‌تر است

إِنَّ هٰذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْاَبْدَانُ، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: به‌درستی‌که این دلها ملالت و کسالت پیدا می‌کند چنانکه بدن‌ها ملالت می‌یابد (خسته می‌شود و از، کار می‌ماند و نیز فرمود: **مَنْ فَقَدَ حِسًّا فَقَدْ فَقَدَ عِلْمًا**، هر کس یکی از حواس را (از عقل و ظن و درک و چشم و گوش و ذائقه و شامه و لامسه) را گم کند (از دست دهد) در حقیقت علمی را از دست داده است.

لزوم روح و جسم به طبیب

تحف ۴۸) امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند علم فقه برای دینها و طب برای بدنها و نحو برای حفظ زبان و ستاره‌شناسی برای شناختن زمانها است و آن حضرت همه را دارا بودند و فرمود: **اَكْسِرُوا الْحِمّى بِالْبَنَفْسَجِ وَالْمَاءِ الْبَارِدِ**، داغی تب را با گل بنفشه و آب سرد درهم بشکنید.

روح را باید تقویت کرد

رَوِّحِ الْقُلُوبَ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ، در حدیث آمده که دلها را ساعت به ساعت آسایش بدهید (زیرا سلامتی قلب از همه بالاتر است چون قلب سلطان بدن است و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: **كُلُّ لَهْوٍ بَاطِلٌ اِلَّا ثَلٰثٌ تَأْدِيبُ الْمَرْءِ لِلْفَرَسِ وَ رَمْيُهُ عَنْ قَوْسِهِ وَ مُلَاعَبَةُ امْرَاَتِهِ فَاِنَّهَا حَقٌّ** هر بازی بیهوده است جز سه چیز، تربیت انسان اسب را و تیراندازی و تفریح با همسر خودش پس اینها حق است (منظور آن‌است‌که اینها تقویت روح است).

۶۲ بحار ۲۶۵) امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: زمانی‌که یکی از شما را درد به بدنش

آمد و حرارت بر او غلبه کرد: **فَعَلَيْهِ بِالْفِرَاشِ**، پس بر او باد به رسیدن فراش چیست؟ فرمود **غشيان النساء**، همبستر شدن با زنان پس به‌درستی‌که او را آرام می‌کند و (حرارتش را) خاموش می‌کند.

مَنْ اَرَادَ الْبَقَاءَ وَ لَا بَقَاءَ فَلْيُخَفِّفِ الرِّدَاءَ وَ لْيُبَاكِرِ الْغَذَاءَ وَ لْيُقِلَّ مُجَامَعَةَ النِّسَاءِ.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: هر کس بقاء (زیادی عمر) خواهد با اینکه بقایی (دائم) نیست پس باید رداء (لباس و عبا) را سبک کند (یعنی قرض را سبک کند) و صبح غذا را بخورد و با زنان کم مجامعت کند. (۶۲ بحار ۲۶۲)

آن حضرت فرمود: دلها را به زیادی طعام و نوشابه نمی‌رانید زیرا دلها میمیرد چنانکه زراعت میمیرد زمانی که آب بر او زیاد شود (ط ق ۴۷) امام صادق علیه‌السلام فرمود: **لَادَاءَ اَدْوَى مِنَ الْكِذْبِ**، هیچ دردی دردناک‌تر از دروغ نیست.

حکایت امیرالمؤمنین در مرض گناه

یافعی در روض‌الریاحین صفحه ۴۲ آورده وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام در یکی از کوچه‌های بصره می‌گذشت جمعیت فراوانی دید اطراف او حلقه زده و گردنها کشیده‌اند و تماشا می‌کنند نزدیک رفت تا ببیند چه خبر است دید در میان جمعیت جوان خوشرویی با لباسی پاک و آراسته و دارای متانت و وقار مخصوصی روی چهار پایه نشسته و مردم برای اینکه از او استفاده کنند از هم نوبت می‌گرفتند.

در مراجعین کسانی بودند که شیشه‌هایی به‌دست داشتند و به او عرضه می‌کردند میان شیشه‌ها خون یا ادرار و یا بعضی مایعات بدن بود طبیب جوان به آن شیشه‌ها با دقت نگاه می‌کرد و برای صاحب هریک بر حسب فهمش دارو دستور می‌داد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام جلو رفت و سلام کرد فرمود خدایت رحمت کند آیا برای درد گناه دارویی همراه آورده‌ای. طبیب گفت مگر گناه درد یا بیماری است؟ حضرت فرمود گناه بیماری است و مرد را به زحمت انداخته طبیب مدتی سر به‌زیر افکند و ساکت ماند گویی در اندیشهٔ عمیقی فروفرو رفت حضرت سؤال را تکرار کرد و جوان ساکت بود بعد از ساعتی سر بلند کرد گفت قربانت منکه چیزی نمی‌دانم آیا شما داروی گناه را می‌شناسید حضرت فرمود بلی من داروی گناهان را می‌شناسم و معالجه می‌کنم طبیب گفت ممکن‌است برای ما توصیف فرمایید.

acrshop

جریان امیرالمؤمنین با طبیب

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود بلی از اینجا برخیز و به بوستان ایمان رو چون وارد شوی مقداری از ریشهٔ درخت نیست و دانه‌های ندامت و قدری از برگ تدبر و تخم ورع و میوهٔ فهم و اندازهٔ از شاخه‌های یقین و مغز اخلاص و پوست اجتهاد و مقداری هم از ساقه‌های انابه (زاری کردن) و زهر برگردانیدن تواضع گرفته، همه را با حواس جمع کن با دلی متوجه و فهمی سرشار با انگشتان تصدیق و کف توفیق میان طشت تحقیق می‌ریزی و با آب چشمانت شستشو می‌دهی و آنگاه تمام را میان دیک امیدواری ریخته به آتش اشتیاق می‌جوشانی آنقدر تا مواد زائد و رسوبش جدا شود و عصاره و خامهٔ حکمت به‌دست آید.

سپس آنرا گرفته در بشقاب رضا و تسلیم ریخته و با نسیم استغفار بر آن می‌دمی تا قبل از آنکه فاسد شود خنک گردد و این شربت گوارا می‌شود آنگاه در جایی‌که آدمی نباشد و جز خدا کسی را نبیند می‌نوشی این است دارویی که درد گناهان را ساکن و جراحات معصیت را خوب می‌کند چنانکه اثری از آن باقی نماند، طبیب از شنیدن اینها مبهوت شد و سکوت کرد امام او را به سخن آورد تا به سرودن اشعاری ادب و اخلاص و عجز خود را تقدیم حضرت کرد.

و در طبابت از ائمهٔ علیهم‌السلام مطالب بسیار است مانند طب‌النبی و طب‌الصادق و طب‌الرضا علیهم‌السلام است وارد و در زمان امام هشتم اطباء زیاد بودند مثل ابن‌ماسویه و جبریل بن بختیشوع و سالم و لذامایون مراجعه به حضرت کردند و ما رسالهٔ ذهبیه را که طب حضرت رضا است و مأمون داد بآب طلا نوشتند در کتاب امام هشتم شمس ولایت شرح دادیم.

داروهای روحی از معصوم

۶۲ بحار ۲۶۷) **اَذیبُوا طَعامَکُم بِذِکرِاللهِ وَالصَّلاةِ وَلاتَنامُوا عَلَیْها فَتَقسُوا قُلُوبُکُم** رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود طعام خود را با ذکر خدا و نماز ذوب کنید (اول آن نام خدا را ببرید و صلوات بفرستید و بعد از خوردن به ذکر خدا و نماز مشغول باشید) و برروی آن نخوابید که دلهاتان سخت می‌شود (بعد از طعام فوری نخوابید و فرمود: **صُومُوا تَصِحُّوا**، روزه بگیرید تا سلامت بمانید و نیز فرمود: **سافِرُوا تَصِحُّوا وَ تَغنَمُوا**، مسافرت کنید تا

سلامت بمانید و غنیمت ببرید (پس از دواهای روحی مسافرت است).

امام چهارم علیه‌السلام فرمود

حج کنید و عمره بجا آورید تا بدنهای شما سالم ماند و رزقتان زیاد شود و ایمانتان شایسته گردد و هزینهٔ مردم و هزینهٔ عیال شما را کفایت می‌کند (زیرا در اعمال حج انسان آیات قدرت الهی را می‌بیند و بر معرفتش افزوده می‌گردد).

در غذا اشتها لازم است

۷ طب ق ۱۴۱) **اِیّاکَ وَاَن تَأکُلَ مالاتَشتَهیهِ فَاِنَّهُ یُورِثُ الحَماقَةَ وَالبَلَهَ وَلاتَأکُلْ اِلّاعِندَالجُوعِ**، حضرت صادق علیه‌السلام به‌عنوان بصری فرمود: بپرهیز از اینکه بخوری چیزی را که اشتها نداری زیرا که آن حماقت پدید می‌آورد و کودنی بهم می‌رساند و باید نخوری مگر نزد گرسنگی و نیز آن حضرت فرمود: **کُلُّ داءٍ مِنَ التُّخَمَةِ اِلّاالحُمّی فَاِنَّها تَرِدُ وُروداً**، هر دردی از پودگی است بجز تب پس آن به نوعی می‌آید (و اشتها به معنای گرسنگی و میل و رغبت معنا شده).

نمونه‌ای از امراض روحی

کفر و شرک و نفاق و حسد و بخل و حرص و طمع جبن و خشم و لجاجت و جهالت و غفلت و تکبر و عجب آرزوی دنیا و حب دنیا و شهوت و ظلم و حرام‌خوری و لعب‌ولهو و ترک طاعت و جمع آوری مال و معصیت اینرا باید طبیب روحانی علاج کند.

بحث کفار و مشرکین و حسد در کیفر کردار جلد اول مشروح شد و پنج قسم کفر در راهنمای بهشت جلد چهارم صفحهٔ ۲۸ به‌بعد نوشته شده و مرض تکبر در همان کتاب صفحهٔ ۵۲ مسطور است و نیز مرض حرص در صفحهٔ ۶۲ نوشته و نیز مرض جهل و بخل و عجب را در آن می‌خوانید.

مرض خشم

اَلغَضَبُ مِفتاحُ کُلِّ شَرٍّ اِذالَم تَکُن حَلیماً فَتَحَلَّمْ مَن ظَهَرَ غَضَبُهُ ظَهَرَ کَیدُهُ وَمَن قَوِیَ هَواهُ ضَعُفَ حَزمُهُ، اَلغَضَبُ مُمحِقَةٌ لِقَلبِ الحَکیمِ کَفیٰ بِالحِلمِ ناصِراً.

۸ ق ۱۶۵) امام صادق در مرض خشم می‌فرماید خشم کلید هر بدی است زمانی‌که

acrshop

بردبار نیستی پس خودت را به بردباری وادار، فرمود هرکس خشمش آشکار شد مکرش ظاهر می‌شود و هرکس خواهش او قوی شد اندیشه‌اش ناتوان شده و فرمود خشم دل مرد دانا را به هلاکت می‌اندازد و بردباری بهترین مددکار است، بحث مفصل خشم و داروی خشم در راهنمای بهشت ج ۲ صفحهٔ ۲۱۰ شده، پیغمبر اکرم فرمود زمانی‌که خشمناک شد اگر ایستاده است بنشیند و اگر نشسته است بخوابد چنانکه به اینکار خشمش فرو ننشست با آب سرد وضو بگیرد یا غسل کند که آتش راجز آب خاموش نمی‌کند.

مرض دروغ

دروغ بدترین مرض روحی است اصولاً مسلمان دروغگو نمی‌شود: امام صادق فرمود: **لاداء ادوی من الکذب،** هیچ دردی دردناک‌تر از دروغ نیست و شرح مفصل دروغ درکیفر کردار ج ۵ ص ۱۷۴ به‌بعد مشروح شده لازم است مراجعه شود و در سرمایهٔ سعادت و نجات صفحهٔ ۱۷۲ تا ۲۰۰ زیانهای این مرض مسطور است.

مرض حسد رشک بر مردم بدترین مرض است رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: **اِن لِنِعَمِ اللهِ اَعْداءً قیل ماهُم قال الذین یَحْسُدُونَ النّاسَ عَلٰی ما آتیهُمُ اللّٰهُ مِن فَضْلِهِ،** به‌درستی‌که برای نعمتهای خداوند دشمنانی است گفته شد آنها کیانند؟ فرمود آن کسانی که به مردم رشک می‌برند بر آنچه خداوند به آنها از فضلش عطا کرده بحث حسد مفصل در کیفر کردار ج ۱ ص ۳۹ به‌بعد از کشتن قابیل هابیل را و در ج ۵ ص ۷۱ به‌بعد کاملاً مشروح شده تکرار جا ندارد و ۱۱۴ مرض روحی در کیفر کردار جلد پنجم مشروح شده بر تمام مردم لازم است از آن امراض خود را برهانند.

بخش ۳ تکلیف انسان در حفظ بدن

بر هر انسانی واجب است خود را از خطرات حفظ کند زیرا حفظ بدن واجب است حق‌تعالی فرموده (۶/۶۶) **یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قُوا اَنْفُسَکُم** (ای گرویدگان خود را نگه دارید) و آن چند دستور داد **اول** آنکه به دستورات اسلام عمل کند خدا را عبادت کند در دنیا و آخرت سلامت می‌ماند **دوم،** اگر بیمار شد از خداوند و از قرآن شفا بگیرد **سوم** تا می‌تواند اگر بیمار شد به دوا خوردن دچار نشود **چهارم** خود را از امراض روحی و جسمی جامعه دور بدارد، **پنجم** بهداشت اسلام را رعایت کند **ششم** اگر بیمار شد با صدقه و دعا دفع بلا کند **هفتم** اگر ناچار شد به طبیب مراجعه نماید و تا جائی‌که امکان دارد از

طبابت ائمهٔ هدی علیهم‌السلام بهره گیرد.

محافظت امور بهداشتی

۱- بهداشت هوا و فشار هوا لزوم و تهویه اماکن و احتراز از هوای کثیف استفاده از هوای سحر و هوای کوهستان و گلستان به‌ویژه در بهار ۲- معالجهٔ تنفس (از اینها دوری کند) در معابر گردآلود و عفونت‌دار ۳- تنظیم میزان حرارت در پوشیدن لباس و پوشیدن بدن در سرما ۴- روشنایی و تاریکی محل کار و خانه ۵- نور آفتاب از جهت نور و از بین بردن میکروبها ۶- رعایت آب آشامیدنی از چشمه‌ها و نگهداری آن از آلوده شدن و نفع و ضررگرمی و سردی ۷- تقدیر در خوردن و شرب در شبانه‌روز از غذاها ۸- رعایت نظافت لباسها از آلوده شدن ۹- رعایت استحمام و حفظ مواقع آن ۱۰- وسیلهٔ خواب از جهت لحاف و متکا و تشک و ملافه و پتو و پارچه به‌ویژه بانوان رعایت کنند پاک باشند ۱۱- نظافت اطاق و سالن و منزل ۱۲- حفظ نظافت ظروف از چرک و کثافت و انتخاب ظروف بی‌ضرر ۱۳- دستورات اسلام کاملاً در شستن دست و دهان و پرهیز از غذاهای نجس مفصل اینها در دستورات زندگی بهترین ارمغان مشروح شده ۱۴- ورزش و راه رفتن هر روزه را از یاد نبرد و نوافل خواندن هم ورزش است و هم عبادت.

از همه مهمتر رعایت آداب معاشرت و مباشرت همسری و پرورش اولاد است که خیلی دستور دارد و در نسل انسان زیاد مؤثر است از امراض ارثی و در کتاب بهترین ارمغان از صفحه ۱۳۸ تا ۱۷۰ کاملاً نوشته شد لازم است مراجعه شود و در حدیث آمده **اَلْکَمالُ کُلَّ الْکَمالِ التَّفَقُّهُ فِی الدّینِ وَالصَّبرُ عَلَی النّائِبَةِ وَتَقدیرُ الْمَعیشَةِ** (کا ۶۲)

امام باقرعلیه‌السلام فرمود: تمام کمالات کامل خوب دانستن در دین است و شکیبایی بر ناگواریها و اندازه‌گیری در معاش و زندگی است.

کلمات علی علیه‌السلام در طب

به فرزندش امام حسن علیهماالسلام فرمود آیا تو را چهار چیز نیاموزم که به آنها از طب بی‌نیاز شوی عرض کرد بلی یاامیرالمؤمنین به من بیاموزید فرمود: بر طعام منشین مگر اینکه تو گرسنه باشی (تا اشتها نداری طعام مخور) و از طعام برخیز مگر اینکه (هنوز) آنرا بخواهی و غذا را نیکو بجو و چون بخواهی بخوابی خود را به بیت‌الخلاء بنمایان (یعنی تخلیه کن) شرح مفصل در راهنمای بهشت ج ۲ ص ۹ در اعجاز قرآن و

acrshop

شفاعت بخواهید.

بالاتر از اینها باید چیزهایی که برای بدن و روح ضرر دارد نخورد الکل و مواد مخدر و قرصهای ضرردار به کار نبرد.

علی علیه‌السلام فرمود دلها را به زیادی طعام و نوشابه نمی‌رانید پس به‌درستی‌که دلها می‌میرد چنانکه زراعت بمیرد زمانی‌که آب بر آن زیاد شود (ط ق ۴۷).

امام صادق علیه‌السلام فرمود: راه رفتن برای مریض ضرر دارد. به‌درستی‌که پدرم علیه‌السلام وقتی بیمار می‌شد و در جامه‌ای قرار می‌گرفت و برای نیازش وضو حمل می‌شد و این به جهت آن بود که می‌گفت، **اِنَّ الْمَشْیَ لِلْمَرِیضِ نَکْسٌ** (۶۲ بحا ۲۶۶).

از نور خورشید بهره گیرد

مٰا اَشْرَقَتْ عَلَیهِ الشَّمسُ فَهُوَ طٰاهِرٌ. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: آنچه بر آن آفتاب بتابد آن پاک است و یکی از مطهرات خورشید است و ثابت شده که از جمله بزرگترین مدافع حیات بشر آفتاب است مثل باسیل (میکرب مطبقه) در نور خورشید پس از یک ساعت از بین می‌رود با اینکه در سایر نورهای مصنوعی ۱۰ ساعت مقاومت می‌کند.

استفاده از امام: در زمان حضرت رضا علیه‌السلام اطبای چندی مانند ابن ماسویه و جبرئیل بن بختیشوع و سالم بن سلمه و دیگران بودند معذالک مأمون خلیفه مراجعاتش منحصر به امام رضا علیه‌السلام بود و به دیگران اعتنا نداشت.

بیان امام ششم در حرارت از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند که با آب چاهی که موش در آن مرده باشد غذا پخته‌اند فرمود: **اِذٰا اَصٰابَهُ النّٰارُ فَلاٰبَأْسَ بِاَکْلِهِ**، زمانی‌که به آن آتش برسد (بجوش آمد) خوردنش مانعی ندارد، و در جای دیگر فرمودند به آن جهت که آتش آنچه از مضرات در او بوده از بین برده است (۷ ص ۹۵).

و امروز ثابت شده که چون جسمی که در صد درجهٔ حرارت قرار بگیرد میکروبی در آن باقی نمی‌ماند و تا اینجا روشن شد که دستورات اسلام انسان را از مرض بیمه می‌کند و انبیاء و ائمهٔ اطهار نیز از هر طبیبی داناترند.

مداوای با صدقه در اسلام

اَلصَّدَقَةُ تَدْفَعُ الْبَلاٰءَ الْمُبْرَمَ فَدٰاوُو اَمْرَضٰاکُم بِالصَّدَقَةِ، و قال الصدقة تَدْفَعُ مِیْتَةَ السُّوءِ عَنْ صٰاحِبِهٰا، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: صدقه بلای حتمی را دفع می‌کند پس

بیماران را به صدقه (دادن وجهی به فقیران) مداوا کنید و فرمود صدقه مردن بد را (مثل تصادفات) از صاحبش دفع می‌کند و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: **فَدٰاوُوا مَرْضٰاکُم بِالصَّدَقَةِ** بیماران خود را با صدقه مداوا کنید (۶۲ بحار ۲۶۴) و بحث صدقه در کیفر کردار ج دوم مشروح شده.

مراجعه به طبیب

بعد از این امور اگر کسی بیمار شد باید جهت حفظ بدن به طبیب مراجعه کند اگرچه طبیب نصرانی باشد، عبدالرحمن بن حجاج گفت به ابی‌الحسن موسی بن جعفر علیهما‌السلام گفتم چه می‌گویید اگر من محتاج به طبیب شوم و او نصرانی باشد (وقت وارد شدن) سلامش بکنم و او را دعا کنم فرمود آری برای اینکه دعای تو به او سودی ندارد.

هشتم از داروهای سنتی استفاده کند و آنها در طب ائمه وارد شد چنانکه در این کتاب می‌خوانید.

و از اهل بلاء دوری کنید رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود از نظر کردن به اهل بلا کم کنید و بر آنها داخل نشوید و زمانی‌که به آنها گذر کردید سرعت کنید در رد شدن که به شما نرسد آنچه به آنها رسیده (۶۲ بحار ۲۱۳) مانند جذامی‌ها.

خود را از امراض وا پائید

فِرَّ مِنَ الْمَجْذُومِ فِرٰارَکَ مِنَ الْاَسَدِ، و قال لاٰیُورِدَنَّ مُمْرِضٌ عَلیٰ مُصَحٍّ بِهٰا قٰالَ لاٰتَدْخُلوا بَلَداً یَکونُ فیهِ الْوَبٰاءُ، قال لاٰیُکَلِّمُ الرَّجُلُ مَجذُوماً اِلاّٰ اَنْ یَکُونَ فیهٰا قَدْرُ رُمْحٍ.

امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند از جذامی فرار کنید مانند فرار کردن است از شیر (زیرا در او میکروبی است مانند شیر به تو می‌پرد) و فرمود: مریض را بر صحیح وارد نکنید. و فرمود داخل شهری که در آن مرض وبا آمده داخل نشوید. فرمود با جذامی سخن نگویید مگر اینکه بقدر یک نیزه فاصله باشد (ط ق ۷۸).

و نیز از غذاهای مضر بپرهیزد و از الکل چیزهای دیگری که برای انسان مضر است خودداری کند و از همه بالاتر از گناهان بپرهیزد که روحش مریض نشود. جالینوس حکیم گوید خشم، آتش مزاجهای حاد صفراوی را شعله‌ور می‌سازد و بدن را برای تبهای سوزان آماده می‌کند و به تب لازم متعفن گرفتار می‌سازد.

acrshop

بهداشت اسلام را رعایت کنید

امام صادق فرمود: شستن ظرفها و جارو کردن صحن سرا روزی را افزون می‌کند. و فرمود اگر آدمیزادگان در غذای خود جانب اعتدال را رعایت کند هرگز بیمار نشوند و فرمود خوابیدن مایهٔ آسایش بدن و سخن گفتن مایهٔ آرامش روح و سکوت مایهٔ آرامش عقل است و فرمود در راه بهداشت خویش هرچه هزینه کنید به اسراف در آن وقت تحقق یابد که پولها به آزار نفس آدمیزاد مصرف شود، دوا بر چهار قسم است ۱- حجامت ۲- ضماد ۳- قی کردن ۴- اماله

بهداشت را مراعات کند

بهداشت در اسلام از همه‌چیز لازم است که فرمودند اَلنَّظافَةُ مِنَ الْاِیمانِ و آن بر دو قسم است عمومی آنچه برای جامعه و صحت کل بدن لازم است و خصوصی که هر عضوی را لازم است (۱) حفظ‌الصحه دهان از شستن دندان و لثه‌ها و مسواک و پرهیز از ترشیهای سخت و شیرینی‌هایی که در لای دندان می‌ماند (۲) بهداشت چشم از گردوغبار و برق و ضربه و افراط و تفریط در بیدارخوابی و به کار بردن (۳) بهداشت گوش از آلودگی در استحمام و شناگری و موارد صداهای ناهنجار (۴) بهداشت بینی از موهای پوشیده و با استنشاق رعایت شود (۵) بهداشت پوست آناست‌که از چرک و کثافت حفظ کند و استحمام را رعایت نماید (۶) موها را نظیف نگه دارد و موهای زائد را با دارو از بین برد (۷) دستها را قبل از غذا بشوید ناخنها را بلند نگذارد (۸) بهداشت دستگاه هاضمه آناست‌که از غذای دیر هضم و مسموم و ضررناک بپرهیزد (۹) بهداشت دستگاه تنفس آناست‌که از هواهای نامناسب دوری کند و از محله‌های تنگ‌وتاریک و دودانگیز و خاک‌اره‌دار دوری کند (۱۰) بهداشت قلب آناست‌که از کارهای خطرناک بپرهیزد و از جاهای فرحناک مثل چشمه‌سار و درخت‌زار و خوش‌منظره بهره برد (۱۱) بهداشت تناسلی طهارتها و دستورات شرعی را رعایت کند و در وقت آمدن خودداری نکند (۱۲) اعصاب را با کارهای سخت ضعیف نکند و از خشم بپرهیزد (۱۳) هر روز از ورزش جهت عضلات بدن خودداری نکند از پیاده‌روی دریغ نکند (۱۴) مایحتاج تمام بدن را از چیزهای نامناسب حفظ کند.

چند دستور از امام هشتم در بهداشت

آنکس که می‌خواهد دندانهایش از فساد ایمن باشد تا یک لقمه نان بخورد لب به شیرینی نزند. **آنکس که** می‌خواهد در مجاری ادرار و تناسلی‌اش سنگ به‌وجود نیاید در طغیان شهوت از حبس منی بپرهیزد **آنکس که** نمی‌خواهد مجاری ادرارش آسیب ببیند باید از حبس ادرار بپرهیزد و حتی بر پشت مرکب هم خود را از (زهرآب) آسوده سازد، **آنکس که** نمی‌خواهد از درد معده آزار ببیند میان غذا آب نیاشامد آب در خلال غذا خوردن بدن را مرطوب و معده را ضعیف خواهد ساخت، **آنکس که** می‌خواهد پس از خوراک بیارامد مقتضی است به پهلوی راست بخوابد و پس از چند دقیقه از پهلوی راست به پهلوی چپ بغلطد و آنگاه به خواب راحت فرو رود.

آنکس که از گردش بادهای سرد در بدن خود عذاب می‌بیند می‌تواند ناراحتی‌های خود را به‌وسیلهٔ شاف و اماله و شستن در آب گرم و مالیدن روغنهای نرم‌کننده بر پوست و مفاصل برطرف سازد (ط نبی ۱۸۲)

دستور مهم از رسول اکرم

۶۲ بحا ۲۶۷) **اذیبوا طعامکم بذکرالله والصلاة ولا تناموا علیها فتقسوا قلوبکم** طعام خود را (که خوردید) به یاد خدا و نماز ذوب کنید (اول و آخر طعام نام خدا را ببرید و بعد از طعام قدری ذکر گویید و نماز بخوانید) و برروی آن نخوابید پس دلهاتان سخت می‌شود. بهداشت کامل در کتاب دستورات زندگی بهترین ارمغان بخوانید.

بخش ۴- از خدا و قرآن شفا بگیرید

اگر کسی را بیماری رخ داد باید اول از خداوند متعال درخواست شفا کند و پیغمبر و آل او را علیهم‌السلام شفیع قرار دهد و از قرآن استشفاء کند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: **اِنَّ الَّذِیَ اَنْزَلَ الدّاءَ اَنْزَلَ الشِّفاء**، به‌درستی‌که آنکه درد را نازل کرده شفا را نازل نموده است.

۶۲ بحار ۶۲) **حضرت صادق علیه‌السلام** فرمود (هنگامی) موسی بن عمران علیه‌السلام عرض کرد: **یارَبِّ مِنْ اَیْنَ الداء**، پروردگارا درد کجا است؟ خطا بشد از من است عرض کرد پس شفا از کیست؟ فرمود: منی (از من است) عرض کرد پس مردم با

acrshop

معالج چه می‌کنند؟ فرمود: به نفسهاشان آرامش و راحتی می‌دهد پس آن روز معالج طبیب نامیده شد (طبیب اندوه را از مریض برمی‌دارد پس شفا با خداوند است اگرچه پزشک مداوا بکند).

جناب ابراهیم به بت‌پرستان فرمود (۸۰/۲۶) وَاِذا مَرِضتُ فَهُوَ یَشفین (در زمانی‌که من بیمار شوم پس او مرا شفا می‌دهد).

درد و دوا از خداست

۶۲ بحا ۷۰) تَداوَوا فَاِنَّ الَّذی اَنزَلَ الدّاءَ اَنزَلَ الدَّواءَ

رسول اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود مداوا کنید زیرا آنکسی که درد را نازل کرده دوا را هم نازل فرموده و فرمود پروردگار متعال هیچ دردی را بی‌درمان نیافریده مگر بیماری سام (مرگ) که درمان ندارد.

از قرآن شفا جویید

(۸۲/۷) وَنُنَزِّلُ مِنَ القُرآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَرَحمَةٌ لِلمُؤمِنینَ

حق‌تعالی فرمود و ما از قرآن نازل می‌کنیم چیزی که آن شفا و رحمت است برای مؤمنین (شفای تمام دردها در قرآن است چنانکه پیغمبر خاتم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود نهصدونودونه شفا در این آیات است به کتاب ختوم و اذکار ج ۲ ص ۳۵۰ مراجعه شود که مشروح شده (این جزوه جای شرح ندارد) و علی‌علیه‌السلام فرمود: پس به‌درستی‌که در قرآن است شفا از بزرگترین درد و آن کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است (به جلد ۲ ص ۸۹ راهنمای بهشت مراجعه شود).

در فقه‌الرضا نوشته امام هشتم‌علیه‌السلام فرمود شفای هر دردی در قرآن است از قرآن شفا بخواهید که هرکس را قرآن شفا ندهد هیچ چیزی شفای بیماری او نخواهد بود و از ائمهٔ اطهار بخواهد تا از خداوند شفای او را بگیرند و در قرآن آمده (۸۹/۱۶) وَنَزَّلنا عَلَیکَ القُرآنَ تِبیاناً لِکُلِّ شَیءٍ و قرآن را بر تو نازل کردیم در حالی‌که بیانگر هر چیزی است (همه‌چیز در آن است)

تا می‌تواند از دوا پرهیز کند

مَن ظَهَرَت صِحَّتُه علی سُقمِهِ فَشَرِبَ الدَّواءَ فَقَد اَعانَ عَلی نَفسِهِ (۶۲ بحا ۶۴) امام

صادق‌علیه‌السلام فرمود هرکس صحت او بر بیماریش ظاهر شود پس دوا بخورد پس بر ضرر نفس خود کمک کرده و موسی‌بن جعفرعلیهماالسلام فرمود: معالجهٔ اطبا را دفع کنید تا زمانی‌که درد (و مداوای سنتی) دفاع می‌کند از شما پس آن به منزلهٔ بناء است: که اندکش بسیار می‌کشد (یک جای آن را آباد کند یک جای دیگر خراب می‌شود) و آن حضرت‌علیه‌السلام هرکس صحت او بر بیماریش آشکار شود پس به معالجه پردازد پس بمیرد: **فمات فانا الی الله بری‌منه**، پس من از او به‌سوی خدا بیزارم.

شفای امراض از قرآن مجید

من لم یبرأه الحمد لم یبرأه شئ، امام باقرعلیه‌السلام فرمود کسی را که سورهٔ مبارکهٔ حمد بهبودی ندهد چیزی او را بری نمی‌کند، **و امام صادق‌علیه‌السلام** فرمود: اگر حمد را بر مرده هفتاد بار بخوانی پس روح در او برگردد این امر شگفت نمی‌باشد (چون شفای قرآن در راهنمای بهشت ج ۲ ص ۹۸ به‌بعد مشروح شده در اینجا خودداری می‌شود).

جهت هر بیماری بخوانید

از معصوم‌علیه‌السلام رسیده هر که را مرضی باشد یا رنجی این آیات را بخوانید (۳۰/۱۳) **وَلَو اَنَّ قُرآناً سُیِّرَت بِهِ الجِبالُ اَو قُطِّعَت بِهِ الاَرضُ اَو کُلِّمَ بِهِ المَوتی بَل لِلّهِ الاَمرُ جَمیعا** (و آیه ۴/۶۵) **وَمَن یَتَوَکَّل عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسبُهُ اِنَّ اللهَ بالِغُ اَمرِهِ قَد جَعَلَ اللهُ لِکُلِّ شَیءٍ قَدرًا** (۶۴/۱۲) **فَاللهُ خَیرٌ حافِظاً وَهُوَ اَرحَمُ الرّاحِمینَ** (۸۴/۱۷) **وَنُنَزِّلُ مِنَ القُرآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَرَحمَةٌ لِلمُؤمِنینَ وَ(صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ)**

تذکر: آیاتی که شفابخش است در ختوم و اذکار ج ۲ ص ۳۴۷ و در صفحهٔ ۳۵۰ چندین آیه تا ۳۵۶ نوشته شده حتماً مراجعه شود و درمان همهٔ دردها در قرآن بیان شده کسی می‌خواهد که بفهمد حق‌تعالی فرموده: (۸۹/۱۶) **وَنَزَّلنا عَلَیکَ القُرآنَ تِبیاناً لِکُلِّ شَیءٍ وَهُدًی وَرَحمَةً وَبُشری لِلمُسلِمینَ** و ما بر تو کتاب را نازل کردیم در حالی‌که بیان‌کننده برای هر چیزی است و رهنما و رحمت و بشارت است برای مسلمین و خواص ۱۱۴ سوره در ختوم و اذکار جلد اول بیان شده است.

زندگی پاک در ایمان است

acrshop

۹۷/۱۶) مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِن ذَکَرٍ اَوْ اُنْثی وَهُوَ مُؤمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِّبَةً.

هر کس عمل کند عمل شایسته از مرد یا زن و او مؤمن باشد پس ما او را زنده می‌کنیم به زندگی پاک ایمان او را از هر بدی نگه می‌دارد و زنده می‌دارد.

جالینوس گوید: حزن و اندوه خون را فاسد کرده و موجب تب تیفوئید می‌شود و بی‌تابی در مصائب و ترس گاهی موجب رقت خون و کم شدن گلبولهای قرمز آن گشته سبب بیماری تیفوس و امثال آن می‌گردد. (پس او اقرار دارد که بی‌ایمانی موجب امراض مهلک است و قرآن مجید نسخهٔ جامع امراض روحی و جسمی است چنانکه فرماید:

۸۲/۱۷) وَنُنَزِّلُ مِنَ القُرآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤمِنینَ، از قرآن فرو می‌فرستیم چیزی که او برای مؤمنین شفا و رحمت است و بحث آن خواهد شد و البته باید دانست که این کتاب حکمت الهی را باید پیغمبر و اوصیاء او تفسیر و تأویل کنند.

رسول اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کسی که شکمش را پر کند تندرستی را به‌دست نخواهد آورد نباید شکم را با غذا و آشامیدنی خسته کرد و از کار انداخت زیاد خوردن پدر دردها است و کم خوردن پدر درمانها است (مفید ۴۷).

اینهم شفای دردها با دعا

۶۲ بحار ۲۷۶) از امام صادق روایت شده زمانی‌که به تو اندوهی رسید دستت را بر موضع سجود بکش بعد بر رویت از جانب گونهٔ چپ بکش و بر پیشانیت تا جانب گونهٔ راست بعد بگو **بسم الله الذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ عالِمُ الغَیْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ اَللّهُمَّ اَذْهِبْ عَنّی الهَمَّ وَالحُزْنَ** سه مرتبه.

و آن حضرت فرموده هر کس روزی سی بار بگوید: **بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین تَبارَکَ اللهُ اَحْسَنُ الخالِقینَ وَلا حَوْلَ ولا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ.** خداوند از او نودونه نوع از بلا دفع می‌کند خوارترین آنها جذام است.

دعا کردن برای مریض

فرمود هر کس از درد دندان ناراحت است باید انگشتان را بر آن گذارد و قرائت کند (۹۸/۶) **وَهُوَ الَّذی اَنْشَأَکُم مِن نفس واحدةٍ فَمُسْتَقَرٌّ و مُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الآیاتِ لِقَوْمٍ یَفْقَهُونَ وَبالحق انزلناهُ وبالحق نَزَلَ وَما اَرْسَلْناکَ اِلّا مُبَشِّراً وَ نذیرا**

فرمود وقتی که نزد مریض به عیادت رفتی بگو: **اَذْهِبِ الوَسْواسَ وَالبَأْسَ رَبَّ النّاسِ**

اِشْفِ وَاَنْتَ الشّافی لا شِفاءَ اِلّا شِفائُکَ گفته شده که رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله هنگامی مریضی را عیادت کردند فرمود: ترا دعایی می‌خوانم که مرا جبرئیل آموخته (گفتند بلی یارسول‌الله) فرمود: **بِسْمِ اللهِ یَشْفیکَ مِن کُلِّ داءٍ وَ لا یَأتیکَ وَمِن شَرِّ النَّفّاثاتِ فِی العُقَدِ وَ مِن شَرِّ حاسِدٍ اِذا حَسَدَ** و فرمود: هر کس در نزد مریض هفت بار بگوید: **اسئل الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک** جز اینکه عافیت یابد.

و در کتاب حج و زیارت دعایی با دستور خواندنش در صفحهٔ ۱۸۸ نوشته شده حتماً مراجعه کنید و برای مریضان بخوانید.

بخش ۵- از طبابت معصوم بهره گیرد

۶۲ بحار ۲۹۱) طب‌النبی منسوب به شیخ ابوالعباس مستغفری از جلد ۶۲ بحارالانوار آورده. گوید **قال رسول الله صلی الله علیه و آله ما خَلَقَ اللهُ (کُلَّ داءٍ اِلّا (و) خَلَقَ اللهُ لَهُ دَواءً اِلّا السّامَ. وقال صلی الله علیه و آله الذی اَنْزَلَ الدّاءَ اَنْزَلَ الشِّفاءَ. وَ قال صلی الله علیه و آله بَشِّرُوا المَحْرُورینَ بِطُولِ العُمْرِ**

۱- رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: خداوند هر دردی را نیافرید مگر آنکه خداوند برای آن دوا پدید آورد بجز سام (که مرگ است) ۲- آنان راکه آبله زده‌اند بشارت دهید به عمر طولانی ۳- اساس هر دردی سرماخوردگی است ۴- (طعام) بخور با آنکه بااشتها باشی و خودداری کن با اینکه بااشتها باشی ۵- معده کانون همهٔ دردها است و پرهیز اساس هر دوا است و نفس خود را بده به هر چه عادت داده‌ای ۶- پروردگار متعال آن سفره را دوست دارد که در آن دست زیاد باشد (خورندگان آن بیشتر باشند). ۷- در خوراک داغ برکت اندک است برکت زیاد در خوراکیهای سرد یافت می‌شود ۸- به هنگام غذا خوردن کفشها را از پا در آورید زیرا پای شما آسوده خواهد ماند و به‌درستی‌که آن سنت زیبایی است ۹- با زیردستان غذا خوردن از فروتنی است بهشت به آنانکه با زیردستان غذا می‌خورند مشتاق است. ۱۰- غذا خوردن در بازار (در انظار مردم) نوعی از پستی است.

۱۱- مؤمن همیشه به اشتهای اهل خانهٔ خود غذا می‌خورد ولی منافق اهل خانهٔ خود را محکوم اشتهای خود می‌دارد (تا خود به غذا میل نکند اجازه نمی‌دهد سفره پهن شود ۱۲- هنگامی‌که سفره پهن شده هر کس در هر جا نشسته از آنچه دم دستش قرار دارد

acrshop

تناول کند و دست به آن سوی پیش نبرد. ۱۳- تا همگان سیر نشده‌اند از غذا دست نکشید زیرا این عمل برای همسفره‌های شما مایهٔ شرمساری خواهد بود ۱۴- برکت در وسط طعام قرار دارد پس از اطراف آن بخورید و از وسطش نخورید ۱۵- آنکس که از دو چوب (مسواک و خلال) استفاده می‌کند از زحمت دو سگ (یعنی کلبتین) ایمن است (مراد به کلبتین انبر دندان کشیدن است) ۱۶- پس از غذا بلافاصله دندانهای خود را خلال کنید و دهانتان را به‌وسیلهٔ مضمضه با آب بشویید تا دندانهای (آسیاب) و (ثنایای) شما آرام گیرد ۱۷- از خلال استفاده کنید زیرا خلال کردن نوعی نظافت است و نظافت از ایمان است و ایمان با صاحب خود (مؤمن) در بهشت قرار خواهد داشت ۱۸- طعام مردم کریم دوا و طعام مردم لئیم درد است ۱۹- اَلْقِصْعَةُ یَسْتَغْفِرُ لِمَنْ یَلْحَسُها، سینی چوبی بزرگ (ظرف طعام) آمرزش خواهد برای کسی که آنرا (بلیسد(لیسیدن) ظرف خوراک ثواب دارد) ۲۰- با هم غذا بخورید زیرا خداوند برکت را در اجتماع نهاده است.

۲۱- از خوردن غذاهای گوناگون بر یک سفره بپرهیزید زیرا این نوع خوراک نامبارک است (ای کاش این مردم عمل می‌کردند چقدر اسراف می‌شود) ۲۲- آنکس که گرسنه باشد یا محتاج باشد و گرسنگی خود را از مردم کتمان کند (اظهار فقر نکند) و به‌سوی حق‌تعالی رود بر خداوند حق است که برای او رونق یک سال از حلال را باز کند ۲۳- هر کس بخورد آنچه از سفره می‌افتد در فراخی روزی زندگی می‌کند و فرزندش و فرزند فرزندش از حرام عافیت یابند. ۲۴- آنکس که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد باید مهمان خود را اکرام نماید ۲۵- از فروتنی است اینکه انسان از سور (نیم‌خورده) برادر مؤمن خود بخورد (و آدم متواضع بهشتی است ۲۶- آنکس که کمتر می‌خورد حساب او روز قیامت نیز سبکتر خواهد بود ۲۷- در حال ایستادن از نوشیدن (آب یا اشربه) بپرهیزید ۲۸- اَلْمُحْتَکِرُ مَلْعُونٌ، حبس‌کنندهٔ ارزاق ملعون است. محتکر کسی است که ارزاق مردم را بخرد و حبس کند که گرانتر بفروشد و کیفر محتکر در کیفر کردار جلد یک صفحهٔ ۴۷۸ به‌بعد مشروح شد. ۲۹- احتکار در دو چیز است، گندم و جو و زبیب (نوعی از کشمش) و ذرت و پیه و عسل و پنیر و گردو و روغن و خرما ۳۰- زمانی‌که آدمیزاد جز تجارت خواروبار تجارت دیگری نداشته باشد به طغیان و معصیت خواهد افتاد. ۳۱- آنکس که نوعی از غذا را به امید گران شدن و گرانتر فروختن چهل روز نگاه دارد او از خداوند بری باشد و خداوند از او بیزار است ۳۲- آنانکه طعام مردم احتکار می‌کنند

سرانجام به بیماری جذام (نفرت مردم) و افلاس دچار خواهند شد. ۳۳- سحرخیز باشید سحرخیزی برکت است ۳۴- سحرخیز باشید به‌خلاف اهل کتاب ۳۵- بهترین طعام شما نان است و بهترین میوه‌های شما **انگور** است ۳۶- بر شما باد به استواران (ثابت‌قدمان) یعنی از آنها باشید ۳۷- بر شما باد به هریسه (له شده و چیز کوبیده را گویند (شامل ناووت‌ها و آش می‌شود) پس به حقیقت آن برای عبادت چهل روز نشاط می‌آورد و آن چیزی است که بر ما نازل شده بدل مائدهٔ عیسی‌علیه‌السلام ۳۸- نان را با کارد نبرید و آن راگرامی بدارید زیرا خداوند متعال آن راگرامی داشته ۳۹- سه لقمه با نمک قبل ا طعام خوردن از آدم هفتادودو نوع از بلا را برگرداند از آنها جنون، جذام و برص است بهترین خورش شما نمک است، هرکس قبل و بعد هر چیز نمک بچشد خداوند از او سیصدوشصت نوع از بلا دفع کند و پست‌ترین آنها جذام است ۴۰- اَفْضَلُ الصَّدَقَةِ الْماءُ، بهترین صدقه آب دادن است ۴۱- بهترین اشربه در دنیا و آخرت آب است ۴۲- گرمی تب ازگرمی جهنم است پس آن را با آب سرد کنید ۴۳- وقتی تشنه شدید با مکیدن آن را بیاشامید و یکباره میاشامید. فرمود یکباره سر کشیدن به کبد صدمه دارد ۴۴- هرکس به زیاد خوردن طعام و نوشابه عادت کرده دلش سخت می‌شود ۴۵- زمانی‌که یکی از شما آب می‌خورد به سه نفس بخورد ایمن می‌شود ۴۶- شرترین امت من کسانی هستند که مغزهای استخوانها را می‌خورند ۴۷- ابلیس شیاطین خود را ندا می‌کند و می‌گوید بر شما باد به‌گوشت و مسکر و زنان به‌درستی‌که من نمی‌یابم کانون شر را جز در آنها (ممکن‌است وقت ذبح نام خدا را از یاد سلاخ ببرند و حرام کند و مردم را به مسکرات وا دارند و از راه زنان مردم را به گناه کشند ۴۸- فرمود بهترین خورش‌ها در دنیا و آخرت گوشت است، فرمود: گوشت می‌رویاند و هرکس چهل صباح گوشت را ترک کند بدخو می‌شود ۴۹- آنکس که هنگام اضطرار (و ضرورت) خوردن مردار و خون و گوشت خنزیر راترک نکند و بمیرد جایش در دوزخ خواهد بود (مائده آیهٔ ۵) در اضطرار حفظ بدن واجب است ۵۰- هرکس چهل روز (صبح) گوشت بخورد دلش سخت می‌شود ۵۱- خداوند به پیمبری از پیمبران وحی کرد در هنگامی‌که از ضعف شکایت کرد که گوشت را با شیر بپز زیرا من به حقیقت شفا و برکت در آن دو قرار دادم ۵۲- برنج در اطعمه چون آقا است در قوم و من در انبیاء مانند نمکم در طعام (از اینجا ما به موضوع می‌پردازیم).

acrshop

خواص شیر گاو و گوسفند

۲۹۴) ۵۳-زنان حامله را شیر بخورانید که آن در عقل کودک می‌افزاید ۵۴- هرگاه شیر خوردید سپس مضمضه کنید که در آن چربی است (دهانتان را بشویید، فرمود نوشیدن شیر به‌خاطر ایمان است ۵۵- بر شما باد به (خوردن) شیر که آن از دل گرمی را می‌برد چنانکه انگشت عرق را از پیشانی پاک می‌کند و در عقل می‌افزاید و ذهن را پاکیزه و چشم را جلا می‌دهد و فراموشی را می‌برد ۵۶- گوشت گاو درد است و شیر گاو شفاء است گوشت گوسفند دواء است و شیر آن درد است.

۵۷- از خواص عسل غفلت نکنید

۶۲ بحا ۲۹۵) فرمود سه چیز است که به آنها جسم شاد می‌شود و رشد میکند. بوی خوش (عطر و پاکیزگی) و لباس نرم و خوردن عسل ۵۸- بر شما باد به (خوردن عسل) پس به حق آنکس جانم به‌دست اوست، نیست خانه‌ای که در آن عسل باشد جز اینکه ملائکه برای (اهل) آن خانه آمرزش خواهد پس اگر مردی از آن آشامد بجوف او هزار دواء داخل شود و از او هزارهزار درد بیرون رود پس اگر بمیرد و در جوش باشد آتش جسد او را لمس نکند (به‌شرط ایمان و ولایت علی و اولادش علیهم‌السلام) **۵۹- و فرمود** نیکو نوشابه‌ای است عسل قلب را بپروراند و کثافات سینه را ببرد **و فرمود:** هرکس حفظ (بدن) خواهد عسل بخورد ۶۰- زمانی‌که یکی از شما خادمهٔ خرید باید او چیزی که به او می‌خوراند عسل باشد زیرا که آن برای نفس او پاکتر است ۶۱- فرمود: شربت عسل را برنگردانید بر کسی که آن را برای شما فرستاده، فرمود هرگز از نوشیدن عسل خودداری نکنید.

ثمرات خرما

۶۲ بحا ۲۹۵) زمانی‌که زنی زائید اول رطب شیرین یا خرمای خشک به او بخورانید زیرا اگر چیزی از آن بر تر بود خداوند متعال به مریم طعام می‌داد هنگامی‌که عیسی علیهما‌السلام را زائید ۶۲- وقتی که خرما به بازار آید به من تهنیت گویید و وقتی فصل خرما سر رسید مرا تسلیت گویید (برای رفتن عمر) ۶۳- خداوند درختهای خرما و انار را از طینت آدم آفریده ۶۴- نخلهٔ خرما عمهٔ شما است احترامش کنید (بکارید آبیاری

کنید تا مردم بهره برند) ۶۵- به‌هنگام سحر از خرما استفاده کنید ۶۶- افطارتان را با خرما آغاز کنید و اگر به خرما دسترسی ندارید اندکی آب بنوشید، ناشتا خرما بخورید که آن کرم را می‌کشد، بهترین چیزی صائم شروع کند مویز و کشمش یا خرما یا چیزی از شیرینی باشد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود کسی که هفت خرمای عجوه وقت خواب بخورد کرم درونش کشته می‌شوند (۶۲ بحار ۱۶۶) ناشتا نیز چنین است.

فوائد خرما

۳۳/۱۱ سلام) طبق خرمایی در نزد امام نهادند فرمود آن چیست؟ گفتند این از نوع «برنی» است فرمود در این میوه شفا است فرمود در این خرما شفا از سموم قرار دارد میوه‌ایست که با خود درد ندارد و مایهٔ ناراحتی نیست هرکس هفت دانه از این خرماهای خشک به هنگام خواب بخورد کرمها در شکمش کشته شود.

طب امروز گوید خرما بدن را گرم می‌کند و خون غلیظی بار می‌آورد و به پوست بدن طراوت می‌بخشد اگر خرما را با شیر بیامی‌زند و بخورند بر قوهٔ باه می‌افزاید و اگر آن را با شیر بجوشانند عوارض التهابی را درمان می‌کند سرفه‌های خشک را فرو می‌نشاند و ناراحتی‌های مجرای ادرار را درمان می‌کند و خاصیت خرمای «بسمه» مادهٔ سودمند ماگنیز یوم است که تقریباً درمان سرطان شناخته شده.

خواص کمات

الکماة من نبت الجنة مأوه نافع من وجع العین (۶۲ بحا ۱۴۵) رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود کمات از نباتات بهشت است آبش از درد چشم نافع است.

کاهو: امام صادق فرمود از کاهو استفاده کنید این گیاه خون شما را تصفیه می‌کند اطباء گویند کاهو گیاهی است که از انواع ویتامین‌ها سرشار و از آن غنی است و در آن بسیاری از املاح معدنی موجود است با این شرط که قسمت او به آفتاب خورده شود که از نور خورشید بهره گرفته. کاهو گلبولهای قرمز خون را زیاد می‌کند چهره را گلگون و اعصاب را آرامش می‌دهد و خواب می‌آورد و خواص زیادی دارد و صاف‌کنندهٔ خون است.

acrshop

از میوه‌ها بهره گیرید

۶۷- بر شما باد به میوه‌ها در وقت آمدنش زیرا که آنها صحت‌بخش بدنها است و احزان را می‌برد و در آخرها رها کنید که دوای بدنها است ۶۸- خوردن انجیر از قولنج امان است و خوردن گلابی تاریکی چشم را می‌برد ۶۹- بهار امتم انگور و خربزه است ۷۰- خربزه را میوه گیرید که میوهٔ بهشت است و در آن هزار برکت است و هزار رحمت و خوردنش از هر دردی شفا است ۷۱- خربزه را با گاز زدن بخورید که آن میوهٔ بابرکت پاکی است پاک‌کنندهٔ دهن پاک‌کنندهٔ قلب و دندان را سفید می‌کند و رحمان را راضی نماید بویش از عنبر و آبش از کوثر و گوشتش از فردوس و لذتش از بهشت و خوردنش از عبادت ۷۲-ابن‌عباس از آن حضرت نقل کرده فرمود: بر شما باد به خربزه که آن طعام و نوشیدنی و آبدار و ریحان است و مثانه و بطن را می‌شوید و آب کمر را زیاد می‌کند و در جماع افزاید و سردی معده را می‌برد و به پوست بدن شادابی می‌دهد. ۷۳- بر شما باد به انار با پیهش بخورید آن دباغ معده است هر دانه‌ای که در درون یکی از شما رود دلش را نور دهد و از شیطان و وسوسهٔ چهل روز دور سازد ۷۴- ترنج به قلب روشنایی دهد و در مغز افزاید، انجیر جهت رفع بواسیر و نقرس نافع است، بادنجان بخورید و بیشتر زیرا درخت آن را در بهشت دیدم هرکس بخورد بر اینکه آن درد است درد است و هرکس به نیت شفا بخورد شفا است ۷۵-کدو بخورید زیرا آن را خداوند متعال برای برادرم یونس مفید شناخته که برایش رویانید، از کدو استفاده کنید زیرا آن به مغز شما نیرو می‌دهد.

۷۶- خواص انگور و خربزه

۲۹۸) رسول‌اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله از میوه‌ها انگور و خربزه می‌خواستند ۷۷- فرمود: حضرت نوح به خداوند از اندوه و شکایت کرد پس خداوند به‌سوی او وحی نمود که انگور زیرا که آن اندوه را می‌برد ۷۸- خربزه قبل از طعام شکم را پاک می‌کند و درد را اصلاً می‌برد ۷۹- خیار را حضرت با نمک می‌خورد و خربزه با پنیر و ۸۰-کرفس سبزی پیغمبران است ۸۱- کشمش بهترین خورشتها است. کشمش صفرا را از جوشش فرو می‌نشاند و بلغم را می‌برد و اعصاب را قوی می‌کند و قلب را به اعتدال می‌کشاند. ۸۲- گلها، فرمود گل نرگس روزی یکبار ببویید اگر نشد هفته‌ای یکبار و اگر مقدور نیست ماهی یکبار و یا سالی یکبار و حتی در عمرتان یکبار این شکوفه معطر را بو کنید زیرا عطر این

گل شما را از جذام و جنون و برص محفوظ خواهد داشت ۸۳- آنکس که می‌خواهد بوی مرا بجوید گل سرخ استشمام کند ۸۴- حنا خضاب است درد سر را برطرف می‌سازد و به نور چشم نیرو می‌دهد و بر قوهٔ باه می‌افزاید، هیچ درخت را مثل درخت حنا دوست نمی‌دارم ۸۵- از کرفس بسیار بخورید زیرا اگر غذایی در تقویت عقل مؤثر باشد همین کرفس است. ۸۶- سفرهٔ خود را با سبزی بیارائید زیرا سبزی شیاطین را از سفره‌های شما با بسم‌الله گفتن خواهد راند ۸۷- از سبزی (سیر) تا می‌توانید استفاده کنید زیرا این سبزی دوای هفتاد درد است اما آنکس که سیر و پیاز خورده به مسجد نیاید و با مردم نزدیک نشود ۸۷- به شهر غریبی که رسیدید از سبزی آن شهر بخورید ۸۹- مرزنجوش:از استشمام مرزنگوش غفلت نفرمایید ۹۰- فضل روغن بنفشه بر روغنها مثل فضل اسلام است بر ادیان.

۹۱- حنا خضاب اسلام است در (ثواب) کار مؤمن می‌افزاید و درد سر را می‌برد و به نور چشم می‌افزاید و بر قدرت با می‌افزاید ۹۲- خدا درختی بسویش دوست‌تر از حنا نیافریده ۹۳- یک درهم در راه خدا بذل کردن هفتصد برابر است، و یک درهم در خضاب حنا به نه هزار برابر است (بحا ۶۲ ص ۲۹۹) ۹۴- پنیر بخورید که آن چرت می‌آورد و طعام را هضم می‌کند ۹۵- پنیر (تنها) درد است و گردو (نیز) درد است چون با هم جمع شوند دوا می‌شوند (۳۹۴) ۹۶-اگر در چیزی شفا باشد در سنا است ۹۷- بر شما باد به هلیج سیاه زیرا که آن از درخت بهشت است طعم آن تلخ است و در آن از هر دردی دوا است ۹۸- هرکس سداب بخورد و بخوابد از سر چرخ زدن و سینه‌پهلو در امان است ۹۹- شونیز (سیاه‌دانه) دوای هر درد است مگر بیماری سالم که دوایی ندارد (خواص اشیاء و منافع گیاهان و غذاها در دستورات زندگی صفحهٔ ۳۸ تا ۷۰ نوشته شده).

۱۰۰- حجامت دوای بیماری

ط نبی ۱۵۰) رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: حجامت کنید و نگذارید بطغیان خون خونتان را بر خاک فرو ریزد. **امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام** فرمود حجامت مایهٔ سلامت ونیروی عقل است. امام صادق‌علیه‌السلام فرمود: عمل حجامت به گردش خون سود می‌بخشد آنانکه به سرگیجه دچارند حتماً حجامت کنند بهترین داروها حجامت و سعوط (دوائی است که در بینی می‌ریزند) است و حجامت در تاریخ نام درخشانی دارد.

acrshop

جالینوس گوید: خون تو بندهٔ تست اما نباید فراموش کرد که اگر مولایی بندهٔ خود را آزاد بگذارد سرانجام با دست همان بنده از پا درخواهد آمد بنابراین بهوش باشد و بندهٔ خوش را به حال خود مگذار اگر این بنده خوب است نگاهش دارد اگر به قتل تو کمر بست از خود دورش کن **وامام صادق فرمود:** حجامت را اگر به پسین هنگام روز یکشنبه اندازید نیکوتر است زیرا کمتر درد می‌کشید **و امام هفتم‌علیه‌السلام فرمود:** در آن وقتی خون در رگهای طغیان کند به حجامت پردازید از قرآن کریم آیةالکرسی را تلاوت کنید و خون بگیرید (و فرمود حجامت درد دندان را علاج می‌کند) **امام دهم‌علیه‌السلام فرمود:** پس از حجامت انار شیرین بخورید خون شما از جریان طغیانی خود باز خواهد یافت **امام یازدهم** فرمود پس از حجامت ماهی را کباب کنید و از کباب ماهی بخورید تا طغیان صفرا را در مزاج شما فرو بشکند.

حجامت در طب عرب

۶۲ بحا ۲۶۳) امام صادق‌علیه‌السلام فرمود طب عرب در پنج است، **شُرْطَةُ الحِجَامَةِ وَالْحُقْنَةِ والسَّعُوطِ القَيء وَالحَمَّام وَ آخِرُالدَّواءِ الْكَيّ.** حجامت و تزریق کردن دارو و از بینی دوا کردن انفیه و قی کردن پس آوردن و حمام رفتن و آخر دوای آنها گنه است و چه‌بسا زیاد می‌شد به نوره کشیدن.

امام یازدهم‌علیه‌السلام فرمود: پس از حجامت ماهی را کباب کنید و از کباب ماهی بخورید تا طغیان صفرا را در مزاج شما فرو بکشند.

وقت حجامت

۶۲ بحا ۳۰۰) رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود حجامت در نوزدهم ماه مستحب است و بیست‌ویکم و فرمود شبی که مرا به آسمان سیر دادند گذر کردم به گروهی از ملائکه مگر اینکه گفتند **یامحمد مُرْاُمَّتَکَ بِالْحِجَامَةِ** امت خود را به حجامت امر کن و بهترین چیزی که مداوا کنید به آن حجامت است و سیاه‌دانه و میانه‌روی.

خاک خوردن حرام

خوردن خاک بر هر مسلمانی حرام است، فرمود هرکس بمیرد در شکمش به‌قدر مثقال ذره از آن باشد او را داخل آتش می‌کند فرمود هرکس خاک بخورد گویا که بر کشتن خود

کمک کرده است فرمود خاک نخورید که در آن سه خصلت است درد می‌آورد و شکم را بزرگ می‌کند و رنگ را زرد می‌کند.

در بیماریها فرموده

تب بهره هر مومن است از آتش، هرکس هفت روز بیماری داغ شود خداوند از او گناهان هفتاد سال را می‌بخشد، دردی از درد چشم سخت نیست، و نه اندوهی جز قرض، تب کردن گناهان را از بین برد چنانکه برگ از درخت می‌ریزد.

فرمود: از چهار درد ناخوشی نباشد از درد چشم که آن رگهای کوری را می‌برد و از زکام که رگهای جذام را می‌برد و از سرفه که رگهای فلج را می‌برد و از دمل‌ها که رگهای برص را می‌برد.

اسپند: رسول اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود هرکس حرمل (اسپند) چهل صبح بیاشامد هر روزی مثقالی حکمت در دلش بتابد و از هفتاد درد عافیت یابد که خوارتر آنها جذام است (۶۲ بحا ۲۳۵) **روایت** است پیغمبری به خدای عزوجل ترس امتش را شکایت کرد خدای عزوجل به او وحی نمود، امت خود را امر کن حرمل بخورند (و آن در شجاعت می‌افزاید).

خواص کندر

۶۲ بحا ۲۳۴) از امام صادق‌علیه‌السلام از حرمل (اسپند) و لبان (کندر) پرسیدند فرمود اما حرمل ریشه‌ای از آن در زمین نمی‌جنبد و برای آن شاخه‌ای در آسمان بلند نمی‌شود مگر اینکه خداوند عزوجل به آن ملکی موکل نموده تا اینکه هیزم می‌گردد یا رشدتر می‌کند پس به‌درستی‌که شیطان هفتاد خانه می‌گردد بجز خانه‌ای که در آن حرمل باشد و آن از هفتاد درد شفا است پهن‌ترین آنها جذام است و از شما فوت نشود و اما لبان (کندر) برگزیده انبیا قبل از من است و مریم بود به آن کمک می‌گرفت و هیچ دودی به آسمان فرود از آن بلند نشد و آن دورکنندهٔ شیاطین و دفع کنندهٔ درد است پس از شما فوت نشود.

ابن‌بطار گوید کندر خون و بلغم را داغ می‌کند و رطوبات سینه را پاک می‌کند و معدهٔ ضعیف را قوت می‌دهد و خواص زیادی دارد.

acrshop

پیشوای مذهب حق امام صادق علیه السلام

این امر یقینی است که کسی که امراض روحی بداند امراض جسمی را هم می‌داند و رتبهٔ او والاتر از آن‌است‌که کار طبیب جسمی را پیش گیرد ولی در جای خود امراض جسمی را هم برطرف می‌کند چند نمونه مثال می آوریم.

۱- داودرقی گوید در محضر حضرت بودم مرد خراسانی که عازم حج بود آمد و از مسائل دین پرسید حضرت برایش تفسیر کردند گفت یابن‌رسول‌الله از خراسان تااینجا به دردسر دچارم، چاره‌ام چیست؟ فرمود به حمام رو پیش از هر کار هفت کف از آب گرم بر سرت بریز و نام خدا را در هر بار ببر سردرد برطرف خواهد شد و دیگر به چنین بیماری دچار نخواهد شد و آن مرد بی‌درنگ عمل کرد و شفا یافت.

۲- مردی از اصحاب ذکام گرفت حضرت به او فرمود: زکام صنعتی است از صنایع حق‌تعالی و لشکری از سپاه خداوند است که به‌سویت آمده تا تو را از علت دیگری برهاند، اگر می خواهی برطرف شود به وزن یک دانق (نخود) از شونیز و نصف دانه کندلوس بردار و ایندو را بکوب تا آرد شود و بعد آن را با نفس ببینی بکش زکامت می‌رود اگر می توانی زکام را به حال خود گذار زیرا در زکام منافع زیاد است (۱۱ / اسلام) و کندلوس گیاهی است پوستش سیاه مغزش زرد و بویش زیاد تند و عطسه‌آور است و آن را والعطاس گویند (۶۲ بحار ۱۸۳).

۳- ضعف چشم یکی از اصحاب در محضر حضرت از ضعف سخن گفت حضرت فرمود از «مر» و «صبر» و «کافور» مساوی توتیایی تهیه کن و آن را به چشم بکش دید تو قوی خواهد شد.

۴- لکهٔ چشم مردی خدمت حضرت آمد لکه‌ای سپید بر سیاهی چشمش افتاده بود او را ناراحت می‌داشت امام فرمود از فلفل سفید «دار فلفل» به وزن دو درهم و از نوشادر صاف و پاک به وزن یک درهم بهم بکوب سرمه کن و سرمه را از پارچه بدر کن و به چشم بکش بهر چشمی سه میل کشیده شود ساعتی صبر کن این عمل لکهٔ سفید را خواهد برد و دردش به امر خدا ساکن خواهد شد بعد چشمانت را با آب سرد بشوی و سپس با (ثمه) (سنگ سرمه، سرمه بکش).

۵- درد شکم مردی گفت یابن‌رسول‌الله دخترم از درد شکم سخت نزار شده. فرمود چرا به او برنج و پیه نمی‌دهی بعد دستورش را به او دادند که چگونه پیه و برنج را با هم

بپزد آن مرد درمان کرد (البته برای زخم معده و ورم معده شاید نباشد).

۶- اسهال یکی از اصحاب اسهال شد حضرت دستور داد آرد گورس را با آب کمون بیامیز از آن تناول کنم چنین کردم اسهالم آرام گرفت و برای درد شکم سیاه‌دانه مداوا کردند و جهت ورم معده فرمود از حیوه و عنبر شافی درست کن و شیاف نما.

۸- ضعف بدن به مردی که از ضعف بدن شکایت کرد فرمود شیر بیاشام گفت نوشیده‌ام و زیانم کرده فرمود شیر مایه‌ای زیان‌آور نیست تو چیز دیگری با شیر خورده‌ای و آنچه ضرر دارد چیز دیگر بوده تو گمان کرده‌ای شیر است.

چارهٔ تب نوبه

تب ۱ روز در میان یا ۲ روز در میان

ابراهیم جعفی با رنگ پریده به محضر حضرت آمد فرمود چه دردی داری که چنین بی‌رنگ‌ورویی گفت تب نوبه دارم یک روز تب می‌کنم و دو روز تب ندارم باز روز سوم تب می‌کنم هر دو روز به سراغم می آید فرمود چرا از دوای مبارک معطر بهره نمی‌بری شکر سرخ را بکوب و در آب بریز صبح ناشتا به‌جای آب از آن بنوش گوید چنان کردم دیگر تب نکردم.

حضرت برای درد شکم فرمود برنج را بشوی و بکوب و از کوبیده هر روز صبح یک کف بخور بعد فرمود به بیماران اسهال نان‌برنجی دهید نان‌برنجی برای این معده‌های ضعیف از هر غذایی بهتر است. برنج معده را تسلیح می‌کند و درد را برطرف می‌سازد (۱۸/۱۱ سلام).

امام به کسی که لکه‌های سفید بر تنش بود فرمود به حمام رود و بر آن لکه‌ها نوره و حنا بمالد و بیش از یکبار نکرد برطرف شد.

تنگی بول و غایت فضل گوید من با این درد مبتلا بودم به حضرت شکوه کردم فرمود در آخر شب از شونیز (سیاه‌دانه) شیاف کن عمل کردم خوب شدم.

ضعف منی عمر جمال از اینکه نطفه‌اش کمتر ثمر می‌بخشید گله کرد حضرت فرمود اول به درگاه خدا استغفار کن و بعد تخم‌مرغ و پیاز زیاد بخور آنانکه چنین ضعفی دارند خوب است زیاد تخم‌مرغ بخورند و در **ضعف باه** به مردی که گفت دوست دارم از لذت جنسی بهره برم ولی نمی‌توانم فرمود پیاز سفید را قطعه‌قطعه کن و در روغن بجوشان و بعد در ظرفی تخم‌مرغ بشکن و به آن اندکی نمک بپاش و این تخم‌مرغ را روی آن پیاز

acrshop

سرخ شده برگردان و بگذار توی روغن بجوشد به تو نیروی جنسی می‌دهد گوید به آرزو رسیدم و از جراحی پرسیدند خطر مارد فرمود دوا بخورد اما آنجا که خوف خطر باشد روا نیست (۲۰/۱۱ سلام).

اسماعیل طبیب به حضرت عرض کرد من از طب سررشته دارم گاهی به‌وسیلهٔ عمل جراحی به درمان مریض می‌پردازم آیا جایز است فرمود مانعی ندارد گفت احیاناً به مریضم زهر می‌دهم تا علاج شود فرمود (جهت خوب شدن) مانعی ندارد.

استحمام فرمود هرگز با شکم تهی به حمام نروید و در عین حال با شکم پر به حمام پا مگذارید، بگذارید در اندرون شما به هضم غذایی مشغول باشد و بدین وسیله اضطراب معدهٔ شما آرام گیرد. فرمود: پس از غذا به پشت خوابیدن بدن را فربه خواهد کرد و خوراک را به گوارایی و دلپذیری هضم خواهد کرد و ناراحتی‌های درونی را آرامش بخشد (۴۰/۱۱ سلام)

دستور مباشرت

۴۰/۱۱ سلام) از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شد اول شب به بستر زنان نروید چه در تابستان و چه در زمستان، عمل نزدیکی با زنان در آغاز شب ضرر دارد زیرا آن هنگام معده و رگها گرم فعالیت هستند و عمل جماع موجب قلنج و فلج و لقوه و لغزش خواهد شد و سنگ مثانه و فتق و اختلال ادرار و ضعف چشم پدید خواهد آورد اگر خواستی با زنت همبستری کنی بگذار شب به آخر رسد در سحرگاهان عمل جماع برای قوای بدنی ملایم‌تر و سازگارتر و به‌خاطر انعقاد نطفه مناسبتر و در تکوین جنین اثری شایسته‌تر خواهد داشت زیرا کودک را هوشیارتر بار می‌آورد.

پیش از جماع سزاوار است با زن خود بازی کنی پستانهایش را نوازش کنی و بر سینه و پهلویش به نرمی دست بمالی تا او نیز از نظر امیال جنسی آماده شود و آن‌وقت شهوت زن بجنبد و آثار میل در او ظاهر شود و مانند تو جفت بطلبد و از تو همان‌خواهد که تو از او خواهی.

فرمود: آثار هیجان خون در بدن سه چیز است ۱- بر پوست بدن جوشها بدمد و دمل آورد ۲- بدن‌خارش گیرد ۳- چنان نماید که در زیر پوست بدن مورچه راه می‌رود. **فرمود** تب را با سه چیز می‌شود درمان کرد ۱- با عرق کردن ۲- نوشیدن مسهل ۳- قی کردن

بهترین راه معالجه چهار عمل است ۱- حجامت ۲- ضماد (که روی زخم‌ها می‌گذارند یا می‌مالند) ۳- حمام ۴- شاف اماله. پیش از غذا دستهای خود را بشویید، این عمل فقر را برطرف خواهد ساخت و به عمر شما خواهد افزود (و کامل بهداشت اسلام را در دستورات زندگی بهترین ارمغان مشروح شد).

بخش ۶- شناختن ویتامین و غذاها

ویتامین‌ها و اثر آنها در بدن وجودشان ضروری است و فقدان آنها سبب یک سلسله بیماری می‌شود ویتامین‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود ۱-گروه محلول در چربی مثل (آ-A و ب-B و د-D و E) وگروه محلول در آب مثل ویتامین (ث-C و ب-B) و غیره.

ویتامین (آ-A) در چربی محلول است و منبع آن گیاهان است که دارای زر کاروتن باشند: مثل هویج و کدو زرد و نخود و کاهو و جوانهٔ گندم و به مقدار کمتر در میوه‌جاتی مانند موز و زردآلو و هلو و بطور مستقیم با خوردن شیر و کره و پنیر و تخم‌مرغ و جگر حیواناتی که گیاهان فوق را خورده‌اند به‌دست می‌آید (در طبیب خانواده نوشته از آنجا نقل میشود

منبع سوم آن روغن جگر ماهی است که مخزن مهم این ویتامین می‌باشد و از علائم نقر این ویتامین شب‌کوری است و استعمال آن پس از سه الی پنج روز کوری را می‌برد و اثر مهم در رشد انسان دارد اگر بچه بقدرکافی بخورد بیشتر رشد دارد (طبیب خانواده).

ویتامین ب-B

امروز بالغ بر ۱۲ ماده از آن به‌دست آورده‌اند لذا به ویتامین‌های گروه B موسوم می‌باشد که کمبود هریک بیماری خاصی را به‌وجود می‌آورد و منابع آن مخمر آب جو، اسفناج، هویج، زردهٔ تخم‌مرغ، جگر مرغ، شیر گاو (نجوشیده)، سبوس و برنج و پنیر و سیب‌زمینی و جوانهٔ گندم، مقدار مصرف روزانهٔ انسان ۱ تا ۳ میلی‌گرم است و در گوشت و تخم‌مرغ و سبزیجات و شیر و جگر و در ذرت کم است (۱۰ ص ۱۲).

ویتامین ث-C

محلول در آب است از راه غذا وارد بدن می‌شود و منابع آن در شیر مادر و کمتر در شیر گاو و در لیموترش، پرتقال و گوجه‌فرنگی و انگور و در کاهو و کلم و اسفناج و کمبودش بیماری دارد و نشان بیماریش عصبانیت و کم‌اشتهایی و کم‌خونی، درد دست و درد پا

acrshop

است .(۱۰ ص ۱۴).

ویتامین ه-H یا بیوتین

کمبود آن عوارض جلدی ایجاد می‌کند و به زبان صدمه می‌زند و لکنت می‌آورد و منابع آن مخمر آب جو، بادام زمینی، زردهٔ تخم‌مرغ، جگر، پوست برنج، شیر گاو، هویج، اسفناج، هلو و تمشک.

ویتامین د-D برای اطفال ضروریست و آن در جوانهٔ گندم و شیر کامل و کرهٔ تازه و پنیر چرب و زردهٔ تخم‌مرغ و روغن کبد ماهی و روغنهای مایع نباتی وجود دارد (۱۰ ص ۱۵).

از نیازمندیها پتاسیم است

از فلزاتی که در بدن انسان لازم است پتاسیم مقوی قلب است و اگر آن را بگیرند قلب از کار ماند و کمبود آن تولید عوارض قلبی و قلنج اعصاب است. پتاسیم ادرار زیاد و عمل‌العاء را تقویت و مزاج قلیایی می‌سازد. پتاسیم در برنج، گل گاوزبان، ازگیل، انگور، به و شربت به‌لیمو و توت‌فرنگی و سیب‌زمینی و پرتقال و لیمو و موز و نارنج و اسفناج و کاسنی و سیب و زرشک یافت می‌شود و باید برای تقویت قلب و اعصاب استفاده کرد و ماست و دوغ شیرین مفید است. لیمو و پرتقال جنوب در قلب اثرات مفید دارد. (اعجازها ۷۲) (میوه بخش ۱۱۰) **روی** در بدن ویتامین‌ها را به فعالیت وا می‌دارد.

مس از راه خوراکیها و سبزیجات به انسان می‌رسد و گوشت انسان و حیوان دارای کمی مس است زنان آبستن به فقر آن دچار می‌شوند چون قدری از مس مادر را می‌گیرد و کار مس با آهن در تشکیل هموگلوبین همکارند و خارشی که عارض حامله می‌شود از کمی آن است (از خوانندگان عذر میخواهم که به ویتامین ها علم ندارم اینها را عینا از کتاب وارد کردم .

مس در گوشت و سبزیجات و گردو وجود دارد و خوردن فسنجان و با گردو و کاهو برای عموم به‌ویژه زنان باردار مفید است.

سیلیس به استخوانها استحکام می‌دهد و با کمک اکسیژن هوا قلب و کلیه را محکم می‌کند فقدان آن یکی از علل مرض قند و بروز سرطان است (میوه بخش ۱۵۶).

لزوم فلز آهن در انسان

آهن بقدر لازم باید در انسان باشد رنگ قرمز خون و گوشت و زیبائی چهره سرخ

و سفیدی رو خوشرنگی ناخنها گرو این فلز است کمبودش سبب کم خونی پریدگی رنگ و ضعف مفرط است (اع کیها ۶۴) و خوردن اینها ضروری است، توت فرنگی، اسفناج، سیب، گلابی انگور شاهی و سیاه انگور یا قوتی گندم برگ چغندر لوبیا عدس کلم قمری هویج انجیر بادام موز بلوط و انار مقدار کافی آهن دارند. جهت تنظیم آهن بدن سلامتی قلب براه قبله در جریان مغناطیسی بخوانید در غیر اینصورت آهن در جدار رگها رسوب کرده آهن بدن کم شده عوارض قلبی و کبد بهم میرسد.

مقدار آهن درصد گرم میوه:

انجیر خشک ۳/۵گرم، توت فرنگی ۰/۷۴گرم، بادام ۴/۱۰گرم، انجیر تازه ۰/۴۲گرم، زرد آلو خشک ۶/۵گرم، موز ۰/۶۲گرم، پرتقال ۰/۴۲گرم، زردآلو تازه ۰/۵۴گرم، هندوانه ۰/۳۱گرم، خرمای تازه ۳/۵گرم، لیمو ۰/۶۱گرم، گیلاس ۰/۵۴گرم، خربزه ۰/۴۷گرم، گوجه فرنگی ۰/۷۱گرم، رب گوجه ۴/۳گرم

املاح معدنی بدن

املاح معدنی مرکب از فلزات است مانند: کلر، کربن، گوگرد، ازت، فسفر، ملواور، برم، ارسنیک، هیدروژن، سدیم، پتاسیم، منیزیم، آهن، روی، مس، نیکل، کوبالت، منگنز، آلومینیوم، سرب و غیره این املاح قابل هضم و جذب‌اند و قسمت اعظم رشدونمو بدن و فعل‌وانفعالهای شیمیایی و فیزیولوژی به‌وجود اینها بستگی دارد لذا وجود اینها از صغیر و کبیر ضروری است و مایحتاج بدن نسبت به این مواد از راه خوراکیها تأمین می‌گردد بنابراین اگر رژیم غذایی از این جهت فقیر باشد گرفتاریهای زیادی در بدن به‌وجود می‌آید و اگر طولانی باشد سرچشمهٔ امراض مهمی خواهد بود زیرا دیده شده کسانی‌که از سبزیجات و میوه‌جات محروم بوده‌اند ناراحتی بیشتر دیده‌اند (از کتاب سلامتی و بیماریهای کودکان).

۷ ق ۱۴۰) **امام صادق علیه‌السلام فرمود:** برای پیرمرد فرتوت سزاوار است که نخوابد مگر اینکه شکمش از غذا پر باشد زیرا که اینکار خوابش را گواراتر و فضای دهان و مجاری تنفس را خوشبوتر می‌کند (البته توهم نشود که بعضی گویند شب شکم خالی باشد بهتر است آن برای جوانان است زیرا هنگام خواب فعالیت معده و روده ضعیف‌تر از بیداری است ولی برای پیران و کودکان بی‌دندان که غذای سبک و مایع می‌خورند کم

acrshop

خوردن غذا موجب ضعف بدن و قلت خواب آنها می‌شود زیرا غذای سبک زودهضم است).

آب لیمو با این بیست چیز نمی‌سازد

با نان و سیب‌زمینی و برنج و گندم و ارزن و ماکارونی و موز و بلوط و نانهای شیرین و میوه‌های شیرین و گوجه‌فرنگی و سیب درختی و سرکه و پسته و باقلا و عدس و لوبیا و لوبیای چیتی و خرما و انجیر و نخود با اینها نمی‌سازد (۹ مفید ۴۰).

تضاد غذاها و ضرر آنها با انگور

انگور با هندوانه، انگور با غذاهای گوشت‌دار و چربی‌دار و با شیر نمی‌سازد، انگور با روغن نباتی مایع و یا میوه‌های روغنی نمی‌سازد، انگور با سبزیهای خوردنی و گوجه‌فرنگی، علت نفخ شکم و پس آوردن غذا و ترش کردن در اثر اختلاط نامناسب غذاها با یکدیگر پیدا می‌شود (۹ مفید ۳۴) ماهی با تخم‌مرغ نمی‌سازد اگر در شکم جمع شوند نقرس و قولنج می آورد (۲۰۹/۹).

غذاهای ناسازگار با هم

نان با سیب‌زمینی و موز با شاه‌بلوط و برنج با ماکارونی با ذرت، روغنهای مایع نباتی با عسل یا انجیر و خرما با سالاد، سبزیها، و انجیر با گوجه‌فرنگی یا آرتیشو و مربا و ترشی با کلم، اسفناج با عسل، پرتقال و نارنج با بادام، گوشتها با میوه‌ها ناسازگارند.

نان با اینها سازگار است

با کاهو، پرتقال، نارنگی، هندوانه، انگور، هلوی رسیده، گیلاس، آلبالوی رسیده، توت، خرمالوی، آناناس، انجیر خشک، آلوی رسیده با میوه‌های تازه و سبزیها با اینها سازگار است.

پرتقال با اینها نمی‌سازد

با ماهی و سبزیها و روغنهای مایع نباتی و شیر و سوسهای سالاد کاهو و گوجه‌فرنگی، گردو، بادام، نارگیل با سیر، سرکه با بادنجان و فلفل سبز و گوشت کنسرو شده با هیچیک از اینها نمی‌سازد.

بخش ۷ - خواص گیاهان از امام صادق

در این بخش خواص گیاهان از طب‌الصادق (طب و درمان در اسلام) خواص گیاهان آورده شد (۳۸/۱۱ سلام) **امام صادق‌علیه‌السلام** فرمود تا بدن شما خود می‌توانند با قوای طبیعی بر ضد مرض پیکار کند از استعمال دوا بپرهیزد. آن حضرت فرمود: آنکس که از بیماری بدر آمده و با اینحال خودسرانه به استعمال دوایی پرداخته که به مرگش منجر شده مستحق نفرت و خشم من خواهد بود. من از او بیزارم زیرا او در اینکار خودکشی کرده.

دستور جامع

حضرت به عنوان بصری فرمود هرگز به غذایی که دوستش نمی‌داری لب میالای که این عمل برای تو حماقت و کودنی آورد و تا گرسنه نباشی بر سفره منشین و از لقمهٔ حلال بخور و حدیث رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله را به‌خاطر دار که فرمود: آدمیزاد هیچ ظرفی را پر نمی‌کند که شوم‌تر از شکم خود او باشد و وقتی خواهی خود را سیر کنی به یاد دار که اندرون تو باید به سه قسمت تقسیم باشد یک قسمت برای خوردنی یک قسمت برای نوشیدنی‌ها و قسم سوم را تهی نگه دار که عمل تنفس آسان انجام شود.

معالجه با آب باران

مکارم ۱۷۸) امام صادق‌علیه‌السلام فرمود سیّد آشامیدنیهای اهل بهشت آب است طیفور (دکتر) گفت بر ابی‌الحسن ماضی (موسی‌بن جعفر) داخل شدم (و آن حضرت آب می‌نوشید) او را از شرب آب نهی کردم فرمود چه عیبی در آب خوردن است با آنکه طعام را در معده ذوب می‌کند و صفرا را می‌برد و خشم را ساکن می‌گرداند و در عقل می‌افزاید و حرارت را خاموش می‌کند و امیرالمؤمنین فرمود بر تبدار آب سرد بریزید که آن گرمی تب را خاموش می‌کند.

اقلل من الشرب الماء فانه یمد کل داء

از امام صادق‌علیه‌السلام روایت شده (در کشف‌الاخطار) که فرمود از نوشیدن آب بکاهید زیرا که هر دردی را می‌کشاند (البته این حدیث اعتدال نوشیدن آب است که بی‌مورد و زیاد از احتیاج آب نیاشامید) (۷ ق ۱۳۹).

acrshop

قابل توجه وصف آب باران

در دستورات زندگی صفحهٔ ۴۰ توصیف آب باران از معصوم نوشته شد و خواص آب باران با دستورات آن برای شفای کلیهٔ امراض وارد شده.

گیاهان باخواص

ط ق ۱۸۳) ما با حروف الف با آنها آوردیم تا در خاطر محفوظ ماند (۱) **آقطی** یک لیوان دم‌کردهٔ آن برای رفع سرفه مفید است بهتر آن‌است‌که شب وقت خواب مصرف شود (باید از عطاران تهیه کرد) و خوردن میوه‌های خشک جهت درد سینه نافع است فندق روده و معده را نیرو می‌دهد روغن آن بهترین داروی سینه درد و سرفه و ریزش مو است (۱۸۴/۷).

(۲) **آنقوزه**، محلل ریاح ضدتشنج ضدکرم معده و برای تنگی نفس و سیاه‌سرفه مفید است.

(۳) **آویشن شیرازی**، گلهای خشک آن مقوی معده خلط‌آور صد درد تشنج معرق و قاعده‌آور است جهت برطرف کردن نفخ شکم و ۲۰ تا ۳۰ گرم گل آویشن در یک لیتر مفید است (۸۶) آویشن کوهی نیز مقوی معده و رماتیسم و ورم مفاصل مفید است گل و برگ آن را له کرده لازم است در ظرفی روی آتش گرم کرده روی ناحیه می‌بندند قادر در دفع می‌شود.

(۴) **اسطوخودوس**، مسکن ضدعفونی‌کننده و مدر و ضدتشنج و جهت بیماریهای ریوی مفید است، جوشانده ۱۵ گرم گل خشک اسطوخودوس در یک لیوان آب برای تنظیم رگل خانمها مفید است (۱۸۴/۷).

(۵) **انیسون**، جهت رفع سوء هضم ناشی از گاز معده مفید است مشتهی مدر محرک و ضدتشنج و برای ازدیاد شیر مادران و رفع درد سینه نافع و آن گرم و خشک و محلل ریاح است.

(۶) **اکلیل‌الجبل**، مقوی، قاعده آور و مقوی هاضمه و برای درمان ضعف اعصاب میگرن (درد نیمه‌سر) استسقاء و یرقان ابیض و ورم کلیتین و طپش قلب مفید است جوشندهٔ آن معده را پاک می‌کند و اشتهاآور است و از مرض تشنگی می‌کاهد مقوی معده و کم‌خونی قاعدهٔ زنان است مقوی اعصاب و مزیل درد سر است.

(۷) **اوکالیپتوس**، برای درمان سردرد و سینه‌درد و زکام نافع است دارویی است معطر و سودمند درخت آن در مازندران می‌روید از مانع پیدایش پشه است اسانس آن جهت ضدعفونی‌کردن جهاز تنفس و خشک کردن ترشحات آن نافع است برگهای آن (۱۲ در هزار) برای رفع تب و تورم نافع است.

(۸) **افستین**، مشهی مقوی ملین قاعده‌آور کرم کش برای نارسایی کبد از برگ یا گل آن استفاده می‌شود و دافع گازهای معده و تعفن دهن و تصفیهٔ خون و مزیل تب است برای تهیهٔ آن یک قاشق گل یا برگ آن را در یک لیتر آب داغ ده دقیقه دم کند و روزی سه فنجان از آن بخورند و جهت طاسی سر و تب نوبه و تشنگی مفید است.

آب لیمو برای این امراض مفید است

برای معالجهٔ نزله سرماخوردگی و زکام و برنشیت و درد گلو و سوزاک و تیفوس، سرخک، مخملک، آبله، مسمومیت (زهر رطیل، زنبور، عقرب و مار و سگ حار) و لوزتین و کم‌خونی و کیسهٔ صفرا و انواع سردرد و درد کلیه و شکم و ترشی معده و عصبانیت و مرض قند و ترس و امراض کبدی و سرطان و خستگی و عفونیت و آب‌لیمو مزیل چیزهایی را که باعث کثافت است مانند سیب‌زمینی، ماکارونی، برنج، آردهای سفید شیرینی‌های چرب که مواد نشاسته‌ای دارد (۹ مفید ۳۵).

(۹) **انجره** مقوی معده و تصفیه‌کنندهٔ خون و قابض و جوشانده‌اش جهت سل و اسهال و زخم معده و روده و یرقان و رماتیسم و قولنج و کیسهٔ صفرا نافع است.

(۱۰) **انگور** پی را محکم می‌کند و درد را برطرف و روح را بانشاط سازد (سه کار انجام می‌دهد مسهل و ملین معده است و پاک‌کنندهٔ خون و مغذی بدن است و با آن می‌شود بیماری سل و سرطان را معالجه کرد (۱۳۵/۹).

رژیم با انگور، اگر دچار درد معده شدید در کتاب معالجهٔ باانگور نوشته باید ابتدا مقدار کمی انگور بخورید و رفته‌رفته باید آن را زیاد کنید باید وقتی بخورید که فاصلهٔ زیادی بین غذای صبحانه یا نهار یا شام باشد باید حداقل تا سه هفته طول بکشد (۲۶۶/۹).

اطباء گویند انگور سوء هاضمه و نقرس و امراض طبی و صفرا و گاز معده و بواسیر را شفا است آب انگور عصیرات را در معده زیاد می‌کند و برای طحال و ستون فقرات نافع

acrshop

است و در انگور قدری ارسنیک است که جریان خون را سرعت می‌دهد در نتیجه رنگ‌ورو را باز می‌کند برای بیماران سفلیس و سرطان و سل مفید است (۲۹/۹).

فوائد انار

۳۰/۱۱ سلام) امام صادق علیه‌السلام فرمود به کودکانتان انار بخورانید تا زودتر جوان شوند. و **فرمود** انار را با پیه‌اش بخورید تا معده‌تان را دباغی کند (جدارهای معده را از آلودگی پاک کند) و به روشنایی ذهن شما کمک کند و (اطباء گفته‌اند انار مصفی خون و مولد مواد مناسب برای بدن و نشاط‌دهندهٔ اعصاب و مفتح مسامات و ملین شکم و موجب جریان ادرار و مقوی کبد و داروی یرقان و ناراحتی طحال و خفقان قلب و سفره‌های شدید و مزیل خراشهای صدا و درخشندگی چهره و کشندهٔ کرمهای معده است) پس اگر معده دباغی شود هضم غذا آسان گردد.

فوائد انجیر

امام صادق علیه‌السلام فرمود: انجیر بوی دهان را برطرف می‌کند و استخوان را تقویت می‌کند و نشاط‌آور و دردها را بی‌دوا از بین می‌برد (انجیر بدن را قوی و معده را مرتب می‌کند اگر شب بخورند روده‌ها را تنظیم می‌کند و انجیر مغذی و لذت‌بخش و از فساد خون و سل و سرطان و ناراحتی کبد اثری بسزا دارد.

(۱۱) **تخم بزرگ**، جهت رفع اسهال یک قاشق در یک گیلاس بخیسانند به بیمار دهند.

(۱۲) **بلسان**، بادشکن و مقوی و معرق و تب‌بر است و جهت رفع دردسر و سرماخوردگی و ضعف اعصاب نافع بانوان که از قاعده و سردرد ناراحت‌اند جوشاندهٔ آن را با بابونه میل کنند.

(۱۳) **بیدخشت**، یا بیدانگبین جهت امراض سینه مفید و جوشاندهٔ پوست تب‌بر و برای تب مالاریا مفید و جوشندهٔ آن بیست گرم در یک لیتر آب تهیه می‌شود و ریشهٔ آن مدر وبرای مرض شن مثانه و حبس‌البول مصرف می‌شود در مورد حبس‌البول ده تا ۲۵ گرم در یک لیتر آب جوشانده (با قدری شیرین‌بیان و ریشهٔ توت‌فرنگی و دندان شیر) به بیمار می‌دهند. **پوست بیدسفید** ضد تب و بیخوابی عصبی است قابض می‌باشد.

(۱۴) **بیدمشک و عرق آن**، ملین و مقوی قلب و معده و قوه‌باه است و پوست و برگ و

گل آن دارای موم سقز و تب‌بر و مسکن و مشهی است و جهت بیخوابی و درد اعصاب عرق آن به‌کار می‌رود.

(۱۵) **بادآور**، مدر و معرق و مشهی و مقوی دستگاه هاضمه و معده و مصفی خون و ضدسرطان است جهت دردهای نیمه‌سر، سینه‌پهلو، ارتعاش اعصاب و اسهال و تپش قلب نافع است در بیماری رماتیسم مصرف دم‌کردهٔ ۲۰ تا ۶۰ گرم در یک لیتر آب مصرف می‌شود.

فوائد به

۳۲/۱۱ سلام) امام صادق علیه‌السلام فرمود: خوردن به چهره را نیکو و قلب را آرام نگاه می‌دارد و فرمود کسی که به را ناشتا بخورد نطفه‌اش سالم و در نتیجه کودکی که از او به‌وجود آید زیبا خواهد بود و **فرمود**: به مایهٔ قوت قلب و روشنایی ضمیر است.

(۱۶) **باباآدم**، ریشهٔ برگ آن معرق، مدر و مصفی خون است و در معالجهٔ رماتیسم و امراض جلدی و نقرس مؤثر واقع می‌شود.

(۱۷) **بابونه**، ضددرد، تشنج و کرم، بابونه، تب‌بر و جهت مرض معده و سوء هاضمه مفید است، دم‌کردهٔ بابونه اعصاب را تسکین و عمل هضم غذا را آسان می‌کند. روغن آن را در جاهای دردناک بدن بمالند ساکن می‌شود.

(۱۸) **بادرنجوبه**، جهت بیماری کبد و رفع یبوست سودمند است عرق آن برای رفع زهر مار و عقرب و زنبور مفید است.

(۱۹) **بادیان**، جهت درمان دل‌درد و تشنجات معدی نافع، یک قاشق از آن اگر ده دقیقه در شیر جوشانیده بخورند دل‌درد برطرف شود و بخار آن چشم را تقویت می‌کند.

(۲۰) **بارهنگ**، در درمان زخمها مورد بهره است و جوشاندهٔ آن برای رفع انسداد معده مفید است.

(۲۱) **برگ بو**، ضدگریپ، ضدعفونت روده‌ها و معالج برونشیت مزمن است جهت عطر طعام و جلوگیری از تخمیر غذا در معده. **برگ بو**، را در بعضی غذاها می‌ریزند و ضدعفونی‌کننده و ملین و ضدنفخ است، چهار گرم برگ خشک در یک لیوان آب‌جوش مفید است.

(۲۲) **بوحیر**، مقوی معده و رفع اسهال است اگر روغن آن را برگوش بچکانند دافع درد

acrshop

گوش است.

(۲۳) **بومادران**، مشهی و معرق و مقوی است برای رفع آنفلوانزا، تبها و سرماخوردگیها نافع است. خون را منظم و مسامات پوست بدن را باز می‌کند.

پیاز مانع سکتهٔ مغزی و قلبی می‌شود حضرت صادق‌علیه‌السلام فرمود پیاز بخورید زیرا در پیاز سه حکمت است، لثهٔ آدمی را قوی می‌کند و دهان را خوشبو می‌کند و نیروی جنسی را می‌افزاید و چهره را خوشرنگ کند و باه را تقویت می‌کند و باز فرمود پیاز خستگی بدن را می‌برد و اعصاب را قوی می‌کند و میل جنسی را زیاد و بیماری تب را می‌برد.

دکتر لاکوفسکی بعد از تحقیق عقیده دارد پیاز در نبرد بر بیماری جهان از بین برندهٔ سرطان است و ما امیدواریم روزی درمان دردها باشد **دکتر دامر** گوید پیاز با اینکه غذا است دوا هم هست پزشکان پیاز را بیماری کلیه و ادرار و استسقاء داروی مؤثر شناسند و درد گلو و بینی و مجاری تنفس را سبک سازد (۲۴/۱۱ سلام).

بادنجان، پزشکان گفته‌اند بادنجان غذایی است که با هر مزاجی سازگار است معده را تقویت می‌کند و به رگها نرمی می‌بخشد، بادنجانی که در سرکه بجوشد و بپزد ادرار را روان خواهد کرد و برای **طحال و زهره** نافع است.

امام صادقعلیه‌السلام فرمود بادنجان بخورید زیرا این گیاه بدون اینکه به کیسهٔ صفرا زیانی زند زهره را سود خواهد داد بدون اینکه دردی به‌وجود آورد درمان درد دیگر خواهد بود (۲۶/۱۱).

(۲۴) **بنفشه**، ملین و مطبوخ آن برای ریه مفید است. برای درمان سیاه‌سرفه مطبوخ آن روزی سه بار نوشیده می‌شود، بنفشه تأثیر زیاد خوبی در حل بلغم مسلولین و کم کردن سرفهٔ آنها دارد و بنفشهٔ فرنگی مقوی و مدر و مصفی خون است مصرف آن ۴۰ تا ۶۰ گرم در یک لیتر آب است و شربت بنفشه برای طپش قلب و غش نافع است.

(۲۵) **ترنجبین**، ملین و محرک قوه باه و اسعاء و صفراآور است و در امراض سینه به‌کار می‌رود بوعلی خواص آن را مثل خواص شیر داند.

(۲۶) **دارچین**، مقوی دستگاه هاضمه، کرم‌کش ضد تخمه و محرک ضدعفونی قابض مقوی قوهٔ باه است.

(۲۷) **رازیانه**، محلل ریاح مشهی ضدکرم و زیادکنندهٔ شیر و محرک قوهٔ باه است

جهت درمان اسهال به‌کار می‌رود و رازیانه با پر سیاوشان و گل گاوزبان در درمان خفقان و تنگ نفس به‌کار می‌رود.

(۲۸) **روغن زیتون**، دم‌کردهٔ برگ زیتون برای رفع فشار خون مفید است روغن زیتون برای کبد سوء هضم نافع است و از ابتلاء به امراض ریوی سل و برونشیت مانع می‌شود سالاد با روغن زیتون برای کلیتین مفید است. ماساژ با روغن زیتون مسکن درد کبد است.

خواص روغن زیتون

در بهترین ارمغان (دستورات زندگی) خواص خوراکیها از ائمهٔ اطهارعلیهم‌السلام وارد شده منجمله زیتون رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بر شما باد به خوردن زیتون که زرداب و بلغم را می‌برد و عصب را قوی می‌کند و عجز و سستی را می‌برد و خلق را نیکو می‌کند و نفس را پاک می‌گرداند و غم را می‌برد و و در وصیت خود **فرمود یاعلی** زیت بخور و بر بدن خود بمال که هرکس آن را بخورد و به خود مالد شیطان چهل صباح نزدیک او نشود (زیرا از درخت مبارکه است).

امام صادقعلیه‌السلام فرمود زیت روغن نیکوکاران و طعام خوبان است. **حضرت** رضاعلیه‌السلام فرمود نیکوطعامی است زیت دهان را پاک می‌کند و بلغم را می‌برد و رنگ را صاف و عصب را قرص می‌کند و درد را می‌برد و غضب را خاموش می‌گرداند. به صفحهٔ ۳۷ آن کتاب مراجعه شود.

(۲۹) **زعفران**، مقوی و ضدتشنج و ضددردهای معده و سرفه است و مدر و معرق است ولی در زنان حامله موجب سقط جنین است دم‌کردهٔ آن ۱۵ گرم در یک لیتر آب (روزی دو فنجان) اختلاف قاعده‌گی را می‌برد و زعفران شهوت را زیاد می‌کند و بدن و قلب را قوت می‌دهد و مدر بول است و زیاد خوردن آن مسموم میکند و دچار مرض قهقهه می‌شود و این می‌خندد که جانش بیرون شود (۱۰ نواده ۴۱۴).

(۳۰) **زنجبیل**، مقوی معده، معرق و ضدنفخ است ۴ تا ۸ گرم آن را در نیم لیتر آب مدت ده دقیقه دم کرده برای رفع سردی و درد دل مفید است.

(۳۱) **زبان‌گنجشک**، دم‌کردهٔ آن برای استسقا سنگ مثانه و کلیه مفید است جهت رماتیسم ۲۵ تا ۳۰ گرم در یک لیتر آب دم کرده و میل کنید.

(۳۲) **زیره سیاه**، جهت رفع نفخ و ناراحتیهای شکم و بعضی امراض نافع و مشهی و

acrshop

مدرات و حیض را به جریان اندازد.

(۳۳) **سپستان**، جوشیده‌اش داروی سینه و ملین و برای رفع گرفتگی صدا مفید.

سیاه‌دانه، مدر و مقوی و قاعده‌آور و ضدکرم است.

سماق، سرد و خشک و دافع صفرا و قابض و برای نزف‌الدم و اسهال مزمن مفید است اگر با تخم گشنیز خورده شود درمان اسهال باشد ولی برای اعصاب مضر است.

سبوس، زودهضم و دافع یبوست است و باید آرد سبوس‌دار را مخلوط با عسل بجوشانند و بخورند.

سرخ‌ولیک، ضدتشنج و قابض و تب‌بر و مقوی قلب است. هسته‌اش برای حل سنگ کلیه و مثانه نافع است و دم‌کردهٔ آن برای دفع فشار خون و سستی اعصاب و تصلب شرائین و تورم مفید.

فوائد سیب

۳۰/۱۱ سلام) امام صادق‌علیه‌السلام فرمود سیب بخورید زیرا حرارت را از اندرون شما فرو خواهد نشانید و مزاجتان را تبرید خواهد کرد و تب‌داران را شفا خواهد داد و **فرمود** اگر مردم می‌دانستند در سیب چه خواصی نهفته بیماران خود را جز با سیب با هیچ دوایی دیگر مداوا نمی‌کردند علاوه بر آنکه سیب قلب آدمیزاده را سروری می‌بخشد اثر سیب در قلب انسان از اثرش در اعضای دیگر سریع‌تر است و فرمود به تبداران سیب بدهید زیرا از سیب سودمندتر برای آنها چیز دیگری نیست.

اطباء گفته‌اند سیب قلب و مغز و کبد را قوی می‌کند و بوئیدن سیب برای بیماران خفقان و تنگی نفس سودمند است و به معده بیداری و اشتها بخشد. سیب پخته برای سرفه درمان مؤثر است و برای امراض جلدی و بی‌خوابی سیب پخته مؤثر است.

سنا، از مسهلهای قوی است و ممکن‌است قولنج آورد لذا با بادیون رومی (انیسون) و تخم گشنیز و یا دارچین مخلوط کرده مصرف کنند.

سنجد، ضداسهال و خونریزی است برای سینه مفید و سموم معده و روده‌ها را زایل و درد سر را تسکین می‌دهد (۱۶۲/۹) به کتاب دستورات زندگی صفحهٔ ۵۴ در خاصیت سنجد مراجعه شود.

سنبل‌الطیب، جهت بیماری قلبی آسمهای عصبی و بیخوابی نافع است ولی مصرف

پی‌درپی جهت گوش و چشم ضرر دارد.

سنبل ختائی، مقوی و دافع سوء هاضمه و بادشکن و نافع درد معده است و اگر با بادیون و تخم شوید مخلوط مصرف شود جهت شیر مادران نافع است.

شاه‌تره، مدر بول و تب‌بر و حبس‌البول نافع است.

تخم شنبلیله، برای نقرس و دیابت، مرض قند و فقرالدم و خنازیر مفید است (۲۰۳/۷) جهت سلس‌البول که پس از چند دقیقه باز بولش می‌آید تخم شنبلیله را دم کرده روزی یک مثقال و از دم‌کردهٔ آن روزی یک استکان بخورد (عطا ۴۲۳).

خواص سیر از نظر اسلام

۲۱/۱۱ سلام) امام صادق فرمود با سیر دردهای خود را درمان کنید اما با دهان بوناک به مسجد نروید و رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود سیر شفای هفتاد بیمار است. پزشکان محقق آن را دارویی مستقل شمرده‌اند. سیر به عضلات قلب نشاط می‌دهد و جریان خون را در رگها تنظیم می‌کند. زنانی که به ناراحتی رگل دچارند بهره بردارند.

سیر برای این بیمارهای علاج است

۱- سل ریوی ۲- آنفولوآنزا ۳- تنگی نفس ۴-کدورت رنگ پوست ۵- سوء هاضمه و عفونت روده‌ها ۶- دیفتری ۷ تیفوئید ۸- سیاه‌سرفه ۹- التهابات معدی ۱۰- زخم معده چه کهنه چه تازه ۱۱- تصفیه مجرای ادرار و حیض ۱۲- تصفیه کلیه ۱۳- دافع کرمهای نخ‌مانندی که در امعاء کودکان به‌وجود می‌آید. در شهرهایی که سیر زیاد مصرف شود عمرشان انسان‌هاطولانی‌تر می‌شود.

شیرخشت

شیرخشت ملین و مبرد و مدر و ضدحصبه و برونشیت مزمن و مزیل خشونت سینه و ورم گلوست ولی قوه باه و اشتها راکم می‌کند (۲۱۳/۷) و در رفع سوء هضم اطفال به جای مسهل می‌رود سه نخود شیرخشت را در آب گرم ولرم حل کرده پس از صاف کردن به طفل بخورانند.

شیرین‌بیان خنک و مدر و ملین و مسکن و مرض قصبةالریه نافع است. **عدس** خشک دارای ویتامین (ب B) آهن کلسیم و مقوی است. عدس را اگر بپزند و باکمی روغن نباتی

acrshop

بخورند غذای پرانرژی است و با آرد عدس سوپها می‌پزند و برای کارگران و کسانی‌که کارهای فکری دارند غذای سبکی است (۲۹/۱۰) تعریف عدس در بهترین ارمغان صفحهٔ ۴۸ مشروح است.

عناب برای سینه و تصفیه خون و عفونتهای گلو و مجاری ادرار مفید است. **خواص عدس**، امام صادق‌علیه‌السلام فرمود سوپ عدس عطش را و معده را قوت می‌دهد و در آن از هفتاد درد شفا است.

فرنجه‌مشک مقوی قلب و دافع سستی اعصاب ضدنفخ و دافع حزن، قدومه جوشانده‌اش برای نرم کردن سینه و روده‌ها به‌کار می‌رود.

حضرت صادقعلیه‌السلام فرمود: کاسنی سبزی خوبی است **فرمود** از کاسنی بخورید تا خون شما سرشار شود و فرزندان نیکو پدید آید. **فرمود** آنکس که بخوابد و در دل او هفت شاخه از هندبا نهفته باشد شب را از درد قولنج ایمن خوابیده و **فرموده** این گیاه میل جنسی را زیاد می‌کند و بر زیبایی کودک می‌افزاید.

کاسنی وحشی، مقوی و تب‌بر و مصفی خون و رافع یبوست، دم کرده آن قبل از ناشتا مصرف می‌شود (چقدر بیان **امام صادق**علیه‌السلام) جامع و مفید است زیرا تا مزاج سالم و خون صاف و تن قوی نباشد نشاط و میلی جنسی به‌وجود نمی‌آید.

چارهٔ حبس بول

کاکل ذرت جوشاندهٔ آن در رفع رسوبات ادراری اثر دارد جهت حبس‌البول و شن کلیه و کیسهٔ صفرا و با ورم مثانه مزمن مؤثر است و جوشاندهٔ آن در رفع یبوست و اختلالات قلبی و نارسایی کبد هم مفید است پنج گرم شیرهٔ کاکل ذرت در ۹۸ گرم شربت ساده مخلوط کرده روزی ۳۰ گرم مصرف شود (دکتر همه ۳۲۵).

جهت ادرار کم، چون کلیه مریض است باید غذاهای مدر بول خورد حبس بول به‌علت ضعف کلیه است، آب جوشانیده با شربت بنفشه در فتح ادراری بی‌نظیر است. منافع شربت بنفشه در دکتر امراض گذشت.

جهت حبس بول و ورم کلیه

کتان برای امراض حبس‌البول، ورم کلیه و ورم روده‌های کوچک و یبوست سوزاک نافع است: سه قاشق سوپخوری تخم کتان در یک لیتر آب جوش کافی است و ضماد

دانه‌هایش برای رسیدن دمل وکورک و آبسه مفید است (۷ ص ۲۰۸).

خواص کدو: ملین معده و مفتح رگهای بدن و مزیل تب و بیدارخوابی را درمان است و نیروبخش است. **امام صادق**علیه‌السلام فرمود کدو قوای عقلی و حیات مغزی انسان را زیاد خواهد کرد **برای درد قولنج** داروی مفید است.

ملکه چمن: مدر مقوی و قابض است دم‌کردهٔ آن برای گرفتاران به رماتیسم، حبس‌البول و ورم کلیه و مثانه نافع است جوشاندهٔ آن (مقدار ۳۰ تا ۵۰ گرم در یک لیتر آب) برای اسهال (عادی و خونی مفید است) (۲۱۶/۷).

مرزنگوش: ضدتشنج، مدر، ملین، بادشکن، ضدرطوبت، خلط‌آور و مقوی است. بی‌خوابی را برطرف و سردرد را درمان می‌کند این داروی سودمند برای درمان امراض مجاری تنفس مخصوصاً سیاه‌سرفه مفید است مقدار مصرف یک قاشق آش‌خوری از گیاه خشک آن در یک لیوان آب جوش است.

در بیماران مبتلا به رماتیسم. باید چند گرم مرزنجوش خشک را کوبیده در نیم لیتر روغن زیتون بریزند و مدت **دو ساعت** ظرف آن را در ظرف دیگری مملو آب روی آتش بجوشانید سپس در بطری پر کرده و در جای خنکی نگهداری کنید و به محل دردناک بمالید درد کاهش می‌یابد.

خوردن ماکارونی آدم را به وجد آورد و به رقص وا می‌دارد (۴۱۵/۱۰).

هزارچشم، برای نزله‌های مزمن، آسم و عفونتهای ریوی مفید و قابض و کرم‌کش و محرک جهاز هاضمه تب‌بر و مدر می‌باشد. جهت جلوگیری از ترش کردن غذا یا انسداد کیسهٔ صفرا یک فنجان دم‌کردهٔ آن بعد صرف غذا بخورد (۲۱۸/۷).

هل، محرک، مقوی معده و بادشکن است.

همیشه بهار، منوم مقوی، قاعده‌آور و مدر و تصفیه‌کنندهٔ خون است. مقدار مصرف ۵۰ گرم گلهای تازه همیشه‌بهار در یک لیتر آب جوش روزی سه فنجان قبل از غذا بخورد. دم‌کردهٔ آن برای درد معده و زخم معده نیز مفید است.

خواص اهلیلج (هلیله)

۶۲ بحار ۲۳۷) **لَوْعَلِمَ النّاسُ مافِی الْهَلیلَجِ الْاَصْفَر لَاشْتَرُوها بِوَزْنِها ذَهَباً.**

از حسین‌بن علی‌علیه‌السلام روایت شده که فرمود: اگر مردم بدانند چه (فایده‌ها) در

acrshop

هلیلج زرد است هر آینه آن را به وزن طلا می‌خرند و به مردم از اصحابش فرمود: هلیلج زرد را بگیر با هفت دانه فلفل و آنها را بساب و الک کن و سرمه بکش با آن و از حضرت رسول‌صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده که فرمود: هلیلج سیاه از درخت بهشت است.

چهار نوع هلیلج است

در بحار نوشته که هلیله چهار صنف است صنفی زرد، و صنفی سیاه هندی کوچک و صنفی سیاه کابلی بزرگ و صنفی توخالی باریک چینی و ابن‌سینا گوید آنها همه مقوی اعضاء است و با عسل درست می‌شود.

خواص هویج، امام جعفرصادق‌علیه‌السلام فرمود: هویج در علاج قولنج و بواسیر مؤثر است و بر قوهٔ باه می‌افزاید و کلیه‌ها را گرم می‌کند.

اطباء در خواص هویج گفته‌اند این گیاه حاوی مقداری قند نباتی است که زود جذب می‌شود اما هضمش برای کودکان دشوار است آب هویج در درمان یرقان اثری بسزا دارد و اگر با عسل آمیخته شود بر قوهٔ باه بیفزاید به‌علاوه برای علاج کبد و امعاء سودمند است و به بیمارانی که ضعف اعصاب دارند و تنگی نفس دارند آب هویج توصیه شده و گویند آب هویج به رشد کودکان کمک می‌کند و اگر خام خورده شود کرم‌های معده را دفع کند و خون را زیاد و نشاط آورد.

طرز تهیهٔ دواهای گیاهی

سه طریق نوشته‌اند، خیس کردن، دم کردن، جوشاندن، برای خیس کردن **اولاً** در آب جوشیده سرد شده آنچه می‌خواهد بریزد مدت ۱۲ ساعت آن را بگذارد گاهی بهم زند بعد از ۱۲ ساعت آن را صاف کرده و مصرف می‌کند از این راه برای بیرون کردن مواد مورد نظر که در ریشه و پوست ساقه درختان می‌باشد استفاده می‌کنند.

ثانیاً برای دم کردن مدت ۱۰ تا ۳۰ دقیقه گیاه را در آب جوش قرار می‌دهد این طریق برای استفاده بردن از برگ گل دانهٔ گیاهها به کار می‌برند.

ثالثاً جوشاندن بدین ترتیب به‌دست می‌آید که گیاه مورد نظر را در آب سرد می‌ریزند آن را روی آتش قرار داده تا جوش آید ۱۰ تا ۲۰ دقیقه ادامه داده تا شیرهٔ نبات کشیده شده وارد آب گردد بعد صاف کرده مصرف نمایند ممکن‌است گیاه را بجوشانند سپس دم کرده بخورند (در طب‌الصادق مشروح نوشته است ولی باید گفت اینها از قول امام

صادق‌علیه‌السلام نبود).

بخش ۸- چارهٔ امراض خطیر

امراض خطیر سرطان و مرض قلب و اعصاب و مرض قند و سوء هاضمه و سرگیجه و پادرد و بی‌خوابی و سختی ادرار و سینه‌پهلو و بلغم و اسم و آپاندیس، کمردرد بیماری استخوان، بواسیر، تقطیر بول، پادرد، علاج پیری، رفع عطش، تنگی نفس، جذام، جنون و کمبود نور چشم و درد کمر و درد پا و با دستورات زمان بیماری را جهت شفا کاملاً از ائمهٔ هدی‌علیهم‌السلام در بهترین ارمغان دستورات زندگی صفحهٔ ۲۱۳ تا ۲۱۴ وارد کردیم بخوانید تا به بیمارستانها انشاءالله دچار نشوید.

چارهٔ اعصاب

مفید ۶۴) جهت درد و ضعف اعصاب دم‌کردهٔ بابونه مفید، یک قاشق سوپخوری گل خشک بابونه را در آب جوش یک ساعت دم کنید و شیرهٔ آن را شیرین کرده بخورید، **جوشاندهٔ** برگ بیدمشک و دم‌کردهٔ آن را شیرین کنید هر روز سه بار یک فنجان قبل از غذا بخورد. **و خوردن کاهو** مفیداعصاب است پیاز و ترب سیاه مفید است آلو و آلوچه مفید اعصاب است. **بادام** دوای دائم اعصاب است.

رازیانه، دانه‌های خشک آن را خرد کرده در آب جوش یک دقیقه بجوشد و چند دقیقه دم کنند صاف کرده با عسل بعد از غذا یک فنجان بنوشد (نسخه‌های شفابخش مفید ۲۱۴) و سوسنبر دم کرده مفید است و خوردن انگور نافع است و از همه بهتر محیط آرامش و بی‌جوش بالاتر است، انگور برای فشار اعصاب مفید است.

گل طاوس مقوی اعصاب و قلب و مدر و مصفی خون و اشتهاآور و مقدار مصرف آن یک قاشق قهوه‌خوری در یک لیوان آب جوش ده دقیقه دم‌کرده روز اول یک فنجان کوچک رفته‌رفته زیادتر کند تا روزی از سه فنجان پیش نشود (گلها و گیاهان شفابخش ۱۷۶).

ورزش اعصاب را آرام و قوی و اعمال آنها را منظم می‌کند و یک نوع تعادلی بین قوای باطنی و ظاهری حاصل می‌کند. اکثر بیماری قند و نقرس و کبد و اختلال دستگاه گوارش به‌علت ورزش نکردن است و قبل از ورزش باید از بیماری قلبی و ریوی ایمن باشد و در مرض کم‌خونی ابتدا به ورزش نرم تا طپش قلب زیاد نشود. (۲۲۹)

acrshop

مصرف دم‌کردهٔ چای برای کسانی که مبتلا به اختلال اعصاب هستند مضر است. بی‌خوابی و اضطراب و عصبانیت را زیاد می‌کند و باعث لاغری هم می‌شود (و در عوض دارچین یا عناب دم کند و بخورد).

معالجهٔ اعصاب

(۷۴/۱۵) دارچین در طبیعت خشک و گرم و قوتش تا ۱۵ سال باقی است مقوی باه، ضدرطوبت بدن، مقوی معده و کبد و رفع تعفن دهان، جهت طپش قلب مفید و مدر ادرار و حیض و مسقط جنین و اقسام فتق و عفونت و زخمها و در امراض عصبانی مسکن و مضعف بواسیر مقدار مصرف آن تا ۵ گرم است. (تحفه حکیم ۱۴)

چاق شدن **خرما و بادام** مداومت به خوردن این دو فربه‌کنندهٔ بدن و محرک باه و کلیه‌ها و کم‌خونی است خرما با شیر هم قوهٔ باه را زیاد می‌کند و سیب‌زمینی دارای ویتامین (آ A و ث C) و آن غذای نیروبخش بوده و امراض عصبی با این غذا معالجه می‌شود اثر ضدتشنج دارد و برای رعشه، تشنجات عضلات، بدخوابی مفید است. (اسرار خوراکیها ۲۳۶)

درمان اعصاب با مریم نخودی

مریم‌نخودی مقوی و تب‌بر و منوم است. دم‌کردهٔ آن برای درمان رماتیسم برونشیت مزمن و اسهال و امراض عفونی نافع یک قاشق مریم‌نخودی خشک را در یک لیوان آب جوش می‌ریزند روزی چهار فنجان می‌خورند (۷ ص ۲۱۴).

مریم‌گلی مشتهی مقوی مدر ضد تشنج و قاعده‌آور است و برای درمان درد اعصاب و اختلالات عصبی مفید، **بیست‌ویک** مویز سرخ ناشتا خوردن طائف عصبانی بدن را محکم می‌کند (حلیة ۵۵) گوشت را با شیر بپزند بخورند بدن را قوت می‌دهد و ضعف و سستی را می‌برد، دم‌کردهٔ بومادران مسکن اعصاب است نارنگی مسکن اعصاب و خواب‌آور است. فندق، گردو، انگور، آب‌هویج بادآور اسطوخودوس، کاهو، روغن زیتون، بادام، آلبالو و مرزنجوش همه خواب‌آور است. (۱۰ نواده ۲۷۸)

نعناع سبز، محرک‌المعاء دافع و مقوی اعصاب است. به هضم غذا کمک می‌کند و در رفع سرفه و پیچش دل تشنجی مؤثر است برای کسانی که مبتلا به زکام و قولنج نزله و تشنجات عصبی هستند مفید است جهت سوء هاضمه یک قاشق غذاخوری گرد نعناع

خشک را در یک لیوان آب جوش مدت ده دقیقه دم کرده روزی یک فنجان بعد از غذا بخورید. (۱۹۱ مفید ۲۲۸ ق)

استسقاء جهت رفع عطش از دم‌کردهٔ زبان گنجشک دم‌کردهٔ غازیانی دم‌کردهٔ گل طاوس باید استفاده کرد گل طاوس مقوی قلب و اعصاب و مصفی خون و مدر و مشتهی می‌باشد یک قاشق در یک لیوان آب جوش ده دقیقه دم کرده روزی یک فنجان مصرف شود.

سوپ شیر با یک پیاز خام رنده کرده صبح و ظهر و شام بخورید روز هشتم آثارش ظاهر می‌شود آب‌لیمو نافع است دم‌کردهٔ دم گیلاس مصرف می‌شود. برگ گزنه یا شیرهٔ گزنه جوشانده بین غذا مصرف می‌شود. (۱۰ ده ۴۲۳)

دفع جنب شدن **احتلام متواتر** هرشبه، روزی بقدر یک قاشق چایخوری از دانه‌های اسپند با آب گرم کف‌لمه می‌کنی و در این چند روز از خوردن ماست ترش و سرکه و کشک احتراز کند.

اسهال و چارهٔ آن

اسهال از خوردن غذاهای ماندهٔ فاسد یا شرب آبهای آلوده، گوشت و سبزیهای نشسته بهم می‌رسد، چاره‌اش یا با روغن کرچک یا پیه الاغ ناف و اطراف آن چرب کرد و پارچهٔ داغ بر رویش بست بعد ده مثقال روغن بادام بخورد و از گوشت و چربی و غذای فشاردار دوری کند.

۲- صبحها یک فنجان چای پررنگ بخورد و اگر آب خواهد باید جوشیده باشد و عرق نعناع به‌جای آب نافع‌تر است ۳- آش انار، آش سماق، حریرهٔ بادام، کتهٔ ماش با ماست، نان نعناع تازه، تخم‌مرغ آب‌پز سفت با نعناع و امثال اینها خوب است ۴- نعنا را با چای سفید مساوی دم کرده بخورد ۵- چای سبز و سفید و مشکی با یک نخود زعفران بجوشاند مفید است. (۳۴۴/۱۳) اسهال خونی، اسفند را از ۷ دانه شروع کند تا ۷۰ دانه در ۱۲ ساعت میل کند و هر مرتبه ده ده بالا روند تا ۷۰ رسد اسفند را در ته دهان گذارده با آب جوشیدهٔ سرد پایین ده اسفند را نباید جوید، ماست خالص دوغ کنند بخورد دانهٔ خشخاش را با نبات بسابند بخورد.

فرنی، شیربرنج، شربت به‌لیمو، و شله‌زرد در یخچال سرد شده باشد خوب است. در روز ۵ مرتبه هر باری ۵ مثقال خاکشیر کف لمه کند و قدری بالای آن بخورد و اسهال از گرمازدگی را دو ساعت در هوای ملایم بخواباند پس از بیداری ۲۰ گرم خاکشیر کف لمه

acrshop

کند، آب‌لیمو را با شربت قند یخ مخلوط نموده بخورد. (۳۴۶/۳)

چارهٔ امراض به اختصار

اسهال، شکم روی زیادی که پی‌درپی مثل مایه آید، جو را سه روز در آب خیس کرده بنوشد (اسرار خوراکیها) جوشیدهٔ به نافع است، پیاز با سیب مساوی رنده شده نافع است، آب جوشیدهٔ از پوست انار نافع است. دم‌کردهٔ گل ختمی، اسفرزه با نبات در آب جوش برای اسهال خونی مفید (۵۴-۵۰ مفید) **استسقاء** که شکم ورم می‌کند و مریض بسیار آب می‌خورد، جعفری ضداسهال و استسقاء است کاکل ذرت جهت آن و بول مفید است و پیاز هم مفید است. غرفه حاوی ویتامین ب و ث و برای استسقاء و کلیه تجویز شده و انگور نیز مفید است.

اسکرپوت، مرضی است که در اثر فقدان ویتامین بی‌اشتهایی و خستگی و کم‌خونی و سستی در بدن می‌آورد، انگور و آب هویج شاهی پیاز خرفه سیب‌زمینی ترب سیاه مفید است. (۵۵)

اشتهاآور، کاهو، کلم، پیاز، انگور، سبزی، آرتیشو، چغندر، ترخون، گوجه‌فرنگی، سبزی، ترشک مفید است و آرتیشو از سبزیهای سالم و مشتهی و خون را تصفیه می‌کند و اوره را پایین می‌آورد (۹ مفید ۵۶).

آپاندیس، در غذاهای گوشتی و انواع خمیرهای نشاسته‌ای با افراط خوردن و گوشت نیم‌پز سبب تولید آن است و آب‌پرتقال و سیب پخته و آلو و کمپرس‌ها گرم و سرد از آن جلوگیری می‌کند.

اورمی، اسیداوریک از اوره با اکسیژن بهم می‌رسد جسمی است بلوری در آب گرم حل می‌شود و در ادرار انسان و اغلب حیوانات وجود دارد و با ادرار بیرون می‌شود و بدن کاملاً ترمیم می‌یابد.

اسیدهایی که در خون ما هستند از غذاهای گوشتی نشاسته‌ای و نان سفید پیدا می‌شوند و سبزیها چنین اسیدهایی در خون ایجاد نمی‌کند بلکه آنها را خنثی و از بین می‌برند، سه چیز را باید در نظر داشت.

۱- ترشیهای مختلف را نباید با هم مخلوط کرد. ۲- اسیداوریک رماتیسم را و سیاتیک را به خود می‌کشاند و کسانی که مبتلا باشند و هستند از غذاهایی که اسیداوریک

تولید می‌کند کمتر بخورند.

برای مبتلایان به روماتیسم و سیاتیک این غذاها خوب نیست، پنیر گوشتهای سرخ و جگر و گوشت پرنده و شکار و حبوبات و دانه‌های روغنی مثل بادام، گردو، فندق و ادویه و سرکه و شراب و شوکولات و قهوه مضرند و تولید اسیداوریک در خون می‌کنند.

۳- سبزیجات و آب آنها و میوه‌های شفابخش نافع است و املاح پتاسیم که در گلابی است اسیداوریک را حل می‌کند و سیب از همهٔ میوه‌ها کمتر نمک دارد برای دفع اوره مفید است و اسیدلیمو، اسیداوریک را از بین می‌برد. (۹ مفید ۵۰)

۴- هر روز یا هفتهٔ دو بار در تابستان و یکبار در زمستان به حمام رود زیرا نظافت موجب فتح مسامات می‌گردد و در نتیجه کار ریه که دفع کار بودن جذب اکسیژن است کاسته و راه را برای دفع اسیداوریک مواد سمی دیگر باز می‌گرداند.

آستم، از سرماخوردگی، زخم و جراحت و نفس تنگی بهم می‌رسد، آویشن تازه یا خشک آن در عفونتهای ریوی زکام و آستم درد دل و ورم امعاء مصرف می‌شود جهت آستم گلهای آویشن را دم کنید و برگهای توت‌فرنگی جوشیده و شیرین‌بیان حمله آستم را سبک و تسکین می‌دهد پیاز با آب‌لیمو برای دفع آن تجویز شده و دم‌کردهٔ اسطوخودوس روزی سه فنجان، عسل صبحانه و نهار و شام نافع است.

رازیانه و سنبل‌الطیب و شلغم و کرفس مفید است وسط یک شلغم را کود کرده پر از شکر کنند بگذارند وقتی به آب افتاد در حمله آستم بخورند در سرفه با خلط یک هفته آب کرفس با کمی آب‌لیمو مخلوط روزی سه بار یک لیوان بخورند.

مرض آنژین ورم گلو تورم لوزتین، آویشن و ترب سیاه و اسطوخودوس و بنفشه و ریحان و آب خام کرفس و مربای شلغم نافع است شلغم را رنده کرده با عسل مخلوط یا با شکر مربا کرده مصرف کنند. (۶۴/۱۲)

استخوان نرمی

پیران و اطفال که دچار نرمی استخوان شوند بهترین دارو عسل و جوشندهٔ جو مرتب مصرف کنند و می‌توانند یک وعده غذای خود را فرنی جو بخورند و کسانی که به ضعف عمومی بدن و نرمی استخوان دچارند بطور مرتب شربت شاهی آب یا دم‌کردهٔ شاهی آبی مصرف کنند پانصد گرم آب‌شاهی آبی را با هفتصدوپنجاه گرم شکر بریزند تا حل شود و

acrshop

هر روز چهل تا صد گرم میل کنند و یا برگهای شاهی را دم کرده با شکر شیرین کنند هر روز سه فنجان بخورند و آن را در تبریز بولاغ اوتی گویند و دم‌کردهٔ برگ درخت گردو نیز مفید است (۱۲ مفید ۶۷).

بادها و نفخ و گازهای بدن

گاهی در بدن بخارات مسمومی یا ورمی بهم می‌رسد. بدن آماس می‌کند ریحان کوهی مسامات بینی را باز و بادهای دردناک را از بدن می‌برد، **کاکل ذرت** را جوشانده صافیش را تجویز و مفید دانند برای آماس بدن تخم جعفری را جوشانده صافی آن را روزی سه استکان در سه نوبت مفید نوشته‌اند (۶۹/۹) و زنجبیل تازه بی‌ریشه بادهای بدن را می‌برد، **ریوند** نیم مثقال کوبیده شده‌های درونی را باز می‌کند.

ورم بیضه از حبس منی تولید می‌شود باید به‌هرحال منی را از خود دفع کند اگر باد کرده، سبوس و نمک‌گرم را درکیسه‌ریخته ببندند، در آب نمک گرم شستشو دهند. (۷۱/۹)

برونشیت ورم ریه

نشانش سرفه‌های سخت خروج اخلاط یا چرک‌دار در اثر سرماخوردگی بهم می‌رسد، چاره‌اش گل بنفشه با عسل روزی سه فنجان، بنوشد یوار و یا تره‌فرنگی را ارسطو و بقراط جهت مداوا تعریف کرده‌اند و یوارو را در آب جوشانده و صاف کرده بنوشد، دو حبه سیر در شیر بجوشانند بعد داغ بنوشد (۷۹/۹) و شاهی آبی و شیرین بیان و کلم بسیار نافع است و دم‌کردهٔ گل گاوزبان بسیار نافع است.

چارهٔ بلغم

اگر چهار مثقال انار را بجوشانند و آب آن را بخورند بلغم و سودا و صفرا و نقرس و درد مفاصل را می‌برد (۸۳/۹) فلفل قرمز روزی یکی بخورد بلغم معده و ضعف باه را می‌برد. هرکس می‌خواهد بلغم را از خود دور کند هر روز اول ساعت آن چیزی از فلفل فرنگی میل کند زیاد حمام رود و آمیزش با زنان را زیاد کند در آفتاب زیاد بنشیند و از غذاهای سرد و مرطوب بپرهیزد.

بواسیر از حرارت بدن و خون سوخته تولید می‌شود، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود انجیر برای آنانکه بواسیر و نقرس دچارند نافع است. کوکوی تره و ترهٔ پخته زیاد

بخورد، نخود گرم قبل از سرد شدن جهت بواسیر خونی آزموده شده و طالبی نیز نافع است.

کابوس در خواب و پریدن از خواب

بعضی‌اوقات چون انسان به خواب رود تصور می‌کند چیز سنگینی رویش افتاده و نفس تنگ و زبان سنگین می‌شود و این را عوام بختک گویند، علت آن بعضی از مواقع از ابتلاء معده و سوء هاضمه است که سینه و نفس را تنگ می‌کند و شخص مضطرب می‌شود و گاهی از ناراحتی کبد است که ناگهان از خواب می‌پرد.

درمان، باید کبد را معالجه کرد و معده را پاک و سوء هاضمه را رفع کرد و به پشت رو به قبله خوابید و **اگر** از غلبهٔ خون باشد هر صبح یک لیوان آب زرشک و غذا نان و شربت ریواس یا کاهو سکنجبین و مثل اینها بخورد و اگر دفع نشد از تخم گشنیز و تخم کاسنی و تخم خرفه جوشانده آب صاف آن را تنقیه کند. **و اگر** از غلبهٔ بلغم یا سودا باشد اسطوخودوس، زوفای خشک گل بومادران هریک ۲۰ گرم افتیمون شاهی، ۱۰ گرم ترنجبین جوشانده صاف شده بنوشد هر روز یکبار تنقیه کند، غذا نخورد آب و شورروای ادویه‌دار بعد گلابی و انار شیرین بخورد (حکمت ۱۹ دکتر برای همه ۳۷۲).

داروی خواب‌آور

قدری آب کاهوی نیم‌گرم که در او مختصری کافور حل شده باشد از بینی بالا بکشید و گلابی زیاد بخورید زیرا معروف است بخواب آور و برگ آن نیز دم کرده و خواب‌آور است (دکتر برای همه ۳۷۰).

معالجهٔ بی‌خوابی

(۹۰/۱۲) ۱- برگ یا گل بیدمشک پنجاه گرم در یک لیتر آب جوش بجوشانیده ده دقیقه دم کنید هر روزی سه فنجان سه بار بنوشد ۲- برگ پرتقال با دو قاشق عرق بهارنارنج مخلوط پیش از خواب مصرف شود ۳- بیست گرم برگ خشک پرتقال در آب جوش پانزده دقیقه دم کنید با عسل یا شکر شیرین کرده وقت خواب یک فنجان با دو قاشق عرق بهارنارنج بخورد و اگر برگ پرتقال نباشد. پوست نارنج به‌جای آن به‌کار برند ۴- پوست خشخاش را جوشانده قبل از خواب بنوشد. ۵- شصت گرم سنبل‌الطیب را در

acrshop

آب گرم بریزد دوازده ساعت بگذارد بماند بعد آن را صاف کرده و قبل از خواب یک فنجان بنوشد ۶- صدوبیست گرم برگ درخت گلابی در یک لیتر آب جوش بیست دقیقه دم کرده صاف کند وقت خواب یک فنجان بنوشد. ۷- میوهٔ گل نسترن را تکه‌تکه کرده و در یک لیتر آب سه ساعت بخیسانند و بعد روی آتش گذارند تا بجوش آید پس چند دقیقه دم کنند دم بکشد بعد صاف کرده در طی روز چند بار بنوشند. انشاءالله همهٔ اینها نافع است. (۹۲/۱۲)

کاهو، مسکن و منوم است اشخاصی که عصبانی و مضطرب می‌باشند اگر کاهو بخورند خواب راضی بر آنها غلبه می‌کند برای تسکین اعصاب باید با شام خود جوشانده شصت گرم کاهو را در یک لیتر آب مصرف نمایند برای طپش قلب و بیدارخوابی مفید است. (۶۱/۱۸)

جوشاندهٔ بادیان خواب‌آور است. کلم، سیب‌زمینی، کاهو، ترب رنده کرده، دم‌کردهٔ خرفه ۲۵ گرم خواب‌آور است، آب مقطر، سیب، کلپوره مریم‌نخودی مقوی تب‌بر، خواب‌آور است. مرزنجوش یک قاشق آش‌خوری در یک لیوان آب جوش ده دقیقه دم کرده روزی دو تا سه فنجان بخورد. دم‌کردهٔ گل همیشه‌بهار روزی سه فنجان مقوی و مصفی و خواب‌آور است. دم‌کردهٔ گل شقایق مفید و خواب‌آور است و گوشت و تخم‌مرغ مضر است.

چارهٔ تب با سیب

چارهٔ تب ابراهیم جعفی گوید خدمت امام صادق‌علیه‌السلام رسیدم فرمود چرا رنگت تغییر کرده؟ گفتم از تب و نوبه فرمود چرا از شربت گوارایی غافلی؟ شکر را کوبیده در آب حل ناشتا خصوصاً هنگام تشنگی بنوش و این امر مرا از بیماری نجات داد و در حدیث دیگر فرمود برای دفع تب قند را با آب سرد بخورید. (ط ق ۱۰۸)

۶۲ بحا ۹۳ و فرمود: سیب را بخورید که حرارت را فرو می‌نشاند درون شکم را خنک و تب را می‌برد فرمود اگر مردم می‌دانستند که سیب چه خاصیتها دارد. بیماران خود را چیزی غیرسیب مداوا نمی‌کردند. بدانید تنها سیب است که از هر چیز خاصیتش زودتر به دل می‌رسد و آن را خورسند می‌گرداند. کسان خود را که مبتلا به تب می‌شوند سیب بخورانید که چیزی برای آنها بهتر از سیب نیست. (۶۲ بحا ۹۳)

ویتامین سیب در هر صد گرم دارای ۸۵ ویتامین آ و ۱۵ ویتامین ب و ۱۰ ویتامین ث دارد و خوردن آن ناشتا در معالجهٔ اسهال و وبای کودکان خیلی مؤثر است سیب دندان را سالم و دهان را ضدعفونی می‌کند. (ط ق ۱۳۰)

اطباء گویند خوردن و بوئیدن سیب مفرح و مقوی قلب و دماغ و کبد است و در کسالت خفقان (تنگ نفس) سودمند است ضعف معده را می‌برد، اشتهاآور است پخته آن سرفه را سبک و مداوا می‌کند امراض جلدی را تخفیف چشم را به خواب آشنا می‌گرداند (ولی باید گفت آب‌وهوای شهرها مختلف است امام صادق فرمود ما اهل‌بیت تب را مداوا نمی‌کنیم جز ریختن آب سرد بر ما و خوردن سیب.

چارهٔ تب شدید با دعا

از امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام وارد شده بر سه قطعه کاغذ به قلم باریک نویسد. بسم‌الله ذی‌العزة والکبریاء والنور (۱۲/۴۴) ربنا اکشف عناالعذاب انّامؤمنون و آن را به پیچید و روزی یکی ناشتا ببلعد و نیز بر سه ریزه قند نویسد ۱- عَقَدْتُ بِاِذنِ اللّهِ ۲- سَدَدْتُ بِاِذنِ اللهِ ۳- سَکَنْتُ بِاِذنِ اللهِ روزی یکی بخورد (به کتاب ختوم و اذکار ج ۱ ص ۲۹۹) حتماً مراجعه شود.

با این دعا کسی به تب دچار نمی‌شود

دستو ۲۱۰) سلمان گوید خدمت زهراعلیهماالسلام رسیدم فرمود پدرم دعایی به من یاد داد هر صبح و شام می‌خوانم گفتم به من بیاموز فرمود اگر خواهی در دنیا باشی و آزار تب نیابی براین دعا مواظبت کن.

بسم اللّهِ الرّحمٰنِ الرحیم بسم اللهِ النّور بسم اللهِ نورالنّور بسم اللّهِ نورٌعلیٰ نورٍ بسم اللّهِ هُوَ مُدَبِّرالاُمُورِ بسم اللهِ الّذی خَلَقَ النّورَ مِنَ النّورِ اَلحَمدُ لِلّهِ الّذی خَلَقَ النّورَ وَ اَنزَلَ النّورَ عَلَی الطّورِ فی کِتابٍ مَسْطُورٍ فی رِقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقدُورٍ عَلیٰ نَبیٍّ مَحْبُورٍ اَلحَمدُ لِلّهِ الّذی هُوَ بِالعِزِّ مَذکُورٌ وَ بِالفَخرِ مَشهُورٌ وَ عَلَی السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ مَشکُورٌ وَ صَلَّی اللّهُ عَلیٰ سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ، سلمان گفت این دعا را به زیاده از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که تب داشتند آموختم و همه از تب رها شدند.

acrshop

تب و معالجه

بیدمشک و نارنج مفید است و آب پرتقال و شیرین‌بیان و گل بابونه داروی آنها است شیرهٔ برگ جعفری و جوشاندهٔ بذر رازیانه نافع است و ما چارهٔ تب را دوازده قسم در دستورات زندگی صفحهٔ ۲۱۰ به‌بعد نوشتیم مراجعه شود.

تنگ نفس

شیرخشت با پرهیز از غذاهای نامناسب نافع است. لیموی شیرین و مغز خیار و کاهوی پخته، پاچهٔ گوسفند آش کدو با گشنیز و تمام خنکی نافع است مربای به جهت نرم کردن و درمان سرفه و تنگ نفس نافع است، تخم کاسنی و رازیانه سودمند است. (۱۰۷/۹)

حبس بول و پرستات

شلغم پخته و اسفناج و کرفس بسیار نافع است رازیانه را بسیار وصف کرده‌اند حتی برای کسانی که قطره‌قطره بول کنند نافع است، آب پوست لوبیای سبز صبح ناشتا و جوشاندهٔ شیرین‌بیان نافع است پنجاه گرم ریشهٔ خشک شیرین‌بیان را تکه‌تکه در یک لیتر آب سرد بریزند و دوازده ساعت روی آتش دم کنند صافی آن را بخورد، دم‌کردهٔ گل نسترن و مربای میوه گل نسترن نافع است (۱۲۳/۹) **جهت ادرار خونی** روزی دو قاشق مرباخوری صبح و عصر بارهنگ یا شربت زرشک سودمند است و زرشک جوشانده با شکر صاف نافع است و در حبس ادرار چند روز آب انجیر خیس کرده را ناشتا بخورد تجربه شد و در آب داغ نشستن مؤثر است.

اگر طفلی به سختی ادرار کرد قدری رنگ نسابیده (وسمه) را خمیر کرده پشت بیضهٔ آن ببندد تا سه بار تکرار شود. ۴ مثقال تخم شنبلیله را دم کرده ساعتی یک قاشق مرباخوری به بچه دهند، کاکل ذرت دم کرده چند قاشق به مرور به او دهند. (عطا ۳۹۵)

علاج پادرد

در معراج‌المؤمن صفحهٔ ۳۹۸ دو دعا درد پا نوشته شد حتماً مراجعه کنید و در ختوم و اذکار ج ۲ ص ۲۲۹ چارهٔ فلج را نوشته.

۱- حنا را با آب صابون خمیر کرده به زانو گذارند درد ساکت می‌شود و اگر بر زخم گذارند بهبود یابد، آب برگ ریحان بر پای باد کرده علاج دارد. ۲- صد گرم برگ سنبر تازه یا خشک را در طشت آب گرم بریزند و دوازده دقیقه بگذارند دم بکشد بعد پاهای خود را در آن گذارده با دست ماساژ دهند و بشوید و در حمام این عمل نافع است و یک هفته ادامه دهد. ۳- اگر مغز گردو را با زیرهٔ سیاه کرمانی بسایند و با عسل مخلوط کرده در حمام بر سر و بدن ناسج بمالند و بگذارند تا عرق کند مؤثر است و بر پادرد هم چنین کنند ۴- تخم خاجه‌باشی را با عسل مخلوط روزی یک قاشق بخورند. (۹۴/۹)

چارهٔ چشم‌درد و گوش

۶۲ بحار ۱۴۴) موسی بن جعفر علیه‌السلام فرمود سه چیز چشم را جلا می‌دهد به سبزه نظر کردن و به آب جاری نگریستن و به روی نیکو نظر کردن. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود سداب برای دردگوش نیکو است. سلمان و ابوذر از دردچشم شکایت کردند پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به عیادت آمدند چون آن دو را دیدند به هریک فرمودند تا زمانی‌که دردچشم هستید، طرف چپ نخوابید و نزدیک خرما نروید تا خدا شما را عافیت بخشد و نهی کردند مریض دردچشم را از خوردن خرما.

امام صادق علیه‌السلام فرمود هرکس پنجشنبه ناخن گیرد چشمش به درد نیاید و هر کس هر جمعه بگیرد از زیر هر ناخنی دردی بیرون شود و فرمود سورمه در نور چشم افزاید و لبها را نمو دهد و حضرت هر پنجشنبه از ناخن کوچک راست شروع می‌کرد بعد به چپ می‌فرمود هرکه چنین کند از دردچشم امان است.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: **اَلْکَمْاَةُ مِنَ الْمَنِّ وَالْمَنُّ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مٰاؤُها شِفٰاءٌ لِلْعَیْنِ**، کمات از من است و من از بهشت است و آب آن شفاء است برای چشم (و بنی‌ها به آن مداوا می‌کردند و آن را می‌فشردند آبش را می‌گرفتند).

درددندان

آب سرد بعد از غذای گرم دندانها را فاسد می‌کند و مسواک بعد از غذاها دندان را بیمه می‌کند و خوردن غذای گرم بعد از سرد و بالعکس مینای دندان را فاسد می‌کند. گشنیز کوبیده در دهن مضمضه کنند برای جوشهای دهان و کرم‌خوردگی مفید است (مفید ۱۳۲) و جهت پیله دندان آب نمک در دهان گیرند.

acrshop

فشار خون

کُلُوا الثُّومَ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِن سَبْعِینَ دَاءٍ و سیر بخورید که شفای هفتاد درد است هندوانه مزیل فشار خون است (زبان خوراکیها) سنبل‌الطیب ناشتا و قبل از نهار یک فنجان دم کرده، توت‌فرنگی و آب زرشک نافع است.

چارهٔ غش کردن

شربت زرشک اسهال و غش و ضعف قلب و جگر و کرم معده و صفرا و عطش را رفع می‌کند (زبان خوراکیها) دو مثقال تخم بالنگون را بجوشانند و شربت کنند و بخورند غش و جنون و جرب خشک و تر و بلغم و سودا و ضعف تن را دور می‌سازد و معده و قلب و مغز را قوت دهد (۹ مفید ۲۲۱) بو کردن گلاب برای رفع غش نافع است.

چارهٔ غش کردن

زرشک را بجوشانند شربت کنند جهت پیچش شکم و اسهال و غش و ضعف قلب و جگر و کرم معده و صفرا و عطش را رفع می‌کند. (زبان خوراکیها (۱۱/۲۲۰)

۶۲ بحار ۱۱۸) **مردی یونانی** خدمت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمد پس از آن حضرت معجزات غریبه‌ای دید و افتاد غش کرد حضرت فرمود برروی او آب بریزید پس بر او آب ریختند به هوش آمد.

دو مثقال تخم بالنگو را بجوشانند و شربت کنند بخورند، غش و جنون و جرب خشک و تر و بلغم و سودا و ضعف تن را دور سازد و معده و قلب و مغز را قوت دهد، **بو کردن گلاب** برای تقویت دل و رفع غشی و بیهوشی و تقویت دماغ و حواس باطنی و نشاط نفس مفید است.

در ختوم و اذکار جلد ۱ ص ۳۵۶ دو صفحه در چارهٔ غش دعا وارد شد که علاج قطعی می‌شود خدا همه را شفا دهد.

دل درد، روغن بادام شیرین جهت پیچش شکم و دل‌دردها آرام‌بخش است. شوید دردهای دل را زایل می‌کند، تخم اسفناج یک مثقال نیز مفید است و خوردن شوید مسکن دل‌دردهای دیگر است. (۱۱/۱۳۲)

چارهٔ قولنج یک نوع دل‌درد است که رودهٔ قولون که بزرگتر است از روده‌ها که به صاعد و افقی و نازل بخش می‌شود. **ریوند چینی** را مفید دانند که دم‌کردهٔ آن را بخورد. شبت خوردن از قولنج و فساد معده جلوگیری می‌کند، زیاد روی خوردن عدس و حبوبات باددار سبب قولنج می‌شود آب خوردن بالای میوه‌جات به‌ویژه گیلاس و آناناس سم است.

گریپ، زکام و برونشیت

عطا ۲۴۰) گریپ از مرضهای مسریه و سریع‌الشایع است چون هوای سرد و مرطوب و تغییر ناگهانی درجهٔ گرمای محیط بدن را مستعد گریپ می‌کند و نشانش لرز و مورمور کردن بدن و سنگینی سر (سرگیجه) توأم با سرفه و عطسه وگاهی درد کمر و مفصل ریزش آب از چشم و دماغ و بالا رفتن درجهٔ حرارت تا ۴۰ درجه تب برسد و میکروب آن با میکروسکوپ دیده نمی‌شود و محل رشد آن بینی یا اطراف حلق است موقع عطسه یا سرفه در هوا پخش می‌شود و به‌سرعت واگیر است و باید مریض از اجتماع دوری کند و باید اطاق او از جریان هوا خالی باشد و با بخار برگ آکالیپتوس ضدعفونی شود پس باید دهان و دندانها و بینی را پاک نگه داشت و از آب بینی انواع گریپ معلوم می‌شود.

معالجهٔ گریپ

از عطریات به کلی حذر کند و دستمال در دماغ گیرد که از سرما حفظ شود و مایع داغ شیر یا چای کم‌رنگ یا آب جوشیده و روزی پنج تا هفت بار روغن بنفشه بادام (هویل گومنله) در بینی بچکاند بهترین دارو استراحت و بخور دادن سر است، سر و گوش و گردن را با پارچهٔ پشمی بپوشاند، سه روز ناشتا هویج پخته بخورد، روزی دو مثقال نعنای خشک را بجوشاند و آب آن را ناشتا دو استکان بخورد، و از ترشیجات و غذای سرخ شده و ادویه بپرهیزد شام شیربرنج، فرنی بی‌گلاب بخورد روز چهارم آش آلو یا زرشک یا آبغوره یا آبلیمو میل کند و داروهای جدید مثل آسپرین ۲۰ سانتی گرم و گفته‌اند و آسپرین ۲۰ برابر سرکه ترشی دارد و مضعف و مزاحم قلب است. (عطا ۲۴۶)

نسخه گل بنفشه ۱۰ گرم، عناب ۲۰ گرم، گل پنیرک ۱۰ گرم، بادرنجبویه ۱۰ گرم، مرزنجوش ۵ گرم بجوشاند میل کند، لیموشیرین بسیار مفید است.

acrshop

ذات‌الجنب سینه پهلو

ورم پرده درونی پهلو که سبب تنگ نفس و سرفه می‌شود، اسفناج با کشک و ماش پوست‌کنده مفید است از جوشاندن جو در آب مایعی به‌دست می‌آید برای سل زخم روده ذات‌الجنب تجویز شده. (۱۳۹/۹) گل نیلوفر گل بنفشه مساوی بجوشانند صاف کرده هر سه ساعت یک قاشق بخورد، از نوشیدن آب سرد و هوای سرد و فعالیت و دود و غبار و مشاجره بپرهیزد، آش جو، گندم با کشک اسفناج، گشنیز، عدس زیاد بخورد.

رماتیسم علت آن وجود اسیداوریک در خون است که در زانو قوزک پا کردن عضلات شانه‌ها و جاهای دیگر رسوب کرده سبب درد می‌شود، کرفس را بکوبید با آرد برنج مخلوط کنید و ضماد نمائید روی محل درد گذارید، اگر سالاد کرفس را با پیاز خام و آبلیمو و چند قطره روغن زیتون چند روز در غذا بخورید مؤثر است و کرفس ویتامین آ و ب و ث دارد.

مرض ریوی، شاه‌توت ویتامین آ و ب و ث دارد و توت جهت ورم روده و اسهال خونی نافع است چند روز رژیم انگور گیرد با پوست و دانه نرم بخورد.

سرطان و چارهٔ آن

گازهای اشک‌آور سرطان‌زا است زیرا روی غده اشک قرار می‌گیرند ولی گریهٔ عادی جلو سرطان را می‌گیرد لذا در کسانی که اشک می‌ریزند سرطان کم است و کسانی که با غذای خود پیاز می‌خورند کمتر مبتلا می‌شوند و علت نقصان منیزیم زمینه را برای سرطان فراهم می‌کند و چون در خرما مقدار زیادی منیزیم است مصرف آن ضدسرطان است لذا اعراب به‌واسطهٔ خوردن خرما کمتر مبتلا به سرطان می‌شوند.

دفع عفونت سرطان مقدار چهل گرم برگ و ریشهٔ گزنه در یک لیتر آب جوشانده و در مدت ۴۸ ساعت در بین غذا مصرف کنند یا آنکه برگ خشک گزنه را در یک لیتر آب جوشانده دم کرده پیش از هر غذا یک فنجان بخورد. (۱۰ خانواده ۴۲۵)

بیست تا شصت گرم گیاه بادآور را در یک لیتر آب مدت ده دقیقه دم کرده قبل از هر غذا یک فنجان بخورد ضدسرطان است، آب اسفناج و تره ضدسرطان است آنها را دور نریزند زیرا مقدار زیادی منیزیم دارند و همچنین است و الک نیز با سالاد مفید است و اسفناج سرشار از ویتامین (آ و ب و ث) می‌باشد و خوب است قبل از غذا یک گیلاس آب اسفناج بخورد.

مغز گردو جلو سرطان را می‌گیرد. خوردن جعفری از سرطان جلوگیری می‌کند محلول کرفس و خوردن سنجد سرطان را می‌برد توت‌فرنگی از سرطان جلوگیری می‌کند.

سرفه و سینه‌درد

۹ مفید ۱۷۰) خوردن میوه‌های خشک مانند پسته و بادام و فندق و گردو و سنجد و به‌دانه مفید است. **فندق** مقوی معده و روغن آن بهترین داروی سینه‌درد و سرفه و ریزش مو است. **مربای به** جهت نرم کردن و درمان سرفه و تنگ نفس سودبخش می‌باشد. لعاب به‌دانه در نرم کردن سینه و تنگ نفس مفید است. دم‌کردهٔ شکوفه به (سی گرم در یک لیتر آب) مسکن سرفه است. **بادام** برای دردسینه و شکم و سرفهٔ خشک مفید است. خوردن دارچین ناشتا سرفهٔ کهنه را دور و فراموشی را دور می‌کند.

سینه پهلو و ذات‌الریه

علامت ذات‌الریه تب شدید تنگی نفس و ضعف ایستادگی، از استعمال و نوشیدن آب سرد و هوای سرد و تلاش و از دود و غبار و مشاجره بپرهیزد، گل نیلوفر و گل بنفشه مساوی بجوشانند و صاف کرده با شکر شیرین کرده هر سه ساعت یک قاشق بخورند، آب جوشانده را با خطمی و بنفشه و نیلوفر و تاجریزی و شکر سرخ در آن کرده باشند تنقیه کنند، لعاب اسفرزه و عرق بید و شکر که سرد نباشد بنوشند.

غذای مریض آش جو. گندم با کشک اسفناج و گشنیز و عدس زیاد بخورد، آب خیار، آب هندوانه مفید است. (مفید ۱۴۰)

گریپ و سرگیجه و سرماخوردگی

وَمَنْ خَشِیَ الشَّقیقَةَ وَالشَّوصَةَ فَلایُؤَخِّرْ اَکْلَ السَّمَکَ الطَّرِی، و هرکس از درد شقیقه (نصف سر) و سرگیجه ناراحت است خوردن ماهی تازه را تأخیر نیندازد، ۱۰ تا ۵۰ گرم اسطوخودوس خشک شده در یک لیتر آب جوش دم کرده دوازده دقیقه بگذارد دم کشد آن را صاف کرده با عسل شیرین کرده در فاصلهٔ غذا روزی یک فنجان بخورند.

علت سرگیجه، از ثقل معده و حرارت آفتاب و گرما و دود و بو و سرماخوردگی و امثال اینها می‌شود و علامتش عدم‌ضبط بدن در حرکت و تاریکی چشم و سروصدا در

acrshop

هزار ودویست وهشتاد ودو +شب پنجشنبه +سوم شعبان

ساعت← پنج←۵۵

کوشها و سردرد از مسمومیت غذا و غم و بیخوابی می‌شود.

علاج آن در ثقل معده مسهل ملایم و تنقیه و سر را از آفتاب و دود و غبار و دخانیات و مسکرات حفظ کند و مواد ویتامینه و کلسیم به‌کار برد، پرتقال لیمو گوجه‌فرنگی پیاز، سیر، کلم، کرفس و برای سرماخوردگی کلیه‌چند روز شال پشمی ببندد و آش و شیربرنج بدون دارو بخورد و در روسیه اسطوخودوس را در کلاه ریخته بر سر می‌گذارند و سیب جهت سرماخوردگی نافع است. (۱۲ ص ۱۷۴)

چارهٔ سردرد و صداع

بابونه امراض دماغی و سردرد را تسکین و ریزش آب بینی را میبر دودم کرده گلهای بابونه التهاب معده را برطرف و خوردن آلو قبل از غذا سودمند است.

چارهٔ سردرد از امام صادق علیه‌السلام

مردی از اهل خراسان مسائلی در امور دین خود از امام صادق‌علیه‌السلام پرسید و جواب شنید از ناراحتی حال او امام دریافت که سرش به‌شدت درد می‌کند فرمود برخیز همین الان به حمام برو پیش از هر کار هفت مشت آب گرم بر سرت بریز و در هر مرتبه یکبار بِسمِ‌الله بگو مطمئن باش که دیگر به آن مبتلا نمی‌شوی او نیز همین کار را کرد و بهبودی یافت (۱۰۴/۷) البته این لطف امام بوده. **خوردن آب برگ چغندر جهت سردرد و دندان‌درد مفید است.**

مرض زُناء

سخت‌ترین مرض است که از زیادی هم و غم و فشار فکر بروز میکند اول بظاهر بدن هرجا باشد تا بله‌ها میبرند و درد شدید دارد خداوند شیعیان علی علیه السلام را از مرد و زن از این مرض حفظ کند بنده گرفتار شدم و چاره پس از دکتر از مایعات مانند آب پرتقال و هویج و شیرو خواب و استراحت در هوای آزاد استفاده کند و پرستاری لازم دارد حقتعالی مبتلایان را شفا مرحمت کند و با ثؤلات رفع میشود و زیاد صدقه دهد

چارهٔ نفخ معده

نفخ معده در اثر رطوبت منجمده بهم می‌رسد باید از غذاهای سبزیجات مثل شوید، بابونه، مرزه، ریحان، جعفری، علف صحرایی، شنکه و الک میل نماید و از غذاهای سرد و مرطوب خودداری کرد. (عطا ۴۵۲)

تداوی آن، بادیان سناء مکی زیرهٔ سبز از هر کدام ده‌گرم نبات ۷۵گرم بسایند و صبح و شام قدری میل کند، **نسخهٔ ۲** آویشن شیرازی، بادیان رومی، مرزنجوش، بادرنجبویه از هر کدام سه مثقال جوشانده میل کند، **نسخه** بسفایج، هل باد، هل سبز، هل سفید، قرم باد، زرم باد بجوشاند صبح ناشتا میل کند، **نسخه** تخم شلغم، تخم ترب، تخم هویج، تخم کرفس از هرکدام یک مثقال بجوشاند میل کند آش شلغم که گل سرخ داخل باشد بسیار مفید است.

گرفتگی سردیک معده

عطا ۳۵۴) بعد از اسهال از ضعف دردسر معده گرفتگی بهم می‌رسد که اشتها را کور می‌کند، علاجش خوردن انجیر است تا سه روز روزی سی تا هفتاد گرم انجیر به‌تدریج برگ چمن تازه‌دم کرده بخورد. سیاه‌دانه و زیره سبز و سیاه مساوی بجوشانند سه روز روزی سه بار میل کنند. معده کیسه‌ایست شبیه به مشک در طرف چپ که تقریباً گنجایش دو لیتر غذا دارد مدخل آن را قم‌المعده و مخرجش را شکمبه گویند.

درمان پاک شدن معده

(۲۶۴/۱۲) ۱- دم‌کردهٔ سی گرم شاخه‌های گلدار آویشن را خشک باشد در یک لیتر آب دم کنید چند دقیقه به دم گذارید یک فنجان بخورید. ۲- بیست دقیقه جوشانیده و پانزده دقیقه دم کنید صاف شده را با عسل شیرین کنید روزی سه فنجان در سه وقت بخورید.

۳- برگ خشک تمشک را در آب خیس کنید بعد روی آتش گذارید ده دقیقه بجوشد و ده دقیقه دم بکشد بعد صاف شده را هر روز در بین غذا یک فنجان بخورید. ۴- دم‌کردهٔ شیرین‌بیان بعد از غذا گل همیشه بهار دم‌کرده درمان معده است ۵- دم‌کردهٔ مریم‌گلی معده را صاف می‌کند آن را پس از دم کردن صاف نموده با عسل یا نبات هر روز یک

acrshop

فنجان بخورید، هل در غذا معده را قوت می‌دهد، هلیلهٔ زرد هر صبح یک کف سایید معده را قوت می‌دهد.

عدد سال حساب نکن کلمهٔ روز یا یوم حساب کن کلمهٔ ماه حساب کن کلمهٔ ساعت حساب نکن کلمهٔ بعدظهر یا بعد نصف شب ومثل آن حساب کن

ضررهای سوء هاضمه از معده

سوء هاضمه بدی گوارش ترسا و تخمه و ترشحات اسیدی معده که به‌سبب پرخوری یا تندخوری غذا و ضعف قوای دماغی و روحی و بر سیری غذا خوردن تولید و دگر معالجه نشود باعث اختلال جهاز هاضمه است و یبوست معده و تشنج می‌شود و علل آن تند خوردن و نجویدن غذا و پرخوری خوردن غذاهای سنگین خوردن ادویه‌جات و سرکه و چای بلافاصله بعد از غذا و قهوه و مایعات و تداخل آب در غذا.

علامت سوء هاضمه، زبان بار دارد، آروغ ترش وجود بی‌اشتهایی، قولنج، شکم‌سردرد، استفراغ، نفخ، شکم سنگینی معده خستگی دارد.

درمان سوء هاضمه، اول باید علت آن را جست بعد چاره کرد، سوء هاضمه از ابتلا معده و افراط در خوراک است چارهٔ آن امساک و خوردن میوه‌جات مثل پرتقال انگور لیموشیرین، آلو بخار او سبزیجات است و ترک غذاهای مانده گندیده و ورزش و پرداختن جاهای نشاط‌آور است ضعیف کردن بدن مواد خستگی و مسمومیت.

ضررهای سوء هاضمه مولد مرض دردسر، سرگیجه، شکم‌درد و کلیه و تب و نزله و آپاندیس و دیابت و کلیهٔ امراض زائیده از سوء هاضمه‌اند.

داروی آن، نعناع دافع باد و مقوی اعصاب و هاضم غذا دافع سرفه و مذهب تشنج و دوام زکامی است جهت سوء هاضمه یک قاشق غذاخوری نعنای خشک در لیوان آب جوش ده دقیقه دم کرده بعد از صرف غذا روزی یک فنجان بخورد (مفید ۱۹۱).

دستور طعام به مریض

لَاتُکْرِهُوامَرْضَاکُم عَلَی الطَّعَامِ فَاِنَّ اللّٰهَ یُطْعِمُهُم وَیَسْقِیهِم

رسول اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بیمارانتان بر طعام وادار نکنید زیرا خداوند آنها را طعام می‌دهد و آنها را سیراب می‌کند (هرچه صلاح بیمار است او می‌داند) (ط ق ۴۶)

روغن زیتون، خوردن در ۲۴ ساعت ۴۰ گرم بهر (بهمه) قسم مخلوط با غذا یا سالاد بهر قسم بسیار مفید است. روغن کرچک و زیتون و بادام شیرین و پارافین از هرکدام مساوی مخلوط شبها وقت خواب یک قاشق غذاخوری میل کند. روغن کرچک بدون

نمک ۱۲ مثقال یکبار مفید است (عطا۴۴۶).

چارهٔ ثقل معده و نفخ زخم معده

چهار روز آش آبغوره با زیرهٔ سیاه و بعد از هر غذا گفتند بخورد روز پنجم دوغ با گل سرخ و شب ششم یک مثقال پوست نارنج کوبیده با آب بخورد تمام مرض معده را می‌برد. (۱۲ ص ۱۷۳)

آش سماق آب انار میوه‌های قابض مانند بخورد ولی مسهل قوی نخورد دانه‌های زرشک و آب آن صفرابر و جهت زخم معده تجویز شده (۱۲ ص ۱۴۶) آب آهن مقوی است آهنی را در آتش سرخ کرده در آب اندازند آبش را بخورد سموم بدن را می‌برد. (۱۲ ص ۱۴۸)

دم‌کردهٔ ساقه‌های گلدار آویشن خشک در یک لیتر آب جوش بریزند تا ۱۲ دقیقه دم بکشد بعد آن را صاف کرده با عسل شیرین سازید روزی سه فنجان به هضم غذا کمک کرده ثقل معده را می‌برد و دم‌کردهٔ بارهنگ روزی سه فنجان با عسل ثقل معده را می‌برد (۱۲ ص ۲۶۵) و **تمشک** نیز بقدر یک یا دو فنجان نافع است.

شیرین‌بیان بعد از غذا هاضم است گل همیشه‌بهار دم‌کرده جهت معده نافع است و دم‌کردهٔ مریم‌گلی مقوی دستگاه هاضمه است و انگور نیز مقوی معده است و شاه‌تره و ترب مربای هویج مقوی معده است.

هلیلهٔ زرد اگر صبح با قند سابیده بخورند مقوی معده است، هل در غذا مقوی معده است.

چارهٔ درد رودهٔ اثناعشر

عطار ۳۳۲) چون غذا از دوازده روده باید به‌سرعت بگذرد گاهی در مجرا رسوب می‌کند. گاهی زیاد شده فشار آورده از درد به هلاکت می‌رساند باید آن را تخلیه کرد آن را می‌شود به‌سبب امساک و روزه دفع کرد و یا از اغذیه سبک سهل‌الهضم مثل پاچهٔ گوسفند یا آش آبغوره و آش تمرهندی و شیر و آب پرتقال و خربوزه تا چند روز مداومت کرد، مجاری صاف گردد، اگر درد دارد کیسهٔ آب سرد بر موضع درد گذارد و اگر نخواست به پزشک مراجعه کند.

acrshop

روماتیسم و معالجهٔ آن

عطار ۴۵۶) روماتیسم درد مفاصل زانو و کمر و غیره می‌باشد در پیری بیشتر به سر انسان می‌آید چاره‌اش غذاهای گرم از عسل و شیره و ارده و مربای بالنگ، کمپوت توت، ماش‌پلو، آش ماش، آش ارزن، مغز گردو، حلوای عسل زعفرانی، کلوچه زنجبیل، شویدپلو، هویج، خورشت کرفس و آش گل سرخ مفید است. موز و پرتقال و نارنگی و آب انار و ترب سیاه و آب آن و آش شلغم مؤثر است.

نسخه، روغن هفت ادویه را به محل بمالند میخک (قرنفل) زنجبیل، دارچین، قولنجان، سورنجان، فلفل جوز. اینها را به‌قدر مساوی نرم بسایند با روغن چراغ (کرچک) مخلوط نموده ۲۴ ساعت بعد ظرف راکنار آتش نهاده حرارت دهند خوب مخلوط نموده صبح و شام به محل بمالند. مالیدن روغن زیتون و روغن زنبق و روغن کرچک مفید است و از نشستن در محل مرطوب دوری کند.

چارهٔ زخم معده

۱- زخم معده از سه راه پدید آید از ضعف معده ۲- و ناراحتی و عصبانیت و به وقت غذا خوردن و مایعات گازدار و سیگار ۳- تجمع اخلاط اربعه و کثیفی خون و کثافات در معده، **معالجه‌اش** از غذاهای آبکی آش و ترید و دوغ و سبزیجات خام و میوه‌های باددار و حبوبات و چای خودداری کند و از حجم سبک و قوه‌دار بهره گیرد، کباب برگ چنجه و گوشت گنجشک و کبوتر بدون ادویه بخورد. آبگوشت ترید بدترین غذا برای زخم معده است و.دخانیات و سرکه مضر است خلاصه معده باید سبک و خالی نباشد گرسنه فوری از پسته یا چیز دیگر میل کند.

نسخه ریشهٔ شیرین‌بیان، بهارنارنج، اکلیل، استاقدوس آویشن شیرازی، بابونه، تیول فرنجمشک، مریم‌نخودی از هرکدام شش مثقال بجوشاند و صاف کند روزی سه مرتبه صبح و ظهر و عصر با نبات میل کند. (عطار ۳۳۶)

ورم رودهٔ اثناعشر

عطار ۲۳۶) در اثر گوشتهای مانده فاسد انسان مبتلا به پیچ و فشار درددل و معده می‌شود و سوزش احساس میکند و بی‌حالی و خستگی حس می‌کند غذا که می‌خورد تا

تحلیل غذا اینها زیادتر است باید بداند یا روده ورم کرده یا گشاد شده چاره‌اش از راه غذا است که هرگاه گرسنه شد غذا بخورد و آب سرد نخورد و آب جوشیده بخورد و نگذارد معده سنگین شود باید رژیم غذا گیرد.

صبح کرهٔ سالم با نان سوخاری دو ساعت بعد یک سیخ کباب دو ساعت بعد چند دانه نخودچی تا آب جمع شده معده را ببرد. نهار کته با ماست یا برنج با ماش میل با روغن زیتون بهتر است یا برنج با زیرهٔ سیاه و شکر بر آن بپاشد بخورد، عصر یک سیخ کباب برگ و شام کته با زیره و از میوه‌های هسته‌دار باددار بپرهیزد، گلابی، موز، پرتقال، سیب، کمپوت توت و سیب نافع و دو گنجشک بکشد و بکوبد و در روغن زیتون سرخ کند بخورد. روزی یک قاشق غذاخوری شربت یدتانیک فسفاته مفید است.

علاج زخم معده در ۱۵ روز

در طبیب خانواده نوشته ۱۹۷، دکتر شیخا که در کالیفرنیا مطب دارد گوید در مدت (۱۵ روز) نیم لیتر آب کلم تازه و یا هفتادوپنج در صد کلم ۲۵ درصد کرفس را آب گرفته و به بیماران زخم معده و روده می‌دهد و برای خوش‌طعمی با آب سیب سرخ یا آب هویج مخلوط بنوشید و بادنجان رسیده مفید است، و دارچین مضر است.

سیب‌زمینی دارای ویتامین (آ A و ب B) و نیم درصد پتاسیم دارد با مقداری مواد نشاسته‌ای، اگر خام آن را رنده کنند و در سالاد مخلوط سازند اولسرهای معده را می‌سوزاند و آب آن مفید است و ریشهٔ شیرین‌بیان پنجاه گرم در یک لیتر آب پنج دقیقه بجوشد و ۱۲ ساعت به حال خود گذارد یا بخیساند و بخورد مشتهی و مدر ومفید است.

در زخم معده و اثناعشر ناشتا یک قاشق سوپخوری عسل تا یک ماه بنوشد و یک ساعت چیزی نخورد اگر اثر نکرد پس یک ماه زیادتر کند منتها تا ظهر چیزی نخورد (۱۹۸) پسته مقوی معده و زخم معده و مزیل سموم بدن است. درمان دیگر، خاکشیر، آب ترب و آب هویج و آب شلغم بهترین داروی ضدعفونی کردن روده‌ها می‌باشد و یک خوراک سیر چنین است و جوشاندهٔ خطمی و پنیرک و مرزه ضدعفونی معده است.

گلپر، دو گرم با نبات سابیده مخلوط نموده کفلمه نماید جهت دفع گاز و نفخ معده و روده مفید است با **بونه دم‌کرده** ضدتشنج و ضدبیماریهای معده و سوء هضم کندی عمل روده‌ها است دم‌کردهٔ آن (۲۰ دقیقه) بعد از غذا صرف شود. (۲۵ همه ۱۶۸)

acrshop

زخم معده

نشانش زیاد شدن درد معده با خوردن غذاهای ترش و تندوتیز مثل سرکه و خردل و مانند آنها، خشکی دهان ظهور خون درقی یا مدفوع، زیاد آروغ، آزار غشیان.

درمان اگر زخم معده تازه باشد دوغ ترش که از گاو سیاهْ اگر به‌دست آمده باشد با قدری طباشیر، ترشه (حماض، گل سرخ بنوشند) و اگر کهنه باشد شکر با سه برابر گلاب مداوم بیاشامد و غذا آش آبغوره، آش جو با خروس، آش سماغ، آب انار، میوه‌های قابض مثل سیب و امثال آن میل کنند مزاج را نرم بدارند و دانه‌های زرشک تا ۴۵ گرم و آب زرشک تا صد گرم مفید است و بادام مفید است. (۱۴۶/۱۲)

رطوبات منجمده در معده

گل قند را ۱۲ مثقال صبح ناشتا بخورد ملین مزاج و مزیل نفخ و از بین برندهٔ رطوبات معده و مقوی است و در مرض رماتیسم و سیاتیک و عرق‌النساء و دردهای مفاصل قدما به‌کار می‌بستند اگر ماهی یکبار به‌کار رود مریض نمی‌شود. (عطا ۴۵۳)

خوردن دوغ و ماست از هر دوایی برای ضدعفونی و دباغی معده مؤثرتر است درودیوار روده‌ها و معده تارچه‌هایی بسیار باریک یافت می‌شود و برای ضدعفونی آبغوره، زرشک، آلوزرد، گوجه، آلوچه، تمبر و امثال اینها نافع است، گیلاس، آلبالو، خربزه، گرمک، پرتقال، نارنج، ترنج توسرخ، نارنگی، لیمو، لیموترش، بسیار مؤثر است. کاهو، گشنیز، برگ چغندر، کاسنی، شاه‌تره، خرفه، بسیار مفید است. خلاصه از خوردن چیزهائی که به زیاد کردن ادرار کمک می‌کند دریغ نکنید. (۴۵۱)

خواص ماست در ورم روده

خوردن هشت مثقال روغن گاو رفع سموم می‌کند و درد روده را هم برطرف می‌کند صبح ناشتا با قاشق چایخوری کم‌کم بخورد (همه ۱۶۹) **ماست** چون سرد و تر است برای اشخاص سردمزاج خوب نیست رطوبت را زیاد می‌کند ولی روده‌ها را باز می‌کند برای معالجهٔ سل نافع است.

مجنکف دانشمند روسی آن را عامل طول عمر داند گویند محمدعلی‌شاه اول یکی از شیوخ متنفذ را به سودان تبعید کرد مدت هشتاد سال غذای اصلی او ماست بود و در ۱۲۵

سالگی آزاد شد و چند سال دیگر هم زنده ماند برای کسانی که به کولیت (ورم معده) مبتلایند خیار و هلو و شلیل زرد و آلو و گیلاس ضرر دارد. قصیدهٔ مجنکف اسید ماست میکروب ویستتری را در ۲۴ ساعت می‌کشد. (همه ۱۷۱)

تحفه ۹۶) ۲۰ **مثقال** زرشک در یک لیتر آب جهت زخم معده مجرب است. یک زرده تخم‌مرغ و یک نخود طباشیر و یک نخود کهربا سابیده مخلوط نموده مصرف کند و آب سیب‌زمینی خام و شیر برای معده نافع است.

ماست عمر را زیاد می‌کند و از شکستگی جلو می‌گیرد و دستگاه گوارش را نگه می‌دارد دوغ ماست جهت ضدعفونی معده مؤثر است از اخراج باد، عفونت معده ظاهر می‌شود. (عطا ۴۵۰)

سل و چارهٔ آن

سل مرض واگیر از راه جهاز هاضمه به‌واسطهٔ غذاهای آلوده به میکروب صورت می‌گیرد، عوارض آن ضعف بنیه، لاغری، کم‌خونی، زردی رنگ چهره، تنگی سینه، سرفه، خروج خون با اخلاط از سینه معالجه‌اش تقویت مزاج زندگانی در جاهای خوش آب‌وهوا و آفتاب‌گیر، ورزش سبک و بهترین معالجه راحتی اعصاب و غذا و طبیعت است، باید در هر نیم ساعت مدت ۱۲ ساعت یک لیوان آب انگور، مصرف کنند وکاملاً استراحت نماید.

در معالجه سل ریوی صبح مقدار کمی آب‌لیمو با آب خالص مخلوط کرده بنوشد رفته‌رفته زیاد گوجه‌فرنگی و شاهی آبی و عسل برای مسلولین مناسب و عسل را باید با آب‌میوه مخلوط کرد و با نان نخورد. (۱۸۵/۹)

سنگ مثانه

جوشاندهٔ کامل بلال جهت باز شدن ادرار مفید، ده گرم ساقه‌های ترب بدون برگ مفید به‌ویژه با سکنجبین کرفس و گیلاس و گرمک و گل بابونه مفید می‌باشند مرزه با آب کرفس و خربزه مدر بول و خروج سنگ مثانه است، پوست خربزهٔ خشک کرده را ۳۲ نخود میل کند سنگها را خارج می‌کند. (۱۸۸/۹)

چارهٔ قی، چهار مثقال طباشیر صدفی را بسابید با یک لیتر عرق نعناع مخلوط کنید هر ربع ساعت یک استکان بخورد، آب‌نبات نقلی را بسابید با آب جوشیده مقطر بخورید. خاکشیر خشک در روز پنج بار هر بار پنج مثقال کفلمه کند قدری آب بالای آن

acrshop

بخورد.(عطا ۳۴۷)

تقویت قُوَّهٔ شهوانی

۱- میخک مقوی اعضاء بدن است نیم مثقال کوبیده با شیر گاو صحراگرد تازه (که رازیانه نخورده باشد زیرا رازیانه دارای هورمون زنانه است از مردی می‌کاهد) مخلوط کرده بیاشامد، ۲- عاقرقرحا، زنجبیل، فلفل سیاه هریک هفت مثقال با هم کوبیده با ۲۵ عدد زردهٔ تخم‌مرغ خانگی با ۶۰۰ گرم عسل بی‌موم مخلوط نموده ناشتا بقدر فندقی بخورد و بعد از غذای ظهر و شب بخورد.

۳- **تخم کلم** طبیعتاً گرم و خشک و شهوت‌زا است و کشندهٔ کرم است مقدار یک مثقال‌ونیم استفاده شود. (۲۱۸ تحفه حکیم) **بادام خاکی با پستهٔ زمینی** جهت درد پشت و کمر و غضب و سستی بدن نافع است لکن دیرهضم است و بو داده با شکر بخورند چلغوزه جانشین است. **دارچین** ضدرطوبت مقوی معده و کبد و جهت طپش قلب مفید و مدر بول و حیظ و مسکن عصبانیت مصرف آن دو تا ۲۵ گرم است. (تحفه ۱۱۴)

زبان‌گنجشک را به شیرازی اهر و به عربی لسان‌العصافیر گویند در مشهد به درخت سرون معروف است. طبیعتاً گرم و خشک و مسکن و دافع گاز معده و روده، دو مثقال دم کرده مسکن درد پهلو جهت خفقان و درد کمر و رحم مفید و مدر ادرار و مفتح سنگ کلیه و مثانه و مقوی اعضاء تناسلی و تنگ‌نفس و سرفهٔ مزمن محرک باه مصرف آن ده گرم (تحفه ۲۳۱) (دکتر برای همه ۷۵).

گوشت شتر (بچه‌شتر) جهت تقویت باه مفید (تحفه ۷۴) پیاز سفید مقوی باه خرما و بادام مداومت بر آن دو محرک باه و قوهٔ کمر است.

پسته وگردو مقوی قوهٔ باه و حافظه است و تخم شلغم سفید راکوبیده با عسل مخلوط کنند گاه‌گاه بخورد شکم را نرم و سموم را دفع و قوهٔ باه را زیاد می‌کند. (۲۳۱/۱۱)

اعراب بذر زیرهٔ (کرمانی) را با عسل و فلفل معجون کرده جهت تقویت قوهٔ باه می‌خورند، مالیدن روغن، زردهٔ تخم‌مرغ جهت برآمدن موی سر و ریش و تقویت باه مفید است. (۲۳۱/۱۱)

یونجه گرم و ملین و مولد خون است، تخم آن مولد منی مدر حیض و قوتش تا پنج سال می‌ماند مصرف ۱۰ تا ۲۰ گرم کوبیده باشد مخلوط مصرف شود (۷۶/۱۵) (تحفه

۱۷۳) کنگر و روغن زیتون و بسباسه و عنبر مفید و نافعست و هریسه (حلیم) بسیار نافع است به دستورات زندگی صفحهٔ ۴۶ و ۵۹ مفصل و مفید مشروح شده.

خوردن سه مثقال‌ونیم آب تره محرک قوه باه است و اگر تره پخته را به اطراف احلیل بمالند قوهٔ باه را زیاد می‌کند. (۲۳۰/۱۱)

اینها شهوت راکم می‌کند

عطا ۴۲۲) بعضی مزاجها به‌قدری شهوت زیاد است که صاحب خود را ناراحت می‌کند و اگر ازدواج نکند ممکن‌است به حرام افتد برای جلوگیری باید از آبغوره و هندوانه و ترشیجات پخته آش تمبر آش سماق، ماست، قرقروت (قارام آبلیمو)، آب نارنج داخل آش با غذای زیاد بخورد و چیزهای شهوت‌انگیز مجالس فساد و برخورد به زنان روباز دوری کند و از خوردن گوشت و تخم‌مرغ وکباب و پسته و الکل و موز و نارگیل خودداری کند.

چاره، دو نخود کافور قیصور در یک کپسول هفته‌ای یکی بخورد. به‌عقیدهٔ بوعلی‌سینا تخم کاهو را تا ۴۰ روز روزی ۳۶ نخود (یک مثقال‌ونیم) تقریباً ۷ گرم‌ونیم بجوشاند و صبح ناشتا میل کند شهوت خاموش می‌شود ولی آب کاهو و تخم کاهو و برگ کاهو و آب کاسنی و قهوه و عرق کاسنی و آب انار و تمرگجرات از شهوات می‌کاهد. قهوهٔ بوداده را سابیده دم کرده یک فنجان بخورد از شهوت می‌کاهد و خواب راکم می‌کند.

جهت اولاد آوردن

اگر زنی نازا باشد از خون و مدفوع و بول مرد و زن آزمایش می‌کنند تا معلوم شود نازایی از نطفهٔ مرد است یا رحم زن و مرض سفلیس تا هفتمین نسل را تهدید می‌کند، ممکن‌است قبل از این دو یکی مبتلا بوده لذا تجربهٔ طبیب لازم دارد.

امتحان: در یک ظرف مرد و در یک ظرف زن جداجدا جو بکارند در عوض آب هرکدام برروی آنها بول کنند تا سبز شود هرکدام سبز نشد یا زرد و ضعیف‌تر از دیگری بود عیب از اوست که سبز نشد ولی نباید تا وقت سبز شدن بر آنها آب بدهند تا روز سبز شدن بول دهند.

acrshop

چند دستور جهت اولاد

۱- شورهٔ قلمی، باروت، صبر زرد، با ریجه، پیه بز، پوست نارنج از هریک مساوی چند دانه شیاف بسازند و شبها وقت خواب تا پنج شب شبی یکی از جلو شیاف کنند. ۲- مقل ازرق، جزوزمکی، باروت، نبات لاهور، گز خونساری، بذرالبنج از هریک مساوی بسایند مخلوط باکره یا کوهان شتر شیاف درست کرده شبی یکی وقت خواب شیاف کنند. ۳- آمله پرورده را تا ۷ روز روزی یکی میل نمایند. ۴- تا هفت روز روزی یک کیلو سیب درختی میل کند در نطفه مؤثر است ۵- سنبل‌الطیب، بسفایج، خولان مکی، انزروت (گنیحه) صبر زرد، هلیلهٔ سیاه بقدر مساوی نرم بسایند و مخلوط بهم نموده با عسل خمیر کرده حب نموده روزی سه صبح و ظهر و شب بخورند.

۶- گز علفی، هواچوبه، باریجه، گنیجه مقل ارزق، هر یکی بقدر مساوی با روغن کرچک خمیر کرده شیاف درست کرده و روزی دو شیاف یکی صبح و یکی شب وقت خواب از جلو به‌کار برند ماشاءالله.

دستور غذا موقع حاملگی

در مواقع حاملگی بانوان باردار زیاد سبزیجات پخته از کلم گل و کلم پیچ و کلم قمری و هویج و کنگر و ریوان و کاهو هر روز میل کنند و از میوه‌جات سیب و نارنگی، پرتقال، گلابی، هلو، خرمالو، شلیل، ازگیل، انگور، خربزه، طالبی قبل از غذا بعد از آن میل کنند به‌ویژه سیب و انار و از گوشتهای قرمز بپرهیزند و مرغ و ماهی و لبنیات بخورند.

خواستن اولاد با دعا بسیار مؤثر

بیست دستور در ختوم و اذکار ج ۱ ص ۲۳۸ به‌بعد نوشته که رد ندارد و در جلد دوم آن صفحهٔ ۲۶۰ و ۳۵۳ دستوری دارد مجرب - ودرج ۱ ص ۳۳۷ نیز دستورجامعی نوشته

امام صادق علیه‌السلام فرمود هرکس آن را (سورهٔ انعام) را به زعفران و گلاب نویسد بر درختی (خشک) آویزد میوه دهد و اگر بر زن آویزد (البته پس از مواقعه با شوهر) آبستن گردد. و سه نسخه از دعا و نقش در ختوم و اذکار ج ۱ ص ۳۰۲ وارد شده و ۳۳۷

جهت آوردن اولاد

۱- اگر کسیرا فرزند نباشد مرد و زن هر دو روزه گیرند وقت افطار غسل و وضو کنند و یکبار سوره مبارکه مزمّل (۷۳) را به آب بخوانند هر دو از آن بخورند انشاءالله فرزند حاصل شود.

۲- بر پوست آهو مربع نویسد و با خود دارد فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ. سوره مبارکه یس (۳۶ آیه ۷۳)

۳- از شیخ بهاءالدین نقل شده جهت حمل زنان آیه ۳۰ در سوره رعد وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا را به حروف مقطعه (و ل و ا ن ق و...) بنویسد و بر پهلوی زن بندند حامله شود فرمودند به نهصد زن دادم حامله شدند.

طلب اولاد با دعا

در من لا یحضر از امام چهارم علیه‌السلام روایت شده هرکس این آیه را با دعا مداومت کند (بعد از نمازها) خداوند واهب‌العطایا به او فرزندی عطا کند، رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي حَيَاتِي وَيَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ مَوْتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ (ختوم و اذکار ج ۲ ص ۳۵۳) و در ص ۳۵۲ نوشته. و به خواص الایات ختم سورهٔ انعام مراجعه شود

این آیات جهت آوردن اولاد

اگر کسی اولاد نمی‌آورد یا سقط می‌شود این شش آیه را بر قدری شکر بخواند و در آب ریزد و بخورد همان شب مواقعه کند انشاءالله او را فرزند آید و در صفحهٔ ۳۵۳ ختوم و اذکار ج ۲ آیات نوشته شده و در ج ۱ ص ۳۳۷ دستوری از علی علیه‌السلام با دعائی وارد شده

نماز کامله برای اولاد رد ندارد

ما شرح نماز کامله را در معراج‌المؤمن صفحهٔ ۱۲۱ و ۱۲۲ نوشتیم و هرکه آن را بخواند خدا به او فرزند می‌دهد پس حتماً کسانی که فرزند ندارند بخوانند حضرت رسول فرموده و اگر مردی برایش فرزند نشود و زنی برایش فرزند نشود این نماز را بخوانند و با

acrshop

این دعا، دعا کنند خداوند به ایشان فرزند روزی فرماید.

اصل نماز این است

رسول خدا فرمود هر کس روز جمعه چهار رکعت نماز پیش از نماز (ظهر) نماید در هر رکعت هریک از سورهٔ حمد و فلق و ناس و توحید و جحد و آیةالکرسی (و قدر و شهدالله) ده بار بخوانید و بعد از نماز صد بار بگوید **استغفرالله ربی و اتوب الیه**، و صد بار گوید: سبحان‌الله والحمدلله و لااله‌الاالله و الله‌اکبر و لاحول‌ولاقوةالابالله‌العلی‌العظیم و بعد یک بار این دعا راکه در صفحهٔ ۳۲۱ معراج‌المؤمن نوشته بخواند آنهمه ثوابها را به او می‌دهند و فرزند عطا فرمایند خداوند توفیق دهد.

دوای شبکوری

شبکوری از کمبود ویتامین آ می‌باشد که در روغن ماهی در جگر در کره در میوه‌های روغنی سیر، پیاز، غلات، اسفناج، کاهو، زردهٔ تخم‌مرغ، گوجه‌فرنگی، هویج، عدس، کنگر، آرتیشو، قارچ، انواع کلم، مرکبات، شلغم، یونجه، دل گوسفند وجود دارد. (۲۰۱/۹)

صفرا و دوای آن

صفرا مایعی است زردرنگ تلخ‌مزه و اگر داخل خون شود یرقان می‌آورد، خوردن هندوانه و سکنجبین مفید است محمد زکریای رازی گوید یکی از نوشابه‌هایی که زیاد مصرف می‌شود سکنجبین است یکی از منافع آن، آن‌است‌که چون سرد بخورند صفرا را می‌برد. آلبالو و گوجه و آلو و سنجد و انگور صفرابر است. (۲۰۷/۹)

دوای فراموشی، هرکه خواهد فراموشی او کم شود زنجبیل را با عسل پرورده هر روز سه قطعه بخورد و خوردن کشمش صبح ناشتا حافظه را تقویت می‌کند چارهٔ فراموشی در ختوم و اذکار ج ۲ ص ۳۴۱ کاملاً نوشته شده است مراجعه شود.

کم‌خونی قلب

عطار ۲۹۳) کم‌خونی قلب از امراض مهمتر قلب است که درد بسیار شدیدی سمت چپ سینه تیر کشیده و درد شدیدی دارد علتش تنگ شدن رگهای قلب است که خون به

آنها نمی‌رسد و از دخانیات به‌وجود می‌آید و جوشاندهٔ سنبل‌الطیب و والریان برای آن نافع است. و برای درد قلب دوازده روز روزی یک لیوان آب سرد ناشتا میل نماید. (۲۸۹)

طپش قلب ۲۰ تا ۶۰ گرم بادآور در یک لیتر آب جوش دم کرده قبل از هر غذا سه قاشق سوپخوری میل کند. (۱۴۸/۱۰)

دکتر گیز گوید من دارویی را به تمام خانواده‌ها توصیه می‌کنم که هرگز از آن غفلت نکنند روزی دو سیب که ۱۵ گرم پکتین به خون شما می‌فرستد و شما را از شر بیماری قرن می‌رهاند.

سنبل‌الطیب در فرانسه صد گرم ریشهٔ سنبل‌الطیب را در آب جوش دوازده ساعت می‌خیسانند و هر روزی دو تا فنجان در بین غذا مصرف می‌کنند برای دم کردن آن ۱۰ گرم در یک لیتر آب و جهت جوشانیده آن ۱۵ تا ۴۰ گرم در یک لیتر آب معین شد. (۱۴۹/۱۰)

یک قاشق قهوه‌خوری تخم بادیان (انسیون) در یک فنجان آب جوش دم کرده بعد از هر غذا یک فنجان بخورد.

ضعف قلب

۱- دارچین جهت رفع ضعف قلب اسهال و سوء هضم مصرف می‌شود. چای دارچین بسیار نافع است ولی افراط نشود. ۲-کاهو با شام صرف کنند یا شصت گرم کاهو را در یک لیتر آب جوشانده قبل از خواب بخورند. ۳- دم‌کردهٔ برگ پرتقال با پوست نارنج و یا بهارنارنج بیست دقیقه دم کنند صاف نموده با عسل بسازند روزی دو استکان میل کنند. ۴- مارچوبه برای طپش قلب نافع. ۵- روکش طلا روی دندانهای آسیا گذارد که مدام آب طلا میل کند اگر سیر نشود حلقه یا سکهٔ طلا را در آب اندازد و آن را در آب بساید برای تقویت قلب میل کند. (۲۸۸/۱۴) شیر گاو و دم‌کردهٔ نعنای آبی (روزی یک فنجان دم‌کرده) بنوشد دم‌کردهٔ قره‌قاط نافع است روزی پنج مثقال شربت بنفشه مصرف کند.

هویج عناب، عسل، کرفس، کدو، انار، زالزالک، سیب‌زمینی مفید قلب است.

درمان قلب باگیاهان

عطا ۲۸۸) ۱- عرق بیدمشک صبح و عصر و شام ۲۵۰ گرم در سه نوبت ۲-گل گاوزبان با سنبل‌الطیب از هریک یک مثقال با نبات (اگر قند ندارد) تا چهل روز بخورد.

acrshop

۳- بهارنارنج و گل سرخ از هریک، یک مثقال بجوشانند صبح با نبات بخورند. ۴- سبزیجات و میوه‌جات زیاد نافع است ریحان مقوی قلب است. ۵- سیب درختی را رنده کنند در عرق بیدمشک و تخم شربتی پالوده نمایند تقویت قلب است. ۶- عسل و مربای بالنگ و شربت به‌لیمو و مربای شقاقل و کمپوت بهارنارنج جهت ضعف قلب نافع است. ۷- جگر سیاه گوسفند را کوبیده با ریحان تازه بپزند معتدل بخورند. ۸- تباشیر صدفی و تخم شربتی و تخم ریحان و فرنجه مشک و تخم بالنگو از هریک، یک مثقال و در یک سیر گلاب و یک سیر عرق بیدمشک بسازند، طباشیر را بسابند و پاک کرده در گلاب بخیسانند با بیدمشک مخلوط و با قدری عسل یا شکر چند روز صبح بخورند. ۹- طباشیر قلمی و صدفی و تباشیر از هر دو مثقال و نبات شش مثقال با سه هل سفید قاووت کنند روزی دو مثقال ناشتا بخورند. ۱۰- جهت درد قلب تا ۱۲ روز ناشتا یک لیوان آب جوشیده سرد بخورد. ۱۱- شنگه علفی تخم‌مرغ کوکو کنند مفید است. ۱۲- برگ تازهٔ کاسنی را کوبیده آب فشردهٔ آن را تا سه روز روزی یک استکان بخورد انشاءالله اینها مفید است. ۱۳- علی علیه‌السلام فرمود برای قلبهای ضعیف دارویی مانند به کم است به به قلب قوت بخشد و ترس را از دلها بزداید. **رسول اکرم** فرمود میوهٔ به جلادهندهٔ قلبهاست میوهٔ به دهان شما را پر از گوشت و قلب شما را از شهامت لبریز و چشمان شما را پرمناعت خواهد کرد. **امام پنجم** علیه‌السلام فرمود به غبار اندوه را از خاطر محو کند چنانکه انگشتان شما چکه‌های عرق را از پیشانی شما می‌برد. (ط مان ۲۱۳)

داروهای مفید قلب

۱- شیرهٔ گل گاوزبان را بگیرند با گرد شاخ گوزن مخلوط روزی قدری بخورند، گل گاوزبان با لیمو دم کرده مزیل غم است (طب مفید ۲۲۸) ۲- عرق بیدمشک مقوی قلب و معده و قوهٔ باه است (طب‌الصادق ۱۸۹) باد آورده جهت ارتعاش اعصاب و اسهال و طپش قلب نافع است. (۱۹۶) ۳- سنبل‌الطیب ده گرم ریشهٔ آن را در یک لیتر بجوشانند کم‌کم بخورند (۲۰۱) ۴- فرنجمشک جهت اعصاب و ضعف قلب مفید است (۲۱۵) ۵- کاکل ذرت جوشانده جهت رفع یبوست و اختلال قلبی نافع پنج گرم شیرهٔ آن را در ۹۸ شربت مخلوط روزی سه گرم بخورد (۲۰۷) ۶- **گل طاووس** مدر مشتهی مقوی اعصای قلب و مصفی خون است یک قاشق قهوه‌خوری در یک لیوان آب جوش نه بیشتر نافع است.

(۲۱۲) یک قاشق **بهارنارنج** در آب جوش ده دقیقه دم کرده هر روز دو یا سه فنجان بنوشد. (۱۰ ده ۱۴۸)

کمبود **پتاسیم** تولید عوارض قلبی و اعصاب می‌کند باید آن را در نظر داشت پتاسیم در برنج و لبنیات و زرشک و گل گاوزبان، ازگیل و انگور، شربت به‌لیمو، پرتقال، موز، نارنج، اسفناج، توت‌فرنگی، سیب یافت می‌شود.

و**گلهای خشک فرنجمشک** دم کرده ۵ گرم تا ۱۵ گرم در یک لیتر آب مقوی قلب و اعصاب و ضدنفخ و درد تشنج و ضدغم و ترس و فراموشی است. (۱۰ ده ۱۵۱)

علت امراض قلب

علل امراض قلب چند چیز است ۱- غصهٔ زیاد ۲- مصائب روزگار و امراض جسمی و فکری مانند ورم معده و سنگینی آن (ترشا) ۳- زهر سیگار و تریاک و مواد مخدر و الکل ۴- فعالیتهای جنسی ۵- خود را در محل خطر انداختن و مشاغل حساس مافوق قدرت قبول کردن ۶- امراض عفونی مانند سفلیس ۷- فشار خون ۸- عصبانیت ۹- زور شنیدن و ستم کشیدن ۱۰- مجادله ۱۱- غذاهای نجس خوردن مانند گوشت خوک ۱۲- اخلاق ناپسند باید به جلد اول راهنمای بهشت مراجعه شود.

فوائد آب‌لیمو در مرض قند

سی درصد لیمو آب و شش تا هشت درصد آن (اسید سیتریک) و بقیهٔ آن ویتامینهای (ب و آ و ث) می‌باشد و آبلیمو خنک‌کننده و ضدعفونی‌کننده و قابض است و پوست آن مقوی و ضدنفخ است و دانه‌های آن کرم‌کش و تب‌بر است و **آبلیمو** ناشتا قبل از غذای ظهر یا قبل از غذای شب مصرف کرد با اینحال از انواع تب و سرفه و تنگی نفس و رماتیسم، درد کمر، ورم کلیه، دیابت و تصلب شرائین شفا دارد. (۹ مفید ۳۷) والله‌اعلم

چارهٔ مرض قند (دیابت)

۱- یک قاشق سوپخوری تخم شنبلیله را در دو فنجان آب جوش ریخته و روی آتش ملایمی به جوش آورند تا یک فنجان آن بخار شود نه روز هر روز صبح ناشتا آن را بنوشید و هفت روز ترک کند و دوباره ادامه دهد (گلهاش ۲۴۶) ۲- سیب‌زمینی تنوری یا با پوست آب‌پز تجویز شده چون با دیدن حرارت مقدار کمی از ویتامین (ث C) آن نفی

acrshop

تبق لا بر تبق لا اب یا مطیعی و أذهب إلی شخص الذی أذانی و حرجنی اضرفوا له إلی اذیته و از عاجه و ضربه حتی برود و یعتذر من خودم

می‌شود.

۳- ترتیزک یا شاهی خام بقدر اعتدال قند داخل خون را بیرون می‌کند (طبیب ۵-۴۱۱) ۴- قراقاط (برگ بو) دم‌کردهٔ آن مفید است (دکتره).

نشان قند زیادی ادرار تا سه برابر سالم و بیش از معمول خوردن غذا و زیاد آب خوردن حس گرسنگی حال خستگی و کم‌کم لاغر می‌شود (دکتر همه ۳۵۸) چون در هویج و شلغم انسولین کشف شده و مرض قند از کم بودن انسولین است لذا آن را تجویز کرده‌اند به‌ویژه آب جوشیده آنها و علت مرض قند از کم خوردن مواد انسولین است و خوردن توت (خشک) و ترب نافع است (دکتر همه ۳۶۲) چون ادرار زیاد شده باید آب زیاد بخورد که جای دیگر آن شود و هر خوردنی که ویتامین (ب B) دارد معالج قند است.

ضررهای قند را بخوانید

قند با کمک داروهای شیمیایی از چغندر گرفته می‌شود و برای اینکه از بدن شما سوخته و نیروی لازم تحویل دهد ناچار این عوامل را از غذاهای دیگر و ذخایر بدن گرفته و انسان را دچار کمبود آنها ساخته و موجب گرسنگی نامرئی گردد و سرانجام صدها مرض ایجاد می‌کند و از غذاهای کشنده محسوب می‌شود، اعصاب را ضعیف و کبد را خراب می‌کند (زبان خوراکیها) (مفید ۳۰۷)

سیلیس عامل استحکام استخوانها و رگها است و با کمک اکسیژن هوا قلب و کلیه‌ها را محکم می‌کند و فقدان آن یکی از علل ایجاد مرض قند است سیلیس جریان خون را به فعالیت وا می‌دارد و تصلب شرائین را معالجه می‌کند و کمبودش در بدن باعث بروز سرطان است (میوبخش ۱۵۶- اسرار خوراکیها ۷۹)

چارهٔ استفراغ و قی انواع معطر باعث تقویت روح و نفس است قی را بند می آورد و خونریزی معده را می‌برد، پسته روده‌ها را جاروب و از قی جلوگیری می‌کند. آبلیمو بهترین ضدعفونی بیماریهای مجاری است هنگام استفراغ آبلیمو بخورد، قی اگر از خون و صفرا باشد (گرمی و رطوبت یا گرمی و خشکی) درمانش سکنجبین با آب گرم بدهند و اگر تب باشد گل نیلوفر را جوشانده صاف کنند و با شکر آمیخته هر ساعت یک قاشق بخورد. اگر تب باشد آب انار یا رب انار با شکر شربت به‌لیمو بنوشند و اگر از سردی و رطوبت باشد شربت نعناع شربت پونه بنوشند (۱۱-۲۳۲ اسرار خوراکیها)

دوای کلیه‌ها

ادرار به‌وسیلهٔ لولهٔ ناقل بول از کلیه وارد مثانه و از آنجا دفع می‌شود کسانی‌که به اختلال کیسه‌ها مبتلا شده‌اند بایـ[illegible]ـی گرم ریشهٔ خشک رازیانه (یا تازه) را ریز کند و در یک لیوان آب جوش پانزده دقیقه دم کنند بعد صاف کرده و شیرین کنند و بعد از هر غذا یک فنجان بنوشند زیرا آن ادرارآور است (۹ مفید ۲۴۱) و اسفناج نیز جلو سرطان را می‌گیرد و محرک کلیه‌ها بوده و فعالیت آنها را زیاد می‌کند.

جهت ورم کلیه، ۱- بار درخت کاج نرم کند مثل چای دم کرده روزی سه استکان صبح و ظهر و شب بخورد. ۲- کاکل ذرت با پر سیاوش و ریشهٔ علیا از هرکدام ۵ گرم جوشانیده ناشتا یک گیلاس بخورد. ۳- مریم‌نخودی و گل بومادران بابونه شیرازی آویشن شیرازی و شوید خشک از هرکدام یک مثقال دم کرده تا سه روز روزی سه استکان صبح و ظهر و شب بخورد.

جهت سردی معده یک سیر شیرهٔ انگور را با آب حل نموده بخورد ولی بعد از بهبود باید چند ساعت استراحت کند و غذا کاچی بخورد که با روغن خوب و آرد گندم برای زائو می پزند.

نسخهٔ کبد یکی از اعضاء مهم و جاذب غذایی چربیها و قندها و مولد سفیده‌ایست که آنها را تغییر شکل می‌دهد و برای سلولها آماده می‌کند. رژیم انگور ده روز و تا سه ماه آب انگور بنوشد گرمک سرشار از ویتامیها (آ- ب- ث) است و ده نوع هورمون دارد و دوست کلیه است و گوجه‌فرنگی برای آن نافع است. **روغن زیتون** برای مبتلایان به درد کبد شفابخش است صبح ناشتا یک قاشق سوپخوری روغن زیتون روده‌ها را چرب کرده و به کبد کمک می‌کند و کیسه صفرا را فعال می‌کند و آلو سیاه نیز کمک کبد است. **ریوند چینی** و کاکل ذرت نیز کبد را قوت می‌دهند (مفید ۲۲۵) زرشک جوشیده و سوسنبر و نعناع نیز کمک کبداند.

کرم معده

مرزه کرمهای معده را و کرم کدو را ساقط می‌کند. **خوردن** بودادهٔ مغز گردو با انزروت برای کرم معده نظیر ندارد. **نخود** را یکشب در سرکه بخیسانند و صبح ناشتا میل کنید به شرط آنکه در آن روز چیز دیگری میل نکنید. بسیار مجرب است برای کشتن کرم معده در

acrshop

آب نخود جوشانیده بنشیند برای اصلاح امراض مقعد و تنقیه رحم و اخراج کرم شکم بهترین دوا است. (۱۵ ها-۱۱۸)

کرم کدو

کرم کدو کرمهای کوچک‌اند که در کیسهٔ جا دارند و تا آن کیسه از بین نرود بتولد خود ادامه می‌دهند چارهٔ آن یک سیر بزرگ را پوست کنده رنده کنید بیست دقیقه آن را در شیر بجوشانده شیر را ناشتا صبح بنوشد و تا ظهر از خوردن هر غذایی خودداری کند و آن را آنقدر ادامه دهد تمام دفع شود (۱۰ ده ۱۸۹) مرزه کرم کدو را ساقط می‌کند تمام لیمو کرم‌کش است آب‌شاهی و ریواس کرم‌کش است.

کرم شکم امام صادق‌علیه‌السلام فرمود هر کس هفت خرمای عجوه در وقت خواب بخورد کرمهای شکمش کشته می‌شوند. (۶۲ بحا ۱۶۵)

دوای دردکمر

۹ مفید ۲۴۵) تخم کرفس را اگر بکوبند با نخود کوبیده و با شکر معجون کنند و بخورند سستی کمر را برطرف می‌کند و قوهٔ باه را تقویت نماید و اگر رماتیسم باشد شربت آبغوره و آش آبغوره که زیاد ترش نباشد مانند سکنجبین و غذاهای ملین نافع است و از خوردن گوشت و تخم‌مرغ و چای کمتر استفاده کند (۲۵ همه ۳۰۴) و روغن زیتون مالیدن و ورزش نرم مفید است.

دعای دردکمر مجرب

دست بر موضع درد گذارد و سه بار بخواند. بسم‌الله الرَّحْمٰنِ الرَّحِیم وَ مٰا کٰانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوتَ اِلّٰا بِاِذْنِ اللهِ کِتٰاباً مُؤَجَّلاً وَ مَنْ یُرِدْ ثَوٰابَ الدُّنْیٰا نُؤْتِهِ مِنْهٰا وَ مَنْ یُرِدْ ثَوٰابَ الْاٰخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهٰا وَ سَنَجْزِی الشّٰاکِرِینَ (۱۴۵/۳) پس هفت بار اناانزلناه را بخواند تا چهل روز ادامه یابد. انشاءالله شفا یابد

چارهٔ لکنت زبان، از عیون اخبارالرضاعلیه‌السلام نقل شده، زیرهٔ سیاه و آویشن شیرازی و زیرهٔ سبز و نمک از هرکدام یک مثقال مخلوط نموده بجوشانند و صاف نموده و غرغره نمایند آنقدر تکرار شود تا نتیجهٔ مطلوب آید. آویشن شیرازی را بجوشانند مانند چای با عسل میل کنند.

جهت فصاحت زبان

جهت فصاحت زبان این آیهٔ شریفه را در دعاهای دست در نمازها و وقت دیگر بخواند چنانکه موسی علیه‌السلام از خداوند تقاضا کرد: رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَ یَسِّرْ لِی اَمْرِی وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسٰانِی یَفْقَهُوا قَوْلِی (۲۰/۲۵)

چارهٔ ورم جابر صومی نوشت (به حضرت صادق) ای فرزند گرامی پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از سر تا قدم مرا باد گرفته دعایی بکن حضرت دعا کرد و نوشت که بر تو باد به سائیدهٔ عنبر و زنبق که با خواست خدا شفاست.

عذرخواهی چون مجمع‌العلوم پرمحتوا و کم‌صفحه بود لذا مؤلف چند صفحه از طب آورد تا کتابی جامع باشد و از حق تعالی جهت خطا و لغزشها طلب آمرزش می‌کنم و می‌گویم همانچه در کتاب خود فرمود (۱۱۷/۲۳) قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ اَنْتَ خَیْرُ الرّٰاحِمِینَ: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ.

ایندعا اسم اعظم دارد، بخوانید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ، رَبِّ اَدْخِلْنِی فِی لُجَّةِ بَحْرِ اَحَدِیَّتِکَ وَ طَمْطٰامِ یَمِّ وَحْدٰانِیَّتِکَ وَ قَوِّنِی بِقُوَّةِ سَطْوَةِ سُلْطٰانِ فَرْدٰانِیَّتِکَ حَتّٰی اَخْرُجَ اِلٰی فَضٰاءِ سَعَةِ رَحْمَتِکَ وَفِی وَجْهِی لَمَعٰاتُ بَرْقِ الْقُرْبِ مِنْ آثٰارِ حِمٰایَتِکَ مَهِیباً بِهَیْبَتِکَ عَزِیزاً بِعِنٰایَتِکَ مُتَجَلِّلاً مُکَرَّماً بِتَعْلِیمِکَ وَ تَزْکِیَتِکَ وَ اَلْبِسْنِی خِلَعَ الْعِزَّةِ وَ الْقَبُولِ وَ سَهِّلْ لِی مَنٰاهِجَ الْوُصْلَةِ وَ الْوُصُولِ وَ تَوِّجْنِی بِتٰاجِ الْکَرٰامَةِ وَالْوَقٰارِ وَ اَلِّفْ بَیْنِی وَ بَیْنَ اَحِبّٰائِکَ فِی دٰارِ الدُّنْیٰا وَ دٰارِ الْقَرٰارِ وَارْزُقْنِی مِنْ نُورِ اسْمِکَ هَیْبَةً وَ سَطْوَةً تَنْقٰادُ لِیَ الْقُلُوبُ وَالْاَرْوٰاحُ وَ تَخْضَعُ لَدَیَّ النُّفُوسُ وَالْاَشْبٰاحُ یٰا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقٰابُ الْجَبٰابِرَةِ وَ خَضَعَتْ لَدَیْهِ اَعْنٰاقُ الْاَکٰاسِرَةِ لٰا مَلْجَأَ وَ لٰا مَنْجٰا مِنْکَ اِلّٰا اِلَیْکَ وَلٰا اِعٰانَةَ اِلّٰا بِکَ وَ لٰا اتِّکٰاءَ اِلّٰا عَلَیْکَ اِدْفَعْ عَنِّی کَیْدَ الْحٰاسِدِینَ وَظُلُمٰاتِ شَرِّ الْمُعٰانِدِینَ وَارْحَمْنِی تَحْتَ سُرٰادِقٰاتِ عَرْشِکَ یٰا اَکْرَمَ الْاَکْرَمِینَ اَیِّدْ ظٰاهِرِی فِی تَحْصِیلِ مَرٰاضِیکَ وَ نَوِّرْ قَلْبِی وَ سِرِّی بِالْاِطِّلٰاعِ عَلٰی مَنٰاهِجِ مَسٰاعِیکَ اِلٰهِی کَیْفَ اَصْدُرُ عَنْ بٰابِکَ بِخَیْبَةٍ مِنْکَ وَ قَدْ وَرَدْتُهُ عَلٰی ثِقَةٍ بِکَ وَ کَیْفَ تُؤْیِسُنِی مِنْ عَطٰائِکَ وَ قَدْ اَمَرْتَنِی بِدُعٰائِکَ وَ هٰا اَنٰا مُقْبِلٌ عَلَیْکَ مُلْتَجِئٌ اِلَیْکَ بٰاعِدْ بَیْنِی وَ بَیْنَ اَعْدٰائِی کَمٰا بٰاعَدْتَ بَیْنَ اَعْدٰائِی اِخْتَطِفْ اَبْصٰارَهُمْ عَنِّی بِنُورِ قُدْسِکَ وَ جَلٰالِ مَجْدِکَ اِنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ الْمُعْطِی جَلٰائِلَ النِّعَمِ الْمُکَرَّمَةِ لِمَنْ نٰاجٰاکَ بِلَطٰائِفِ رَحْمَتِکَ یٰا حَیُّ یٰا قَیُّومُ یٰا ذَا الْجَلٰالِ وَالْاِکْرٰامِ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنٰا وَ نَبِیِّنٰا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِینَ الطَّیِّبِینَ الطّٰاهِرِینَ

acrshop

از محمدبن حارث نوفلی خادم حضرت امام محمدتقی ﷷ منقول است وقتیکه مأمون دختر خود را به حضرت امام محمّدتقی ﷷ تزویج کرد، حضرت برای او نوشت حضرت برای او که از برای هر زنی صداقی است از شوهرش و حقتعالی اموال ما را در آخرت ذخیره نهاده همچنانکه اموال شما را در دنیا به شما داده و من به کابین دختر تو دادم **وسائل الی المسائل** را و آن مناجاتی است که به من داده پدرم و به او رسیده از پدرش جناب موسی بن جعفر و به او رسیده از پدرانشان (یکایک را می‌شمرند تا حضرت علی ﷷ) و باو رسیده از رسولخدا ﷺ که بآن حضرت داد جبرئیل ﷷ وگفت یا محمّد ربّ العزّة تو را سلام می‌رساند و میفرماید این مفاتیح گنجهایِ دنیا و آخرت است آنرا وسیلهٔ خود ساز بسوی مطالب خود تا بمرادِ خود برسی و مطلب تو سرانجام گردد و ایثار مکن آنرا در حاجتهای دنیا که کم می‌گرداند حظّ آخرت را و آن ده وسیله است که بواسطهٔ آن درهای رغبات گشوده میشود و بسبب آنها حاجات طلب کرده می‌شودو بانجام میرسد.

مناجات استخاره (طلب خیر از خدا

اَللّٰهُمَّ اِنَّ خِیَرَتَكَ فیمَا اسْتَخَرْتُكَ فیهِ تُنیلُ الرَّغٰائِبَ وَ تُجْزِلُ الْمَوٰاهِبَ وَ تُغْنِمُ الْمَطٰالِبَ وَ تُطَیِّبُ الْمَکٰاسِبَ وَ تَهْدی اِلیٰ اَجْمَلِ الْمَذٰاهِبِ وَ تَسُوقُ اِلیٰ اَحْمَدِ الْعَوٰاقِبِ وَ تَقی مَخُوفَ النَّوٰائِبِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُكَ فیمٰا عَزَمَ رَأْیی عَلَیْهِ وَ قٰادَنی عَقْلی اِلَیْهِ وَ سَهِّلِ اَللّٰهُمَّ فیهِ مٰا تَوَعَّرَ وَ یَسِّرْ مِنْهُ مٰا تَعَسَّرَ وَ اکْفِنی فیهِ الْمُهِمَّ وَ ادْفَعْ بِهِ عَنّی کُلَّ مُلِمٍّ وَاجْعَلْ یٰا رَبِّ عَوٰاقِبَهُ غُنْماً وَ مَخُوفَهُ سِلْماً وَ بُعْدَهُ قُرْباً وَجَدْبَهُ خِصْباً وَ اَرْسِلِ اَللّٰهُمَّ اِجٰابَتی وَ اَنْجِحْ طَلِبَتی وَاقْضِ حٰاجَتی وَاقْطَعْ عَنّی عَوٰائِقَهٰا وَامْنَعْ عَنّی بَوٰائِقَهٰا وَ اَعْطِنی اَللّٰهُمَّ لِوٰاءَ الظَّفَرِ وَ الْخِیَرَةَ فیمَا اسْتَخَرْتُكَ وَ وُفُورَ الْمَغْنَمِ فیمٰا دَعَوْتُكَ وَ عَوٰائِدَ الْاِفْضٰالِ فیمٰا رَجَوْتُكَ وَاقْرِنْهُ اَللّٰهُمَّ بِالنَّجٰاحِ وَ حُطَّهُ بِالصَّلٰاحِ وَ اَرِنی اَسْبٰابَ الْخِیَرَةِ فیهِ وٰاضِحَةً وَ اَعْلٰامَ غُنْمِهٰا لائِحَةً وَاشْدُدْ خِنٰاقَ تَعْسیرِهٰا وَانْعَشْ صَریعَ تَیْسیرِهٰا وَ بَیِّنِ اَللّٰهُمَّ مُلْتَبَسَهٰا وَ اَطْلِقْ مُحْتَبَسَهٰا وَ مَکِّنْ اُسَّهٰا حَتّیٰ تَکُونَ خِیَرَةً مُقْبِلَةً بِالْغُنْمِ مُزیلَةً لِلْغُرْمِ عٰاجِلَةً لِلنَّفْعِ بٰاقِیَةَ الصُّنْعِ اِنَّكَ مَلیءٌ بِالْمَزیدِ مُبْتَدِئٌ بِالْجُودِ (در وقت تحیّر امور حتماً بخوانید تا خداوند کمک کند

مناجات استقاله (درخواست گذشت از تقصیرات

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الرَّجٰاءَ لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ اَنْطَقَنی بِاسْتِقٰالَتِكَ وَالْاَمَلَ لِاَنٰاتِكَ وَ رِفْقِكَ شَجَّعَنی عَلیٰ طَلَبِ اَمٰانِكَ وَ عَفْوِكَ وَ لی یٰا رَبِّ ذُنُوبٌ قَدْ وٰاجَهَتْهٰا اَوْجُهُ الْاِنْتِقٰامِ وَ خَطٰایٰا قَدْ لاحَظَتْهٰا اَعْیُنُ الْاِصْطِلٰامِ وَ اسْتَوْجَبْتُ بِهٰا عَلیٰ عَدْلِكَ اَلیمَ الْعَذٰابِ وَ

اسْتَحْقَقْتُ بِاجْتِرٰاحِهٰا مُبیرَ الْعِقٰابِ وَ خِفْتُ تَعْویقَهٰا لِاِجٰابَتی وَ رَدَّهٰا اِیّٰایَ عَنْ قَضٰاءِ حٰاجَتی بِاِبْطٰالِهٰا لِطَلِبَتی وَ قَطْعَهٰا لِاَسْبٰابِ رَغْبَتی مِنْ اَجْلِ مٰا قَدْ اَنْقَضَ ظَهْری مِنْ ثِقْلِهٰا وَ بَهَظَنی مِنَ الْاِسْتِقْلٰالِ بِحَمْلِهٰا ثُمَّ تَرٰاجَعْتُ رَبِّ اِلیٰ حِلْمِكَ عَنِ الْخٰاطِئینَ وَعَفْوِكَ عَنِ الْمُذْنِبینَ وَرَحْمَتِكَ لِلْعٰاصینَ فَاَقْبَلْتُ بِثِقَتی مُتَوَکِّلاً عَلَیْكَ طٰارِحاً نَفْسی بَیْنَ یَدَیْكَ شٰاکِیاً بَثّی اِلَیْكَ سٰائِلاً مٰا لٰا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْ تَفْریجِ الْهَمِّ وَ لٰا اَسْتَحِقُّهُ مِنْ تَنْفیسِ الْغَمِّ مُسْتَقیلاً لَكَ اِیّٰایَ وٰاثِقاً مَوْلٰایَ بِكَ اَللّٰهُمَّ فَامْنُنْ عَلَیَّ بِالْفَرَجِ وَ تَطَوَّلْ عَلَیَّ بِسُهُولَةِ الْمَخْرَجِ وَادْلُلْنی بِرَاْفَتِكَ عَلیٰ سَمْتِ الْمَنْهَجِ وَ اَزْلِقْنی بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّریقِ الْاَعْوَجِ وَ خَلِّصْنی مِنْ سِجْنِ الْکَرْبِ بِاِقٰالَتِكَ وَ اَطْلِقْ اَسْری بِرَحْمَتِكَ وَ طُلْ عَلَیَّ بِرِضْوٰانِكَ وَ جُدْ عَلَیَّ بِاِحْسٰانِكَ وَ اَقِلْنی عَثْرَتی وَ فَرِّجْ کُرْبَتی وَ ارْحَمْ عَبْرَتی وَلٰا تَحْجُبْ دَعْوَتی وَاشْدُدْ بِالْاِقٰالَةِ اَزْری وَ قَوِّ بِهٰا ظَهْری وَ اَصْلِحْ بِهٰا اَمْری وَاَطِلْ بِهٰا عُمْری وَارْحَمْنی یَوْمَ حَشْری وَوَقْتَ نَشْری اِنَّكَ جَوٰادٌ کَریمٌ غَفُورٌ رَحیمٌ.

مناجات سفر (در وقت سفر بخوانید، خیر سفر را بخواهید

اَللّٰهُمَّ اِنّی اُریدُ سَفَراً فَخِرْ لی فیهِ وَ اَوْضِحْ لی فیهِ سَبیلَ الرَّأْیِ وَ فَهِّمْنیهِ وَافْتَحْ لی عَزْمی بِالْاِسْتِقٰامَةِ وَاشْمُلْنی فی سَفَری بِالسَّلٰامَةِ وَ اَفِدْنی جَزیلَ الْحَظِّ وَ الْکَرٰامَةِ وَ اکْلَاْنی بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَ الْحِرٰاسَةِ وَ جَنِّبْنی اَللّٰهُمَّ وَعْثٰاءَ الْاَسْفٰارِ وَ سَهِّلْ لی حُزُونَةَ الْاَوْعٰارِ وَاطْوِ لی بِسٰاطَ الْمَرٰاحِلِ وَ قَرِّبْ مِنّی بُعْدَ نَأْیِ الْمَنٰاهِلِ وَ بٰاعِدْ فِی الْمَسیرِ بَیْنَ خُطَی الرَّوٰاحِلِ حَتّیٰ تُقَرِّبَ نِیٰاطَ الْبَعیدِ وَ تُسَهِّلَ وُعُورَ الشَّدیدِ وَ لَقِّنِی اَللّٰهُمَّ فی سَفَری نُجْحَ طٰائِرِ الْوٰاقِیَةِ وَ هَبْنی فیهِ غُنْمَ الْعٰافِیَةِ وَ خَفیرَ الْاِسْتِقْلٰالِ وَ دَلیلَ مُجٰاوَزَةِ الْاَهْوٰالِ وَ بٰاعِثَ وُفُورِ الْکِفٰایَةِ وَسٰانِحَ خَفیرِ الْوِلٰایَةِ وَاجْعَلْهُ اَللّٰهُمَّ سَبَبَ عَظیمِ السِّلْمِ حٰاصِلَ الْغُنْمِ وَ اجْعَلِ اللَّیْلَ عَلَیَّ سِتْراً مِنَ الْآفٰاتِ وَ النَّهٰارِ مٰانِعاً مِنَ الْهَلَکٰاتِ وَاقْطَعْ عَنّی قِطَعَ لُصُوصِهِ بِقُدْرَتِكَ وَاحْرُسْنی مِنْ وُحُوشِهِ بِقُوَّتِكَ حَتّیٰ تَکُونَ السَّلٰامَةُ فیهِ مُصٰاحِبَتی وَ الْعٰافِیَةُ فیهِ مُقٰارِنَتی وَالْیُمْنُ سٰائِقی وَ الْیُسْرُ مُعٰانِقی وَ الْعُسْرُ مُفٰارِقی وَالْفَوْزُ مُوٰافِقی وَالْاَمْنُ مُرٰافِقی اِنَّكَ ذُوا الطَّوْلِ وَ الْمَنِّ وَ الْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَاَنْتَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَبِعِبٰادِكَ بَصیرٌ خَبیرٌ (اگر اینرا بخوانی در سفر بیمه میشوی

acrshop

مناجات طلب رزق (خواستن وسعت زندگی

اَللّٰهُمَّ اَرْسِلْ عَلَیَّ سِجٰالَ رِزْقِكَ مِدْرٰاراً وَ اَمْطِرْ عَلَیَّ سَحٰائِبَ اِفْضٰالِكَ غِزٰاراً وَ اَدِمْ غَيْثَ نَيْلِكَ اِلَیَّ سِجٰالاً وَ اَسْبِلْ مَزِيدَ نِعَمِكَ عَلیٰ خَلَّتي اِسْبٰالاً وَ اَفْقِرْني بِجُودِكَ اِلَيْكَ وَ اَغْنِنِي عَمَّنْ يَطْلُبُ مٰا لَدَيْكَ وَ دٰاوِدٰاءَ فَقْري بِدَوٰاءِ فَضْلِكَ وَانْعَشْ صَرْعَةَ عَيْلَتي بِطَوْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلیٰ اِقْلاٰلي بِكَثْرَةِ عَطٰائِكَ وَ عَلَى اخْتِلاٰلي بِكَرِيمِ حِبٰائِكَ وَ سَهِّلْ رَبِّ سَبِيلَ الرِّزْقِ اِلَيَّ وَ ثَبِّتْ قَوٰاعِدَهُ لَدَيَّ وَ بَجِّسْ لي عُيُونَ سَعَتِهِ بِرَحْمَتِكَ وَ فَجِّرْ اَنْهٰارَ رَغَدِ الْعَيْشِ قِبَلي بِرَأْفَتِكَ وَ اَجْدِبْ اَرْضَ فَقْري وَ اَخْصِبْ جَدْبَ ضُرّي وَاصْرِفْ عَنّي فِي الرِّزْقِ الْعَوٰائِقَ وَاقْطَعْ عَنّي مِنَ الضِّيقِ الْعَلاٰئِقَ وَارْمِني مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ اَللّٰهُمَّ بِاَخْصَبِ سِهٰامِهِ وَاحْبُني مِنْ رَغَدِ الْعَيْشِ بِاَكْثَرِ دَوٰامِهِ وَاكْسُني اَللّٰهُمَّ سَرٰابِيلَ السَّعَةِ وَ جَلاٰبِيبَ الدَّعَةِ فَاِنّي يٰا رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِاِنْعٰامِكَ بِحَذْفِ الْمَضِيقِ وَ لِتَطَوُّلِكَ بِقَطْعِ التَّعْوِيقِ وَ لِتَفَضُّلِكَ بِاِزٰالَةِ التَّقْتِيرِ وَ لِوُصُولِ حَبْلي بِكَرَمِكَ بِالتَّيْسِيرِ وَ اَمْطِرِ اَللّٰهُمَّ عَلَیَّ سَمٰاءَ رِزْقِكَ بِسِجٰالِ الدِّيَمِ وَ اَغْنِني عَنْ خَلْقِكَ بِعَوٰائِدِ النِّعَمِ وَارْمِ مَقٰاتِلَ الْاِقْتٰارِ مِنّي وَاحْمِلْ كَشْفَ الضُّرِّ عَنّي عَلیٰ مَطٰايَا الْاِعْجٰالِ وَاضْرِبْ عَنّي الضِّيقَ بِسَيْفِ الْاِسْتِيصٰالِ وَ اَتْحِفْني رَبِّ مِنْكَ بِسَعَةِ الْاِفْضٰالِ وَامْدُدْني بِنُمُوِّ الْاَمْوٰالِ وَاحْرُسْني مِنْ ضِيقِ الْاِقْلاٰلِ وَاقْبِضْ عَنّي سُوءَ الْجَدْبِ وَابْسُطْ لي بِسٰاطَ الْخِصْبِ وَاسْقِني مِنْ مٰاءِ رِزْقِكَ غَدَقاً وَانْهَجْ لي مِنْ عَمِيمِ بَذْلِكَ طُرُقاً وَ فٰاجِئْني بِالثَّرْوَةِ وَالْمٰالِ وَانْعَشْني بِهِ مِنَ الْاِقْلاٰلِ وَ صَبِّحْني بِالْاِسْتِظْهٰارِ وَ مَسِّني بِالتَّمَكُّنِ مِنَ الْيَسٰارِ اِنَّكَ ذُوالطَّوْلِ الْعَظِيمِ وَالْفَضْلِ الْعَمِيمِ وَ الْمَنِّ الْجَسِيمِ وَ اَنْتَ الْجَوٰادُ الْكَرِيمُ. (با خواندن آن زندگیت وسعت می یابد

مناجات استعاذه (پناه خواستن از خدا

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمّٰاتِ نَوٰازِلِ الْبَلاٰءِ وَ اَهْوٰالِ عَظٰائِمِ الضَّرّٰاءِ فَاَعِذْني رَبِّ مِنْ صَرْعَةِ الْبَأْسٰاءِ وَاحْجُبْني مِنْ سَطَوٰاتِ الْبَلاٰءِ وَ نَجِّني مِنْ مُفٰاجٰاةِ النِّقَمِ وَ اَجِرْني مِنْ زَوٰالِ النِّعَمِ وَ مِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ وَاجْعَلْني اَللّٰهُمَّ في حِيٰاطَةِ عِزِّكَ وَ حِفٰاظِ حِرْزِكَ مِنْ مُبٰاغَتَةِ الدَّوٰائِرِ وَ مُعٰاجَلَةِ الْبَوٰادِرِ اَللّٰهُمَّ رَبِّ وَ اَرْضَ الْبَلاٰءِ فَاخْسِفْهٰا وَ

عَرْصَةَ الْمِحَنِ فَارْجُفْهٰا وَ شَمْسَ النَّوٰائِبِ فَاكْسِفْهٰا وَ جِبٰالَ السُّوءِ فَانْسِفْهٰا وَ كُرَبَ الدَّهْرِ فَاكْشِفْهٰا وَ عَوٰائِقَ الْاُمُورِ فَاصْرِفْهٰا وَ اَوْرِدْني حِيٰاضَ السَّلاٰمَةِ وَاحْمِلْني عَلیٰ مَطٰايَا الْكَرٰامَةِ وَاصْحَبْني بِاِقٰالَةِ الْعَثْرَةِ وَاشْمَلْني بِسَتْرِ الْعَوْرَةِ وَجُدْ عَلَیَّ يٰا رَبِّ بِاٰلاٰئِكَ وَ كَشْفِ بَلاٰئِكَ وَ دَفْعِ ضَرّٰائِكَ وَادْفَعْ عَنّي كَلاٰكِلَ عَذٰابِكَ وَاصْرِفْ عَنّي اَلِيمَ عِقٰابِكَ وَ اَعِذْني مِنْ بَوٰائِقِ الدُّهُورِ وَ اَنْقِذْني مِنْ سُوءِ عَوٰاقِبِ الْاُمُورِ وَاحْرُسْني مِنْ جَمِيعِ الْمَحْذُورِ وَاصْدَعْ صَفٰاةَ الْبَلاٰءِ عَنْ اَمْري وَاشْلُلْ يَدَهُ عَنّي مَدیٰ عُمْري اِنَّكَ الرَّبُّ الْمَجِيدُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ الْفَعّٰالُ لِمٰا تُرِيدُ. (انشاءالله از بلاها ایمن میشوی

مناجات طلب توبه (بازگشت بخدا

اَللّٰهُمَّ اِنّي قَصَدْتُ اِلَيْكَ بِاِخْلاٰصِ تَوْبَةٍ نَصُوحٍ وَ تَثْبِيتِ عَقْدٍ صَحِيحٍ وَ دُعٰاءِ قَلْبٍ قَرِيحٍ وَ اِعْلاٰنِ قَوْلٍ صَرِيحٍ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنّي مُخْلَصَ التَّوْبَةِ وَ اِقْبٰالَ سَرِيعِ الْاَوْبَةِ وَ مَصٰارِعَ تَخَشُّعِ الْحَوْبَةِ وَ قٰابِلْ رَبِّ تَوْبَتي بِجَزِيلِ الثَّوٰابِ وَ كَرِيمِ الْمَآبِ وَ حَطِّ الْعِقٰابِ وَ صَرْفِ الْعَذٰابِ وَ غُنْمِ الْاِيٰابِ وَ سَتْرِ الْحِجٰابِ وَامْحُ اَللّٰهُمَّ مٰا ثَبَتَ مِنْ ذُنُوبي وَاغْسِلْ بِقَبُولِهٰا جَمِيعَ عُيُوبي وَاجْعَلْهٰا جٰالِيَةً لِقَلْبي شٰاخِصَةً لِبَصِيرَةِ لُبّي غٰاسِلَةً لِدَرَني مُطَهِّرَةً لِنَجٰاسَةِ بَدَني مُصَحِّحَةً فِيهٰا ضَمِيري عٰاجِلَةً اِلَى الْوَفٰاءِ بِهٰا بَصِيرَتي وَاقْبَلْ يٰا رَبِّ تَوْبَتي فَاِنَّهٰا تَصْدُرُ مِنْ اِخْلاٰصِ نِيَّتي وَ مَحْضٍ مِنْ تَصْحِيحِ بَصِيرَتي وَ احْتِفٰالٍ في طَوِيَّتي وَ اجْتِهٰاداً في نَقٰاءِ سَرِيرَتي وَ تَثْبِيتاً لِاِنٰابَتي وَ مُسٰارِعَةً اِلیٰ اَمْرِكَ بِطٰاعَتي وَاجْلُ اَللّٰهُمَّ بِالتَّوْبَةِ عَنّي ظُلْمَةَ الْاِصْرٰارِ وَامْحُ بِهٰا مٰا قَدَّمْتُهُ مِنَ الْاَوْزٰارِ وَاكْسُني لِبٰاسَ التَّقْویٰ وَ جَلاٰبِيبَ الْهُدیٰ فَقَدْ خَلَعْتُ رِبْقَ الْمَعٰاصي عَنْ جِلْدي وَ نَزَعْتُ سِرْبٰالَ الذُّنُوبِ عَنْ جَسَدي مُسْتَمْسِكاً رَبِّ بِقُدْرَتِكَ مُسْتَعِيناً عَلیٰ نَفْسي بِعِزَّتِكَ مُسْتَوْدِعاً تَوْبَتي مِنَ النَّكْثِ بِخَفْرَتِكَ مُعْتَصِماً مِنَ الْخِذْلاٰنِ بِعِصْمَتِكَ مُقٰارِناً بِهِ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ اِلاّٰ بِكَ. (بر همه توبه لازمست

مناجات طلب حجّ (حقیقی واقعی

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی الْحَجَّ الَّذي افْتَرَضْتَهُ عَلیٰ مَنِ اسْتَطٰاعَ اِلَيْهِ سَبِيلاً وَاجْعَلْ لي فِيهِ هٰادِياً وَ اِلَيْهِ دَلِيلاً وَ قَرِّبْ لي بُعْدَ الْمَسٰالِكِ وَ اَعِنّي عَلیٰ تَأْدِيَةِ الْمَنٰاسِكِ وَ حَرِّمْ

acrshop

۳۱۳۴۸۹۱ عدد قرآن ارزا و فاق

۳۱۳۴۴۸۹۱ = صحیح

بِاِحْرامي عَلَى النّارِ جَسَدي وَ زِدْ لِلسَّفَرِ قُوَّتي وَ جَلَدي وَارْزُقْني رَبِّ الْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالْاِفاضَةَ اِلَيْكَ وَاَظْفِرْني بِالنُّجْحِ بِوافِرِ الرِّبْحِ وَ اَصْدِرْني رَبِّ مِنْ مَوْقِفِ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ اِلى مُزْدَلَفَةِ الْمَشْعَرِ وَ اجْعَلْها زُلْفَةً اِلى رَحْمَتِكَ وَ طَريقاً اِلى جَنَّتِكَ وَ قِفْني مَوْقِفَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ مَقامَ وُقُوفِ الْاِحْرامِ وَ اَهِّلْني لِتَأْدِيَةِ الْمَناسِكِ وَ نَحْرِ الْهَدْيِ التَّوامِكِ بِدَمٍ يَثُجُّ وَ اَوْداجٍ تَمُجُّ وَ اِراقَةِ الدِّماءِ الْمَسْفُوحَةِ وَ الْهَدايَا الْمَذْبُوحَةِ وَ فَرْيِ اَوْداجِها عَلى ما اَمَرْتَ وَ التَّنَفُّلِ بِها كَما وَسَمْتَ وَ اَحْضِرْني اَللّٰهُمَّ صَلوةَ الْعيدِ راجِياً لِلْوَعْدِ خائِفاً مِنَ الْوَعيدِ حالِقاً شَعْرَ رَأْسي وَ مُقَصِّراً وَ مُجْتَهِداً في طاعَتِكَ مُشَمِّراً رامِياً لِلْجِمارِ بِسَبْعٍ بَعْدَ سَبْعٍ مِنَ الْاَحْجارِ وَ اَدْخِلْنِي اَللّٰهُمَّ عَرْصَةَ بَيْتِكَ وَعَقْوَتِكَ وَمَحَلِّ اَمْنِكَ وَ كَعْبَتِكَ وَمَساكينِكَ وَسُؤّالِكَ وَ مَحاويجِكَ وَجُدْ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ بِوافِرِ الْاَجْرِ مِنَ الْاِنْكِفاءِ وَ النَّفْرِ وَاخْتِمْ اَللّٰهُمَّ مَناسِكَ حَجّي وَانْقِضاءَ عَجّي بِقَبُولٍ مِنْكَ لي وَ رَأْفَةٍ مِنْكَ بي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ. (هرروز بخوان تاحج روزيت شود

مناجات كشف ظلم (از بين بردن ستم

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ظُلْمَ عِبادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ في بِلادِكَ حَتّى اَماتَ الْعَدْلَ وَ قَطَعَ السُّبُلَ وَ مَحَقَ الْحَقَّ وَ اَبْطَلَ الصِّدْقَ وَ اَخْفَى الْبِرَّ وَ اَظْهَرَ الشَّرَّ وَ اَخْمَدَ التَّقْوى وَ اَزالَ الْهُدى وَ اَزاحَ الْخَيْرَ وَ اَثْبَتَ الضَّيْرَ وَ اَنْمَى الْفَسادَ وَ قَوَّى الْعِنادَ وَ بَسَطَ الْجَوْرَ وَ عَدَى الطَّوْرَ اَللّٰهُمَّ يا رَبِّ لا يَكْشِفُ ذلِكَ اِلاّ سُلْطانُكَ وَ لا يُجيرُ مِنْهُ اِلاَّ امْتِنانُكَ اَللّٰهُمَّ رَبِّ فَابْتُرِ الظُّلْمَ وَ بُتَّ حِبالَ الْغَشْمِ وَ اَخْمِدْ سُوقَ الْمُنْكَرِ وَ اَعِزَّ مَنْ عَنْهُ يَنْزَجِرُ وَاحْصُدْ شَأْفَةَ اَهْلِ الْجَوْرِ وَ اَلْبِسْهُمُ الْحُورَ بَعْدَ الْكَوْرِ وَ عَجِّلِ اللّٰهُمَّ اِلَيْهِمُ الْبَياتَ وَ اَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمَثُلاتِ وَ اَمِتْ حَيوةَ الْمُنْكَرِ لِيُؤْمَنَ الْمَخُوفُ وَ يَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ وَ يَشْبَعَ الْجائِعُ وَ يُحْفَظَ الضّائِعُ وَ يَأْوَى الطَّريدُ وَ يَعُودَ الشَّريدُ وَ يُغْنَى الْفَقيرُ وَ يُجارَ الْمُسْتَجيرُ وَ يُوَقَّرَ الْكَبيرُ وَ يُرْحَمَ الصَّغيرُ وَ يُعَزَّ الْمَظْلُومُ وَ يُذَلَّ الظّالِمُ وَ يُفَرَّجَ الْمَغْمُومُ وَ تَنْفَرِجَ الْغَمّاءُ وَ تَسْكُنَ الدَّهْماءُ وَ يَمُوتَ الْاِخْتِلافُ وَ يَعْلُوَ الْعِلْمُ وَ يَشْمُلَ السِّلْمُ وَ يُجْمَعَ الشَّتاتُ وَ يَقْوَى الْايمانُ وَ يُتْلَى الْقُرْآنُ اِنَّكَ اَنْتَ الدَّيّانُ الْمُنْعِمُ الْمَنّانُ. (براى نجات از ظالم بخوانيد

مناجات شكر خدا

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلى مَرَدِّ نَوازِلِ الْبَلاءِ وَ مُلِمّاتِ الضَّرّاءِ وَ كَشْفِ نَوائِبِ اللَّأْواءِ وَ تَوالي سُبُوغِ النَّعْماءِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلى هَنيءِ عَطائِكَ وَ مَحْمُودِ بَلائِكَ وَ جَليلِ آلائِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلى اِحْسانِكَ الْكَثيرِ وَ خَيْرِكَ الْغَزيرِ وَ تَكْليفِكَ الْيَسيرِ وَ دَفْعِ الْعَسيرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ عَلى تَثْميرِكَ قَليلَ الشُّكْرِ وَ اِعْطائِكَ وافِرَ الْاَجْرِ وَ حَطِّكَ مُثْقَلَ الْوِزْرِ وَ قَبُولِكَ ضَيِّقَ الْعُذْرِ وَ وَضْعِكَ باهِضَ الْاِصْرِ وَ تَسْهيلِكَ مَوْضِعَ الْوَعْرِ وَ مَنْعِكَ مُفْظِعَ الْاَمْرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْبَلاءِ الْمَصْرُوفِ وَ وافِرِ الْمَعْرُوفِ وَ دَفْعِ الْمَخُوفِ وَ اِذْلالِ الْعَسُوفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلى قِلَّةِ التَّكْليفِ وَ كَثْرَةِ التَّخْفيفِ وَ تَقْوِيَةِ الضَّعيفِ وَ اِغاثَةِ اللَّهيفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلى سَعَةِ اِمْهالِكَ وَ دَوامِ اِفْضالِكَ وَ صَرْفِ اِمْحالِكَ وَ حَميدِ اَفْعالِكَ وَ تَوالي نَوالِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلى تَأْخيرِ مُعاجَلَةِ الْعِقابِ وَ تَرْكِ مُغافَصَةِ الْعَذابِ وَ تَسْهيلِ طَريقِ الْمَآبِ وَ اِنْزالِ غَيْثِ السَّحابِ اِنَّكَ الْمَنّانُ الْوَهّابُ. (براى دوام نعمت خواندنِ آن لازمست

مناجات طلب حوائج

جَديرٌ مَنْ اَمَرْتَهُ بِالدُّعاءِ اَنْ يَدْعُوَكَ وَ مَنْ وَعَدْتَهُ بِالْاِجابَةِ اَنْ يَرْجُوَكَ وَ لِيَ اَللّٰهُمَّ حاجَةٌ قَدْ عَجَزَتْ عَنْها حيلَتي وَ كَلَّتْ فيها طاقَتي وَ ضَعُفَ عَنْ مَرامِها قُوَّتي وَ سَوَّلَتْ لي نَفْسِيَ الْاَمّارَةُ بِالسُّوءِ وَ عَدُوِّيَ الْغَرُورُ الَّذي اَنَا مِنْهُ مَبْلُوٌّ اَنْ اَرْغَبَ اِلَيْكَ فيها اَللّٰهُمَّ وَ اَنْجِحْها بِاَيْمَنِ النَّجاحِ وَ اهْدِها سَبيلَ الْفَلاحِ وَ اشْرَحْ بِالرَّجاءِ لِاِسْعافِكَ صَدْري وَ يَسِّرْ في اَسْبابِ الْخَيْرِ اَمْري وَ صَوِّرْ اِلَيَّ الْفَوْزَ بِبُلُوغِ ما رَجَوْتُهُ بِالْوُصُولِ اِلى ما اَمَّلْتُهُ وَ وَفِّقْنِي اَللّٰهُمَّ في قَضاءِ حاجَتي بِبُلُوغِ اُمْنِيَّتي وَ تَصْديقِ رَغْبَتي وَ اَعِذْني اَللّٰهُمَّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَيْبَةِ وَ الْقُنُوطِ وَ الْاَناةِ وَ التَّثْبيطِ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْمَنائِحِ الْجَزيلَةِ وَفِيٌّ بِها وَ اَنْتَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ بِعِبادِكَ خَبيرٌ بَصيرٌ. (براى خواستن هر حاجتى بخوانيد

حجاب حضرت امام جعفر صادق عليه السّلام

يا مَنْ اِذَا اسْتَعَذْتُ بِهِ اَعاذَني وَ اِذَا اسْتَجَرْتُ بِهِ عِنْدَ الشَّدائِدِ اَجارَني وَ اِذا

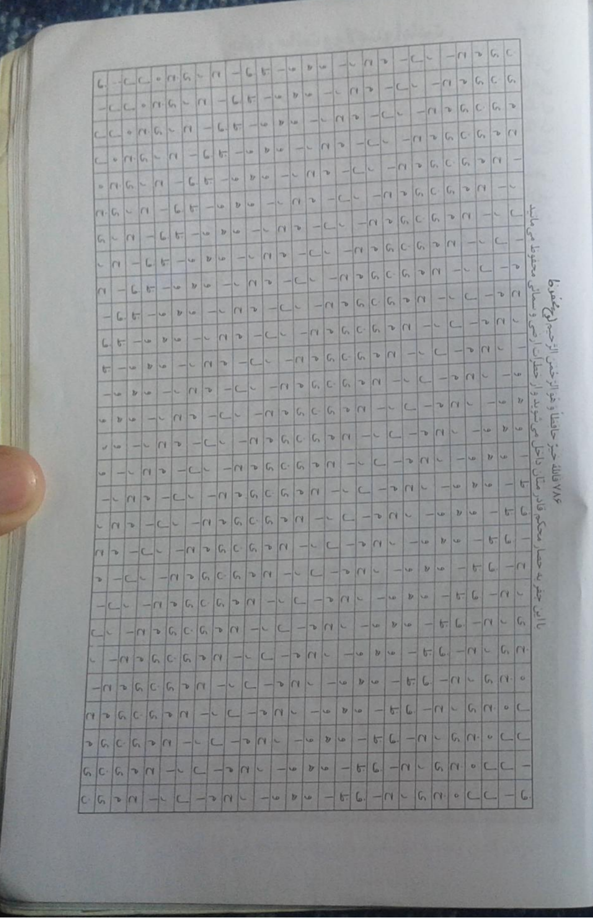

اسْتَغَثْتُ بِهِ عِنْدَ النَّوائِبِ اَغاثَني وَ اِذا اسْتَنْصَرْتُ بِهِ عَلىٰ عَدُوّي نَصَرَني وَ اَغاثَني اِلَيْكَ الْمَفْزَعُ وَ اَنْتَ الثِّقَةُ فَاقْمَعْ عَنّي مَنْ اَرادَني وَاغْلِبْ لي مَنْ كادَني يا مَنْ قالَ اِنْ يَنْصُرْكُمُ اللهُ فَلا غالِبَ لَكُمْ يا مَنْ نَجّا نُوحاً مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمينَ يا مَنْ نَجّا لُوطاً مِنَ الْقَوْمِ الْفاسِقينَ يا مَنْ نَجّا هُوداً مِنَ الْقَوْمِ الْعادينَ يا مَنْ نَجّا مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنَ الْقَوْمِ الْكافِرينَ نَجِّني مِنْ اَعْدائي وَ اَعْدائِكَ بِاَسْمائِكَ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ لا سَبيلَ لَهُمْ عَلىٰ مَنْ تَعَوَّذَ بِالْقُرْآنِ وَ اسْتَجارَكَ بِالرَّحيمِ الرَّحْمٰنِ الرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوىٰ اِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَديدٌ اِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَ يُعيدُ وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ذُو الْعَرْشِ الْمَجيدُ فَعّالٌ لِما يُريدُ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ (برای نجات از بلاء مؤثر است

حجاب حضرت امام موسی علیه السّلام

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لا يَمُوتُ وَ تَحَصَّنْتُ بِذِي الْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ وَاسْتَعَنْتُ بِذِي الْكِبْرِياءِ وَ الْمَلَكُوتِ مَوْلايَ اسْتَسْلَمْتُ اِلَيْكَ فَلا تُسْلِمْني وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَلا تَخْذُلْني وَ لَجَأْتُ اِلىٰ ظِلِّكَ الْبَسيطِ فَلا تَطْرَحْني اَنْتَ الْمَطْلَبُ وَ اِلَيْكَ الْمَهْرَبُ تَعْلَمُ ما اُخْفي وَ ما اُعْلِنُ وَ تَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ ما تُخْفِي الصُّدُورُ فَاَمْسِكْ عَنّي اَللّٰهُمَّ اَيْدِي الظّالِمينَ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ اَجْمَعينَ وَاشْفِني وَ عافِني يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ (جهت حفظ از ظلمه و جن و انس بخوانید

حجاب حضرت امام محمد تقی علیه السّلام

اَلْخالِقُ اَعْظَمُ مِنَ الْمَخْلُوقينَ وَالرّازِقُ اَبْسَطُ يَداً مِنَ الْمَرْزُوقينَ وَ نارُ اللهِ الْمُوصَدَةُ في عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ تَكيدُ اَفْئِدَةَ الْمَرَدَةِ وَ تَرُدُّ كَيْدَ الْحَسَدَةِ بِالْاَقْسامِ بِالْاَحْكامِ بِاللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَ الْحِجابِ الْمَضْرُوبِ بِعَرْشِ رَبِّنَا الْعَظيمِ احْتَجَبْتُ وَاسْتَتَرْتُ وَ اسْتَجَرْتُ وَاعْتَصَمْتُ وَ تَحَصَّنْتُ بِالٓمٓ وَ بِكٓهيٰعٓصٓ وَ بِطٰهٰ وَ بِطٰسٓمٓ وَ بِحٰمٓ وَ بِحٰمٓعٓسٓقٓ وَ نُونٓ وَ بِطٰسٓ وَ بِقٓ وَ الْقُرْآنِ الْمَجيدِ وَ اِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظيمٌ وَاللهُ وَلِيّي وَ نِعْمَ الْوَكيلُ (پناه بردن بخداوند است از عذابهای آخرت و باید از این مناجاتها شب و روز استفاده کرد

در مشهد در عیدگاه محلی بود به نام محلهٔ جدیدها که یهودیان ساکن بودند کوچهٔ جدیدها، حوض جدید، حیطهٔ جدیدها معروف بود، گاهی بچه‌هایی از مسلمین را مخفیانه می‌بردند و (می‌کشتند و) محمدی میکردند شرحی دارد و کسی آن بچه را نمی‌یافت تا اینکه به توفیقات الهی زمینی وقفی در آن محله بدست آورده و با کمک مؤمنین در سنهٔ ۱۳۷۶ قمری برابر با ۱۳۳۸ شمسی بنام محمدیه ساخته و مدرسهٔ علمی کردم و انصار فاطمی در آنجا مستمر مجالس برقرارداشت و این کارت کمک آنست که دارای اسم اعظم و آیات می‌باشد و در هر خانه و مکان و محلی باشد آنجا از بلا ایمن است و نمونهٔ طرح خط حقیر می‌باشد و برابر کلمهٔ حق ۱۰۸ یاالله دورش دارد.

، قال الإمام الخوارزمی رحمه الله تعالی إن أصل العلم وأجله وأقواه وأعظمه وأسناه علم أسرار الحروف الثمانية والعشرين حرفا ، المركبة على العناصر الأربعة التی هی قوام الدنيا ، وأسرارها وبراهينها ظاهرات وطبائعها وإضماراتها وملائكتها ورموزها مشكلات لاتهتدی إليها العقول إلا عقول الحكماء الراسخين فی العلم فمن اطلع عليها وانكشف له سرها وفهم تصريفها حصل له المطلوب ونال بسرها المرغوب لكن يجب عليه أن يتوقى الفساد ، وها أنا أفتح لك الباب وأكشف لك الحجاب وأفسره وأبينه لك واضحا مشروحا والله الموفق للصواب فأقول :

أول الحروف حرف الألف وخادمه الرئيس الأكبر رئيس ملائكة الحروف: هطمهطلقيائيل وإضماره هدهيون شلهميد طمخللش بهلبلخ .

حرف الباء وخادمه الملك جرمهيائيل وإضماره كشمشخ هبلخ مهلشط .

حرف الجيم وخادمه الملك طلقطيائيل وإضماره هدمخ هملشلخخ

حرف الدال وخادمه الملك سكمهيائيل وإضماره هلطف مهللخ شويد شلطط

حرف الهاء وخادمه الملك عفريائيل وإضماره ذبحط همكيك مشطيطع .

حرف الواو وخادمه الملك طونيائيل وإضماره مهددوه شلتموخ براخ .

حرف الزای وخادمه الملك علمشيائيل وإضماره معدرش هطاطيم مهط .

حرف الحاء وخادمه الملك طغيائيل وإضماره دهليخ كمشلاطخ .

حرف الطاء وخادمه الملك عصطيائيل وإضماره شمهط ملشخ ملخش طمه .

حرف الياء وخادمه الملك هردقيل وإضماره دمغيغ هلنهف شويدخ .

حرف الكاف وخادمه الملك شمهيائيل وإضماره شفرود هميطا خطش .

حرف اللام وخادمه الملك طهطيائيل وإضماره غغيط طهمش خلشدم .

حرف الميم وخادمه الملك شراخيل وإضماره حجمشط كلشياط مدمخ .

حرف النون وخادمه الملك صعريائيل وإضماره شغيغ دلحم بهيط .

حرف السين وخادمه الملك هطغيل وإضماره مسطع عطلد خيم علطل .

حرف العين وخادمه الملك شرهيل وإضماره لحطم غديف أرزد .

حرف الفاء وخادمه الملك شطاطيل وإضماره كيطم رزطش هخيط .

حرف الصاد وخادمه الملك هرديال وإضماره شروخ همش .

حرف القاف وخادمه الملك عزقيل وإضماره غدغص طلحياش .

حرف الراء وخادمه الملك دهرابيل وإضماره علطف علميخ دبغوم

حرف الشين وخادمه الملك خردیائیل وإضماره شطيف كهيل :

دراه كسب مطلوب مشروع

حرف الثاء وخادمه الملك سرعويل وإضماره شهير هتغيل طونش :

حرف الثاء وخادمه الملك جنشيائيل وإضماره كدروس طغمتيث .

حرف الحاء وخادمه الملك عمليل وإضماره عمطيار واكيش راكيش دهويط .

حرف الذال وخادمه الملك رفتعيائيل وإضماره علكمهمص صهدع نهلطط .

حرف الضاد وخادمه الملك كلغيائيل وإضماره يوخ روخ أموش طمثلشيط مبضوع .

حرف الظاء وخادمه الملك طرخيائيل وإضماره هميطيواش معد مشط .

حرف الغين وخادمه الملك سلكفيل وإضماره أشعطلتف هيوط شطلطف كتلكشفد .

فهذه أسماء ملائكة الحروف وإضماراتها ولنذكر لك شيئا من تصاريفها وكيفية الحصول على المراد بواسطتها فنقول : إذا أردت أن تجلب روحانية إنسان من قرب أو بعد فارسم الدائرة الآتية في ورقة بمسك وزعفران وماء ورد وضعها في حائط شرقية ودقها بمسامير صغيرة في كل حرف مسمارا وتكلم بالقسم الآتي سبع مرات وأنت تبخر بعود لبان ذكر وجاوي فيأتيك المطلوب خاضعا منقادا لطاعتك هذا إذا كان المطلوب خارج بلدك وإن كان فيها فدق في أول حرف مسمارا واقرأ القسم سبعا واصبر عليه مسافة الطريق فإن لم يأتك فانقل المسمار إلى حرف غيره وهكذا إلى أن يأتيك في حرف منها فاعلم أنه سره ومتى عدت إلى طلبه فيكون بواسطته وذلك لا يتجاوز تسعة أحرف منها وهي الألف والطاء وما بينهما ويلزمك أيضا أن تذكر أسماء ملوك هذه الأحرف التسعة وإضماراتها آخر القسم في كل أعمالك كما ينبغي لك أن تكتب إضمار حرف الألف في كفك وأسماء ملائكة الباء والجيم والدال والهاء في أربعة أركان الدائرة واسم ملك الألف في صدر الشعباذ كما ستراه في الدائرة قريبا إن شاء الله تعالى . اعلم أن هذه الأحرف التسعة هي المستخرجة من أسفار القدماء الأول وقد عمل بها الحكماء الأقدمون والعلماء الأولون في مدة القرون السالفة من الطلاسم ما لا يحصى وأظهروا بها من الأسرار ما لا يستقصى وتبعهم كثير من المتأخرين حتى استطالوا بها على الأرواح الروحانية وقهروهم بواسطتها ولها تصاريف وشرح طويل لا تسعه هذه الورقات . واعلم أيها الطالب وفقني الله وإياك وهدانا لما فيه الخير والفلاح وأبدا بلطيف الأسرار وعظيم النجاح أن هذه الدائرة هي أصل العلم وأساسه وكل ما سواها هباء منثورا وحق فالق الحب وبارىء النسم إنها لهي الكنز الأعظم والسر المطلسم ومن عرفها ووقف على أسرارها استغنى بها عن غيرها فعليك بتقوى الله تنل النجاح والفلاح وإياك وهتك المخدرات وقتل الأنفس فإن الله غيور على عباده واحذر الكذب وإلا فالحجاب إن أسدل عليك حرمته من الأسرار ولا فلاح بعد الحجاب ، وهذه صفة الدائرة كما تراها في الصفحة التالية : والله أعلم

بدانكه . شرط قبول شدن تقوى ودعوات وطاعات ولايت على بن ابيطالب وائمه اطهار عليهم السلام

این خاتم با زعفران بر ظرفی نوشته و محو دارن وابا آب باران بشوید ... شود

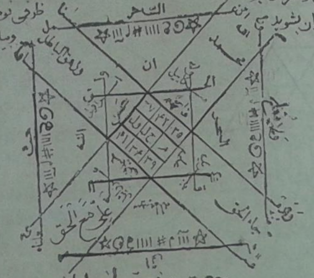

جهت دفع قولنج وامراض

ومن الدرر الثمينة لإزالة الحيضار وهو داء البطن ويسمى القولنج تكتب الدائرة الآتية في ورقة وتعلقها على المريض به فإنه يبرأ بإذن الله تعالى ، وهذه صورته كما ترى :

جهت دفع قولنج باذن خداوند

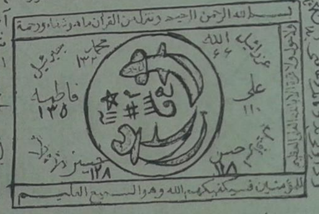

آنرا نوشته بخود آويزد شفا مى يابد انشاء الله .

ومنها لإزالة جميع الأوجاع تكتب الخاتم الآتي في إناء وتقرأ عليه آيات الشفاء بعد أن تمحوه بماء عذب ثم تغسل به العضو المريض فإنه يشفى بقدرة الله تعالى .

وكذلك من كتبه في ورقة نقية وعلقها على محل الوجع زال ألمه بإذن الله تعالى وهذه صورته .

دفع جميع امراض

د	ج	م	ن	[illegible]	ر	ح	ي	ر
٤١	٤٩	٢٠١	٧	ال ل ه ل طى ف ب ع باده	١١	٣٩	٢٠١	٧
٤٨	٣٨	١٠	٢٠٢	ل م ر ق ف ن ج ك	٣٨	٨	١٠	٢٠٢
٩	٢٠٣	٤٧	٣٩	[illegible]	٩	٢٠٣	٣٦	٩

ومن الخواص العزيزة لإظهار تأثير الأعمال تكتبه بهذه الكيفية :

acrshop

جلب زوج جهت رسیدن بمطلوب باخوردارد + مشتری + سعادارد

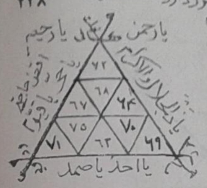

ومن كتب الخاتم الآتى فى أول ساعة من يوم الجمعة وكتب حوله البيت خمس مرات وحمله معه نال كل ما ذكرناه ، وهذه صفته كما ترى :

ومن حمله وتوجه فى حاجة قضيت . وإن علق على تجارة ربحت وأقبل عليها الزبون . وإن علق على وجع زال وجعه . وإن علق على البنت البائرة تزوجت . وإن علق على المربوط زال ضرره :

قوله : (وأحيى إلهى القلب من بعد موته بذكرك يا قوم حقا تقومت) البيتين من كتبهما فى إناء طاهر ثلاث مرات ومحاه بالماء وشربه شفى من النسيان والنهان وخفقان القلب وزكى عقله . روزی ١٩٤ بار یاحی یا قیوم دل را منور میکند

ومن واظب على قراءتهما كل يوم خمسة عشر مرة طهر الله قلبه من الغل والحقد والحسد والعجب والكبر والأخلاق الذميمة ورزقه القوة فى الفهم والعلم والحكمة وأعطاه الهيبة والقبول ونفاذ الكلمة عند الأمراء والحكام .

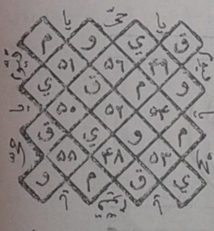

ومن أكثر من ذكرهما بلا عدد أقام الله تعالى ذكره ظاهرا وباطنا وإن كان صاحب حالة صادقة أقام الله به كل شىء :

ومن كتب وفقه الآتى فى الساعة الأولى من يوم الجمعة وهو مستقبل القبلة وأمسكه عنده وداوم على ذكر هذين البيتين فى كل يوم ثمانية عشر مرة أحيا الله تعالى قلبه وذكره إن كان خاملا وأجرى رزقه إن كان قليلا ؛ وهذه صفة الوفق كما ترى :

ومن كتب الوفق الآتى فى الساعة الأولى من يوم الاثنين والقمر فى شرفه وكتب حوله الرمت هكذا وحمله معه احيا الله قلبه وكثر رزقه واقامه فى الطاعات وايده بالاخلاص وظهر النور على ظاهره وباطنه جهت احياء زیادی رزق واخلاص و هنگام ذکر کردن قیوم بگوید همان

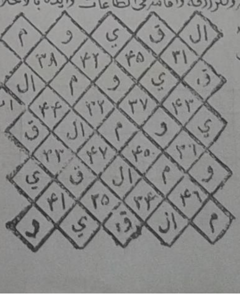

طلب واقامه طاعت و نورانیت دل بالخوردارد باید متصل یاحی یاقیوم انشاء الله به مطلوب میرسد

کارگشائی داشتن این لوح تشویق لازم دارد

جهت ایجاد محبت بین دو خصم

وإذا كان اثنان متخاصمين فى مكان واحد وأردت التأليف بينهما فارسم الشعباذ الآتى واكتب حوله أسماء خدام الحروف التى فى باطنه ووكلهم بالتأليف بينهم واقسم عليهم باضماراتها ، ثم ادفن الشعباذ فى مكان اجتماعهما فانهما يتحابان ولا يتخاصمان بعد ذلك أبدا ، وهذه صورته كما ترى :

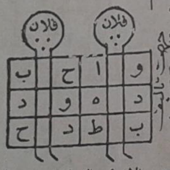

جهت تفرقه بین ظلمه

وإذا اردت إلقاء العداوة بين اثنين مجتمعين على الفسق والإفساد والفساد فصور هذا الشعباذ فى كاغد بمداد وماء كراث واكتب اسميهما فى جبهته واغرز فى الجهة اليمنى ناب كلب وفى اليسرى ناب قط واكتب أسماء ملائكة الأحرف التى بباطن الشعباذ فى ظهره معكوسة وتقول بحق هذه الأسماء فرقوا بين كذا وكذا لا يجتمعان حتى يلج الجمل فى سم الخياط ولا يصطلحان حتى تقوم الموتى من قبورهم وينفخ إسرافيل فى الصور ، ثم ادفن الشعباذ فى مكانهما أو محل مرورهما فانهما يفترقان ولا يجتمعان مادام مدفونا ، وهذه صفته كما ترى : ولا تأثير فى الحرام

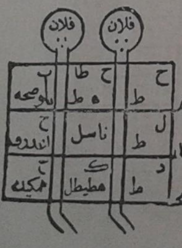

جهت حاجت مهم باخوددارد

ومن كانت له حاجة مهمة يريد قضاءها فليرسم المسبع الآتى بشرط أن يكتب بيوت الفاء فى يوم الأحد أول ساعة منه وبيوت الجيم فى يوم الاثنين كذلك وبيوت الشين فى يوم الثلاثاء كذلك وبيوت الثاء فى يوم الأربعاء كذلك وبيوت الظاء فى يوم الخميس كذلك وبيوت الخاء فى يوم الجمعة كذلك وبيوت الزاى فى يوم السبت كذلك ، وبعد تمام الكتابة فى اليوم السابع وما قبله من الأيام يعلقه فى سبية من الرمان ويقرأ عليه سورة الإخلاص ألفا وخمسمائة ثم العزيمة الجليلة ثلاث مرات ثم فى صباح اليوم الثامن تكتب حوله البسملة والفاتحة ثلاث مرات وتوكل الملوك السبعة بقضاء حاجتك وتقسم عليهم بالأملاك السبعة ، هكذا أجب يامذهب بحق الملك الغالب أمره عليك رقوقيائيل وأنت ياأبيض بحق الملك الغالب أمره عليك جبرئيل وأنت ياأحمر بحق الملك الغالب أمره عليك سمسمائيل وأنت يابرقان بحق الملك الغالب أمره عليك ميكائيل وأنت ياشمهورش بحق الملك الغالب أمره عليك صرفيائيل وأنت يازوبعة بحق الملك الغالب أمره عليك عنيائيل وأنت ياميمون بحق الملك الغالب أمره عليك كسفيائيل أجيبوا وافعلوا كذا وكذا ، ثم تحمله أو تعلقه على صاحب الحاجة فانها تقضى بإذن الله تعالى والبخور مدة العمل لبان ذكر ومصطكى ، وهذه صفة المسبع كما ترى :

١٧٦

وإذا كتبت هذا المسبع بالصفة الآتية وهى هذه :

جهت رسيدن بحاجت ها

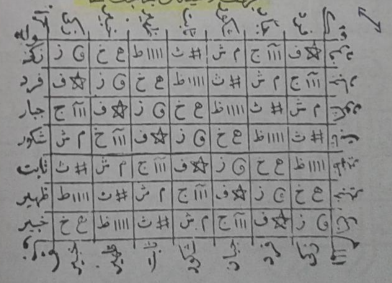

این خاتم خواص زیادی دارد جهت قضاء حوائج نوشته باخوددارد

ب	ط	د
ز	ه	ج
و	ا	ح

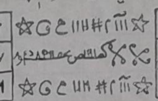

٢	٩	٤
٧	٥	٣
٦	١	٨

وتكتبه حوله بحق جبريل وميكائيل وإسرافيل وعزرائيل عليهم السلام وبحق موسى بن عمران عليه الصلاة والسلام وبحق سيدنا محمد صلى الله عليه وسلم يقوم مذهب وجنوده ، ومرة وجنوده ، والأحمر وجنوده ، وبرقان وجنوده ، وشمهورش وجنوده ، وزوبعة وجنوده ، وميمون وجنوده بمعاونتى على قضاء حاجتى ، وذلك فى ورقة وتربطها على ذراعك الأيمن ثم تكتب ماتريد فانه ينجح لا محالة فاعلم :

جهت میل بمطالب باخوددارد

ومنها لتيسير المطالب ونوال الرغائب تكتب هذا الشكل وتحمله فانك ترى من أسرارة اللطائف والظرائف وهذه صورته كما ترى :

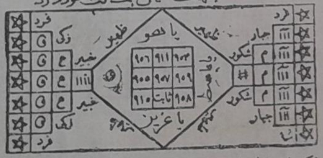

ومن كتب الدائرة الآتية وذكر اسم الجلالة عليها هكذا : هو الله ثلثمائة مرة وعشرا ثم قرأ الدعوة عليها إحدى وأربعين مرة وحملها نال جميع أغراضه من كل مايتصرف فيه بالدعوة الشريفة وسهلت له المطالب وأعطاه الله قوة عظيمة فى نفسه ، أهله وماله وانكشفت له أسرار الدعوة وما فيها من الكنوز وهذه صفتها كما ترى :

این نقش جهت برآمدن برکردن ۱۳۱۴ بار تمام واگر باخوددارد

حاجتها مفید است درودت جلاله یا الله را براین بخواند نیروی عظیم یابد .

acrshop

ق + س + ل + ن

نقش آیة الکرسی را هرکس با خود دارد انشاء الله از خطرات حفظ می‌شود

نقش گشایش کارها

ومن كتب الوفق الآتي في ورقة وكتب البيت على جوانبه الأربع وحمله نال كل كرناه . وإن علقه في محل التجارة ربحت وهذه صورته كما ترى . :

این خاتم را در محل تجارت آویزد زیاد بهره گیرد .

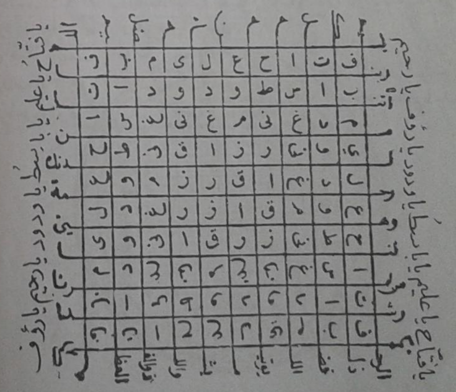

عنوان	صفحه
بخش ۱ فوائد جفر	۲
جفر ائمه اطهار	۳
۱۱۱ صفت حروف و انواع آن	۴
عناصر و موازین ششگانه	۶
بخش ۲ انواع بسائط	۶
بسط عددی بلفظی با ابدال	۷
بسط زُبُر و بینات	۸
انواع بسائط	۸
بخش ۳ تکسیر و قواعد آن	۹
راه رسیدن به اسم اعظم	۱۰
اثبات ولایت حق از حروف	۱۱
تکسیر تسخیر یا استنطاق	۱۲
گرفتن مداخل اربعه بدوراه	۱۲
اقسام مداخل وسیط و عددی	۱۳
استنطاق موازین استخراج	۱۴
موکلین حروف و طبایع حروف	۱۵
اسماء جلالیه و جمالیه	۱۶
جدول طبایع و تقسیمات و بروج	۱۷
اساس و نظیره چهار حالت	۱۷
طریق اخذ مستحصله حالات اربعه	۱۸
ترفّع و تنزّل و ترقّی حروف	۱۹
قائده در کشف سئوال	۲۰
قائده در تولید سطر سوم	۲۱
سطر پنجم تا نوزدهم	۲۲
جداول اسُوس و نظائر	۲۳
اخذ سطر یازده	۲۳
جدول دور اربعه	۲۴
پنج راه برای اخذ مطالب	۲۴

عنوان	صفحه
طرح دایره شش در شش	۲۵
دایره اَخستی و اَجهزی	۲۶
جدول استخراج قوا	۲۷
طریق اخذ سطر قوا	۲۸
راه اخذ سطر ۱۲ و حاصل	۲۹
سطر ۱۳ مستحصله	۳۰
حروف دوریه ششگانه	۳۰
نه دایره در دور کبیر	۳۱
طالب و مطلوب و قرین	۳۱
جدول عناصر و انسغ	۳۲
چند راه اخذ مستحصله	۳۲
عمل اخذ حروف مستحصله	۳۳
سطر ۱۵ پاسخ سئوال	۳۴
حروف مستنطقه و جفر جامع	۳۵
جدول اسوس و نظائر	۳۶
اقالیم و بیوتات جفر	۳۶
صفحات و جزوات جفر	۳۷
اذحال مطالب در خانه جفر	۳۸
راه استخراج مطلب	۳۹
لوح عدد بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم	۴۰
نمونه جفر امام جعفر صادق	۴۱
اخبار خراب شدن دنیا	۴۲
مطالب طلسمات و پرکردن آنها	۴۴
فوائد طلسم رحیم و بسم الله	۴۵
طلسم فتح و پیروزی	۴۶
طلسم و جدول توحید	۴۷
مغناطیس اکبر و اوقات مهمه لوح توحید و تقدیس	۴۹
[illegible]	۴۸

x روش صحیح

acrshop

فهرست مجمع العلوم در جفر

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
کتاب علم ستاره شناسی	۵۱	احجام کواکب سبعه	۹۰
بخش ۱ تفکر در هیئت	۵۳	معرفی مریخ و زحل	۹۱
عظمت آیات آفاقی	۵۴	**بخش ۹** گردش زمین قمر در عقرب	۹۲
درآسمانها چه می‌بینید	۵۵	استخراج قمر در عقرب	۹۳
بخش ۲ تعریف هیئت	۵۷	تعریف فلک حقیقی	۹۴
بخش ۳ اقسام علم هیئت	۵۸	**بخش ۱۰** تخریج شرف شمس	۹۶
غیب‌گویی و کشف مجهول	۵۹	خواص دوازده حرف	۹۷
نظریه اسلام و قدماء و متأخرین	۶۰	طبایع بروج به تعریف دیگر	۹۸
تشریح آسمانها از کلام مولا	۶۱	**بخش ۱۱** تحولات دوازده برج	۹۹
پاسخ به منکرین الهی	۶۲	خواص ساعات کواکب سبعه	۱۰۰
آسمانها محل سکونت است	۶۳	**بخش ۱۲** چندعمل درزحل ودرشمس	۱۰۲
خلقت آدم و نظریات حکماء	۶۴	گنج طالع شناسی همسری	۱۰۲
نظریه در حیات سیارات	۶۶	توافق بروج با هم و مختلف	۱۰۴
تعدیل در نجوم و افعال خمسه	۶۷	توافق ثور با بروج دیگر	۱۰۵
بخش ۴ منافع علم هیئت	۶۸	توافق جوزابا بروج دیگر	۱۰۶
دوازده منافع هیئت	۷۲	توافق سرطان با بروج	۱۰۷
بخش ۵ تعیین تواریخ از هیئت	۷۳	توافق اسد با بروج	۱۰۸
روز خلقت آسمانها	۷۴	توافق سنبله با بروج	۱۰۹
آشنایی با کواکب و ایام هفته	۷۵	توافق میزان با بروج	۱۱۰
آشنایی با تاریخ ساختمان زمین	۷۶	توافق طالع‌نامه با کواکب	۱۱۱
تعریف بروج و نجوم	۷۸	توافق کواکب با یکدیگر	۱۱۲
مواقع شرف و هبوط بروج	۷۹	علوم غریبه هیمیا لیمیا	۱۱۴
هبوط کواکب سبعه و شرف شمس	۸۰	عمل اکسیر و نمونه کیمیا	۱۱۶
بخش ۶ تعدد شمس	۸۱	قصهٔ خادمه و علم هیمیا	۱۱۷
بحث در کرویت زمین	۸۲	خطر در سود و زیان این علم	۱۱۸
بخش ۷ کیفیت اوضاع نجوم	۸۳	طلسم دیدن اکابر	۱۱۹
تعدد ماه و حال زهره	۸۴	اصول علم هیمیا و دفع شبهات	۱۲۰
بخش ۸ طبایع کواکب سبعه	۸۵	طی الارض و طیران	۱۲۳
تشریح پنج ستاره	۸۶	دفع شبهای ریاضت‌کشان و چندین مطلب	۱۲۵
بحث در گردش زمین	۸۸	**احتجاب از خلق** نامرئی شدن	۱۲۷
بحث در قطب زمین	۸۹	حفر بخت گشائی	۱۳۰

فهرست کتاب طب اسلامی

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
هفتاد دو فال و استخاره	۱۳۱	**بخش ۷** خواص گیاهان از طب‌الرضا	۱۶۸
تعریف طب اسلامی	۱۳۴	خواص آب باران	۱۶۹
بخش ۱ تشریح بدن تعریف گیاهان	۱۳۵	فوائد میوه‌ها و گیاهان	۱۷۰
تفکر در خلقت سر انسان	۱۳۷	فوائد آب لیمو و انگور	۱۷۱
شرح اعضاء بدن از دست و پا	۱۳۸	خواص زیتون و انار و بیدمشک	۱۷۲
دستگاه چشم و گوش	۱۳۹	خواص دانه‌های شفادار	۱۷۳
بخش ۲ تعریف روح و جسم	۱۴۰	سیر و سنبل و سنجد	۱۷۶
حکایت علی (ع) با دکتر	۱۴۱	جهت حبس بول و ورم کلیه	۱۷۸
داروهای مداوای روح	۱۴۲	**بخش ۸** چاره امراض خطیر	۱۸۱
نمونه‌ای از امراض روحی	۱۴۳	درمان اعصاب با گیاهان	۱۸۲
بخش ۳ وجوب حفظ بدن	۱۴۴	درمان امراض و اسهال	۱۸۳
کلمات علی (ع) در طب	۱۴۵	بادها و نفخ معده و بدن	۱۸۶
بهره‌گیری از نور خورشید	۱۴۶	چاره پریدن از خواب و بیخوابی	۱۷۸
دوری از امراض مسریه	۱۴۷	حبس بول و پرستات	۱۹۰
رعایت بهداشت اسلام از امام هشتم	۱۴۸	معالجه اعضاء و جوارح بدن	۱۹۱
بخش ۴ از خدا و قرآن شفا گیرید	۱۴۹	سرماخوردگی و زکام چاره غش	۱۹۲
درمان و شفا با قرآن	۱۵۰	سرطان و چاره آن	۱۹۴
شفا با دعا و صدقه	۱۵۲	سردردها و انواع آن	۱۹۵
زندگی سالم با ایمان	۱۵۳	معده و درمان دردهایش	۱۹۷
بخش ۵ از طبابت معصوم بهره‌برید	۱۵۳	ضررهای سوء هاضمه	۱۹۸
عسل و خرما و پنجاه دارو از پیغمبر	۱۵۴	چاره زخم معده	۱۹۹ مهم
خواص لبنیات و خواص میوه‌ها	۱۵۶	سل و چاره آن و سنگ مثانه	۲۰۳
خواص پنجاه چیز از پیمبر	۱۵۸	قوه باه و تقویت آن	۲۰۴
فوائد حجامت	۱۵۹	چند دستور جهت اولاد	۲۰۵
وقت حجامت	۱۶۰	خواستن اولاد با دعا	۲۰۶
دستور برای بیماران	۱۶۱	درمان قلب با گیاه	۲۰۸
طب الصادق (ع) و خواص اشیاء	۱۶۲	مرض قلب و قند و علاج آن	۲۱۰ مهم
چاره تب نوبه و حبس بول	۱۶۳	امراض کلیوی و دردهای دیگر	۲۱۲
دستورات جماع و ازدواج	۱۶۴	دوای کلیه و درد کمر و کرم معده	۲۱۳
بخش ۶ شناخت ویتامین غذاها	۱۶۵	لوح جفر و نبوت و تقویم	۲۱۶
غذاهای ناسازگار با هم	۱۶۸	مناجات ائمهٔ اطهار	۲۱۸

تقویم حزب حق سنه ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ھ ۱۳۵۸

جمهوری اسلامی ایران

در ترویج حقایق وقلع باطل همکاری کنید

وظیفه هر مسلمان ۱ بندگی خدا ترک گناه ۲ اصلاح نه فساد ۳ تعاون بر نیکی ۴ حق‌جوئی حق‌گوئی ۵ پیمان استوار ۶ حسن خلق ۷ حفظ اوقات نماز ۸ عدل واحسان ۹ صدق و صفا ۱۰ کتمان سر ۱۱ صبر واستقامت ۱۲ مواسات ۱۳ مخالفت نفس ۱۴ تولی و تبری

هفته	وقایع
۴ شنبه ۱	۲۲ تحویل سال نو باافق تهران روز چهار
۵ شنبه ۲	۲۳ شنبه ساعت ۸ و ۵۱ دقیقه و ۲۶ ثانیه
جمعه ۳	۲۴ صبح استرلاب مشهد ۲۰ دقیقه زودتر
شنبه ۴	۲۵ عقد عروسی
۱ شنبه ۵	۲۶
۲ شنبه ۶	۲۷ تحت الشعاع
۳ شنبه ۷	۲۸
۴ شنبه ۸	۲۹ خروج الشعاع

فان حزب الله هم الغالبون ... الا ان حزب الله هم المفلحون

[illegible]

اجراء احکام قرآن حزب حق

طراح سید محمد تقی مقدم

این اولین تقویم است که بنام جمهوری اسلامی در ایران منظم ومنتشر شد و تمام وقایع سال را منعکس و از آثار تاریخی مولف یادگاری است اما هزار حیف که احکام اسلام جاری نشد

احضار ملائک بقرأ حتی یحضر بخور فقط تکدر متشلهوة ورصیل وإیاه
کاموُنا فه لهود باوم اجب ایها الملک الاعظیم تشرتطائیل محق
هذه الاسماء التی خلقک الله من الهات نورها واحضر إلی مکان
هذا او احضر فلان الروح اسرع من البرق وکلمح البصر

مجرب

بسم الله الرحمن الرحیم

اسامی والقاب وکنیه واولاد چهارده معصوم علیهم السلام

مقام	نام	لقب	کنیه	نام پدر	نام مادر	تاریخ ولادت	مدت امامت	مدت عمر	تاریخ شهادت	قاتل	محل دفن	تعداد فرزندان
خاتم انبیاء	محمد	مصطفی	ابوالقاسم	عبدالله	آمنه	۱۷ ربیع الاول	نبوت ۲۳ سال	۶۳ سال	۲۸ صفر	زن یهودیه	مدینه	۳ پسر ۴ دختر
امام اول	علی	امیرالمومنین	ابوالحسن	ابوطالب	فاطمه	۱۳ رجب	۳۰ سال	۶۳ سال	۲۱ رمضان	ابن ملجم	نجف	۱۲ پسر ۱۶ دختر
معصوم سوم	فاطمه	زهراء	ام الائمه	محمد	خدیجه کبری	۲۰ جمادی الثانی	امام نیستند	۱۸ سال	۳ جمادی الثانی	قنفذ	مدینه	۳ پسر ۲ دختر
امام دوم	حسن	مجتبی	ابومحمد	علی	فاطمه	۱۵ رمضان	۱۰ سال	۴۷ سال	۲۸ صفر	جعده	بقیع	۸ پسر ۷ دختر
امام سوم	حسین	سیدالشهداء	ابوعبدالله	علی	فاطمه	۳ شعبان	۱۱ سال	۵۷ سال	۱۰ محرم	شمر	کربلاء	۴ پسر ۳ دختر
امام چهارم	علی	زین العابدین	ابومحمد	حسین	شهربانو	۱۵ جمادی الاولی	۳۵ سال	۵۷ سال	۲۵ محرم	هشام	بقیع	۱۱ پسر ۴ دختر
امام پنجم	محمد	باقر	ابوجعفر	علی	فاطمه	اول رجب	۱۹ سال	۵۷ سال	۷ ذیحجه	ابراهیم	بقیع	۵ پسر ۲ دختر
امام ششم	جعفر	صادق	ابوعبدالله	محمد	ام فروه	۱۷ ربیع الاول	۳۴ سال	۶۵ سال	۲۵ شوال	منصور	بقیع	۷ پسر ۳ دختر
امام هفتم	موسی	کاظم	ابوالحسن	جعفر	حمیده	۷ صفر	۳۵ سال	۵۵ سال	۲۵ رجب	هارون	کاظمین	۱۸ پسر ۱۹ دختر
امام هشتم	علی	رضا	ابوالحسن	موسی	نجمه	۱۱ ذیقعده	۲۰ سال	۵۵ سال	آخر صفر	مامون	طوس	۱ پسر ۱ دختر
امام نهم	محمد	تقی	ابوجعفر	علی	خیزران	۱۰ رجب	۱۷ سال	۲۵ سال	آخر ذیقعده	معتصم	کاظمین	۴ پسر ۷ دختر
امام دهم	علی	نقی	ابوالحسن	محمد	سمانه	۱۵ ذیحجه	۳۳ سال	۴۲ سال	۳ رجب	متوکل	سامرا	۴ پسر ۱ دختر
امام یازدهم	حسن	عسکری	ابومحمد	علی	حدیث	۸ ربیع الثانی	۶ سال	۲۸ سال	۸ ربیع الاول	معتمد	سامراء	۱ پسر
امام دوازدهم	م ح م د	مهدی	ابوالقاسم	حسن	نرجس	۱۵ شعبان	بسیار طولانی	اکنون آن بزرگوار زنده و از نظرها پنهان میباشد هر وقت خدا بخواهد ظهور میفرماید و دنیا را پر از عدل و داد میکند.				

acrshop

۷۸۶

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای سید محمد تقی مقدم زاده

[illegible]

[illegible]

معرفی چند کتاب دینی ۱ دستورات زندگی ۲ سرمایهٔ سعادت و نجات ۳ راهنمای بهشت پنج جلد ۴ معراج المومن ۵ وقایع عاشورا دو جلد
۶ کیفر کردار ده جلد ۷ مقام پدر و مادر ۸ برنامه دینی ۹ قواعد العربیه سه جلد ۱۰ ختوم و اذکار ۱۱ نغمه های مقدم ۱۲ تاریخ اسلام ده جلد

وقایع	ایام	اسفند	وقایع	ایام	بهمن	وقایع	ایام	دی	وقایع	ایام	آذر	وقایع	ایام	هفته
[illegible]														

غناء و نوازندگی و قمار، شطرنج و مالیات و عوارض و جرم و ربا و باز بودن روی بانوان و قضاوت
نسوان و فروش مجسمه ها و کمک بظالم و صرف بیت المال در لهویات ضد اسلام است

acrshop

قمر در عقرب ص ۹۳
دفع جنابت ← ص ۱۸۳
چاق شدن ص ۱۸۲
علاج لکنت زبان ص ۲۱۴
طالع بینی ازدواج ص ۸۱
دفع لکه سفید بر بدن ص ۱۲۳
فتح تمیت ص ۵۱

۷۸۶

رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا اِنْ نَسِينا اَوْ اَخْطَأْنا

تمثال نویسنده‌ی محترم

دنیا بمثل رباط و ما رهگذریم
از مالك و از رعیت وشاه‌و گدا

آینده‌و رفته جمله‌گی همسفریم
از مال جهان جز کفنی ما نبریم

تاریخ ۱۳۷۹ قمری هجری ۱۳۴۷ شمسی

acrshop

فهرست کتب انتشارات مقدم

بهترین ارمغان
دستورات زندگی از ولادت تا دفن
معراج مؤمن
در نمازهای دوران سال از واجب و مستحب
راهنمای بهشت در اصول دین و اخلاق حمیده ٥ جلد
سرمایه سعادت و نجات نشانه های پرهیزکاران
برنامه دینی ازاصول دین و فروع دین
حقوق والدین
در مقام پدر و مادر و ۸۰حق والدین
کیفر کردار (یا قانون مجازات)
درکیفرستمگران وعبرت زنیسان ۱۰جلد
کفایت الناطقین (سرمایه سخنوران)
در سیصد درس از اسلام ٦ جلد
مجمع الفضائل علی بن ابیطالب(ع) ٦جلد
مجمع الفضائل حضرت زهرا(س)
ارمغان غدیر
اثبات غدیروابطال ۷۰ مذهب
مقتل جامع
زندگی امام حسین (ع) در ۳ جلد
شمس ولایت
زندگانی امام هشتم(ع) یا زندگی امام نهم(ع)
مصلح حقیقی جهان امام زمان(عج)
جنگجویان حقیقی در تاریخ اسلام ۳جلد

شرح احادیث قدسی
جواهرالانبیاء و یکهزار گوهر علم ۲جلد
دیوان مقدم
در اشعار حکمت و پاسخ بمادی گران
نغمه های مقدم
در مدح و مراثی چهارده معصوم (ع)
هشت باغ بهشت اشعار با صد فال
تعلیم قواند عربی به شعر فارسی
قواندالعربیه و نحو کامل و آئین تعلیم و تربیت
جواهرالقرانه . تجوید لازم
صرف مقدم و علم الصرف
منطق یا ترازوی دانش
مقاصد الرمل و فالنامه مقدم
مشکل گشای مقدم
مناجات نامه مقدم و توبه نامه
ختوم و اذکار شفا و درمان ۲ جلد
خودآموز قرآن ۲ جلد
کودک آموز
فلسفه و حکمت با تشیع
مجمع العلوم درعلم حروف و جفرونجوم وطب اسلامی
سرگرمی و رفع خستگی یا هزار داستان ٤جلد
آداب الزیاره دارای ۷۰مطلب مفید
حج و دعا و زیارت (آداب الحرمین)
گنجهای عرش الهی با ختم سوره مبارک انعام

ISBN – ۹۶۴ – ۶۱۶۴ – ۰۴ – ۸ : شابک